

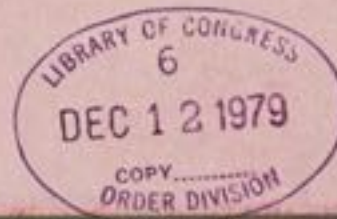
شنبه ۵ عقرب ۱۳۵۸

۲۷ اکتوبر ۱۹۷۹

A-P

77-938081

①



ون

لغات العالمیہ کتب خانہ

15521/0271yoo

Ketabton.com





حفيظ الله امين منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه خطاب به مشران، نمایندگان و اقوام منگل، توری و وزیر بیانیة عالمانه شانرا ایراد می نمایند.

اختصار وقایع مهم هفته

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان سومین و چهارمین اجلاس شورای انقلابی روز ۲۴ عقرب در قصر گلخانه خانه خلق در مزار شد.

در جلسه قبل از ظهر که در حوالی ساعت نه صبح آغاز شد ابتدا سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان پخش گردیده متعاقباً رفیق حفیظ الله امین اجندای اجلاس ۲۴ عقرب را به شورای انقلابی ارائه نمودند شورای انقلابی نخست روی تعدیل فقرات مندرج ماده یازدهم فرمان شماره سوم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان بصورت همه جانبه غور و بحث نموده و بعد از یک سلسله تعدیلات در فقرات مندرج ماده متذکره آنرا به اتفاق آراء تایید و تصویب کرد.

با قرائت پیام حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان که شام اول عقرب توسط خیال محمد کنوازی وزیر اطلاعات و کلتور از طریق رادیو و تلویزیون خلق افغانستان خوانده شد سی و چهارمین سالروز تاسیس

موسسه ملل متحد طی محافل خاصی در مرکز و ولایات کشور تجلیل گردید.

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان قبل از ظهر و بعد از ظهر اول عقرب در قصر گلخانه خانه خلق دایر گردید.

در جلسه قبل از ظهر شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان که از ساعت نه و نیم الی دوازده ظهر ادامه یافت ابتدا سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان پخش گردیده و متعاقباً رفیق حفیظ الله امین ورود اعضای جدید شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان را به شورای انقلابی خیر مقدم گفته و انتخاب آنها را قدم بزرگ در راه تکامل شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و استحکام بیشتر جمهوری دموکراتیک افغانستان ارزیابی نمودند.

سپس منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر، اعضای بوروی سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به بحث اعضای هیات رئیسه جلسات جاریه شورای انقلابی پیشنهاد کردند که به اتفاق آراء مورد تایید قرار گرفت.

بعداً حفیظ الله امین اجندای جلسات جاریه شورای انقلابی را قرائت نمودند و پیرامون

و قایف اساسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در ساحت انکشاف اقتصادی و اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان الی ۱۳۶۷ بیانیة مفصلی ایراد نموده و در زمینه مفصلاً روشنی انداختند.

با پیام رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر سی و چهارمین سالگرد تاسیس ملل متحد روز ۲۴ عقرب در سراسر کشور تجلیل گردید.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد از طرف حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر تلگرام تبریک به مناسبت سالگرد تاسیس موسسه ملل متحد و به مناسبت سالگرد میلاد امام علی (ع) که در تلگرام به تشریح مخابره شده است. در تلگرام اعتقاد صمیمانه خلق و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به اصول و مرامهای مندرج منشور ملل متحد تأیید گردیده است.

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان پلیتوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ساعت نه قبل از ظهر ۳۰ میزبان ۱۳۵۸ در قصر گلخانه خانه خلق دایر گردید. در آغاز جلسه سرود ملی جمهوری دموکراتیک

افغانستان پخش شده و بعداً رفیق امین پیشنهاد مبنی بر انتخاب اعضای بوروی سیاسی رابحیث هیات رئیسه پلیتوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طرح نمودند که با اتفاق آراء مورد تایید و تصویب کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان قرار گرفت.

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر شورای و زیران از ساعت چهار بعد از ظهر ۲۹ میزان تا ساعت هفت شب در خانه خلق جلسه نمود.

در آغاز مجلس رفیق حفیظ الله امین خاطرنشان ساختند که بخاطر طی مراحل قانونی پلان پنجساله انکشاف اقتصادی و اجتماعی ۱۳۵۸-۱۳۶۲ کشور ترتیبات خاص اتخاذ گردیده و پالیسی اقتصادی کشور در پلیتوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی مطرح خواهد شد و بعد از تصویب شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان پالیسی مذکور با یک روحیه جدید مورد عمل قرار خواهد گرفت.

به مناسبت نخستین سالگرد برافراشتن بیرق مللگون ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان، بزرگان و خلق شریف اقوام سالارزایی، ماموند، اتمانخیل، چارمنگ، صافی و شنوازی طی نامه بهترین تبریکات شانرا بحضور حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان و تمام خلق شریف افغانستان تقدیم نموده اند.



تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولو مری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان سومین و چارمین اجلاس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در قصر گلخانه خانه خلق برگزار شد

متن بیانیۀ رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر در پایان جلسات شورای انقلابی

رفقای عزیز!

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و خلق زحمتکش افغانستان بکار خستگی ناپذیر شما بخصوص که در طول دوروز اخیر تبارز دادید و از خود نشان دادید افتخار می کند و اطمینان کامل دارد که برهبری دولتی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان کشور محبوب ماسیر تکامل مطلوب را می بیناید و اهداف والای انقلاب نورحما تامین شدنی است و افتخارات بزرگی را برای زحمتکشان افغانستان و زحمتکشان جهان به بار می آورد.

روحیه عالی و وطنپرستانه را که در جریان مباحثات روی قوانین و دوی اولین پلان پنجساله جمهوری دموکراتیک افغانستان نشان دادید و آن به پیروزی های قطعی خلق افغانستان است همه ما می بالیم که جلسات دوروزه شما بهترین مثل نقش عالی رهبری شما از امور

دولتی افغانستان است، فضای دموکراتیک آزادی وسیعی که در صحبت هایی از آن مستفید شدید و مورد استفاده قرار دادید و عملاً سهمگیری تانرا در ترتیب تنظیم، تایید و تصویب تعداد قوانین و یکتعداد موافقتنامه ها با کشور های دوست و پلان پنجساله جمهوری دموکراتیک افغانستان نشان دادید دلالت بر کفایت قابل اعتماد شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان می کند که خلق افغانستان به رهبری شما بر سرنوشت خود مسلط هستند و خود زندگی خود را ترتیب و تنظیم می نمایند.

امیدوار هستیم که ازین حلقه بر افتخار شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان روحیه عالی برادری، کار دستجمعی همآهنگی و احساس گرم وطن پرستی به تمام افغانستان همچو منبع بر افتخار موجی که افغانستان را بصورت

سریع در حرکت تکه می کند به هر فرد افغانستان، به قلب هر فرد افغانستان و به ذهن هر فرد افغانستان برسد. سهمگیری شما در مناقشات و مباحثات روی قوانین، موافقتنامه ها و اولین پلان پنجساله جمهوری دموکراتیک افغانستان و نتایج رای گیری دوی تمام آنها بخوبی نشان میدهد که همه ما و شما بایک آرزو، با یک هدف بر افتخار با یک احساس وطنپرستی می گوئیم تا کشور محبوب خود را از تمام بدبختی ها و فلاکت های بقایای نظام فئودالی هر چه زودتر نجات بدهیم و هر چه سریع افتخار اعمار جامعه سو سیایستی را در افغانستان داشته باشیم.

افتخار داریم همانطوریکه هر فرد شما در جریان چندین ساله مبارزات طبقاتی خود به خلق خود وعده داده بودید که روزی خواهد رسید همچنان که از خلق بیرون آمده اید از خلق آموخته

اید بسویه دولتی نیز در خدمت خلق خود قرار خواهید گرفت امروز عملاً نشان دادیم که با چه صداکاری، با چه قربانی با چه زحمتکشی وعده های حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در عمل قرار میدهم و واقعاً در خدمت خلق زحمتکش خود قرار میدهم بر علاوه که اعضای بر افتخار ارگان پر افتخار رهبری دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان هستید هر کدام شما اعضای ارگانهای رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و کادرهای بر افتخار حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز می باشید.

یقین دارم که همه اعضای بر افتخار حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز اعمال و کردار شما را و کار خستگی ناپذیر شما را سرمشق قرار میدهند و در خدمت خلق خود طوری قرار می گیرند که اطمینان و اعتماد کامل به تمام زحمتکشان ما ایجاد میشود که لطفاً ورق بزنید

در عمل می بیند شعار مصونیت، قانونیت و عدالت در همین جلسه نیز می درخشند و در سراسر افغانستان مورد عمل قرار می گیرد.

شما در تمام مباحثات خود نشان دادید بحیث بهترین وطن پرستان افغانستان عزیزان ترنستانالستان کارگری هستید که منافع زحمتکشان تمام جهان را نیز در نظر دارید.

شما در کارهای خستگی ناپذیرتان علاوه اثبات رسانیدید که نه تنها زحمتکشان افغانستان را در نظر دارید بلکه لحظه نقش زحمتکشان افغانستان را در حفظ و دفاع از صلح منطقه و صلح جهان هم از نظر دور نداشته اید. نقش شما مایه افتخار زحمتکشان افغانستان است که با سر بلندی از قربانی های خود در برابر زحمتکشان سراسر جهان بخاطر دفاع از صلح جهان یاد کرده می توانند و همیشه در سنگر مبارزات ضد امپریالیزم، ضد ارتجاع ضد صهیونیسم و ضد اپارتاید و تبعیض نژادی قرار دارید.

موضع گیری طبقاتی شما در دوروز جلسات شورای انقلابی علامت نشان داد که جمهوری دموکراتیک افغانستان با افتخار و سر بلندی در پهلوی تمام کشور های صلح دوست جهان مقیم بر همه کشور های سوسیالیستی و در راس آن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با افتخار قرار دارد و افغانستان عزیز در پهلوی کشورهای برادر سوسیالیستی در راس آنها اتحاد شوروی برق سرخ صلح دوستی و صلح خواهی را بلند نگه می دارد.

در جریان صحبت های ما و شما بخصوص با ارتباط اولین پلان پنجساله جمهوری دموکراتیک افغانستان هم شما به نمایندگی از تمام زحمتکشان افغانستان مساعدت ها و همکاری های وسیع و عمیق اتحاد شوروی را به نظر قدر دیدید و آنرا بهترین نمونه دوستی و برادری بین خلقهای افغانستان و اتحاد شوروی شناختید.

از پنجاست که همه ما و شما بر حق می گوئیم که مناسبات دوستانه بین افغانستان و اتحاد شوروی و دفاع ازین دوستی پرافتخار بین خلقهای افغانستان و اتحاد شوروی امروز جزء وطنپرستی و وطنپرستان افغانستان گردیده است.

همچنان ما از مساعدت ها و روابط دوستانه تمام کشور های سوسیالیستی که از انقلاب پرافتخار نور پشتیبانی نموده اند و از مساعدت های ممکن دریغ

نکرده اند به نظر قدر می بینیم و از آن امتنان عمیق داریم.

ما همکاری های تمام کشور های دوست را که در انکشاف اقتصادی و اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان با خلق افغانستان، با جمهوری دموکراتیک افغانستان مساعدت می کنند بخوشی گرمی و دوستی استقبال می نماییم. شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان بحیث جزء پالیسی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان دوستی با پاکستان و ایران را جزء پالیسی خارجی خود قرار داده است.

ما صمیمانه علاقمند هستیم که در منطقه صلح برقرار باشد و مناسبات دوستانه بین افغانستان، ایران و پاکستان رشد و تکامل کند.

شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان انتظار دارد که به تعقیب سفر مشاور جلالتماب ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان در امور خارجی، باغلی آغاشاهی که به افغانستان صورت می گیرد رئیس جمهور پاکستان جلالتماب ضیاء الحق نیز هر چه زودتر به افغانستان خواهند آمد تا در افغانستان از طرف دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و خلق افغانستان با گرمی دوستانه استقبال

دفاع از صلح در منطقه ضد تمام دشمنان مشترک خود قرار دارند و از دوستان مشترک خود دفاع مینمایند. با اظهار این احساسات گرم برادرانه برادری به خلق های زحمتکش پاکستان و ایران نه می خواهم نا گفته بگذارم که خلق افغانستان احساس گرم دوستانه با خلق هند و رشد و تکامل روابط دوستانه بین افغانستان و جمهوری هند دارند.

ما معتقدیم که روابط دوستانه بین خلقهای افغانستان و هند آنقدر ریشه های تاریخی و پرافتخار دارد که هر حکومتی که در یکی ازین کشور ها به وجود می آید لاجرم به طور ضرورت از مناسبات دوستانه بین خلق های افغانستان و هند دفاع خواهند کرد و هر کسی مخالف این دوستی عنعنوی و تاریخی بین خلقهای افغانستان و هند قرار میگیرد نمیتواند تا دیر باقی بماند.

تاریخ را خلق میسازد قدرت نیرومند خلق است

ما در علاقمندی با حسن دوستی و همجواری با هند پاکستان و ایران با صراحت میگوئیم که با کشور چین نیز علاقمند دوستی میبایستیم و پالیسی بین المللی ما به صراحت معلوم است که تجارب پیش از شصت سال دوستی بین افغانستان و اتحاد شوروی و مساعده های فراوانی که خلق شوروی و دولت شوروی به افغانستان کرده و میکند نشان میدهد هر کی دشمن شوروی است دشمن ماست هر که دوست شوروی است دوست ماست. با وجود تمام این حقایق که به ارتباط موقف بین المللی جمهوری دموکراتیک افغانستان به عرض رسانیدیم.

شوند و مسافرت های آغا شاهی و جلالتماب ضیاء الحق به افغانستان قسم های شوری در راه انکشاف دوستی افغانستان و پاکستان خواهد بود و ما معتقد هستیم که دوستی بین افغانستان پاکستان و ایران به نفع برادران زحمتکش پاکستانی و ایرانی مانیز می باشد. ما یقین داریم همانگونه که خلق زحمتکش افغانستان دشمنان خلق زحمتکش ایران را دشمنان خود میدانند برادران زحمتکش پاکستانی ما و برادران زحمتکش ایرانی مانیز دشمنان خلق زحمتکش افغانستان را دشمنان خود دوستان خلق افغانستان را دوستان خود می پندارند.

خلقهای زحمتکش افغانستان و پاکستان و ایران بین خود برادر اند و با احساس و روحیه برادری و برابری در سنگر

جمهوری دموکراتیک افغانستان شدیدا علاقمند ادامه سیاست عدم انسلاک به سویه بین المللی است ما معتقد هستیم که نهضت عدم انسلاک به نفع صلح ضد امپریالیزم ضد استعمار و ضد اپارتاید و صهیونیسم مبارزه دارد و نقش مهمی را انجام میدهد.

وفا داری به عدم مداخله در امور یک دیگر در مناسبات بین المللی دفاع از صلح مبارزه سر سخت ضد امپریالیزم ضد استعمار ضد اپارتاید ضد صهیونیسم و تشابیه وسیع بین اهداف بین المللی و صلح خواهی کشور های سوسیالیستی و نهضت عدم انسلاک ما را به این معتقد میسازد که کشور های سوسیالیستی متحدین طبیعی نهضت عدم انسلاک اند که ما نیز علاقمندی شدید به نهضت عدم انسلاک داریم بخاطر وحدت بیشتر استحکام بیشتر و نیرومندی بیشتر آن با تمام قدرت و نیروی خود میگوئیم.

جمهوری دموکراتیک افغانستان با اینکه برای همیشه با امپریالیزم بریده است و ضد امپریالیزم مبارزه میکند و هیچگاه در پهلوی کشورهای استعماری قرار نخواهد گرفت و در پهلوی کشورهای سوسیالیستی همیشه قرار خواهد داشت و ضد استعمار و پالیسی های جنگ طلبانه مبارزه خواهد کرد و به سیاست عدم انسلاک وفا داری عمیق خواهد داشت از منشور ملل متحد نیز عمیقانه و وسیعاً پشتیبانی میکند.

یقین داریم که همه شما رفقای قهرمان این ارزشهای نیک مشترک خود را به تمام همکاران و کارکنان دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان میرسانید و تمام کارکنان و همکاران تانرا طوری رهنمایی و تربیه میکنید تا در این پالیسی های

بقیه در صفحه ۸



«تجلیل روز سوم عقرب از عنعنات پرافتخار مبارزات خلق
دایر و حزب قهرمان ما گردیده است.»
رفیق حفیظ الله امین

شنبه ۵ عقرب ۱۳۵۸ ، ۱۲۷ اکتوبر ۱۹۷۹



پیروزی انقلاب ثور آرمان شهدای سه عقرب را تحقق بخشید

متن بیانیه رئیس شورای انقلابی ولومیری
وزیر در پایان جلسات شورای انقلابی .

سوم عقرب روز نبرد و افتخار خلق .

سه عقرب ، روز حماسه آفرین .

دعوت در پیبه دانسانی لاری دپلویانو .
سریشندی اوویا و رخ .

اشترک ملل متحد در مبارزه جمهوری
دموکراتیک افغانستان علیه بسموادی .

طرح قانون اساسی بزرگترین وثیقه ملی
ج ، د ، ا .

یک داستان کوتاه ، یک مرد انتظار
میکشد .

ستراتژی سیاسی و نظامی انگلیس در
افغانستان .

وده هامطالب خواندنی دیگر .

شرح روی جلد

ستوری منگل هنرمند ورزیده راد یو
تلویزیون خلق افغانستان .

آل یحیی بلند نموده و مشعل فروزان
آن قربانیان راه آزادی را تابناک تر
و درخشان تر نگه داشتند و نهال آزادی را
که با خون شهدای آن ریشه خوانیده بود
با خونهای گرم و آتشین خود آبیاری و تنومند
ساختند، چنانکه سر بازی و شهادت عبدالقادر
قهرمان درسه عقرب ۱۳۵۱ توسط متحدین
چپ نمای امپریالیزم و پیروزی انقلاب ثور با
قربانی دادن شهدای آن ثبوت خوب این مدعای
ماست .

اکنون این روز پر غرور و افتخار آمیز
را در حالی تجلیل و بزرگداشت می نماییم
که پیروزی انقلاب ثور ارواح همه شهدا
و قربانیان راه آزادی را شاد و مسرور گردانیده
و در زوی مقدس شانرا که عبارت از آزادی
و وطن و نجات خلق افغانستان بوده به سر
رسانیده است .

ما در حالیکه بر خلق تاریخ ساز و شهید
افغانستان که هیچگاه در برابر دشمن به
کرنش و تضرع نه پرداخته و پایمردی و
شجاعت تمام در راه تأمین عدالت و نجات خلق
به پیش رفته اند شادباش میگوییم، بر روان
پاک شهدای سه عقرب و همه قربانیان راه آزادی
درود و بر قاتلان شان نفرین می فرستیم .

تابناک باد خاطره شهدای سه عقرب و همه
قربانیان راه نجات خلق ها .

جاودان باد مشعل فروزان راه آزادی .
پیروز باد مشعل داران این راه انسانیت
در سراسر جهان .

را هنوز هم انشاء نمود . بدین مفهوم که
در آرمان قانون اساسی نیم بند و قلابی
سلطنت ظاهر شاهی که آنهم جهت فرو-
نشاندن خشم خلق و فریب توده های عظیم
افغانستان به میان آمده بود ، و در لفظ به صراحت
تمام از ادی فکر و بیان ، اجتماعات و تظاهرات
مسالمت آمیز را مجاز دانسته بود ، خلق
افغانستان به استناد آن خواستند تا جریان
رای اعتماد شورای آنوقت را بر یکی از
حکومات دست نشانده درباری از نزدیک
مشاهده کنند ولی گنجهگار شناخته شدند
و به امر سردار مستبد و خونخوار (سردار
عبدالولی) توسط عمال ددبار زیر رگبار های
مسلحانه تانک ها و دیگر سلاح های گرم
گرفته شدند و جاده ها را به خون خلق
بیگناه و بی دفاع ماکه بجز از قلم و کاغذ در
دست نداشتند رنگین نمودند .

آن محکومان تاریخ می پنداشتند که این
عمل جنایتکار شان بدوام تسلط ننگین و غیر
انسانی شان می افزاید اما غافل بودند از آنکه
قطره های خون شهدای راه آزادی روزی به
سپیل خرو شانی مبدل میشود و بنیاد ظلم و
استبداد را از بیخ و بن نابود میسازد، و این
گفته شاعر عدالت پسند را هم بخاطر نداشتند
که :

«خون ناحق دست از دامان قاتل برنداشت
دیده باشی لکه های دامن قصاب را»
رامتی خون ناحق شهدای سه عقرب دست
از دامان قاتل بر نگرفت و خلق رزمنده
افغانستان بعد از آن همه ساله در همین روز
صدای اعتراض را بر ضد دولتهای خونخوار

این حقیقت که دودمان نادری استان بوس
در بار انگلیس بود ، زودتر هموطن مسا
روشن و آفتابست و واضح است که نادر غدار
باعهد و پیمان و شمشیر برهنه در کمر، توسط
انگلیسهای آزمند و جهاولگر جهت تاراج هستی
خلق و سر کوب نیرو های مترقی و وطنپرست
به افغانستان فرستاده و دستور داده شد تا
عناصر آزادیخواه و ضد استعمار را سر ببرد
و ندای آزادی را در گلوها بخشند!

چنانچه بعد از آنکه همین گودی کوکی
امپریالیزم به سریر سلطنت افغانستان تکیه
زد ، چراغ بدست در جستجوی وطنپرستان
افتاد و تا توانست کسی را سرزد ، کسی را به
جوبه دار بست و عده بی راهم روانه سیه چالها
و بانواع مصایب و شکنجه ها دست و گریبان
نمود .

به تعقیب آن اخلاف جنایتکارش که غلامی
و چاکر منشی راز اسلاف وطن فروش خود
بارت گرفته بودند خط مشی ننگین و جنایتکار
آنها را در آزار و کشتار اولاد راستین این کشور
چنان مو به مو عملی نمودند که ارواح خبیثه
نیاکان شانرا شاد و نفرین خلق را نثار آنها
نمودند .

یکی از این جنایات و گناهی نا بخشودنی
که لکه ننگین دیگری بر جبین خاندان نادری
کوید حادثه سه عقرب ۱۳۴۴ بود که بار
دیگر احساس وطنپرستی و آزادمندی خلق
افغانستان را در افطار جهانیان تثبیت و خصلت
اصلی و ضد انسانی دودمان تاریخ زده یحیی

تجارت

سوم عقرب روز نبرد و افتخار خلق

چهارده سال پیش از امروز در زمان زما مداری سیاه ظاهر شاه زمانیکه از تجاع سلطنتی و طبقات حاکمهی ارتجاعی در نتیجه ی میا رزات پیگیری قهر مانا نه و خستگی نا پذیر خلق افغانستان وادار به عقب نشینی های نمیی شدند و هکذا چون از تجاع و وقت به مشوره با دار های امیر یالیمتی خویش دوام حکمر وائی خود را در خطر می دیدند بشکل يك اکتدیلو- ماتیك ترکیب دولت و طرز اداره ی خود را ظاهرا تغییر دادند به این معنی که لویه- جرگه ای را احضار و قانون اساسی را دست زده و انتخابات قوه ی مقننه را براه انداختند .

خلق افغانستان واز همه او لئرو شنفکران مترقی می دانستند که این تلون روش برای بهبود خلق نه بلکه برای دوام زمامداری سیاه سلطنت و دیگر طبقات حاکمهی ارتجاعی اجرا می شود . ولی برای اینکه از هر امکانی برای آزادی و پیشرفت نهضت خلق استفاده نمایند با مبارزات خود بر طبقات حاکمه و سلطنت قفو دادا لسی فشار می آوردند تا بخوانست خلق تسن در دهند .

ولی بحکم علم مترقی و تجارب تاریخی همه میدانند که قانون و غیره اکت های دموکراسی ما با نه ی دولت های طبقاتی وارتجاعی کلمتا نیست بروی کاغذ و هرگز در عمل پیاده نمی شود . الیات کننده ی این ادعای ما رو پداد تاریخی سوم عقرب ۱۳۴۴ است .

قانون اساسی نام نهاد ظاهرا شاهی حاوی موادی بود که از آن می شد چنین استنباط نمود که دولت ارتجاعی اقتیاز- اتی را قایل شده اند و لسی در اولین قدم این استنباط جا به ی عمل نیو شید، بعد از آنکه اولین شورای قلابی آندوره تشکیل گردید و حکومت موظف جهت اخذ رای اعتماد بهشورا رفت روشنفکران و سایر افراد وطن خواستار آن شدند تا ایسن جلسه (جلسه ی اخذ رای اعتماد حکومت وقت) بشکل علنی دایر شود تا خلق از چگونگی موضوع آگاه می یا بنند ولی قبل از آنکه این خواست به بوته ی آزما ییش گذاشته شود انقلابیون مترقی بخلق باز موکرده بودند که قانون و سایر تعهدات دولت های ارتجاعی واز جمله دولت ارتجاعی ظاهر شاه صرفی برای حفظ منافع خود شان است و گر خلق بخواهد از آن به نفع خود استفاده نما بند ارتجاع

سلطنتی با همه قوا از آن معانعت خواهد کرد .

روشنفکران و سایر علاقمندان در اطراف مقر شو را جهت استماع و مشاهد می رای اعتماد هجوم آوردند و لی عمان دولت از ترس آنکه میا دا و کلای شو رای طبقاتی تحت تاثیر حضور خلق و موجودیت روشنفکر- ان در تالار شو را هیجانی شوند و خلاف دما تیر و فرمایشات شان عمل نما بند

از علنی بودن این جریان با اعمال زور وقوه ممانعت بعمل آوردند و یکبار دیگر در عمل ثابت ساختند که ارتجاع و طبقات حاکمهی ارتجاعی هرگز به چیزی که می گویند وفا نمی کنند . مرا جعیسن که در اطراف مقر شورا تجمع نموده بودند

توسط یو لیس و سایر عمال دولتی متفرق ساخته شدند و لی ارتجاع وحشی بیخبر از آن بود که تقریبا يك سال قبل از آنروز خلق افغانستان برای نجات کامل خود از پنجه ی استعمار و استثمار ، مگردان ییش آهنگ خود حزب دموکراتیک خلق افغانستان (پیش آهنگ طبقه ی کارگر کشور) را تشکیل داده بودند و این گردان ییش آهنگ بشابه مغز متفکر و رهبری خلق همه اعمال انقلابی ووطن پرستانه ی آنها را تنظیم می نمود و هر اقدام خلق را در مسیر نهضت عمومی و مبارزه ی طبقاتی علیه استثمارگران و استثمارگران سوقی می دادند .

آری جنبش مختصری که صبح سوم عقرب برای يك خواست محدود یعنی آمدن بود به يك جنبش عمومی و سرا سر ی خلق علیه ارتجاع تبدیل شد و از يك خواست محدود (علنی بودن جلسات رای اعتماد بحکومت موظف آنوقت) به جنبش عظیم ضد سلطنتی و ضد قفو دالیزم تبدیل شد . در راه این همه فعالیت های مترقی و انقلابی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و فعالین آن قرار داشت .

آری جنبش شکل سرا سر ی بخود گرفت و ارتجاع سلطنتی به تکاپو افتاد . در عکس العمل های ظاهری رژیم در وهله ی اول و در نیمه ی روز تا نك های ارتجاع با انداختن به های اشك آورو ما نور های رنگا رنگ خواستو وطن پرستان را هرا نماد و منتت سازد ولی رزمندگان راه آزادی خلق تصمیم گرفته بودند که هر چه بیشتر ما هبت

واقعی ارتجاع سلطنتی و طبقات حاکمهی ارتجاعی را بخلق بر ملا سازند از لبرو از عمل با زنه ایستادند و پیش رفتند . در پنجایک نکتهی مهم دیگر نیز قابل تذکر است و آن اینکه دولت ارتجاعی ضمن این تظاهرات (تظاهرات سوم عقرب با شکوه ترین دموکراسیون خلق در طول سلطنت ظاهر شاه بود البته قبل از آن نیز عکس العمل های از طرف خلق تبارز داده شده بود)

اجت های خود را موظف نموده بود تسا در پهلوی اخلال تظاهرات معلوم نما بد که پیگیری ترین و موثر ترین عنا صر درین مبارزه کی ها هستند و یقینا نوکران دربار ، حزب دموکراتیک خلق افغانستان را آتش نا پذیر ترین دشمن ارتجاع سلطنتی و قفو دالیزم قلمداد کردند زیرا بعد از ختم تظاهرات سوم عقرب در سائر عکس العمل ها و اقدامات دولت محور ضربات دولت وارتجاع قفا لین و نطافان این حزب انقلابی قرار داشت .

چون دولت ارتجاعی ظاهرا شاهی و سائر عمال در بار در وجود حزب دمو- کراتیک خلق گور کن های واقعی خود را می دیدند لذا به کمک و مشوره ی امیر- یالیزم و ارتجاع منطقه همه ضربات خود را متوجه حزب دموکراتیک خلق افغانستان ساخت و هر گونا گوی توطئه و دسیسه را علیه آن بکار انداخت . چه این حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود که موثر ترین یس پیگیری ترین مبارزات ضد ارتجاع و امیر یا لیزم را می انداختند .

بعد از آنکه جنبش سوم عقرب ۱۳۴۴ ادامه پیدا کرد دولت ارتجاعی عا سخت سرا سیمه و وار خطا شد ، و شروع به اقدامات جدی تر نمود و لی ارتجاع گو دن و کوتاه فکر نمیدانست که هر قدر بر عنا صر مترقی ووطن پرست فشار وارد شود همانقدر مشکل می شوند و به همان پیمان نه دست به اقدامات ضد ارتجاعی می زنند و هم چنان از تجاع خیره سر نشا یج اعمال زور خود در ساعات اول روز نتیجه ی درست گرفته نتوانست چه آن خواست های محدود (علنی بودن جلسه ی رای اعتماد) در اثر مداخله یولیس سلطنتی وارتجاع به خواست عمده تر و شعار های وسیع تر ضد سلطنت و ضد قفو دالیزم و امیر- یالیزم تبدیل گشت .

بهر صورت زما نیکه از تجاع خود را در خطر بیند به هراقدامی دون صفتانه دست می زند از نیرو ظاهر شاه بر ای پا شان ساختن نهضت اوج گیرنده ی سوم عقرب ۱۳۴۴ با همرا هان و همدستان در باری داخل مشوره شد و سفاک ترین ، بی سویه ترین و فاشیست ماب ترین عنصر دربار و نژد یکتا رین عنصر به خود یعنی سر دار- عبد الوالی که در آنوقت علاوه از دامادی و پسر عمو بودن شاه سمت قوما ندانی قول اردوی مرکزی را نیز بر عهده داشت مامور سرکوبی این جنبش نمود .

سر دار و حشی و ستم کش در آخرین ساعات روز سوم عقرب ۱۳۴۴ در حالیکه بر ما شین جنگی تکیه زده بود به نوکران

چا کران امر آتش بر خلق را صادر نمود ظاهرا این واقعه در حالی رخداد که کارگران ، دهقانان ، اهل کسبه و روشنفکران مترقی و انقلابی و غیره اشتراک کنندگان تظاهرات سوم عقرب اصرار داشتند تا رفقای همزمن شان که در طول روز از طرف یولیس ارتجاع زندانی شده بودند رها داده شوند ولی جواب این خواست عادلانه ی خلق گلوله های کشنده و وحشیانه ما شین های جنگی ارتجاع بود که عده ای زیادی را بگال و خون غلطانند و سر دار- جبار این زاندارم درجه يك دربار ظاهر- شاهی بزعم خود چنین می اندیشید که با این کار سفاکانه و ناشیانه ی خود نهضت را برای ابد ختم خواهد کرد ؟ ولی در طول تاریخ چنین بوده و کارنامه ی حما سه آفرین خلقها شهادت می دهد که حقیقت رانمی شود کشت و نهضت را نمی توان خفه کرد اگر چه غافلین و فعالین آنرا بزنجیر بکشند ، بدار بیاور- یزند ، به گلوله بزند و ...

بیا داریم که در همان گورو دار زرد خورده خلق با ارتجاع و در حالیکه خون های عده ای زیادی از قهر مانان روی سر لهای اسفالت و گوجه هارا رنگین ساخته بود صدا ها می بلند بود که می گشت این خون ها هرگز پدید نخواهند رفت از همین خون ها ست که بیرق خلق مسا رنگ خواهد گرفت از همین خون ها ست که روی خلق ما سرخ و شادمان خواهد شد آری چنین شد .

نهضت سوم عقرب را می توان سر آغاز جنبش های قاطع ضد قفو دالی و ضد سلطنتی دانست چه از همان تاریخ به بعد خلق افغانستان مصممانه در راه آزادی و شکستن زنجیر های استبداد و ارتجاع و امیر یا لیزم بشکل خستگی نا پذیر پو یا شدند و هرگز از پانه نشستند . زیرا بر خلاف گذشته درین وقت خلق افغانستان گردان ییش آهنگ و سر سپرده ای نیز در خدمت داشتند (حزب دموکراتیک خلق افغانستان) و همه جنبش ها و نهضت ها و مبارزات خلق توسط این گردان در موثر ترین و اصولی ترین راه سوق داده می شد .

از آنروز تا پیر و زی انقلاب شور در پهلوی سا پر مبارزات خلق افغانستان همه ساله روز سوم عقرب را با براه انداختن تظاهرات و برگزاری میتنگ ها و جلسات اعتراضی آمیز بر گذار کرده اند . ولی ارتجاع سلطنتی نیز بیکار نه نشست و ساحه ی توطئه و دسیسه ی خود را وسیع و وسیع تر ساخته بود و برای انجام دسیس و توطئه ها علاوه از قسوت دولتی متحدین د یگری را نیز به میدان آورده بود که متحدین چپ نمای امیر- یالیزم و ارتجاع افرای راست در راه آنها قرار داشت چنانچه در طی تظاهرات خلق سراسر افغانستان در روز سوم عقرب هر سال حوادث دلخراش دیگری نیز بوقوع پیوسته و دامغی ننگی دیگری



مرحوم عبدالقادر شهید که توسط متحدین چپ
نمایی امیربالموم در ۳۰ عقرب ۱۳۵۱ در هرات
به شهادت رسید .

۳۰ عقرب

روز حماسه آفرین

گور خونین شهیدان به نو آواز دهد
آتش را که فروزان شده خاموش مکن
ماه هوای وفای تو گزشتیم از جان
دوستان را میر از یاد فراموش مکن

می توانند روحیه انقلابی ها و رزمندگان راه
آزادی را ضعیف نمایند زهی خیال باطل و
افکار پریشان . آنان نمی دانستند که جریان
دریا وار ملت هارا نمی توان سد کرد این
شهیدان تاریخ و پاسداران سیاهی و ظلمت با
پندار های طاعون زده و بی بنیاد و احمقانه
حتی می پنداشتند که گل مبارزه را پخش کنند
و آتش را که فروزان شده بود خاموش کنند.
آنان که انقلاب نور نتیجه ی جانبازی های
شان، لداکاری ها و شهادت های شان است
روحیه ایمان و مبارزه را هرگز و هیچگاه از
دست ندادند . از دشواری ها ، از فضای
اختناق و ترور و دام ها و دامنه های که دشمن
می افشاند هراس نکردند و بی اعتنا ماندند.
صفوف مبارزه را هرچه فشرده تر و منظم تر
می کردند تا این کاروان رابه سر منزل
برسانند و دیوار سیاه استبداد و بستیگان
ظلمت را و پاسداران دنیای کهن ، اهریمنان
و نابکاران را فرویزند و پرویزانه های آن دنیایی
دیگر بسازند .

شهیدان گل کفن فاجعه ی ۳۰ عقرب به راه
پیمایان اندیشه های نوین درس بزرگ دادند،
پویندگان راه حقیقت از شکست های موقتی
هراسناک نگردیدند و دست از پیکار انقلابی
و آرمان های انسانی شان نبرنداشتند و
خواندند که :

بار دیگر به جنگ تو خیزد قبیله ام
راضی مشو به فتح خود واز شکست ما
آنان پیروزی خود را باور داشتند .
شهیدان روز خونین سه عقرب آن فرزندان
کوهستان ها آن عقابان دور پرواز واز جان
گرفته، درفش سرخ مبارزه را تا پای جان
برفوش داشتند .

و امروز است که سه عقرب رابه پاس آن
بایمردی ها، آن دلآوری ها و شهادت هارو
فراموش ناشدنی و بزرگ می نامیم .

آن دل سوختگان و عاشقان راه رهایی انسان
پیمان انقلاب را باخون سرخ خویش امضا
کردند و به این سان یاد آن راد مردان را
گرامی می داریم ، کاش آن قهرمانان زنده
می ماندند و اهتزاز درفش سرخ کارگری را
در فضای میهن آزاد خویش می دیدند .
و می دیدند که کشور شان دیگر از اسارت
ها آزاد است ، غول سرمایه و فئودالیسم
به زانو نشسته و دیو استبداد نابود گردیده
است و همزمان انقلابی شان با ایمان و با
شهادت و تقوای انقلابی به سوی جامعه ی رها
از استثمار انسان از انسان در حرکت اند
و در ویرانه های کاخ های سرنگون شده
استبداد ، بنیادی دایی می ریزند که از بساد
و باران گزند نیابد و لاش های مذبوحانه
دشمنان نیز نمی تواند به جایی برسد . چه
حقیقت پیروز است . و اهریمن مقبور اهورا،
دانایی بر نادانی ، روشنایی بر تاریکی، نور
کهن پیروز می گردد و این قانون تغییرناپذیر
دیالکتیک تاریخ است و از آن گسریزی
نیست .

شگوفان و سرخ باد گل یاد شهیدان خونین
کفن روز سه عقرب .

از وسوسه فروختگان گردونه ی تاریخ را
تلاش های مذبوحانه ی بی هنری چند که
چشم طمع باز کرده اند و کاسه ی گدایی
در دست گرفته اند و شکم خویش را مانند
آن زاغ پلشت که سه صد سال به پستی و
خواری عمر گذراند و شکم از گند و مردار
آگند نه می تواند از حرکت باز دارد و نه
می تواند سمت حرکت آن را تغییر دهد .
تاریخ فر زندان راستین خود را هرگز
فراموش نمی کند .

و چنین بود که انقلاب نور برای همیشه
تاجاودان تا پیکران کیش سالاری و سرداری
را نابود کرد واز میانه برداشت . بعد ازین
افتخار بر خلق است ، بر سپاهیان گمنام،
بر فاتحان واقعی تاریخ ، بر رنجبران، زحمت
کشان و بر کسانی که از خون آنان درخت
آزادی و انقلاب آبیاری شد .

روزخونین ۳۰ عقرب در تاریخ نوین میهن
ما صفحه ای در خشان است که در طی آن
گروهی از جوانان وطن پرست ماکه راه
شرافتمندانه مبارزه را پذیرا گفته بودند
جان خود را از دست دادند وستم کیشان و
جباران وژاندارم دوران سلطنت فاسد ظاهرشاه
و درراس آنها دیوانه ی تاریخ آن جلاد
خونخوار، آن تشنه ی خون وطن پرستان و
انقلابی ها، آن شاگرد مکتب یداد و سولینی
ها ماکیاوول ها و هتلر ها سردار جنرال (۱)
عبدلولی بر صفوف دلبستگان آزادی انسان
برپویندگان راه حقیقت و اندیشه های مرفی
و انسان های آگاه ، روشنفکران، محصلان،
انقلابی های واقعی در روز سه عقرب ۱۳۴۴
یورش بردند و در ساحه ی مقدس پوهنتون
برناموس و شرافت فرزندان دانشجو که
سنگری به جز قلم، تجاوز کردند و با این عمل که
به جز قلم، تجاوز کردند و با این عمل که
نگی در دامان خویش در تاریخ گذاشتند.
و با این پندار احمقانه و بی پایه که با اینکار

کوهستان بستگی به تخم های من دارد به
سعادت خود پشت یازد و با پسرک کاکایش
عروسی نکرد، قربانی را پذیرفت و به خوشبختی
آیندگان اندیشید .

« می خواهم مرانچینی تانم هایم راهمه
جا میباشیم و تبه هارا باز پر از لاله کنم »
و بدینسان است که کشور ها در تاریخ خود
روز هایی دارند، ملی، روزهای افتخار آفرین
و بزرگ و این روزها در شمار روز های عادی
نمی آیند، روزهایی اند برجسته که با خط
جلی و درشت در سینه ی تاریخ نوشته شده اند،
و تائیدی از پیروزی انقلاب نور، در کشور ما
از روز هایی کذایی تجلیل می نمودند . از
روزهایی که مستبدان و سبهاکاران آنرا به
سود خویش تفسیر و توجیه می نمودند و دودمان
تاریخ زده ای نادری که با بیشرمی از روند
تکامل اجتماعی می خواستند جلوگیری نمایند
و پویایی و حرکت انسان ها را ۱ سد نمایند
که برای ملت ما و خلق های ماهیج اختاری
نداشت آنان به ناحق واز روی ربا و فروغ
خود را فاتح کابل و فاتح تل و میوند مینامیدند،
این بی خردان نمی دانستند که افراد فاتحان
نیستند ، فاتحان واقعی تاریخ خلق اند و
کابل را کسی فتح نکرده و همچنان میوند و تل
را ۱ مگر آن سر بازان گمنام که با خون سرخ
خود کوهساران را رنگین کردند و صدای
تنگتنگ های شان در کوچه و بازار غسرید .
فاتحان تاریخ خلق اند، ملت ها، سربازی های
گمنام ، به فلان ، این فلان، نه سرداران و
سلا ران و پیوج اندیشان و یا و ه سراسر ایسان
شان که تاریخ نگاران جیره خوار باشند .

تاریخ نویسان بی مسؤولیت و اجیر که به
بلند گویان بی اراده ی در بار ها تبدیل
شده بودند و همچنان شاعران و دست به قلمان
آزمند همیشه تاریخ میهن ما رابه سود طبقات
ستمگر و حاکم تفسیر کرده اند . شرمشان
باد زهنگامه ی رسوایی شان . این مناع شرف

راه مبارزه راهی است دشوار گلر و پرخطر،
و نیازمند از خود گذری ها، قربانی ها و
پذیرفتن شکست ها، نا امید نگشتن به راه
پیمایی ، ادامه دادن و در سر انجام رسیدن،

از قطره می آغاز کردند و پیوستن به دوریا
و خود دریا شدن . تردید را، دودلی را در راه
رسیدن به آرمان های انسانی و ساختن دنیایی
دیگر، در فرهنگ گرانبار ما ، اندیشمندان
گذشته ی مانقی کرده اند . عطار آن عارف
دل سوخته ، آن عاشق ترین شاعران دولت
صد سال پیش ازین گفته بود :

گر مرد رهی میان خون باید رفت
از پای فتنه سرنگون باید رفت
تو پای در راه درنه و هیچ عسر
خود راه بگویدت که چون باید رفت

باری، مبارزه همیشه قربانی می طلبد ،
مردان میدان می خواهد، گردان پیششار ،
دلآوران صف شکن . انقلاب مجلس عروسی
نیز نیست عملی است خشونت بار که طبقه ای
را از میان برمی دارد و طبقه ای دیگر را با
نهاد هایی کاملاً متفاوت به میان می آورد که
نیروی بالندگی ، باروی و سرشاری فراوان
دارد، انقلاب نور درختی نیست که در یک
شب قامت افراخته باشد، ریشه های ایسن
تناور درخت در میان توده ها بود و برگ
هایش از خون فرزندان راستین این آب و
خاک سیراب گشته ، از خون شهیدان ۳۰ عقرب.
که مانند آن گل لاله که در قصه های صمد
بهرنگی آمده و دختری پودبه صورت گل ،
به پسر کاکایش که آمده بود تا او را بچیند
و با او عروسی کند، گفت :

چون بقای لاله های سرخ سال های آینده ی

د عقرب در يمه د انساني لاری

د پلویانو د سر بنېدنې، او ویاړ وړخ

که د ټولنیز تکامل د تاریخ پامی په غور سره واوړو، نوو په گوروچی د ټولنیز تکامل په هر پړاو کې انسانانو د ظلم، بی عدالتی، محکومیت استبداد او بالاخره له استثمار څخه خلاصون او عدالت او خپلواکۍ د نامین له پاره داسې مبارزې او سر بنېدنې کړې دي چې هغه تل د خپلواکۍ او د انسانیت د لاری د پلویانو له پاره سر مشق و اووی به .

کله چې به بشری ټولنوکې د خصوصي مالکیت موضوع رامنځ ته کېږي او دهغې په نتیجه کې به ټولنه کې شتمن او نیمشتمن را پیدا کېږي نو ورسره ټولنه په دوو متخاصمو طبقو (حاکم او محکوم) ویشل کېږي نو حاکمې طبقې د خپل تسلط او لاس پری ددوا له پاره هر راز وسایل په کار اچوي او حتی د خپلو ناوړه او شومو گټو د نامین له پاره له هېڅ ډول غیر انساني عمل، انسان وژنې او نورو څخه ډډه نه کوي . چې ددغې خبرې څرگند ثبوت د مر ټوب دوران ته په یوه کتنه رامنځته کېږي . خود ارتجاع او حاکمه طبقو د ظلمونو تېریو او استبداد په وړاندې محکومه طبقه (د ټولنې اکثریت پر گڼی) هم لاس نرزي ندی کښېناستلی او تل یې ددغو غیر انساني تېریو او ظلمونو په خلاف د مبارزې غږ پورته کړی او له سړې جگړې څخه نیولی بیا له طبقاتي او یا استعماري دښمن سره د جگړې په تاوده د ډگر کسۍ جنگیدلي او د خپلو سر بنېدنو په نتیجه کې د خوت ارتجاع په گوندو کړي او خپلواکۍ یې گټلې، او که کله ناکله د پراگنو قیامونه له ماتي سره مخامخ شوي هم دي، خو بیا یې هم د راتلونکو بریالیتوبونو له پاره لاره اواره کړېده .

حاکمه طبقو و باندورو د خپلو د لاندې کولو مینه والو استعماري قدرتونو تل د اهاڅه او هاند کړېدی چې خپل دښمن په هره ممکنه وسیله چې په لاس کې یې لري له منځه یوسي . عام قتلونه یې کړي، انفرادي وژلې کړي، کورونه یې سوځولي، د مورنو په وړاندې یې د خپلواکۍ د انساني لاری د پټنگانو پر ناموسونو تېری کړي، راز راز ناوړه او غیر انساني اعمال یې کړيدي، تر څو په پراگنو کې د خپلواکۍ غوښتنې او له استثمار څخه خلاصون له پاره د مبارزې روحیه مړه او یا کمزوري کړي، خو هغه څوک چې د انساني عالي مرام له پاره مبارزه کوي هغه ته بیا د خپل مرام او مفکورې په لاره کې د سر اومال قربانول ویاړدی نه دا چې له سر بنېدنې څخه وپارشي .

تاریخ په خپله سینه کې د انساني لاری د داسې سر بنېدنو لیک کسې راغلولی چې اوس هم دهغې په اوږدو سره د پراگنو او خلکو د خلاصون او د امپریالیزم او ارتجاع د له منځه وړلو د لاری د مبارزې روحیه پیاوړې کوي او هغه سر بنېدنې چې د خوت له زورگیر طاقت سره یې په ډگرو وهلوې کړېده د بشریت د ژغورونې د لاری د پلویانو ویاړمنې .

د خوت یو استعماري یرغلگر د نورو د خپلو د نیولو په لړ کې د خپل تېری او تجاوز یو مخالف سرتېری چې د خپلې خاورې د ناموس څخه د دفاع او خپلواکۍ له پاره جنگیده ژوندی و نیو او ددغه لومړي استعماري طاقت د یرغلگرو مشر ته یې بوت هغه امر وکړ، چې لاس یې ځینې پری کړي، خو کله چې دهغه ځیرونکي لېوه امر پر ځای شو و ډیر هېواد او خاورې مین انسان یو لاس غوڅ شو، نو په بل لاس یې خپلې وینې راوخیستې او پر خپل مخ یې پورې کړې . په دغه وخت کې له دغه قهرمان مبارز څخه ددی کار دعلت پوښتنه وشوه . هغه په ډیرو ویاړ اوسر لوړې سره ورته وویل : خپلې سړې وینې مې څکې پر خپل مخ پورې کړې چې نه غواړم زما دښمن د مرګ په وخت کې هم زما د تګ ډیر وګورې . ددی د انسانیت او ډیر خپلواکۍ مینو انسانانو د عقیدې پوځوالی او سر بنېدنې چې په کومه لاره چې د خلکو او خاورې د ژغورنې له پاره مبارزه پیل کړي نو بیا په دغه لاره کې له سر بنېدنې او قربانۍ څخه ډډه نه کوي . که نه نومرګ په هر حال کې بد او خراب دی په تیره بیا دهغو کسانو له پاره چې د عقیدې څښتن وي او زړونه یې په راتلونکې باندې، په روښانه راتلونکې باندې له امید څخه ډک دي . خو ژوند یې پاتې کیدل هم په هریه اوهر شرط سره د انسانانو وړندی . څکه هېڅکله باید دهغې لاره منفي نکرې . که چیرې ژوند یې پاتې کیدل د حیثیت د لاسه ورکولو د پستی په قبولولو له عزت او آبرو څخه د تیریدلو او په سیاسي او اجتماعي عقیدې باندې پشوايښت د لویې شرايطو نو مرګ سل ځله پر دغه راز ژوند باندې شرف لري .

د قهرمان افغانستان د ویاړلي تاریخ سره باوړنه ددی شاهدی ورکوي چې افغانانو هېڅکله د ډیر ديو تسلط او یا د ډیر ديو د لاس پوځواوتالي څخه واکمنۍ ته غاړه نه ده ایښې او تل یې د وطن د ژغورنې نجات او دموکراسۍ په لاره کې نه ستړې کیدونکې مبارزې کړې او نه هیریدونکې قربانۍ یې ورکړې دي . ددی لرغونی او ویاړلی ټاټوبي غر اوسمه، دره او دښته او هسره تړه او ډیسره ددی حماسه هستونکو افغانانو د کارنامو شهادت ورکوي چې څرنگه یې د تاریخ په هر موږ کې د جابرو او یرغلگرو څوله وړ ماته کړې او ټیټ سر او زړورتګ یې شوی دی .

سه ده چې قهرمانو افغانانو د لومړي ځل له پاره داسیا په زړه کې د یرتګي استعماري یرغلگر شمله ټیټه کړه او د ختوري یې له خپلې خاورې څخه وشاوه او خپلواکۍ یې وگټله خو استعمار خپل لاس پوځي (غداران) د خپل مکارانه سیاست په نتیجه کې بیا په بل رنگ د افغانستان پر خلکو تحمیل کړ . غدار نادر او دهغه اولاد دی پخپل واد

سره هغه نومیالي او هیواد پالونکي قهرمانان چې د خپلې خاورې او خلکو سره یې مینه درلوده په راز راز دسیسو او توطیو ترسور کړل له منځه یې یووړل او نورو کوټو ته یې واچول خو قهرمان افغانان ددی خپلواکۍ خاورې سر لویې غربتان د خپلې سپېڅلې خاورې پر سینه باندې نه د امپریالیزم او ارتجاع توره پښه پریریدې او نه د امپریالیزم د ګوډاګیانو کرغیږنه پښه .

هغه و چې د یحیی داولادی دواکمنۍ د رانسکورولو له پاره اصولي ډله ییزه مبارزه پیل شوه او د افغانستان د خلکو دموکراتیک گوند (دهیواد د کارگری طبقې مخکښ) جوړ شو چې د کارگری طبقې دوران جوړونکې ایدېالوژۍ یې د خپلې مبارزې د لاری بدل مثال وگرځاوه او ددغه ځلانده مثال په رڼا کې خپله طبقاتي مبارزه د زیار ایستونکي انسان د ژغورنې له پاره پرمخ بیوله او له یوې ورځې نه یې بلې ته یوځوالی پیدا کړ او آبدیده کیده .

د افغانستان د خلکو دموکراتیک گوند پدې ټکي پوره باور درلود چې د دموکراسۍ له پاره مبارزه د سوسیالیزم له پاره له مبارزې سره ژور او نه بیلیدونکې اړیکې لري نو ددهغه اصل په پام کې نیولو سره یې د خلکو د دموکراتیکو حقوقو او آزادیو د ساتنې او دموکراسۍ له پاره د مبارزې لارښوونه کوله . د ظاهر شاهي واکمنۍ په توره دوره کې د ماڼیوژۍ او خلکو غولولو په مقصد د دی لپاره چې خپله دواکمنۍ موده څه لاوړه هم اوږده کړي تش په نامه د دموکراسۍ د تلوړه وغړول شوه او د خوت له تبلیغاتي وسایلو څخه یې پدې تارو سورو د خلکو غوږونه کاڼه کړل چې ګواکې دغه په سلطنتي دوره کې دموکراسۍ ده چې صدراعظم د بارلمان له خوا دراپوه گټلو انتخابیږي او اعلام یې کړه چې صدراعظم درای اخستلو د جریان د کتلو له پاره چې په علنی توګه هیوادوال کولای شي چې دشورا تالار ته ورشي . خو کله چې ۱۳۴۴ کال د عقرب په دوهمه ورځ د پوهنتون محصلان د پوهنې زده کوونکي او مترقې روښانفکران دشورا تالار ته د جریان د کتلو له پاره ورغلل نو د ظاهر شاهي حکومت دتن په نامه دموکراسۍ پرده څیره شوی او دغه د امپریالیزم د لاس پوځي حکومت د اړونکۍ څیره ښکاره شوه .

د خوت ارتجاعی حکومت د رچو او سپین خولویو پولیسانو په زور دشور تالار ته د مترقي روښانفکرانو د ننوتلو مانع شول او په زیات شمیر وطنپرستان یې بندیان کړل . ددهغې ورځې به سبا یعنی د عقرب د میاشتې په رڼه یې ټیټه بیاد پوهنتون محصلان د پوهنې زده کوونکي د یوې مسالمت آمیزه مظاهرې په ټول چې د افغانستان د خلکو دموکراتیک گوند (دهیواد د کارگری طبقې مخکښ) د غړیو له خوا یې لارښوونه کیده راووتل او د خوت صدراعظم

د کور په لور پدې مقصد وخوځیدل ترڅو چې خپلې غوښتنې (دې گناه) ندیاو خوشی کول ورسره طرح کړي خو د ظاهر شاه استبدادی حکومت دغه حرکت د خپل غمرد لښووالی یوه ښه ومنله او ددغې ښې ده منځه وړلو له پاره له یې دې گناه انسانانو له وینو توپولو څخه ډډه وکړه او د ټالکونو ماشینګر او ټوپکو داوړېل امر یې ورکړ او د قهر سر کولو دپاسه یې د خپل کرغیږن سلطنت د استبدادی واکمنۍ د سپېڅلو مخالفینو قهرمانو مبارزینو وینې جاري کړې چې په دی توګه د خاورې او خلکو دښمن ظاهر شاه او دده د پانام اصلی څیره رسوا شوه .

دغه کارنه یوازې دا چې د خلکو د ژغورنې د لاری د اسیلو مبارزینو روحیه ونه وژله بلکې لایې پیاوړې کړه او هره ورځ تر پخوا ورځې زیات د افغانستان د خلکو د دموکراتیک گوند پر شاوخوا راټول شول داڅکه چې ددی قهرمان هیواد خلکو درک کړه چې د افغانستان د خلکو دموکراتیک گوند دی چې په رښتیني توګه سره د سلطنتي استبداد د رانسکورولو او دیوې یې استعمار ټولنی د جوړولو له پاره مبارزه کوي .

د افغانستان د خلکو دموکراتیک گوند تر هغې نیتي راوړوسته هر کال د عقرب دریمه نیټه د مظاهرو میتونو او اعلامیو په ترڅ کې نمایندګي او د خوت د ارتجاعی رژیم استبداد او بی عدالتۍ یې رسوا کړې دي او ددغې نیتي د شهادتو روح ته یې دروونه استولی دي او هر کال یې د زیار ایستونکو د ژغورنې سړي لاری د شهادتو په وینو باندې لویه کړې او ویلي یې دي چې ترڅو ستاسې هیلې تر سره نکړو آرام به نه کښیو .

دغې لویې ته وفاداري د افغانستان د خلکو دموکراتیک گوند وفا دار غړي ارواښاد عبدالقادر شپید له شهادت څخه ښه جوړیدای شي چې د عقرب دریمې نیټې د کالیزې د نمائندګۍ په مظاهره کې په ۱۳۵۱ کې د هرات په ښار کې پداسې حال کې چې د خپل گوند سور بیرغ ، دهیواد د زیار ایستونکو پر گټو دویار سمبول یې پراوړو و د امپریالیزم او ارتجاع د ګوډاګیانو د مخکښې پلان او توطیې له امله په شهادت ورسید .

د خلکو لاری وفادار ارواح ښاد عبدالقادر شهادت د افغانستان د خلکو دموکراتیک گوند صفونه لاسي ټینګ او پیاوړې کړل او تر پخوا زیات یې د ارتجاع او استبداد د رانسکورولو او دهغوی د انساني ضد او خلقی صدمات په اشاء کولو کې هڅه وړاندې وکړه .

د لور د خنځیر ماتوونکي انقلاب بری چې زمونږ په هیواد کې د استعمارگرانو دغه انسان ډوله لېوان واکمنۍ د تل له پاره پای ته ورسوله او زمونږ په دغلابې خاوره کې یې د تاریخ یو نوی سوریاب پرانست ددهغه سړو وینو د توپولو او د اسیلو انقلابیانو د مبارزو او سر بنېدنې نتیجه ده .

اوس زمونږ پدې حماسه هستونکي هیواد کې د استعمار د له منځه وړلو آزادی د لاری د شهادتو امیدونو او هیلو غوټې غوړیدلي او لاسي غوړیږي . زمونږ زیار ایستونکي خلک هېڅکله د خپلو سر سپارلو مبارزینو کارنامې او سر بنېدنې نه به روی بلکې هر وخت یې یادونه تازه ساتي او روح ته یې دروونه استوی او دهغوی په لاری پل پدې ټوله همدې امله د عقرب دریمې نیټې د شهادتو یادونه ساتو او د هغوی په غوړولو د عقیدت ګلوله پدې او د غیرت ډیوی بلو .

می‌کردند اعضای شورای انقلابی و اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان پس ازین باایمان پرشور انقلابی وبدون اینکه به مقام وجاه بیاندیشند همه دريك صف يادرك وظایف حساس وبزرگ شان جرخ دولت را بهپیش میراندند و باتقوای سیاسی وانطباق حزبی بهپیش می‌تازند و افغانستان را سربلند ومترقی وشگوفان می‌سازند.

درده سال آینده بهمساله فرهنگ که از سیاست نمی‌تواند جدا باشد توجه جدی بعمل می‌آید دربالندگی فرهنگ خلق تلاش صمیمانه صورت می‌گیرد. تفوق‌های زبانی ونژادی رابعدازین درکشور مانی نمی‌تواند راهی باشد. واین سیاست پوسیده چاکران امپریالیسم کدویمان توده ها تفرقه ایجاد می‌کردند دیگرکاری ازپیش نمی‌برد و این تیر بهخاک می‌نشیند.

استعمار همیشه کوشش دارد که در لباس فرهنگ نیز دست بهعوامفریبی بزند و از مبارزات خلق برای آزادی دموکراسی صلح وترقی جلوگیری نماید. استعمار دانشمندان وفرهنگیان دانشمند رابه نیرنگ های مختلف می‌خواهد بهسوی خویش بکشاند و در مغز آنان تخم انحراف رانکارد و از وظیفه اصلی شان آنان را باز دارد. اما در مین مایس ازین چنین نخواهد شد و دولت خلقی مابه مساله بهنام فرهنگ خلق توجه جدی وصمیمانه دارد واستعمار گران را که در لباس بخواهند مردم ما را گمراه نمایند می‌شناسد.

درده سال غرور آفرین آینده که خامن زندگانی نوین بهشمار می‌آید، بایسواد مبارزه بیهان صوت می‌گیرد. واین غول را که از سال های دراز به اینسو خلق ما را آزرده است از نفس می‌اندازیم. و اجازه زندگی بیش ازین برایش نمی‌دهیم.

درساحه تعلیمات و اندوختن دانش و یاد گرفتن کام‌های بلندی برداشته می‌شود وبه عنصر دانش که سرچشمه ی دگرگونی بهحساب می‌آید توجه آگاهانه صورت می‌گیرد اگر انسان خرد ودانش وآگاهی نداشته باشد نمی‌تواند در امر تکامل اجتماعی آن‌گونه که ضرورت است سهم جدی وفعال بگیرد.

درده سال آینده که در کشور ماسه مشعل تابناک مصوونیت، قانونیت وعدالت همچنان به روشنی می‌تابد. ممالکان واقعی افغانستان عزیز هستیم دیگر دست بیگانه را یارای آن نخواهد بود که ثروت ملی وطبیعی مارابه غارت برند. با کمک های صمیمانه کشور های دوست و آنانی که سال پیش ازین دیوسرمایه دارای راشکست داده و در راه بنیاد جامعه‌ای بدون استعمار گام برانسته و اینک نمره‌ی آن‌را برمی دارند. ما می‌توانیم پروژه های بزرگ اقتصادی وصنعتی وزراعتی خویش را گسترش دهیم وبه باروری برسانیم.

بهپیش بهسوی ساختن جامعه‌ای درخشان آزاد وسربلند ورها از استعمار فرزد از فرد.

بخشند این رهبری دهنه جمعی است که می‌تواند این امر را بهپیش ببرد، چنانکه پیشوای کبیر کارگران جهان گفته است: «ما آتوقت می‌توانیم کشوری را درست اداره کنیم که: آنچه راتوده ها حس می‌نمایند ما آنرا به دوست ترین صورت آن بیان کنیم».

اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وشورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان وانقلاب و وفا داری صادقانه به خلق بهدور هم گردآمده اند و در سر نوشت همین خویش قلم می‌زنند، و جهان بینی علمی طبقه کارگر رابه تحقق میرسانند. و در پی ساختن افغانستان شکوهمند، سر بلند ورها ازستم طبقاتی، ویس ماندگی های اقتصادی واجتماعی اند. فرزندان راستین این آب وخاک این ایمان آورندگان به آزادی واقعی انسان یسار درک مسؤولیت عمیق آن خست‌های نخستین کاخ زوال ناپذیر افغانستان شگوفان فردا را اینک می‌نهند.

در سرازاز جلسات اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وشورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان رفیق حفیظ الله امین، سیمایی ازده سال آینده افغانستان را ترسیم کردند که طی دو سالان پنجساله جمهوری دموکراتیک افغانستان جامعه‌ای عمل می‌پوشد.

این مزده برای همه وطنپرستان، برای همه دلدادگان راه آزادی ورهایی انسان از استثمار انسان غرور انگیز و افتخار بخش است.

درده سال آینده، مابه زندگانی نوین و درخشانی می‌رسیم و این نوید از نوع آن مزده های نیست که استثمارگران و بیداد گران برای خلق برای فریب دادن آنها می‌دادند. و مرام های نیم بند شان در صفحات کاغذی ماند و جنبه‌های عملی پیدامی‌کرد. آنان درلفظ دموکرات و آزادی خواه، و طرفدار پیشرفت های اجتماعی و ایجاد زندگانی نوین بودند. اما برای عمل يك گام بر نمی‌داشتند آنان نمی‌خواستند که در مین به صنعت توجه گردد چون اگر کشوری صنعتی گردد طبقه کارگر پدید می‌آید و جهان بینی علمی خویش را به بار وری وشگوفای می‌رساند و این بهسود سرمایه داران وصاحبان وسایل تولید نیست. باری از صنعتی شدن افغانستان عزیز همیشه مستبدان وحکمرانان آل یعنی و پادشاهان بیش از آن وآزان بیشتر نیز دترس وهراس بودند آنان افغانستان رابه حالت کشور نیمه زراعتی می‌خواستند، وفیودالیزم را تقویت می‌نمودند، ازبیداری دهقانان واتحاد آنان با کارگران این سازندگان دنیای نوین درهراس جاودانه بهسر می‌بردند.

اما اکنون که درکشور عزیز انقلاب نوره رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسیده است و ماراه رسیدن به جامعه‌ای بدون استثمار فرزد از فرد رادر پیش گرفته‌ایم بهصنایع سنگین وزراعت نوین توجه جدی

به صورت منظم وآگاهانه تحت راهنمایی حزب طراز نوین طبقه کارگر گردانید وبه مراعاته وشعار و جهان بینی علمی ایمان بیاورند. چنین بود توده های زحمتکش افغانستان که در طول تاریخ درد شوار ترین شرایط برسر می‌بردند و چشمان شان با سیاهی واستبداد خو گرفته بود وبه سبب زندگی در قرون وسطی وحشی پیش از آن عمر بهسر می‌بردند در زیردوش سرخ کارگری متشکل گردیدند، يك مشت محکم شدند، اراده نمودند ونظم فرتوت سلطنتی آل یحیی را فرو ریختند در سر لوجه انقلاب ثور نیز به خلق تحت ستم افغانستان مزده ها ووعدہ های زندگی ساز داده شد، اما اراده های شخصی ودیکتاتوری های فردی گاهی در راه پویایی واقعی حزب دموکراتیک خلق افغانستان موانع وسد ایجاد می‌نمود. بعد از یلینوم مورخ ۲۵ سنبله ۵۸ برگی دیگر وصفه‌ی دیگر در تاریخ حزب پیش آهنگما وزندگی اجتماعی ماروی داد، برای مدتی در فضای کشور ماضی از ترس وو حشت ایجاد گردید وسازمان اکسا با اعمال غیرمسوولانه

عاقبت بیرنگ گزیدمانی

سیمای درخشان زندگی در ده سال آینده

خویش در گستردگی این فضای وحشیتار سیمای عمده داشت. ناآنکه نام آن دستگاه به (کام) کارگری استخباراتی موسسه کسه مجوز باجهان بینی علمی طبقه کارگر است و اعضای آن فرزندان راستین این مرزوبوم اند تبدیل گردید و این گامی است انقلابی در راه تحقق آرمان خلق وآرزوهای شان از دولت کارگری شان جلسات شورای وزیران ویلینوم کمیته مرکزی، که به رهبری رفیق حفیظ الله امین رئیس شورای انقلابی منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ولومری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان برای بحث و گفتگو در جریان است، رویدادی شگفت دیگر در تاریخ مین مابه حساب می‌آید.

در این جلسات بود که رفیق امین بر رهبری دسته جمعی تاکید کردند وباتواضع انقلابی تصریح نمودند که امور کشوری را يك شخص يك فرد، نمی‌تواند به پیش برد.

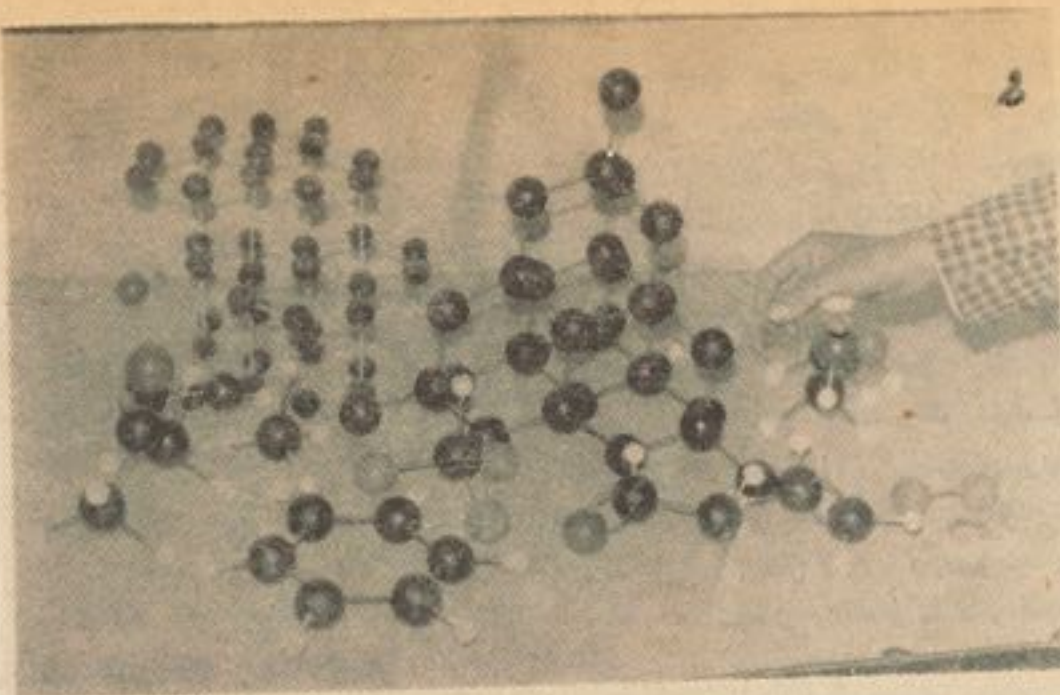
تاریخ کشورها نیز این واقعیت رابه البات رسانیده است که افراد نمی‌توانند بی‌انگاہ توده ها امور مملکت داری را به پیش ببرند، خواستهای مردم، نیازهای توده‌ها راتحقق

بیلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان (پشاهنگ طبقه کارگر کشور) که به تاریخ اول عقرب ۵۸ تحت ریاست رفیق خردمند حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان در قصر گلخانه خانه خلق دایر گردید و جلسات آن هنوز ادامه دارد دور نما یی از ده سال آینده افغانستان رانشان داد و بار دیگر خلق ما را که از سالیان درازی در تحت ستم های ملی، فرهنگی، نژادی ومذهبی قرار داشتند مزده رهایی وآزادی داد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان از همان نخستین روزهای تشکیل خویش ناگهون تا وقتی که انقلاب ثور را به یاری قوای مسلح خلق افغانستان به پیروزی رساند در امر انماهی درخشان خویش مزده ی آزادی خلق، نوید رهایی وساختن یک زندگی آبرومند وشگوفان راداده بود، اعضای بادر این حزب پیش از در میان خلق می‌رفتند وانديشه های مترقی و

پیشرو را تبلیغ می‌کردند و گسترش می‌دادند، وباین کار خود اندیشه های انقلابی زمان رابه نیروهای مادی مبدل می‌کردند. سخنی تکراری است که بنویسیم انقلاب ثور يك حادثه غیرمنتظره نبوده و از سالیان دراز به این سو شرایط عینی وعینی این رستاخیز ملی و مین آماده گردیده بود شرایط عینی آنکه توده وخلق نمی‌خواستند با همان شیوه ی پوسیده ی استبدادی حکومت داران بر آنان حکومت برانند، وحکمرانان نیز دیگر نمی‌توانستند با همان ابزار های فرسوده و شیوه های کهن استثمار و در لباس رفورم های نیم بند اجتماعی و دموکراسی های قلابی و جمهوریت های عوامفریانه خلق رابفریبند خلق با قبول اندیشه های انقلابی به نیروی بزرگ مادی برای دگرگون کردن زندگی خویش تحت راهنمایی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بدل گردیده بود و ازین دیدگاه شرایط ذهنی نیز میسر بود، و کلاسیک های ایدئولوژی مترقی در تعریف شرایط ذهنی گفته اند:

شرایط ذهنی آنگاه پدید می‌آید که توده ها

اشتراک ملل متحد در مبارزه جمهوری دموکراتیک افغانستان علیه بیسوادی



ارسالی اداره اطلاعات ملل متحد

تجهيزات ارزان قيمت ساينس برای مكاتب

يكي از عوامل بسيار مهمي كه در كوشش برای
بیشتر تدریس ساينس و رياضيات بايست
مد نظر گرفته شود اينست كه چگونه اينهارا
عملي ساخته وبا واقعات زندگي روزمره ارتباط
داد. واضحت كه تجهيزات و وسايل كمك
های درسی برای برآوردن اين احتياجات اساسي
ميباشد. سامان و تجهيزات كه در كشور های
صنعتي توليد ميشود اكثرا گران و خيلي
اختصاصي بوده وباترابطه واحتياجات محلي
مناسبت نهداشته باشد.

پيشيني شده است كه سيستم تعليم
وتربيه افغانستان درآينده قريب تو سعه
عظيمي خواهد يافت. درعين حال مساعي جدي
بعمل ميابد تا كيفيت تعليم وتربيه بهتر گردیده
ومفيد تر شود. مركز ملي ساينس يك شعبه
وزارت تعليم وتربيه موكلف به انكشاف وتوليد
مواد و وسايل كمك درسي جهت رضا مين
ساينس و رياضيات برای سويه های مكاتب
ابتدائي و ثانوي ميباشد. مركز مذکور در حريم
پوهنتون كابل واقع شده است. اگر چه
جز پوهنتون نمي باشد. مجموع اعضای اين
مركز به صد نفر ميرسد كه از بين جمله ۴۰
نفر آنها آمران شعبات ساينس و ترتيب
دهندگان نصاب تعليمي ميباشند. ۱۵ نفر در
فعاليتهاي توليد مواد اشتغال دارند. اين
مركز دارای شعبات رياضيات، فزيك، كيميا
بيالوجي، تعليم وتربيه محيطي. تحقيقات
تربوي و ريسرچ ميباشد.

مركز ملي ساينس كه در سال ۱۹۷۱ تاسيس
گردید مصروف انكشاف نصاب تعليمي و مواد
تربوي برای ساينس و رياضيات لسا نوي
تربيه داخل خدمت نظارات از تدریس ساينس
و رياضيات و ريسرچ تربوي در ارتباط به
فعاليتهاي فوق ميباشد. فعاليتهاي اين مركز

مسترس به تعليم وتربيه و بوسيله تعليم
وتربيه به ميراث و اندوخته فرهنگي انساني
تقريباً مانند غذا، لباس، ومسكن از حقوق
طبيعي هر شخص ميباشد.
به پيروي از هفتمين تعهد اساسي برای
انكشاف انساني بوده است كه ملل متحد
از بنو تاسيس مساعي كشور های عضو خود را
در فراهم ساختن فرصت های تربوي بصورت
رسمي وغير رسمي حمايت كرده است.
معيذا باوصف كوشش هادر ظرف اين سه
دهه، تعداد بيسوادان در جهان روبه افزايش
است. اعلاميه سمپوزيم بين المللي منعقد
پرسپوليس در سال ۱۹۷۵ حاكيت كه
«اين انعكاس دهنده ناكامي پاليسي های
است كه در مقابل ارضاي خواهشات اساسي
انسان بي تفاوت ميباشند». اين گفته راجع
بحالت قبل از انقلاب ثور افغانستان كاملاً
صدق ميكند. فعاليتهاي متشكل تربيه اكابر
در افغانستان تاريخچه درازتر از يك دهه دارد
اما اين فعاليتها به مشكل بقست كوچكي
از نفوس كشور تماس گيرفته ميتوانست.
باسواد شدن بذات خود بحث يك هدف تلقی
ميشد نه آنكه وسيله ای برای تغييرات
اساسي بشري پنداشته شود.

انقلاب ثور يك تحول كاملي را در ريسرچ
و طرق مبارزه با بيسوادي بوجود آورد.
اكتون اين مبارزه به وسيعترين مفهوم آن
يك نهضت بزرگيست كه هدف آن نه تنها
آموختن مهارتهاي اساسي در سواد آموزيت
بلكه ايجاد قوت و آگاهي درميان مردم راجع
به تحول اجتماعي واقتصادي و نقش غير قابل
انكار ايشان در اعمار يك افغانستان نوين
ميباشد.

كمك ملل متحد در مبارزه عليه بيسوادي
بايست در مقابل اين پس منظر دیده شود.
مساعي اورگانهاي ملل متحد با تعليم وتربيه
اكابر درين كشور سابقه بيشتر از ده سال
دارد. معيذا طوريكه در مورد همه چنين كمك
ها صدق ميكند معاونت ملل متحد از آنچه
كه هدف سيستم ملي بوده است، نميتوانست
كار بيشتر انجام دهد. قبل از انقلاب ثور
سه اورگان ملل متحد فعاليتهاي مربوط به
سواد آموزي اكابر را كمك ميكردند.

پروگرام انكشاف ملل متحد صندوق ملل
متحد برای فعاليت های مربوط به نفوس
صندوق انكشاف بين المللي سويدن و
اف.اى.او هريك از اين شعبه فوق يك ساحه
مخصوص تربيه اكابر را طوريكه دستور
مخصوص خود شان تعيين كرده بود كمك
ميكردند: پروگرام انكشاف ملل متحد

پروژه مربوط به پلانگذاري و تطبيق « پلان
ملي سواد آموزي اكابر » را تمويل ميكرد
صندوق انكشاف بين المللي سويدن و اف.اى.او
پروگرام سواد آموزي را برای دهقانان عضو
كوپراتيف معاونت مينمود و صندوق ملل متحد
برای فعاليتهاي مربوط به نفوس پروژه سواد
آموزي را كه مربوط به رهنمايي صحت فاميل
بود كمك ميكرد.

خيلي تجارب قيمتداري بدست آمد و مواد
مفيد سواد آموزي تدوين گردید كه وظيفت
به گروههاي مطمح نظر، مانند دهقانها،
اعضاي كوپراتيف ها و زنان ارتباط ميگرفت.
كتابهاي متعدد قرائت كمك درسي توليد
گردید و تجارب در طرح نصاب تعليمي، تربيه،
سروي و ارزيايي نيز حاصل گردید. هميشه
اين دست آورد ها هنوز هم در وظايفي كه
رويدست داريم ارزشمند ميباشد.

معدالتك نمیتوان ادعا كرد كه همه اين
مساعي تاثيراتيرا كه از سرمايه گذاري های
مادي و تخنيكي توقع برده ميشد بوجود آورده
باشد. برای وسيع ساختن پروگرام مبارزه
با بيسوادي چنه بخش سواد آموزي در توده
ها اراده سياسي موجود نبود. ماشين
تشكيلاتي نيز ضعيف بود و جرات برداشتن
گامهاي بزرگ را نداشت. و نتيجه آن بود
كه تا شروع انقلاب ثور سواد آموزي محض
به چند هزار نفر محدود در پنج - شش ولايت
رسیده بود و پس. در تحت چنين شرايط
كمك ملل متحد كه طور اوسط سالانه به
صد هزار دالر ميرسيد محض تاثير
محدودي ميتوانست داشته باشد. بيشتر
محدود به تربيه يك كدر كوچكي در بعضي
مهارتهاي اساسي بود.

انقلاب ثور شروع يك عصر جديدي در
ساحه تعليم اكابر در افغانستان بود سواد
اكتون يكي از اهداف مهم انقلاب را تشكيل
ميدهد و همان مقامي را داراست كه امحا
فيلداليزم دارا ميباشد. اين يك پروگرام
بزرگيست كه در ظرف پنج سال بيشتر از
مليون نفر را در بر ميگيرد و همه افراد بيسر
و منابع را در كشور بسج می كند. اين يك
اقداميست كه در جوامع دارای نظير ايسن
اهداف نمونه شده ميتواند.

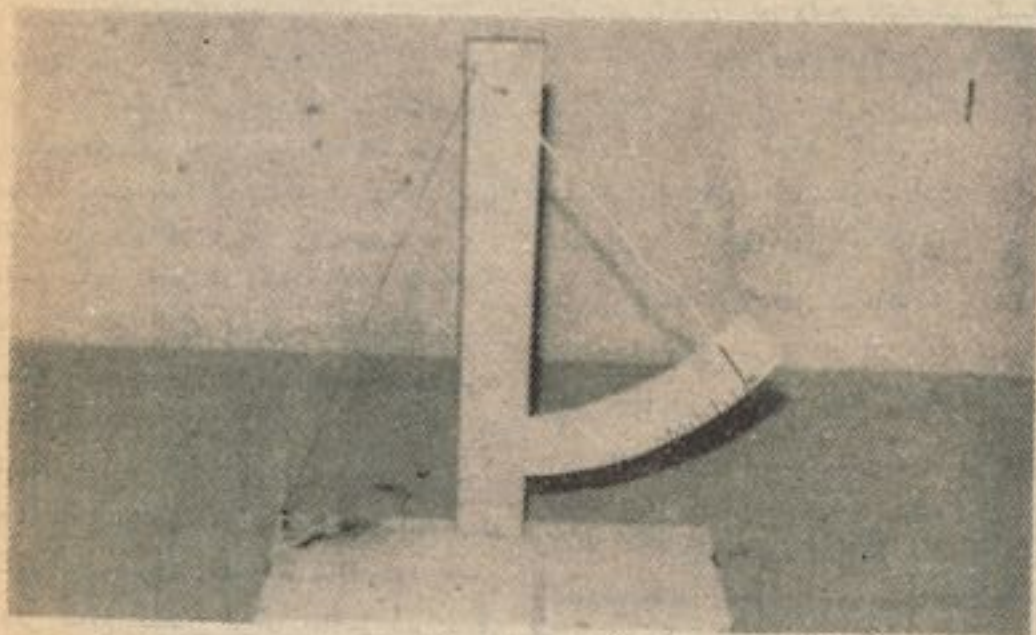
عكس العمل ملل متحد جهت فراهم ساختن
كمك تحت اين رويحه جديد و اين هدف
مشاقانه بود. شكل جديد كمك ملل متحد
سه ميمزه مهم دارد:

(الف) سه شعبه ملل متحد يعنى پروگرام
انكشاف ملل متحد، يونيسف و صندوق
ملل متحد برای فعاليتهاي مربوط به نفوس
بقيه در صفحه ۵۶



از جانب يك پروژه يونيسكو برای تربيه در
ساينس كمك ميشود. بوسيله اين پروژه
تربيه اعضای مركز ساينس هم در خود مركز و هم
بوسيله يك پروگرام فيلوشپ ها با تاكيد
بالای اشتراك در وركشاپ های منطقه اي و
بازديد های مطالعوي صورت ميگيرد. برای
انكشاف تجهيزات تزريق مفكوره های جديد
و دانستن نظر وسيع در مورد روشهاي تربوي
اساسي ميباشد. پروگرام تربوي بر يسن

تجهيزات و وسایل به ترمیم و حفظ و مراقبت
 احتیاج می داشته باشند و مرکز چنین تسهیلات
 رانیز فراهم می نماید.
 بهیث يك فعالیت مهم • مکتبی برای تربیه
 تکنیسن های لابراتوار مکاتب نیز تاسیس
 شده است. مرکز ملی ساینس مسوول تدوین
 امور تربی و کورسهای این مکتب
 می باشد.
 مرکز ملی ساینس • در طول عمر هشت
 تربیه ساینس و ریاضیات در افغانستان انجام
 بدهد.

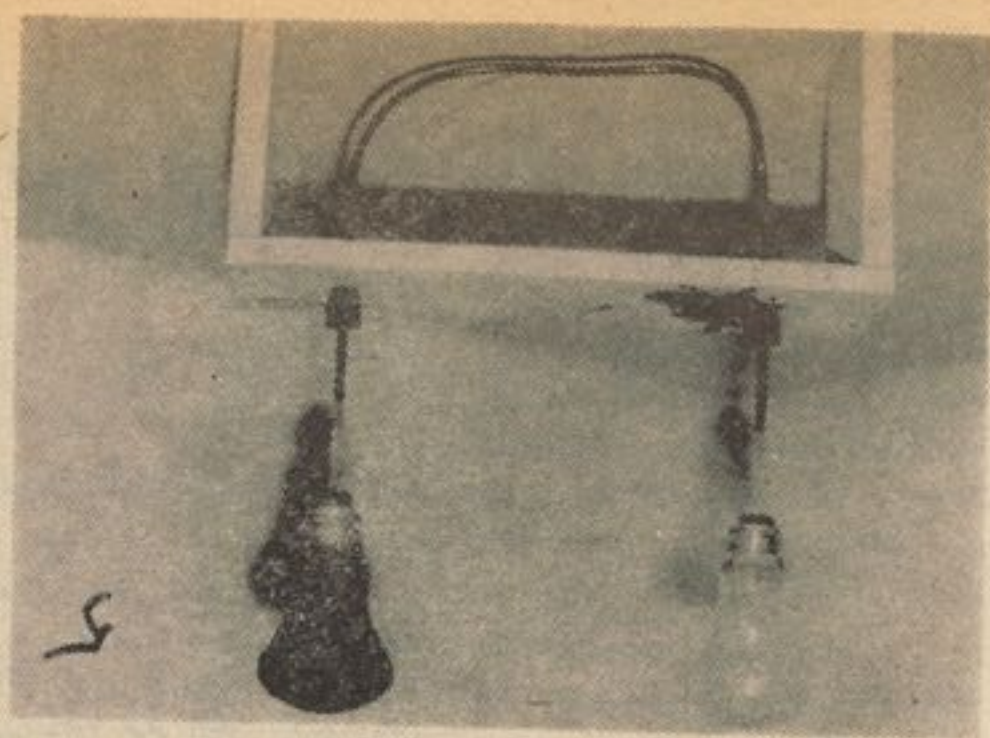


کنترول تو بر کلو ز در افغانستان

در نتیجه تبعات و تحقیقاتی که درسی سال
 گذشته بعمل آمده بالاخره مرض سل قابل
 جلوگیری و علاج شده است. اکنون ممکن است
 که يك پروگرام کنترول تو بر کلو ز بر اساس
 يك تکنالوجی ساده و ارزان معیادی طرح
 می باشد.

سهمگیری بین المللی در پروگرام کنترول
 تو بر کلو ز افغانستان يك تاریخ طولانی دارد
 (در حدود ۲۰ سال) • اما چنین سهمگیری به
 پیمان موثر در ۱۹۷۴-۱۹۷۵ موقعی آغاز شد که
 همکاری حکومت افغانستان پروگرام انکشافی
 ملل متحد سازمان صحتی جهان یونیسیف پرو-
 گرام مواد غذایی جهان و موسسه همکاری بین-
 المللی جاپان متحده متشکل شده و بهیث عناصر
 همکاری پروگرام درآمدند • موسسه ملی تو بر کلو ز
 در همان سال تشکیل گردید که بهیث مرکز
 برای تربیه و تبعات پروگرام شد • از آن تاریخ
 بعد انکشاف قابل ملاحظه در فعالیت های مربوط
 به کنترول تو بر کلو ز در کشور مشاهده شده می تواند

در افغانستان مانند بسیاری کشورهای دیگر
 تو بر کلو ز بهیث یکی از بزرگترین پرابلم های
 صحتی باقی مانده است در حدود تقریباً ۳۰ فیصد
 اطفال الی سن ۱۴ در حال حاضر مصاب به تو بر-
 کلو ز می باشند و يك تعداد نسبتاً زیاد جوانان
 که مولد ترین قسمت نفوس را تشکیل میدهند
 معروض مصاب باین مرض می باشند که انعکاس
 دهنده يك حالت اپیدیمیک خطرناک می باشد.
 وزارت صحت عامه افغانستان از وضع بغوی



جنبه هارا تأکید میکند.
 بر اساس کتب درسی ساینس جعبه های
 وسایل کمک تدریس برای ریاضیات فن يك
 کیمیا و بیالوجی تهیه گردیده است. هدف
 آنست که تاحد ممکن از مواد و منابع میسر محلی
 استفاده شود. به علاوه پائین نگهداشتن سطح
 مصارف، متوافق ساختن مواد محلی و اتکا
 بخود طور اتوماتیک در پروسه مصرف می باشد.
 در طول سال گذشته مجموعاً ۴۴۰ جعبه وسایل
 کمکی تدریس تکمیل گردید و به مکاتب ثانوی
 در کشور توزیع شد. بادر نظر داشتن اینکه
 اصلاً تسهیلات و رکشاپ در مرکز برای دیزاین
 و تهیه نمونه ها می باشد رقم تولید جعبه وسایل
 درخور توجه می باشد. به علاوه جعبه های
 مشخصی يك تعداد وسایل دیگر نیز برای
 کمک به تدریس ساینس و ریاضیات تو لید
 گردیده است. بوسیله دایر شدن و رکشاپها
 در مرکز را جمع به تکنالوجی تر بیوی
 مفکوره ها و دیزاین ها انکشاف یافته است.
 درین کارها از پرسونل خارج از مرکز است.



طرح قانون اساسی بزرگترین وثیقه ملی ج، د، ا

حزب دموکراتیک خلق افغانستان پلنو ۲ تاریخی ۲۵ سنبله رادایر نهود ورفیق حفیظ الله امین به حیث منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولسی وزیر، از طرفی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی انتخاب شد. رئیس شورای انقلابی بایا نیه تاریخی خویش و تحقق پذیرفتن شعار مصوبیت، قانونیت، عدالت، صلحه نوینی به حیات خلق باز کرد و با پیامبر محتوا و غا لما نهو انقلابی خود کارکمسیون تسوید و تدوین قانون اساسی و بزرگترین وثیقه ملی خلق قهرمان افغانستان را آغاز نمودند. کار تسوید و تدوین قانون اساسی جدید از طرف کمیسیون های منتخب تحت ریاست رئیس شورای انقلابی به شدت پیش میرود و این اطمینان و افتخار دل هروطن پرست را در سینه به خوشی می آورد که قانون اساسی ما به زودی تدوین و نافذ میگردد و در پر تو این قانون مصوبیت، قانونیت، عدالت، طوریکه شایسته عصر نوین ما ست تحقق پذیرفته و زمینه برای ایجاد یک جامعه بدون استثمار فرد از فرد مساعد میگردد.

اردوی قهرمان خلق و به پیشینیانی بالقوه و بالفعل خلق، انقلاب کبیر نور پیروشد قدرت در کف و ادرین واقعی انتقال یافت و بناسی از پلان ها و برنامه های انقلابی تحولات عمیق و دگرگونی های شگرفی در حیات اقتصادی، اجتماعي فرهنگي، و غیره خلق و ملیت های برادر پدید آمد کاروان انقلاب به سوی افق های روشن و تابناک پیش میرفت و کدر رهبری حزب با آس های و متانت مسیر مرفی انقلاب را تعقیب مینمود و اندیشه مرفی و آئین پرورتاریا شخصیت پرستی را محکوم مینمود و در چنین موقع بود کدر رهبری حالت رسالت تاریخی خود را به ثبوت رسانید و کمیته مرکزی

و ریا به جهت استثمار و به زنجیر کشیدن خلق و ملیت های وطن پرست استفاده بعمل می آمد و این وضع باعث شد که نفرت و انزجار خلق روز تاروز اوج بگیرد و جهت رها نی از قید اسارت و زندگسی ملالت با ر مبارزه صورت گیرد، ما نبود حزب دموکراتیک خلق افغانستان «پیش آهنگ طبقه کارگر» که ۱۴ سال به خاطر نجات خلق از چنگک رژیم های استبداد کثودمان آل یحیی و آخرین سردم دار آن داود خون آشام مبارزه میکرد به قومانده مستقیم رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولسی وزیر و فداکاری

اریکه نشینان رژیم های فردی راه رسم و آئین چنین است که همیشه بی رحمانه اکثریت جا معه و مولدین نعمات مادی و معنوی را به زنجیر بکشند و از پوستر گوشت آنها زندگی خویش را رنگین بونق بخشند و در پر تو چنین ادا یسه منفسی ضد کرامت انسانی و حقوق بشری ملیونها انسان از هر گونه مزا یاو معیشت محروم مانده و جز حسرت و واشفته حالی تو شه ندارند و علی الرغم آن یک مشت اقلیت مستکراز بهترین زندگی مستلید بسوده و بصورت انسانی نای حیات به سر می برند طبعادر جوامعی که تسلط فردی فرمان می رانده به پلان ها و برنامه های آن در راه منافع فرد صرف و عملی میشود به این روش منافع جمعی قربان منافع فردی میگردد. تحت این گونه شرایط حق تلفی، بی عدالتی، آدم کشی بی سواد، و به همین ترتیب ده ها و صد ها نجا بع چون مکروب کشنده گریبان گیر اکثریت عظیم در چنین جوامع معروضی به علت شده راه رفاه و رفیت را بروی آنها می بندد و قوانین متر را ت و لوا یح، همه منافع فردی را تضمین می کند، و از حقوق حقه اکثریت که مولدین نعمات مادی را در جا معه تشکیل میدهند، چشم می پوشد، و بی با این همه بیداد گر یها و حق تلفی ها صورت آشتی ناپذیر بین مستکرم و مستکشی مجادله به طور آگاهانه و ناخود آگاه ادامه پیدای کند و بالاخره رهبران و رهبا یانی در صنوف و مشاغل عریض و چوید می کنند و خط فاصل استثمار گر را از استثمار شونده مجزا ساختموصف های زحمتکشان جهت سرکوبی و سرنگونی قدرت های جا که جبار مستحکم و وسیع میشوند. خلق طغیان میکنند و مستکمران را از جا می ریزند و دنیای انسانی ت ایجاد میگردد و قیل از انقلاب شکوهمند نور مشت مستکرم بسالای خلق قهرمان ما حکومت میگردد و قشر بی هویت جا کران ارتجاع و امپریالیزم نیم قرن خلق زحمتکش و ملیت های وطن پرست ما را در آتش کشیدند و صد ها و هزار ها جوان مترقی و وطن دوست در پای دار، سیاه چال ها سزنان های رژیم های مستبد آل یحیی جان دادند.

قانون اساسی و سایر قوانین و لوایحی که در عصر استبداد ظاهرا داود و نادر غدار و نافذ شده همه آن در محور منافع اریکه نشینان سلطنتی و فیودالان خون آشام و عمال فاسد و نوکران ارتجاع و امپریالیزم می جریخید از قوانین بیعت رو پوش تدوین

احسان

امواج نیرومند مبارزات آزادی خواهی در امریکای لاتین

تحمیل نبود از یورو بایی شرمانه ترین شیوه با ارتجاع سیاه چیلی دمساز گردید و یکمک دارو دسته پینوچت رژیم انقلابی و قانونی الله را سقوط داد. از همان لحظه استقرار رژیم ارتجاعی ترانیدی المناک سراسر جامعه و دامان خلقهای چیلی را فرا گرفت. ولی این اعمال وحشیانه امپریالیزم و ارتجاع محلی هرگز مبارزات قهرمانانه خلق چیلی را نابود ساخته نتوانست، قوه های وسیع مردم بر ضد دیکتاتوری و استعمار داخلی دست به قیام ها و مبارزات مسلحانه ای زدند.

در برازیل نیز امپریالیزم بین المللی بعد از سقوط حکومت لیبرال جوگت گولادرت در سال ۱۹۶۴ دیکتاتوری رادر آن کشور تاسیس نموده و بخاطر تاراج بی رحمانه ثروت های ملی خلق برازیل از هیچگونه جنایت شانه خالی ننمود. دولت جدید ارتجاعی برازیل برای اینکه از منافع امپریالیزم پاسداری نموده باشد برای سرمایه گذاری و انحصارات امپریالستی پستانگون زمینه فراخی مساعد نمود به همین ترتیب اوضاع سیاسی و اقتصادی در بعضی از کشور های دیگر امریکای لاتین از قبیل ال سلوا دور، ارجنتاین و یوراگوای نیز عینا به همین عنوان می باشد. تمام این اعمال بی بندوبار و بدون کوچکترین احساس مسؤولیت در مقابل بشریت صرف برای بلع نمون ذخایر و منابع سرشار طبیعی بالخصوص ذخایر نفتی این گوشه جهان چیزی دیگری نمیشد.

طوری که قبلا ذکر گردید مبارزات خستگی ناپذیر خلقهای امریکای لاتین در برابر ارتجاع داخلی و امپریالیزم پیوسته تو سعه می پذیرد. انقلاب های زنجیر شکن که در سالهای اخیر در قاره آسیا، افریقا و امریکای لاتین یکی بی دیگری به پیروزی رسید توازن قوا

و با پنهانی دست می زنند. بطور مثال سقوط دولت قانونی سلوا دور الله توسط ارتجاع چلی به کمک مستقیم امپریالیزم بین المللی از نمونه برجسته پوسیدگی تجاوز و غارتگری بی زرداد خانه امپریالیزم بشمار می رود. به تمام جهان یان روشن است که در زمان حکومت مرفی و انقلابی الله جامعه چیلی بطور روز افزونی عقب ماندگی های اقتصادی خود را رفع نموده و در سیمای مادی و معنوی جامعه تغییرات اساسی و رادیکال به میان آمد. و برای خلق چیلی زمینه وسیعی بزمین آمد تادر راه اعمار جامعه فراوانی و فاقسد استثمار فرد از فرد گام های متینی بردارد. این دوران که از سال ۱۹۷۰ الی ۱۹۷۳ ادامه یافت معادن بزرگ مس، آهن و فولاد که در دست انحصارات امپریالستی و مالکین بزرگ وابسته قرار داشت ملی اعلام گردید. سکوتر دولتی اقتصاد تقویت گردید و کنترل شدید بالای تجارت خارجی صورت گرفت، اقتصاد جامعه در این دوره شگوفان و انقلابی کاملا از وابستگی ارتجاع، کاپیتالیزم و امپریالیزم رهایی یافت. برای رهایی دهاقین از استثمار فیودالان و رفورم های بنیادی بزمین آمد و در سرانمر کشور سیستم کورپراتیف زراعتی با شیوه ها و اسلوب های علمی تعمیم یافت بطور خلاصه سطح عمومی زندگی گانی خلق بلند برده شد و شاهراه تمدن و اعمار جامعه سوسیالستی طبق اندیشه ها و تیوری دوران ساز طبقه کارگر فراهم گردید. برای ارتجاع و امپریالیزم بین المللی اتخاذ چنین سیاست اقتصادی چیلی دیگر قابل

عصر کنونی ما شاهد مبارزات قاطعانه و آشتی ناپذیر بین استثمار گران و استثمار شونده گان و بطور عموم بین خلق ها و امپریالیزم شدت جریان دارد. واقعیت های حوادث جاری سیاسی بین المللی بطور انکار ناپذیر نشان میدهد که دوران تسلط امپریالیزم به پایان رسیده و دوران نو و شگوفان انقلاب های خلقی کارگری و رهایی بخش آغاز گردیده است. ناکامی ستراتیژی های جهانشمول امپریالیزم در سرانمر جهان به سقوط دیکتاتوری های استبدادی و روی کار آمدن دولت های جوان و مرفی در صحنه جهانی بازتاب گویای این حقیقت می باشد. امریکای لاتین که سالهای طولانی منبع سرشار مواد خام انحصارات امپریالستی را تشکیل میداد و چشم طمع استعمارگران بدین ناحیه جهان بطور مداوم دوخته می باشد. امروز کاملا در شرایط جدا گانه ای قرار دارد. خلقهای امریکای لاتین از مبارزات خروشنده و انقلابات کارگری در آسیا و از قیام های آزادی خواهی مردم قاره افریقا الهام گرفتند. تشکل ها و انسجام مبارزات سیاسی در امریکای لاتین بخصوص در دهه اخیر بطور قابل ملاحظه ای رشد و گسترش یافته است. عقب ماندگی و حشتناک اقتصادی و استثمار و حشیانه ارتجاع و الیگارشی محلی عوامل اساسی ای اند که خود باعث تشدید مبارزات طبقاتی درین جا گردیده است. ولی امپریالیزم و ارتجاع بین المللی برای اینکه به استیلای خود و غمر رنگین جا کران خود بیفزاید در امور داخلی این کشور ها آشکار

در اول سپتمبر ۱۹۳۹ با حمله فاشیست های هنلری بالای پولیند جنگ دوم خانمانسوز جهانی که پنجاه میلیون انسان را از بین برد آغاز گردید. از آن وقت تا حال چهل سال میگذرد اما مردم هنوز هم سوال های رنج باری بخود میدهند، جنگ چرا آغاز شد؟ آیا میتوانست کاری کرده که جنگ بسو قوع نمی پیوست؟

در سپتمبر ۱۹۳۸ صدراعظم وقت انگلستان نیویل چمبرلین سه مرتبه نزد هتلر به برلین پرواز نمود. تا بالاخره در ۲۹ سپتمبر معاهده مؤلن بین انگلستان و جرمنی امضا گردید. در نتیجه امضای این معاهده چکوسلوواکیا از هرنگاه به فاشیست ها گذاشته شد، بعد از بازگشت در میدان هوایی لندن چمبرلین چنین فرود آمدن از طیاره کاغذی را در دست داشت و آنرا به مردم نشان میداد و به بسیار محسوس میگفت: «این است صلح برای نسل آینده ما» درین سند چنین تذکره رفته بود: «ما این معاهده را همچنین موافقت نامه بحری بین جرمنی و انگلستان را به قسم مسئول تمایل تلقی نموده که هیچوقت با یکدیگر به جنگ

مبادرت نخواهیم ورزید و تمام مسایل را در کسب گمرانی از طرف دولت انگلستان و رهبران هر تجمع و قوت پو لیند از کمک های صمیمانه شوروی ابا ورزیدند. به این ترتیب حکومت وقت پولیند تخته خوبی به هتلر تقدیم کرد.

بتاریخ ۲۳ ماه می سال ۱۹۳۹ یعنی یک روز بعد از امضای «معاهده آهین» با ایتالیا هتلر رهبران رایش را در اطاق کسار خود احضار کرد و در جلسه مخفی که از پروتوکول آن فقط یک نقل ترتیب گردید و در آن تصمیم ذیل اتخاذ گردیده بود: «مساله طرح بالای پولیند یکلی ملغی قرار داده میشود و در اولین فرصت مناسب پولیند را باید مورد حمله قرار داد» اما چندی قبل ازین در ۱۱ اپریل هتلر فرمان دیگری به تمام قوای مسلح خود صادر نموده بود. درین فرمان ذکر شده بود که اهداف عمده قوای جرمنی این است تا در مدت بسیار کم قوای عسکری پولیند را محو و نابود نمایند. برای این کار پلان حمله ناگهانی باید ترتیب داده شود. فرمان حاکی از آن بود که از اول سپتمبر به بعد قوای جرمنی در هر لحظه برای حمله بالای

مترجم عبدالله (سعیدی)

از سبوتیک

یک گام تا نابودی

آینده بطور قطعیانه از طریق مشوره و مذاکرات با یکدیگر حل و فصل خواهیم نمود. در قسمت اخیر کاغذ امضا های هتلر و چمبرلین ثبت گردیده بود. حال از اسناد فاشیست ها که بدست آمده چنین نتیجه گیری میشود. جرمنی در سال ۱۹۳۹ ممکن بود بالای پولیند حمله نمی کرد اگر میدانست که در سرحد ته تنها در مقابل عساکر پولیند بلکه در مقابل عساکر شوروی نیز قرار می گیرد. پس چه علت باعث اخلال این کار شد. و به چه ترتیب سال فلاکت بار ۱۹۳۹ برای خلق اروپا آغاز گردید.

در بهار همین سال از تمام اطراف و اکناف اروپا بوی باروت بمشام میرسید. عساکر ایتالیا آلبانیا را در تصرف خود درآوردند جرمنی الغای معاهده بین آلمان و انگلستان را اعلام داشت و معاهده عدم تعرض با پولیند نیز فسخ گردید.

در نیمه اول ماه می سال ۱۹۳۹ یوتومکین معاون وزیر خارجه اتحاد شوروی به رهبران وقت پولیند اظهار داشت که اگر پولیند متنازل باشد از کمک همه جانبه دولت شوروی برخوردار خواهد شد. اما رهبران وقت پولیند که بادولت شوروی خصوصیت طبقاتی داشتند پیشنهاد شوروی را نپذیرفتند و با اتکا به معاهده همکاری متقابل با فرانسه

پولیند آماده باشند. به این ترتیب برای نخستین بار تاریخ آغاز ترازیدی بشریت نام برده شد. با در نظر داشت تحلیل همه جانبه ناشی از خطرات جنگ اتحاد شوروی چندین بار پیشنهاد نمود که علیه متجاوزین باید بطور متحد عمل شود و قاطعانه تلاش میشود تا با انگلستان و فرانسه موافقتنامه همکاری متقابل به منجمله در ساحه دفاع امضا نماید. بتاریخ ۲۱ ماه می سال ۱۹۳۹ سفیر اتحاد شوروی در لندن به وزیر خارجه وقت انگلستان صریحا اظهار داشت: «اگر چه اتحاد شوروی بطور منفردانه توسط قوای خود هر نوع جنگ دفاعی را به نفع خود خواهد کشاید اما به تنهایی نمیتواند از وقوع جنگ جلوگیری نماید. به این لحاظ اتحاد شوروی حاضر است تا با کمک دیگر روابط همکاری متقابل برقرار نماید.» اما پیشنهادات شوروی از جانب رهبران وقت فرانسه و انگلستان مورد قبول قرار نگرفت. آنها سعی مینمودند تا بالای شوروی معاهدات یکجانبه را تحمیل نمایند و شوروی را با جرمنی در میدان جنگ بکشاند و انگلستان و فرانسه از جنگ دورتر باقی بمانند. درین قسمت رهبران امپریالیستی امریکا از آنها حمایت کسامل مینمود. اوضاع روز بروز حادثر میشد، هر دقیقه و هر

ساعت نهایت پرارزش بود. اتحاد شوروی یکبار دیگر به رهبران انگلستان و فرانسه در مورد اوضاع وقت پیشنهاد به صادر نمود و از آنها خواستار شد تا هیات های نمایندگی آنها در مسکو با هم مذاکره نمایند. در لندن سفیر شوروی به افتخار هیات نمایندگی فرانسه و انگلستان ضیافتی ترتیب نمود. در ضمن بین ایوان مایسکی سفیر شوروی در لندن و جنرال درگس رئیس هیات نمایندگی انگلستان گفتگوی ذیل رخداد:

- لطفا اگر بگویند که به کدام تاریخ عازم مسکو میشوید؟
- تا هنوز تصمیم نهایی درین مورد اتخاذ نگردیده است.

- شما حتما پرواز خواهید کرد؟
- نه خیر زیرا که هیات نمایندگی فرانسه و انگلستان به چهل نفر میرسد و با تمام

میشوید: «انگلستان و فرانسه ماهورین فرعی درجه دوم خود را فرستادند که صمیمانه خواهان مذاکرات از ماهوریت مخفی آنها آشکار بود که انگلستان نمیخواهد هیچ نوع تهدیدی را متحمل شود و دست و پای خود را ببندد آنها وظیفه داشتند تا گفتگو را بسیار بطبیعی پیش ببرند از احتیاط کار بگیرند و به فرمول بندی های عمومی اکتفاء نمایند.»
هیات نمایندگی اتحاد شوروی که وروسیلوف وزیر دفاع وقت ریاست آنها برعهده داشت سه نوع پیشنهاد را به جوانب مقابل ارائه نمود. اما آنها تنها پیشنهادات را نپذیرفتند بلکه مذاکرات را نیز خاتمه دادند. قسمیکه بعد ها آشکار شد درین وقت دولت انگلستان گفتگو های مخفی را با هتلر پیش میردهد آنها تنها این بود که جرمنی علیه شوروی قرار بگیرد و با جرمنی معاهده عدم تعرض امضا نمایند. سفیر جرمنی در انگلستان



ترتیب پلان برای حمله ناگهانی

دیرکس در یادداشت های خود چنین نوشته بود: «در صورت امضای معاهده عدم تعرض انگلستان امکان می یابد تا از گمرانی های خود در مقابل پولیند فارغ گردد به این ترتیب مساله پو لیند جدیت تام خود را از دست میدهد.»
در آنوقتیکه جنگ روز بروز به سرحدات شوروی نزدیکتر میشد اتحاد شوروی چاره یی جز آغاز مذاکرات با جرمنی نداشت. در ۲۳ اگست معاهده عدم تعرض بین آلمان و شوروی در مسکو امضا گردید.
این معاهده پلان آنانیرا که میخواستند جرمنی را علیه شوروی در میدان جنگ بکشاند خنثی نمود.
در تابستان سال ۱۹۳۹ جاپان با لای جمهوریت خلق مغلستان حمله نمود زیرا که به آغاز جنگ بین آلمان و شوروی عقیده کامل داشت. بدین ترتیب پلان شوم آنها نیز موثر واقع نگردید.
بقیه در صفحه ۴۱

محولات پرواز در طیاره چندان مساعد نیست. ممکن است در یکی از کشتی های سر بسج حرکت جنگی خود به مسکو خواهید رفت؟
- نه خیر، زیرا که درین صورت تقریباً بیست افسر کشتی مجبور اند جاهای خود را به ماوا گذار شوند. این کار تکلیف اضافی ایجاد مینماید.
- در اینصورت در یکی از کشتی های سریع حرکت مسافری خود عازم خواهید شد؟ وقت بسیار خطرناک است شما باید هر چه زودتر عازم مسکو شوید.
جانب مقابل آشکارا خواهان ادامه گفتگو نبود. فقط بتاریخ ۵ اگست در کشتی مسافربری «سیتی اف ایکستر» بطرف مسکو روانه گردیدند.
اتحاد شوروی به هیات نمایندگی خود تاکید کرده بود تا با ماهورین فرانسه و انگلیسی معاهده دفاعی امضا نماید. عارشان زو کوف درین مورد در خاطرات خود چنین

شما نمی ژلد ؟

هیچوقت ، زیرا هر خانه کانکرتی باز هم به دروازه ، کلکین و غیره ضرورت دارد که ما آنرا درست میکنیم . پس سنگی در کار ما وارد نمیشود .

- این صنعت را نسبت به گذشته منظورم از زمانه های بسیار قدیم است چطور می بینی ؟ با اینکه کار های قدیم نجاری ما خیلی زیبا و نفیس است و از ظرافت و ریزه کاری های زیادی برخوردار است اما امروز هم اگر خواسته باشند میتوانیم مانند گذشته این کار ها را انجام دهیم . منتها وقت و زمان بیشتر می خواهد . چون در گذشته مقدار ساختمان ها خیلی محدود و کم بود بنابر آن یک نجار یا یک صنعت گر وقت زیادی را برای ساختن آن صرف نمیکرد . اما امروز چون تعداد ساختمان ها روز بروز بیشتر میشود و از طرف دیگر امروز سادگی و بیشتر می پسندند ازین رو هر صنعت گر کوشش میکند که کار خویش را هر چه زودتر انجام دهد . روی همین ملحوظ ریزه کاری هاییکه در بعضی سقف ها ، دروازه ها و رواق ها قدیمی وجود داشت امروز کمتر به نظرمی خورد . و همین امر باعث میگردد که این صنعت کمتر خود را بنمایاند . و یکجمله خیال میکنند که صنعت گر امروز آن مهارت صنعت گر گذشته را ندارد در حالیکه عقیده من غیر از این است .

مایل سازی رشته دیگر این صنعت است ، صنعتیکه روز بروز رونق می یابد و انکشاف میکند .

از یک مایل ساز سابقه دار در باره صنعتش معلومات می خواهیم ، میگوید :



کندن کاری روی چوب در کشور ما تاریخ خیلی قدیم دارد

صنایع نجاری در کشور ما تاریخ دیر پای دارد

صنایع است که در کشور ما عمومیت دارد. این صنعت تنها در کابل محدود نموده بلکه در تمام ولایات افغانستان رواج دارد . ابتدا شعبه بزرگ این صنعت را که عبارت از ساختن و تهیه وسایل اولیه یک ساختمان و مشتمل بر کلکین ، دروازه ، سقف و غیره است به شما معرفی میکنیم و با بکتن از صنعت گریکه پیشه ساختن این وسایل را به عهده دارد به گفتگویی نشینیم و ازش دران مورد معلومات می خواهیم .

اسمش غلام سخی است و سابقه سی سال کار در رشته نجاری دارد . می پرسیم کمی در این مورد روشنی اندازد میگوید :

برای شما معلوم است که هر قدر تمدن بلند برود به همان پیمانه سطح زندگی نیز بلند می رود . و قتیکه سطح زندگی بلند رفت توقعات و خواسته ها نیز زیاد میگردد و همین امر باعث میشود که صنعت نیز رشد و ترقی کند .

حرفه ما هم بستگی به این تحولات دارد . مثلاً اگر در گذشته شخصی خانه می ساخت طبیعی بود که آن خانه به وسایلی مانند دروازه ، کلکین ، سقف و غیره ضرورت دارد بناء برای خانه خویش این وسایل را تهیه می کرد اما بشکل ساده و ابتدایی آن . اما امروز همان خانه و یا خانه دیگر از این وسایل نیز استفاده میکنند منتها به شکل اساسی تر آن به این ترتیب حرفه ما همیشه در حال تحول بوده و خواهد بود .

- آیا منازل کانکرتی صدمه به کارهای

کابل از جمله شهر های بزرگ صنعتی کشور ما محسوب میگردد و وجود فابریکه های خود و بزرگ باعث گردیده که یک تعداد زیاد از صنعت گران در این فابریکه ها جذب شوند اما در پهلوی این فابریکات بزرگ و کوچک ، هستند دستگاه هایی که توسط یک یا چند نفر اداره میشوند و شکل صنایع خصوصی را به خود گرفته اند .

در این هفته روی سخن ما به نجاری ، کندن کاری ، چوب بری و خرازی است و به صورت عموم میتوان گفت به صنعت نجاری . این صنعت مانند سایر صنایع دسترانکشاف قابل ملاحظه نموده است . با اینکه در گذشته محدودیت های زیادی برای صنعتگران بوجود می آوردند ولی با تمام این ها این صنعت راه خود را در قطار سایر صنایع باز کرده است .

صنعت نجاری را میتوان به چند شعبه تقسیم کرد :

کندن کاری ، مایل سازی ، خرازی ، صندوق سازی ، پرکاری و صنایع ظریف دیگر مانند سیت سازی و غیره و ساختن دروازه و کلکین برای ساختمان ها .

اگر به تاریخ این صنعت نظر بیاندازیم میتوانیم تاریخ آنرا تا به قرن ها قبل یعنی تا پنج هزار سال بشماریم .

چوب بری ها و کندن کاری های که روی چوب صورت گرفته و آثار آن هنوز باقی است تاریخ آنرا خیلی پیش از تاریخ اسلام نشان میدهد . ولی کمتر آثاری از این صنعت باقی مانده . بهر حال نجاری از جمله



او را عشق ریافته است و بکارش عشق دارد

نمی‌تواند.

اگر چه در چند سال اخیر صنایع فلزی رقیب سرسخت صنایع چوبی بشمار می آید ولی هیچوقت نتوانسته جای صنعت چوبی را بگیرد. صنایع فلزی يك مزیت دارد و آنهم مقاومت و استحکام آن ولی ظرافت و زیبایی صنایع چوبی را هرگز ندارد و نتواند داشت.

- امروز در بیشتر فرنیچر و ایزم از مواد مانند فارمیکا و تخته های پرس شده مانند اسپانت پلیت استفاده میشود. در این مورد چه نظر داری ؟

- در این شکی نیست که هر صنعت نظر به مقتضای عصر و زمان خود تحول میکند و انکشاف می یابد. امروز که از این صنایع کیمیای در ساخته های خویش استفاده میکنیم بخاطر شرایط و مقتضیات زمان است و دیگر علاقمندی مردم نیز در آن نقش زیادی دارد. از حق نگذریم که این فرآورده های کیمیای در زیبایی صنایع نجاری نقش ارزنده دارد. و در پهلوی زیبایی کار صنعتگر را نیز سهل و ساده ساخته است. مثلاً در گذشته برای صاف کردن يك چوب مجبور بودیم ساعت ها وقت خود را صرف کنیم در حالیکه امروز تخته های پرس شده بدون کدام مشکلی جای آنرا گرفته و از نظر ظرافت نیز برتری بیشتری دارد.

فارمیکا که تازه در صنعت نجاری از آن استفاده میشود کار نجاران ما را خیلی ساده ساخته است. و همچنین علاقمندان آن نیز خیلی زیاد اند. استفاده از این پدیده ها در صنعت نجاری، به این صنعت شکل تازه بخشیده است.

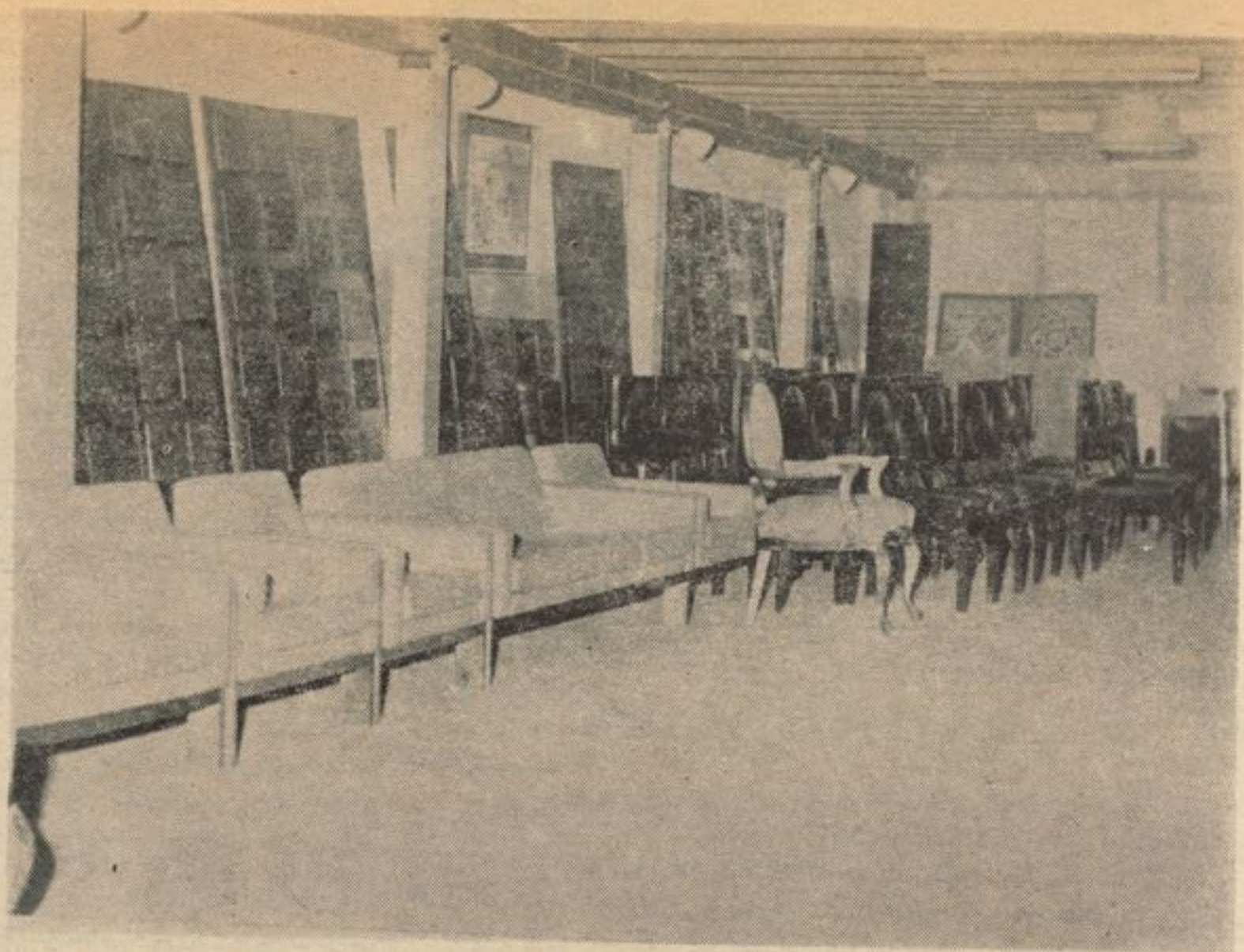
در مورد کردن کاری روی چوب از يك صنعتگر که پیشه اش کردن کاری روی چوب است سوال کردم که در مورد تاریخچه این صنعت چه معلومات دارد، میگوید:

صنعت کردن کاری روی چوب در کشور ما تاریخ بسیار قدیمی دارد. آثاریکه در بعضی معابد و ساختمان های قدیمی به چشم

لطفاً ورق بزنید



صنعت کردن کاری روی چوب در کشور خراسان و فرآورده های آن امروز علاقمندان زیاد دارد.



گوشی از تولیدات مختلف دافغان تصدی که از زیبایی و ظرافت زیادی برخوردار است.

مزیت که این وسایل دارد اینستکه بیشتر آن سبك و حمل آن آسان سهل است. در حالیکه فرنیچر يکه با استیل قدیمی کار شده و ساخته شده باشد بزرگتر و گرانتر میباشد يك موضوع هم قابل یاد آوری است که قیمت لوازم قدیمی نسبت به لوازم مدرن بیشتر است و این بخاطر اینست که وقت بیشتر صرف ساختمان مخصوصاً کنده کاری های آن میگردد.

- از نظر يك صنعت گر کدام يك بیشتر ارزش دارد. لوازم مدرن یا کلاسیک قدیمی؟ برای صنعت گر هر دو یکی است و هر دو شیوه برایش ارزش دارد البته هر کدام در مقام خود. اما شرطش اینستکه این فرآورده ها چگونه ساخته میشود. یکده نجاران حرفوی اند که صرف برای شان پول مطرح است تا نوعیت کار از همین سبب است که تا اندازه این صنعت شکل تجارتی را بخود گرفته است. ولی عده دیگر هستند که بکار شان عشق، علاقه و توجه خاصی دارند. از مواد خوب و عالی در ساخته هایشان استفاده میکنند و توجه می نمایند که کار شان بدون عیب و نقص باشد. که بیشتر این فرآورده ها را میتوان در موسسات دولتی از قبیل فابریکه نجاری وزارت تعلیم و تربیه، و تصدی افغانی ترکانی و امثال آن بخوبی مشاهده کرد. فرآورده هاییکه از این موسسات بیرون می شود هم از نظر زیبایی و ظرافت و هم از نگاه دوام خود قابل یاد آوری است.

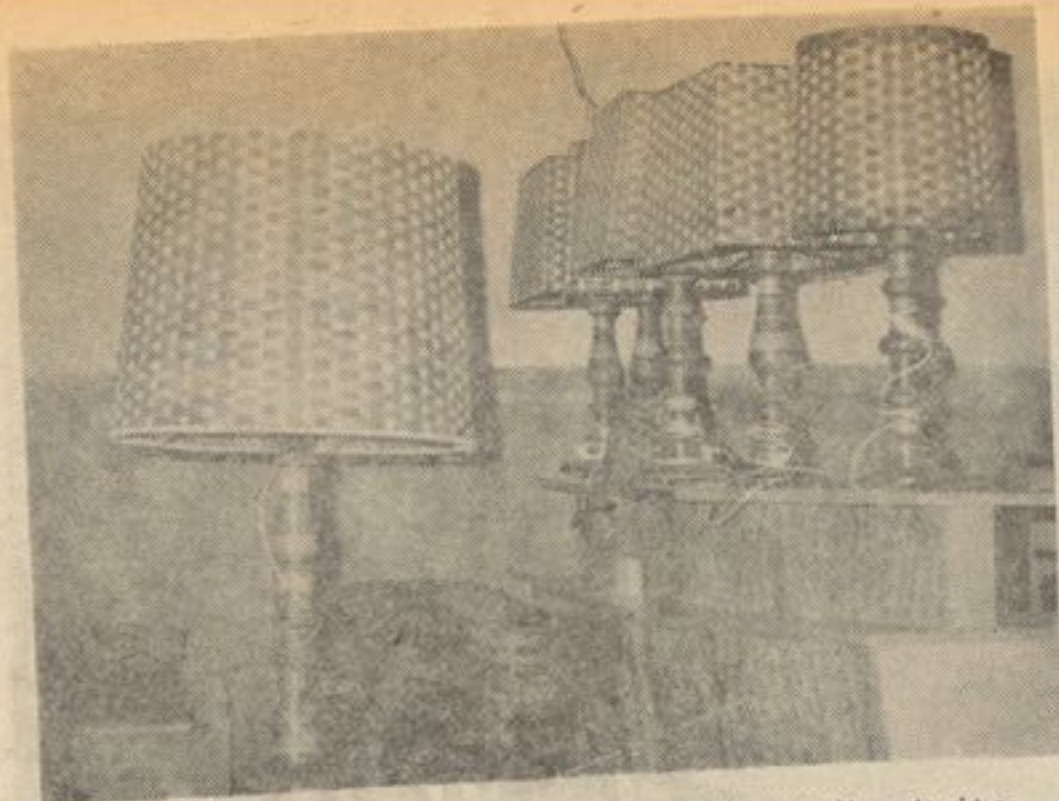
- از نظر توبك نجار و یا يك صنعتگر موفق کدام است ؟
علاقیت و کامیابی يك نجار و یا هر صنعتگر دیگر بستگی بدو عامل مهم دارد. یکی علاقه و پشتکار دوم راستی و صداقت در کار. این دو

من بیشتر از سی سال عمر خود را در پای این صنعت گذرانده ام. و در طول زندگیم شاید به هزار هاچوکی، میز، انواری، و دیگر وسایل خانه این خانه ساخته باشم اما با تمام این ها و گذشت سالها باز هم فکرمی کنم که در شروع کار قرار دارم. هما نظوریکه هر علم بی پایان و نامحدود است این کار و یا بهتر بگویم این صنعت هم دامنه و منبع دارد که انتهایش معلوم نیست.

موبل سازی تاریخ بسیار قدیم در کشور ما ندارد شاید بنجصد سال بیشتر عمر نداشته باشد. اما در طول همین مدت این صنعت روز بروز انکشاف قابل ملاحظه ای نموده است. صنعت موبل سازی بصورت عمو م به دو شعبه تقسیم میگردد یکی ساختن خود موبل ها از قبیل چوبی، کوچ، چیرکت، میز، انواری و غیره که تماماً از چوب ساخته می شود. شعبه دوم این صنعت پر کاری و رویه کاری میباشد که تقریباً میتوان گفت آخر کار است.

در صنایع چوبی گذشته بیشتر ساختمان ها با کردن کاری از قبیل گل و برگ تزیین می یافت که امروز این تزیینات را کمتر میتوان دید. اما از یکی دو سال به این طرف باز هم ساختن لوازم منزل مانند چوکی های بزرگ و کوچک، انواری، اقسام میز ها به استیل قدیم یعنی باکندن کاری رواج یافته و امروز این شیوه بازار گرم دارد و تقریباً میتوان گفت که احیای دو باره هنر قدیم است.

- بیشتر مردم بکدام شیوه از لوازم منزل علاقه نشان میدهند قدیم یا مدرن ؟
این بسته به میل طرف است یکده زیاد مردم علاقمند موبل و فرنیچر مدرن هستند.



جراغ های ساخته شده از چوب از زیبایی و ظرافت خاص برخوردار است

می خورد تاریخ کهن این صنعت را بحیثی می رساند .
- از نظر توان این صنعت منظورم کندن کاری روی چوب است آیا اکتشاف نموده یا برعکس سیرتولی داشته است ؟

وقتیکه به آثار قدیمی برمی خوریم و ریزه کاری های که در آن مشاهده میکنیم و این آثار را باحال مقایسه می نمایم یکتاوتی در آن میبینیم بدین معنی که آثار گذشته و قدیمی ما از ظرافت و ریزه کاری های بیشتری برخوردار بودند، در حالیکه از نظر وسایل نیز محدود بودند، ولی پس از انقلاب قطرمند نور میتوانیم ادعا کنیم که این صنعت نیز راه احیای دوباره خویش را در پیش گرفته است .

هنریکه در به فراوانی مرسوم شده بود و حالا تازه جان میگیرد .

- هنر کندن کاری چگونه هنری است ؟ کندن کاری یکتاوت هنر تزیینی است که حوصله، ذوق و دقت زیاد می خواهد و باید علاوه بر کندن که صنعتگر در پهلوی هنر کندن کاری نقاشی و تناسبات را نیز یاد داشته باشد، پس گفته میتوانیم که این صنعت با هنر نقاشی رابطه نزدیک دارد . و هر یک در تکمیل دیگر خویش نقش بسزایی دارند .
سوال اینکه در این صنعت از آن استفاده میشود کدام ها اند ؟

باید بگوییم که در صنعت کندن کاری روی چوب از وسایل و لوازم خاص استفاده نمیشود تنها سه وسیله اساسی در این صنعت چکش، قلم و سوهان است و این وسایل از قدیم تا امروز همین بوده است .
- یک چوکی ساده بایک چوکی که روی آن کنده کاری شده باشد چقدر از نگاه قیمت تفاوت دارد ؟

یک موضوع را باید خاطر نشان سازم و آن اینکه یک موبل ساده اگر قیمتش هزار افغانی باشد، شاید سه تا پنج صد افغانی بیشتر باشد اما این بستگی به طرز کندن

کاری و حساسیت خود موبل دارد.

هر قدر موبل بزرگتر باشد به همان پیمانه کندن کاری روی آن بیشتر میشود و مطلب دیگر اینکه کندن کاری هاهم از خود کتگوری های دارد . بعضی کندن کاری ها

ساده است که کمتر گل و برگ یا خطوط تزیینی دارند و برخی زیاده روی آن کندن کاری صورت گرفته که این هم در قیمت آنها تأثیر زیاد دارد .

شما در ساخته های خود از کدام روش استفاده میکنید و بیشتر این کندن کاری ها روی چوب به کدام سبک است ؟

مادر تمام ساخته ها و فرآورده های خود که توانم با کندن کاری روی چوب است از روش خاص افغانی و عنعنوی خویش استفاده میکنیم . کوشش ما اینست که نقش و نگار های کلاسیک و

قدیمی افغانستان را دوباره احیا و زنده کنیم . این صنعت در کشور ما همانطوریکه قبلا گفتم .. تاریخ خیلی کهن دارد و با قدمت اصالت و زیبایی آنرا همانطوریکه هنرمندان گذشته حفظ کرده بودند ما هم می خواهیم آرایه بهترین صورت حفظ نماییم .

- بیشتر این کندن کاری ها روی موبل و فرنیچر صورت میگیرد یا برای ساختمان منازل و مخصوصا برای زیبایی آنها از آن استفاده میشود .

مانظریه فرمایش مشتریان کار میکنیم اگر مشتری خواسته باشد که روی چوب با برایش کندن کاری این کار را میکنیم چنانچه بسیاری از مشتریان ما بخاطر زیبایی منزل شان گوشه ای از دیوار خانه شان را از چوب کندن کاری پوش نموده اند . دروازه ها و بعضی دیگر از ساختمان را نیز کنده کاری می کنیم . و این علاوه از کندن کاری روی فرنیچر و لوازم چوبی خانه است . به دوکان دیگر نجاری که بیشتر فرآورده هایش از چراغ های خواب، چراغ های کتج سالون، خاکستر دانی های چوبی و دیگر لوازم منزل میسازد وارد میشود این همه لوازم که با سلیقه خاص چیده و تهیه شده به دو توجیه هر بیننده را جلب می کند .

از فروشنده آن در مورد ساختمان آن سوال میکنم میگوید :

بیشتر این فرآورده های چوبی را که می بینید که از چوب های بی مصرف که بسیاری از نجاران آن را بدون می اندازند تهیه شده است .

مثلا این چراغ های خواب و چراغ های کتجی از پارچه های نازک که تقریبا شبیه

برخیه است ساخته شده است . و همینطور خاکستر دانی، گلدانی و غیره چیز هاییکه می بینید همه و همه از تخته پارچه های چوب ساخته شده است .

- آیا این ساخته های شما فروش هم دارد ؟

بلی، چراغ نداشته باشد، این اشیا که ظاهرا ساده بنظر می آید ولی در حقیقت خیلی پدید بخور است . شما اگر نظیر آنرا که از ساخته های خارجی باشد از بازار بخرید شاید چهار چند قیمت این را داشته باشد در حالیکه این فرآورده ها هم از نگاه زیبایی و هم از نگاه جنسیت خویش بهتر از فرآورده های خارجی است .

- در ساخته های خویش از کدام چوب ها استفاده میکنید و از نگاه کار آن کدام چوب بهتر است ؟

این بسته به میل خریدار و علاقمند است که کدام چوب را می پسندد، اما، مادر تمام ساخته های خویش از هر نوع چوب استفاده میکنیم . در قسمت این سوال شما که کدام چوب بیشتر پدید بخور است باید بگویم که تمام چوب ها برای ما قابل استفاده است ولی چوب های نسبتا نرم کار ما را آسان تر میسازد ولی بعضی از این ساخته طوری است که غیر از چوب سخت از دیگر چوب ها ساخته نمیشود .

- شما در موسسه خود چند نفر کارگر دارید و آیا تا بحال چقدر تریه نموده اید ؟

در کارگاه ما بیش از ده نفر کار میکنند یکده هم بدون اخذ معاش برای یاد گرفتن کار با ما همکاری دارند، و شاید تا حال پنجاه نفر درین قسمت تریه شده باشند . صدای چکش های متواتر که روی چوب می خورد توجه مرا جلب کرد نزد جوانی که

با چکش و قلم روی چوب می کوبید رفتم او مصروف کار خود بود، بدون اینکه سر خود را بلند کند با تراس های که در روی چوب می

آورد ، چوب آهسته آهسته شکل میگرفت و بالاخره پس از چند دقیقه شبیه خاکستر دانی از چوب ساخته شد . هنوز کار زیادی باقی بود تا این پارچه چوب بسک خاکستر دانی به تمام معنی گردد . از این جوان در باره کارش سوال کردم با دلچسپی جواب داد : یکبارم عشق دارم ، وقتیکه مصروف مشو ۴ اصلا گذر دقائق و ساعات را فراموش میکنم ، کارم خیلی مصروف کننده و جالب

است . وقتیکه موفق میشوم تا از یک پارچه چوب بی مصرف شی مورد احتیاج را بسازم به خود می بالم و احساس خوشی و غرور به من دست میدهد امیدوارم که در آینده بتوانم کار های بیشتر و سودمندتری انجام دهم
باز هم مصروف کارش میشود و صدای چکش و قلم بلند میشود . دیگر نخواستم مزاحسم او گروم از دکان خارج میشوم .

اگر گذرگان به قلاچه و یا سرای شما لی و بپند یکده را مصروف ساختن صندوق های میوه می یابید این ها از پارچه های چوب چنار با سرعت تمام که باعث شگفتی انسان میگردد به ساختن صندوق مشغول اند وقتیکه از کار شان سوال کنید با علاقمندی جواب میدهند و میگویند : میوه یکی از اقلام درشت صادراتی کشور عزیز ما افغانستان را تشکیل میدهد و باید برای این قلم درشت که به اقتصاد کشور ما کمک بسزایی میکند صندوق ها ساخت و ما هم مصروف این کاریم .

می پرسیم یک نفر به تنهایی ازین چوب های بریده شده به چه اندازه صندوق میسازد میگوید : ممکن در حدود صد تا یکصد و پنجاه صندوق .

خرادی هم قسمت دیگر از صنایع نجاری را میسازد ، این شیوه نجاری امروز علاقمند زیادی پیدا نموده است و روز بروز بر تعداد علاقمندان این صنعت اضافه میگردد . علت این علاقمندی مردم به این صنعت برای چیست و بخاطر چه ؟

این سوال را از خردکاریکه مصروف ساختن یک سیت چوکی خردای بود نمودم . در جواب گفت : علت عمده که مردم علاقمند فرنیچر خردای شده اند در قدم اول قیمت آن است . شما به تناسب دیگر لوازم، لوازم خردای شده را ببینید قیمت آن خیلی کمتر است و این از نظر اقتصادی برای خریدار نهایت ارزشمند است .

در پهلوی قیمت ارزان و مناسب اینس فرآورده ها استحکام و دوام آن هم قابل بحث و اهمیت است . از همین رو امروز بیشتر خارجیان که در کشور ما زندگی دارند از این ساخته ها استفاده میکنند حتی علاقمندان آن در اروپا نیز روز بروز بیشتر گردیده است . تغییرات و تحولاتی که روز بروز در این صنعت داده میشود بیشتر بر محبوبیت آن درین علاقمندان آن افزوده است .



صندوق سازی از جمله صنایع نجاری محسوب میگردد که یکده زیادی را بخود مصروف ساخته است

ده قرن در چهل سال

از پسمانی تا پیشرفت، از زندگی کوچی تا سوسیالیسم پیشرفته

مردمان آسیای میانه اتحاد شوروی چنین راهی را در ظرف چند ده سال طی کرده اند.

بخاطر میاوریم سطوح چند از راپور تا زورنالیست فرانسوی را که راجع به آسیای میانه نوشته بود. (ده قرن رادر ظرف کمتر از چهل سال عقب گذاشته اند) اما در جهان هیچ چیزی (خود به خود اتفاق نمی افتد) برای هر چیز آسیاب و عوامل وجود دارد. اما در اساس چنین پیشرفت سریع جمهوریهای آسیای میانه چه چیزی نهفته است؟

تا قبل از انقلاب کبیر اکتوبر ۱۹۱۷ خلقهای روسیه در سطوح مختلف اقتصادی - سیاسی پیشرفتهای فرهنگی و نتیجتاً در سطح های مختلف استحکام ملی قرار داشتند. در آسیای میانه با فرق از مناطق اروپا بی مملکت، بیشتری خلقهایشان به صورت ملت تشکیل نشده بودند. بسیاری آنها بشکل کوچی زندگی میکردند. در عرصه اقتصادی و اجتماعی رول عمده را مناسبات عقب مانده بی فیودالی بازی میکرد تجارب شوروی نشان داد که فرق در سطح پیشرفت خلقها به حیث یک مانع بر طرف ناشدنی برای اتحاد آنها در چوکات یک دولت یگانه شده نمیتواند. بهین سبب سوسیالیسم به خلقهای عقب مانده اجازه داد تا با کامیابی سریع خود را به ملت های پیشرو و پیشرفته برسانند.

اتحاد شوروی به اثر از بین بردن ستم ملی و حقیقت بخشیدن خود ارادیت - آزادی خلقها حق ملتها برای تعیین سرنوشتشان بوجود آمد. وضع قوانین اساسی مشکل ترین کار هاست. بسیار مشکل تر از آن از بین بردن ستم ملی و بر طرف کردن عقب مانیا در عمل است. تاریخ به عاقلانهای فراوان آموزنده میدهد که چگونه کلمات زیبای آزادی - برابری - دموکراسی - همانطور بشکل کلمات نوشته شده روی کاغذ باقی میماند.

در یکی از تصامیم کمیته مرکزی حزب کمونیست که در آغاز سالهای بیست گرفته شده بود - گفته شده: «کمک بهر یک از جمهوریها - یا ایالت ها باید بادر نظر داشت و مطابقت با روابط اقتصادی و طرز زندگی

مخصوص خود مردمان همان سرزمین صورت بگیرد. و راجع به سرزمین های دور دست شرقی - ما همیشه باید بخاطر داشته باشیم که هر کدام آنها یک جهان مخصوص بخود بارسوم و روابطی مخصوص و زندگی اقتصادی مخصوص بخود را دارا میباشند. رهبر پرولتاریای جهان تذکر داد که باید مؤسسات شوروی را به سطح ممالک دهقانی شرق سازگار ساخت.

نمونه بی این سازگاری حکومت شوروی به نیازمندیهای عملی ساختمان سوسیالیسم در سرزمین های دور دست و عقب مانده روسیه تعیین حدود حکومت های ملی در آسیای میانه بود - که پنجاه سال قبل اتفاق افتاد. در نتیجه آن حکومت جدیدی بوجود آمد که به شکل جمهوریت های یگانه ملی از نولحق شوند.

بوجود آمدن از پاکستان شوروی - ترکمنستان شوروی و جمهوریهای تاجکستان و فرغزستان خود مختار - که بعد ها جمهوریت های شوروی شدند - باعث رشد خود آگاهی ملی و تکامل این خلقها به ملیتهای سوسیالیستی شد. شخصیت معروف حکومت شوروی م. ی. کالینین نوشت:

«که خصوصاً این دو باره سازی نه تنها ممانعت فراهم نیارود بلکه رشد یگانگی اتحاد را مساعد ساخت.»

استحکام ملی خلقهای آسیای میانه اتحاد شوروی در عین زمان برای عملی کردن آن سرمایه گزار بهای بزرگ که حکومت شوروی برای ساختمان زندگی اقتصادی و فرهنگی - سرزمین های دور افتاده تعیین کرده بود - یک سازمان منظم را بوجود آورد.

قبل از همه تقسیم مجدد منابع در آمد خلقهای با اقتصاد پیشرفته به خلقهای عقب مانده صورت گرفت. اما برای بر قرار واقعی حقوق مساوی یکبار تقسیم مجدد کفایت نمیکرد صنعتی ساختن آسیای میانه و آنهم سرعت رشد صنعت باید فوق العاده سریع باشد.

اساس صنعتی شدن سر زمین های دور دست ملیتهای شرقی، مناطق روسیه مرکزی

و او گرائین بود.

از آنجائیکه جمهوریت های خاوری ذخایر لازم را برای صنعتی شدن نداشتند - پول طرف ضرورت آنها از بودجه سرتاسر اتحاد جماهیر شوروی اختصاص داده شد. در عین زمان دهشتیان آسیای میانه - یابه عباره دیگر قسمت بیشتر مردم در سال ۱۹۲۴ از پرداخت مالیات عمومی برای مدت پنج سال معاف شدند.

نتایج چنین سیاست اتحاد شوروی بزودی خود را نشان داد. در سال ۱۹۲۷ عنگامیکه جواهر لعل نهرو وزیر مسافرتش به شوروی - دو باره بوطن بازگشت به هموطنان خود گفت: «آگاهی از موفقیت های بزرگ مناطق عقب مانده آسیای میانه که در زمان حکومت شوروی به آن دست یافته اند - تاثیر بزرگی بالای من گذاشت. موجودیت اتحاد شوروی در جهان تاریک و افسرد ده یک پدیده روشن و مطبوع است.»

اما سال ۱۹۲۷ فقط آغاز پیشرفت نبود. مهمترین مرحله در تحول سوسیالیستی آسیای میانه دسته جمعی ساختن زراعت بود. برای آمادگی آن در جمهوریت های خارجی اتحاد شوروی لازم به تحقق بخشیدن و تغییر شکل اساسی در حدود روابط تولیدی ماقبل سرمایه داری بود.

اصلاح اراضی و آبیاری - تعیین حدود چراگاه ها و مراتع - مصادره دارایی های نیمه فیودالها (باباها).

رژیم عقب مانده در آغاز باید به خسرده بود و زودی تغییر میخورد - نقش مهم دسته جمعی ساختن زراعت برای رشد راه شیر سرمایه داری چنین تعیین شد که خلقهای عقب مانده در حالیکه بطور عادی تولید کنندگان کالا باقی ماندند - گذار به سوسیالیسم را تحقّق بخشیدند.

بزودی بعد از سه ده سال کلخوز ها و سلخوز های آسیای میانه تبدیل به مؤسسات سوسیالیستی و مجهز با مکانیزه عالی شدند...

برای اینکه از اعداد سو استفاده نکرده باشیم - راجع به رشد جمهوریت های آسیای میانه ارقام را مثال نمیآوریم. تا باید میشود که سر زمین های ملیتهای دور دست در یک مدت کوتاه به جمهوریت های عصری فوق العاده پیشرفته بی صنعتی و زراعتی مبدل شدند. آنها مراحل رشد کاپیالیستی را عقب

گذاشته و به ملیتهای پیشرو و پیشقدم اتحاد شوروی خود را رساندند. اما در اساس این پدیده منلی که ما میبینیم - تقسیم مجدد منابع مادی به مقیاس تمام دولت و کمک متقابل برادرانه ای خانواده های خلقهای شوروی قرار داشت. همزمان آسیای میانه پسمانیهای فرهنگی را نیز از بین برد. و باز هم نقش قاطع را کمک برادرانه بی خلقهای رشد یافته تر باز نمودند. فدرا سیون روسیه و او گرائین نه تنها در جمهوریت های خاوری انجینیران متخصصین زراعت - ثوب فلز - و ترینران - معدنکاران راه سازی معماران بلکه استادان معلمین داکتران و کارکنان علوم و هنر را نیز فرستادند.

باید خاطر نشان ساخت: مسأله مطلقاً روسی ساختن خاور بود هیچگاه از یکی از استاد حزب کمونیست اتحاد شوروی نقل قول میشود که روی این سوال روشنی مطلق می اندازد.

در تصمیم کننده دوازدهم حزب سال ۱۹۲۳ راجع به آن که باید قوانین وضع شود تا استعمال زبانهای محلی رادر تمام مؤسسات که برای مردم همان محل و ملیتهای کوچکتر خدمت میکنند میا سازد و با تمام سختگیری انقلابی متخلفین حقوق ملیت ها و مخصوصاً حقوق ملیتهای کوچک را تعقیب و بسزای اعمالشان برسانند مستقیماً تذکر داده شده بود. این تمام ساحات زندگی را دربر میگرفت در این میان راجع به برابری زبانها از بین بردن برتر یها و میا ساختن راه های آزاد رشد هر یک از زبانها، آزادی مطلق حرف زدن هر فرهنگ و طریقه کردن آموختن - باطلان را به هر یک از زبانهای اتحاد شوروی که خواسته باشند سخن زده شده بود.

روشن است که زبان روسی مثل مروجترین زبانها در اتحاد شوروی وسیله رابطه بین تمام ملت ها شد. اما انتخاب زبان روسی برای قانونی - ی. ی. سلم سلیا زکازکا به وجهه تمام خلقهای اتحاد شوروی رضا کارانه بود. در آسیای میانه روشنفکران ملی با آهنگ سریع بوجود آمد. تعداد محصلین بالای هر یک ده هزار نفر ساکنین در جمهوریتی مانند از پاکستان نظر به آلمان غرب و ایتالیا برتری داشت و نظریه تعداد داکتر امریکا انگلستان و فرا نسه را عقب گذاشته بود.

میخواهیم یکبار دیگر به کلمات ژورنالیست فرانسوی باز گردیم. (ده قرن در ظرف کمتر از چهل سال طی شده). مثل که میبینیم این واقعیت است نه یک تمثال هنری بلکه اعتراف یک واقعیت حقیقی.

انتون چخوف

د

ما کسيم کور کې

په نظر کې

تيريسې

انتون پاولوويچ، تاسې به د سړي بې وجداني سره ما د يوې بيخي پيچيده مسئلې سره مخامخ کړي. که چيرې زه و پوهېږم چې د گر يگوري پف به و جود کيدو شيطاني کار ونه دسر ته رسو نو له پاره اګا ها نه اراده و جود لري. دا ز ماوطينه ده چې هغه بې له ختمه زندان ته و سپارم. په دې د ليل چې د آو لني گهي همدا غواړي که چيرې هغه و حسي او دخپل عمل لسه جنايت څخه خبر نه وي، نو بيا مې زړه بري سو ځي.

که چيرې هغه ديو داسې مو جود به حيث په نظر کې ونيسم چې بې له عقله عمل کوي اوز له رقت څخه ډکو احساساتو ته ځان و سپارم، څنگه کولی شم چې پوښتنې ته ضما نت ورکړم چې دغه دنيس گر يگوري به نور ددروازو قلفونه نه واړوي او تر پنو نه به له خپلو لارو څخه دباندې نه غور ځوي؟

وروسته لږ څه چپ شو، او په جو کي گستاخت او خپلې سترگې يې په آنتون يا ولووېچ کې خپسې کړې. ددې سړي رسمي لباس لوی و او لاند يې نيمې پسي ديو ه متعصب او گستاخ ژبکي چې تا زه يې خپل مخ مينځلې وي، دسترگو په شان خپلېدې.

آنتون پاولوويچ په خورا و قار سره وويل: «که چيرې زه قاضي وم، د نيس ته به بړاوت ورکړم».

په څه دليل سره؟

«هغه ته مې ويل: (دنيس، ساتر اوسه پودي ديوه اګاه او با خبره جنايتکار بــه الدازه رشد نه دی کړی، څه ولاړ شه ترڅو چې هغه ځای ته ورسېږي».

سړي وځنډل مگر ډير ژر يې خپل وقار بيرته لاس ته راوړ او ادامه يې ورکړه: «ته، آنتون پاولوويچ محترم، هغه مسئله چې تاسې ميدان ته را ايستلې ده، پــوازي ديو لني په گټه حل کيدی شي، هغه اولته چې زه يې د ځان او مال د ساتنې

سره ..

چخوف هر چيرې دپستيو او مزخرفاتو دښکارکولو هنر په خپل ځان کې درلود. داسې هنر چې يوازې هغه خلک چې له خپل ژوندانه څخه غالي او لوړ و تو قعات لري او په هغوی کې ما عراو استاذي ته رسېږي او د سادګۍ، ښکلا او دانسا ناټو دهيا هنګي دليد او له مو خړونکي هوس څخه سر چينه اخلي. هغه دپستيو او مزخرفاتونچندې او بې رحمه قاضي و.

يو ځلې يو چا دده په مخکې وويل چې ديوې مشهورې مجلې چلو و نکي، هغه سړي چې تل د نو روپه نسبت د زړه سوې او علاقې ډاډر تيا څخه خبرې کوي، يې له کور و اړه علته څخه يې داو سينې دلا ري سا نو نکي نو هېن کړي، او دخپل عادت سره سم د خپلو لاس لاندې خلکو سره سم گزاره نه کوي.

آنتون پاولوويچ په خدا سره وو يـل: «طبعي ده، ځکه هغه يو اشراق زاده دی دتعليم او تر بېي خاوند پوسړی دی ... لوړ او بر جسته تعليم يې کسړی دی او د څرمنې خپلې په پښو کوي» او دا کلامات په داسې ټول اذا شول چې د «اشراق» کلمه يې په يوه مسخر مشوي او منځنسي موجود بد له کړه. ديوه مشخص ور ځپا نه ليکونکي په باره کې يې ويل: «يو ډير با استعداد شخص دی، ليکن يې کــل:

له آب و تاب او خوږو څخه ډکې وي ... د خلکو په مخکې خپلې پښې ته دا حقي په نا مه غږ کوي. څه منګا ر ان يې په يوه لنډه کوټه کې بيدېږي او ټول درو هاليزم دريا تو لي او پر مخيا په کار کې لاس لري»

«آنتون پاولوويچ: آيا تاسې دشمې اړه باخ او احوال خوښوي؟»

«هو! يونانزېن سړی دی». آنتون پا و - لوويچ په داسې حال کې چې ټو خيده، بيابې تکرار کړه: «په ټولو شيانو پوهېږي، ډيره مطالعه کوي، هغه درې کتا به له ما څخه واخيستل او هغه يې بيرته را نه وړل. لږ څه پریشان فکره دی. نن تاسې ته وايي چې ښه سړی ياستی او سبا بيا بـل سړی نه وايي چې دخپلې مغزو قو د ميره ودرښمېني جوړاېي موغلاکړې دي».

کله به په نظر کې داسې ښکار يده چې له نا اميدۍ څخه ډک حرکات يې د نو روپه نسبت دده په رفتار او عمل کې مو جـود دی. يو دا سي ټول نا اميدۍ لکه سړه مال يو سي او چو پتيا.

يو ځل يې ماته وويل چې: «روس يو عجيب موجود دی چې تر ډيره وخته پو ري يو سي به خپل ځان کې نه شي ساتلای په خوا نې کې په ډيره مينه، خپل ځان په هر شي يا تدی چې مخې ته يې موجود وي ستيا لوي. کله چې ډير ش کلنسي ته ورسېږي دخو شي او چټي شيا نو له ډيري څخه په غيږ چي نه رنگ لري او نه پوي، بل څه ورته نه با تي کيږي. که چيرې انسان وغواړي چې ژوند و لري، هغه هم يو انساني ژوند، بايد کار و کسړی کاره ډيره مينه ا وایما ن سره وولي موږ

په خپل هيواد کې ليو هيرو چې هغه خرنگ سرته ور سو و. دنيمارکي استاد چې يو دوه کور ده آبا د کړی، نور کرا ر کښي او خپل پاتې ژوند دود قو په لوبې سره تير وي. يا دا چې دنيا يې د صحنې شا ته چکړو هي.

يا دا چې يو ډاکتر لږ څه تجربه پيدا کړه، نو بيا په علم او پو هي پسي ته مگر زي هيڅ وخت د (شر ملو له خپرو نو) څخه په غيږ بل څه نه لولي او په څلويښت کلن کاله عقیده پيدا کوي چې ټول مر صو نه لهولکې او زکام څخه پيدا کيږي ما هيڅ وخت له يو داسې کار کړو نکي (کارمند) سره خبرې نه دي کړې يعنې ورسره مخامخ شوي نه يم چې د خپل کار له اهميت څخه ډيره لږه خبر تيا و لري. هغوی عمو مسا خپل ځانونه په پايتخت او په ايا لسي ښار ونو کي د فن کوي، ليکنو نه ليکي، ژيمو ف او اسمر گون آي ي ليري ترڅو

چې هغه تر اجرا لاندې ونيسي زيمو ف او اسمر گون هم هغه په خپلو کارونو کې محدودوي کارکونکي (کارمند) هم ديوت پرست په خبر چې جهنمې ښکجو ته اهميت نه ور کوي، په خپلو د غو استاد و سره نور کار نه هيڅ توجه نه کوي او هغه قا عسي چې په يوې بريالۍ د قا عي سره يې قو م او نشان پيدا کړي دی، نور نو خپل ځان ته دحقيقت څخه ددفاع له پاره دردسره ورکوي.

بلکې خپلې پسي د آسو نو د خپلو اړ په مسا بقه اير دی، او خپل ځان په ټولو هنرونو کې يوه اوکار شناس ښي. پــوه هنرمند چې په دوه يا درې نقشونو کې يې بر يا ليتوب لاس ته راوړي، نور يا خپلو نقشو نو با تدی هيڅ نظر نه اچوي، بلکه پــوه چــگه خو لــس په ســر ايســر دی او ځان نابغه بولي ددغو کله اتو لا دي يو سوو او له غمو ډک سر زلش پټ دی. مگر چخوف ي په هماغه حال کې چې خلک يې حقير گنل، دتر حم احسا س يې هم کاوه. که چيرې دده په مخکې دجا سره بد رفتار شوی وي دايقيني وه چې د هغه ددفاع له پاره را پو رته کيده.

«وويني! هغه يوزوږ سړی دی، او يا (۷۰) کاله عمر لري ...»

«هغه تر اوسه ځوان دی، يوازي اوبوازي دده بې تجربګي ده چې ...»

او کله به يې چې دا ټول خبرې کولې ما په ده کې د کر کې او تنفر هيڅ ټول نښه نه ليدله ...

کله چې محترم خلک، دالبون دکتور (دختر البون) کيسه لولې نو خا ندي او په احتيا ل سره ويلې شو چې قا درته دی چې هغه د کر کې ډک رښخند چې خوښ خو را که مالک يې په هغه بيجاړه او يې وژلي مو جود با تدی چې له هر چا او هر شي سره بېگا نه دی په دا ستان کې وويني. زه د چخوف په ټولو خند وونکو کيسو کې دده دپا ک ا وانسا تي زړه آرام او زور آهو نه او رم. هغه ما يو سانه او له قرحه ډک آهونه چې دانساني موجود - اتو لپاره نه شي کولې د خپل ځان موجوديت له پاره احترام لاس ته راوړي. اودوحشي قو تو نو په مقابل کې يې له مقا ومته ډير-

گرداگرد ؟؟؟

چشم های گردش راکه در آن نینگ های
گرد چون دایره های متحد المركز قرار
داشت به سویم گشتانده بالحن برآمده
گفت :

«می فامی که یکی از زهرانک ترین سارق
هازمه بسیار عالی داره ؟
نفسم بند شد .
کمی پس تر پرسید :
«قدم نمی زنی ؟»



گفتم :

«جراتی»

«ممکن توفان شوه»

«ده ای آسمان آبی آبی ؟»

«می فامی که آدم صدای غرش رعد ره ده
فاصله بیست کیلومتری نمی شنوه ممکن همی
حالی ده دور دشتها رعد غرش کنه ...
من که زیر تاثیر این «منطق» رفته بودم



های کوچک سبیده که در آنها آدم های
با پوست آفتاب سوخته، به استراحت می
پرداختند می دیدم . این کشتی ها به روی
مخمل آبی بحر مثل اینکه با آهنگ موزون
و ملایمی بر قصد بایین و بالا می شدند .
هوای دلکش و زیبا بوفتن سعی می کردم
از زندگی ام در این بهشت روی زمین جدا کتر
لذت را ببرم .



روز دیگر که با اشتیاق فراوان و سر حال
بایین شدم که نام بخورم یک مرد میانسال
آشنای دیگر میزبان بنده نشسته بود .
کوبه های گرد چشم های گرد دهنان گرد
عینک های گرد و از همه بهتر سر طاس گرد
داشت .

«خوب هستی ؟»

«خوب ...»



اضافه کردم :

«ممکن همی خالی کدام توفان باران خاره
بی سرازیر شده باشد .
او ناگهان به شاخه دیگری پرید و گفت :
«تصادفا همی حرف «ی» ده زبان اروپایی
زیاد به کار می بره، مثلا ده زبان فرانسوی
از هر هزار کلمه ۱۸۴ تا ی ان «ی» دارد.»
من قرار را برقرار ترجیح دادم .

بقیه صفحه ۴۳



هفته نهمه خمکه کی جی به ده بوری نیولی
ده . هغه خه جی د ورتیا وپوی سر ته
ورسوی .

به هغه وخت کی ماد (واسیلی بوسلاف)
به نامه یو پرام لیکه ، او د و سیلسی
به آب و تا به نک مغرورانه پیش آمد می
ورنه و او راوه .

ما که جیری لز خه دیر قوت به خان
کی در لودای !

به خیل سو خوونکی نفس به می خپلسی
شاو خوا واپوری و بلری گیری وی ،
دنوی به چار چا پیره به می خیدم او
خمکه به می شود یاره کو له .

لوی او واپه بر زمین بنا رونه به می
جور گیری وو .

کلیسا وی به می جوری وی، او دیوو
با غو نه به می جور گیری وو .

هغه وخت به نری دیوی یشکلی بیغلی
به خیر یشکاره شی !

او ما به هغه وخت هغه د لوی به خیر
به غیر کی نیولی وه .

خمکه به می به خپلی سینی بوری یشکاره
نیولی وه .

بورنه لوی به می کتل او ... نه به وروپوی
وه .

وونیی جی او س می هغه خو مره یشکلی
گیری ده .

نامی هغه دیوی دسری به شان به
قضا کی و غور خوله .

ما هغه دیو یشکلی (جواهر) به خیر
یشکلی جوړه کړه !

که کولای می شوای ، به دیری خوشحالی
سره به می تا سی ته هد به گیری وی،
خو داکار نه شم کو لای خمکه جی دیره
رانه گرانه ده .

دچخو ف دا پیش آمد دیر خو یش شو ،
به نصیبی توخی سره بی ما او آ . آن آنگه
وویل :

(پته ... دیر پته حقیقی ، اما نه .
ریشیا هم بوداسی شی دی جی به هغه کی
(دو لو فلسفو معنی پته ده) بشر نری داو-
سیدو خای سرخولی دی .

او د هغه خخه به د خیل ژوند له پا ره
یو پته خای جوړگیری .

خیل سر بی و نیو راوه او تکرار بی
کړه (هغه به داکار وگیری .)

مانه بی وویل جی یو خل بی بیا وواپه،
اوپه دامی حال کی جی له کمر کی خخه
بی دبالدی کتل ، دهغه اور ید و ته بی
غو ب نیولی و .

(دوه ورو سنی بیتو نه بی پته نه دی،
میا رزه غو بیتو تکی دی ، زاید دی .)

چخوف به دیر لز او به بی میلسی سره
کولی .

ما تقر بیا به هغه اصیل اصرار سره جی
ده به هغه شکل د لئو تو لستوی به با ره
کی خبری کو لی . صحبت گیری و . چخوف
به دیر کم کله به جی به ذوق برابرو ، له خندارخه
به دکه خوله به بی دخیل دا ستان طرح
عولز ته و بله ، دده قول دامتا نو له له
استهزا خخه نک وو :

باتی به ۵۷ مخ کی

لیتوب ژوند نه دتسلیمی غاړه ایر دی . او
به خیل ورختی ژوند کسی بی له خپلو
او خپلو خخه بل شی نه عقیده به لر لی او
دقوی اودزور او روله لاسه دوهلو ووتکولو
له دیری خخه پرته بل هیچ احساس ددوی
به وجود کی نه پیدا گیری .

تر اوسه بوری هیچا د ورتانه د توجنیو
او وپو شیا نو به غم لری ما هیت با ندی
لکه خخه جی چخوف به رو بنا نه اویشکاره
پول ور با ندی یو هید لی او یو هیزی، پوهه
اوخبر نیانه ده حاصله گیری . مخکی له دی
هیچ لیکوال به دی نه دی قادر شوی جی
دچخوف به شان هغه قول شیا ن جی
دینخی طبیی به می نظمه او نا مراب ژوند کی
موجود دی تشریح گیری .

دده د بنمن ابتدال و . به خیل نیول
ژوند کی دهغه به ضد جنگیده . دهغه

دسر زتنش لپاره بی دهغه له مغه پرده پورته
کوله بغیل نیزاو با انصافه فلسفم سره

دهغه تصویر جو پوی او به هغو خا یو نوکی
جی به لو مری نظر سره ، دسری نظر ته

را خی جی قول شیا ن به بهتر بن شکل او
به منا سبت بن طرز او به منظمه غلا

ترتیب شوی دی . دی دابتدال خواوی بکر
پیدا کوی . او کله جی ابتدال به خیل بد

رنگت فریب . کله جی خیل بی روحه بدن-
شا عری بدن بی، داوسپنی لاری یسه

وا گو ن کی جی خاص دصد قو نو دودلو
او را وپو له پاره و ، کینیو دده خوا ته

بیر نه راو گر خید .
دنه شین رنگه کثیف واکون ، دیویریالی

او متبدل ریشخند به خیر به خیل ستری
دشمن ، زما به انصافه یو قتا ر وار دوی، او

دپرو بی شمیر (بافونه او خاطری) یسه
حسادت لرو نکو دتیریوکی سربا کا را ته

خوا شینی جی به ماورا نه کی بی دهما نه
ابتدال د نفس مسور یش احساسوو

جی تر پردی لاندی د خیل دشمن به مر گت
بانری د خو شحالی جشن نیسی .

ما هخوک نه دی لید لی جی د کار اهیت
به اما س کی تمدن بی دچخوف یسه

اندازه زور او د مختلفو اپخونو له بلوه
احساس گیری وی .

دنه احساس ، خیل خان د چخوف دزو-
لدانه به لو کو جیو شیا نو کسی

یشکاره کوی . د کور دالایی به انتخاب کی
به هغه علاقی او مینی جی دکور دلوآزمو

او اسباب سره بی درلوده او به هغه وخت
کی هم جی دشمنانو د پو لسو لو

له هو س خخه بی لاس اخستی و . بیایی
هم د هغوی له منا یش خخه ، دشری روح

دهجودول به عنوان نه ستری کیده . هغه
داغ دجو پو لو او سا ختمان سره دیر ه

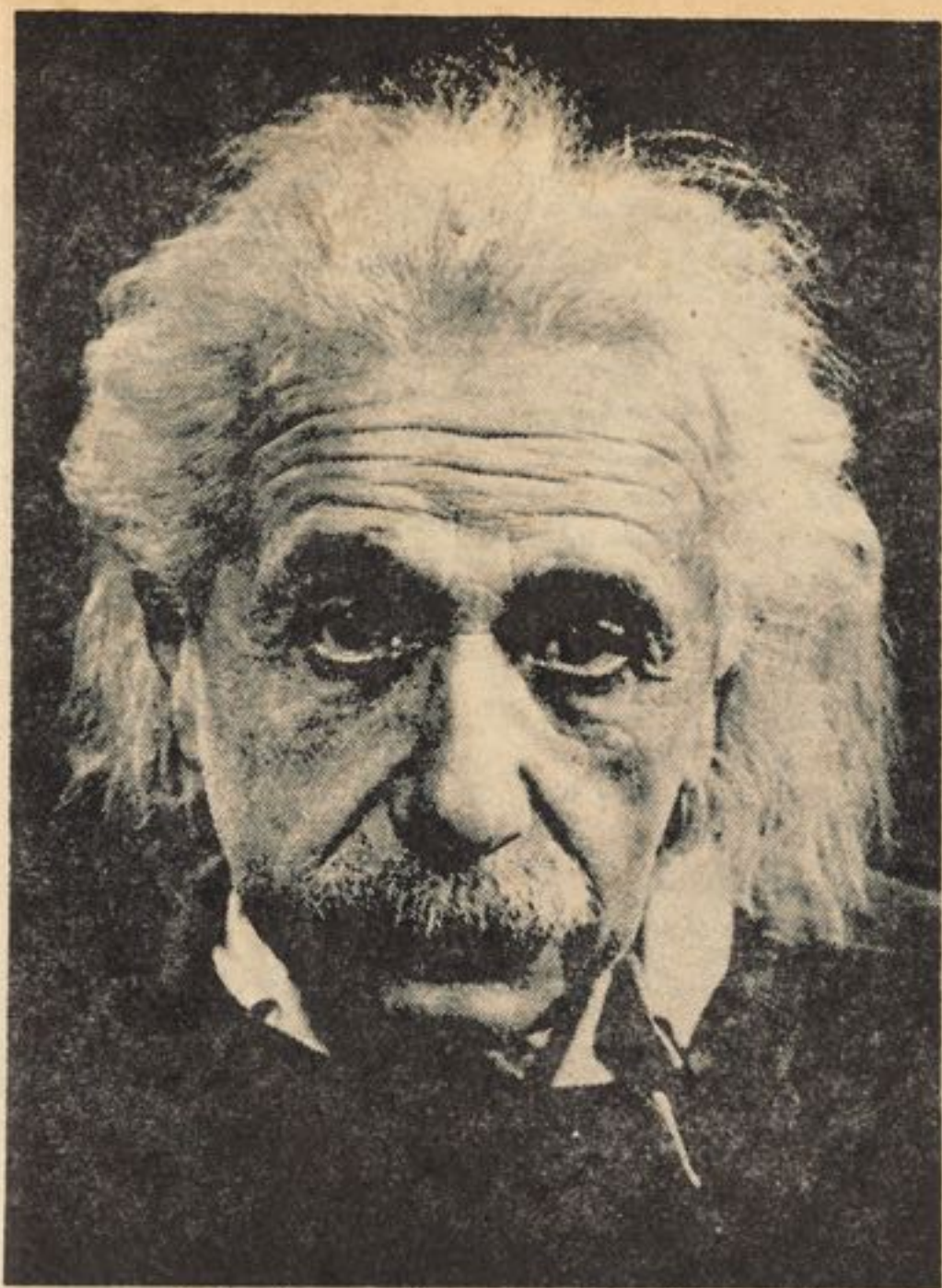
مینه در لود ه ، خمکه بی منا بله ، یسه
خپله دکار به وجود کی بی شعر احساس سولو

داحساس خخه به یوی دکی توجه سره بی
دیوو لرونکو وتو او د گناتو دپو وده

او رشاد ، جی به خیل لاس بی لپال کی
وو تما شا کو له . دهغو بی شمیر کارونو
به منخ کی جی به (او لکا) کی بی هغه
احاطه گیری وویل :

«که جیری به نری کسی هر چا ، یسه

نظریات و اندیشه های البرت انشتین در صد سال آینده جامعه بشری



البرت انشتین

همه کس میدانند که پروفیسور البرت - انشتین نوآوری هایی در باره انرژی هستوی نموده که فورمول مشهور او «انرژی مولده مساوی است به حاصل ضرب کتله غالیپ شده به مربع سرعت نور ای مساوی است به ام.سی مربع امروز در ساحت علوم مورد استفاده اعظمی قرار گرفته و شهرت جهان شمول کسب نموده است. همچنان البرت انشتین تیوری نسبیت را طرح نمود که امروز در صنعت هواپروازی از آن پیروی شده ویا تیوری عام وی دریا نسبیت زبان زد خاص و عام است. این همه نوآوری ها و اکتشافات در ساحت علم بوده که مقام وی را در تاریخ جامعه بشری و در تاریخ اکتشافات علوم ارج به خصوص بخشیده است. این همه اکتشافات نه تنها در ساحت علوم و جامعه بشری منحصر گردیده بلکه در ازدیاد شناخت و معرفت آدمیزاد در باره جهان طبیعی نیز مقام برجندی را حایز است.

فریادان برجسته عالم بشریت (البرت انشتین) کار های علمی خود را در سال ۱۹۰۵ (که در حدود سنین بیست و شش سالگی قرارداداشت) بواسطه انتشار چار رساله فلسفی آغاز نمود. قبل از اینکه انشتین درجه دکتری فلسفی را اخذ نماید وی تأثیرات فوتوالکتریک، محاسبه غیر دید مالیکول ها محدودیت موجودیت اساسی حساس بودن هر یک از امواج پاینده را تشریح و تفسیری نسبت خود را در ۹۰۰۰ کلمه بصورت آفشرده و دقیق بیان داشت.

اکنون که صد سال از روز وفاتش میگذرد، ساحت تحقق بخشیدن اندیشه ها و نظریات علمی موصوف در سراسر جهان می باشیم چنانچه تیوری انفجار اتمی اوبه محققین رشته الکترو انجیری این امکان را میسر نمود که چگونه میتوانند آذخه های حساس ستروپه اسام را بصورت کاملاً تربیه و بخشند سیستم دستگاه قدرت های هستوی در جهان امروز ثابت کنند نظریه و تیوری انشتین عینی بر تبدیل ماده به انرژی می باشد هم چنان تیوری قانون نور موصوف تکامل و پیشرفت اشعه لیزر را بنیان گذاشت. دستگاه های اتمار مصنوعی که در دورا دور کسره زمین به گردش اند نظریات فوتوالکتریک را که از ذرات شمسی تولید میگردد ثابت نموده است.

گرچه جسم البرت انشتین ازین جهان رفته است اما نظریات، تیوری ها و اندیشه

پیام های رادیویی از نقاط دور بواسطه تیوری تأثیر سرعت نسبیت انشتین شکل گرفته و بواسطه آذخه های دیگر دو باره قابل سمع میگردد. گرچه سیستم مفاهیم از طریق امواج رادیویی روز بروز کمینه گردیده و از رونق می افتد اما در عوض طریقه های مفاهیم بالموافقه که عکس دو طرف در آن قابل دید باشد به اساس تیوری فزیک البرت انشتین طرح وی ریزی گردیده است. دانشمندان همچنان در تلاش اند تا با استفاده از تیوری های علمی البرت انشتین علم و دانش را در زمینه هایی بکار برند تا امکانات بهره برداری مواد نئنی را از سایر مواد حساسی حصول نموده بتوانند.

اگر در سالهای ۲۰۷۹ نگاه کنیم به صراحت گفته میتوانیم که یک قرن بعدو حتی چندین قرن بعد نیز اندیشه ها و تیوری های علمی انشتین در خدمت عالم بشریت و عالم علم و دانش قرار خواهد گرفت. اگر کمی به عقب بنگریم خصوصاً زمانیکه انشتین بیست و پنج ساله بوده و تازه دوره تحصیل خود را در سویترلینده پایان رسانیده بود در آن زمان معمول این بوده که هر یک از فارغ التحصیلان بایست مدتی را بحیث معاون یکی از پروفیسوران سیری نمایند تا بتوانند تجارب در زمینه کسب نمایند. گرچه البرت انشتین شخص دانشمند اما ظاهر و چهره خشن داشت اما در آزمونها علمی موفق برانزده را نسبت به دیگران بدست آورد.

البرت انشتین خودی دالست که وی نسبت به همقطاران و سایر پروفیسوران دانشگاه لیافت و ورزیدگی در مسائل داشته اما روحیه

در جریان همین ساعات و اوقات فراغت بعد از وقت بود که وی تیوری را کشف نمود که جهان را کاملاً تکان داد که حتی تصور بسن های بزرگ اتمی تا سال ۱۹۰۵ به کشف آن قادر نگردیده بودند. دانشمندان فزیک در مورد تأثیرات فوتوالکتریک تحقیقات بعمل می آوردند گفته می شد که اگر ذرات نور روی فلز تصادم کند ذرات برقی که بنام الکترون نامیده میشود از آن بیرون می شود اگر این الکترون ها در فضا بدون افتند موادیکه با آن در تصادم قرار می گیرند بنام فوتومسیف یاد می گردد در صورتیکه الکترون ها در مواد باقی بمانند مواد متذکره بنام فوتوولتائیک یاد می گردد که تحت تأثیر نور و تاج برقی در اطراف مواد فوتوولتائیک پیدا میشود که آنرا به یک بطری کوچک برقی مبدل می سازد.

در آن زمان دانشمندان عقیده داشتند که برای جدایی الکترون ها از مواد فلزی و غیره یک انرژی ضرورت است و این واضح بود که اشعه نور این انرژی را ذخیره می نماید بواسطه ازدیاد اشعه نوری آنها استدلال می نمودند که میتوانند انرژی زیادتری تولید نمایند و با انرژی زیاد الکترون ها آزاد شده و بایک سرعت زیادی در فضا به حرکت درمیایند. مگر به این شکل که اگر یک اشعه نوری سبز رنگ را در نظر بگیریم دانشمندان معتقدند که تمام الکترون به یک سرعت از آن جسم خارج میشوند در صورتی که اگر رنگ

خشن و ناآرام و ی مانع افشای ایسن مساله می گردید و روی این لحاظ وی اکثراً در صنف درسی کمتر حاضر می گردید وی ترجیح میداد تا روزنامه ها و جراید علمی مطالعه را شخصاً مرور و مطالعه نماید وی در زمان امتحان نوت های درسی رقایش را بکار مطالعه می نمود و حاضر به امتحان نمی گردید. معلمین قبلی انشتین هیچکدام حاضر نبودند و نمی خواستند وی را سفارش خوب نمایند روی این لحاظ بود که وی توانست کرسی علمی را در یکی از پوهنتون ها احراز نماید بالاخره بعد از تلاش و مجاهدت زیاد با کمک رفقا و حلقه های خوشاوندان توانست وظیفه خصوصی در یابد و در صنف دوم یکی از مکتب ها بحیث ناظر امور درسی داخل کار شد وی از مطالعه نوشته های متعلمین چیز های زیادی را در می یافت که قبلاً به آن مواجه نگردیده بود.

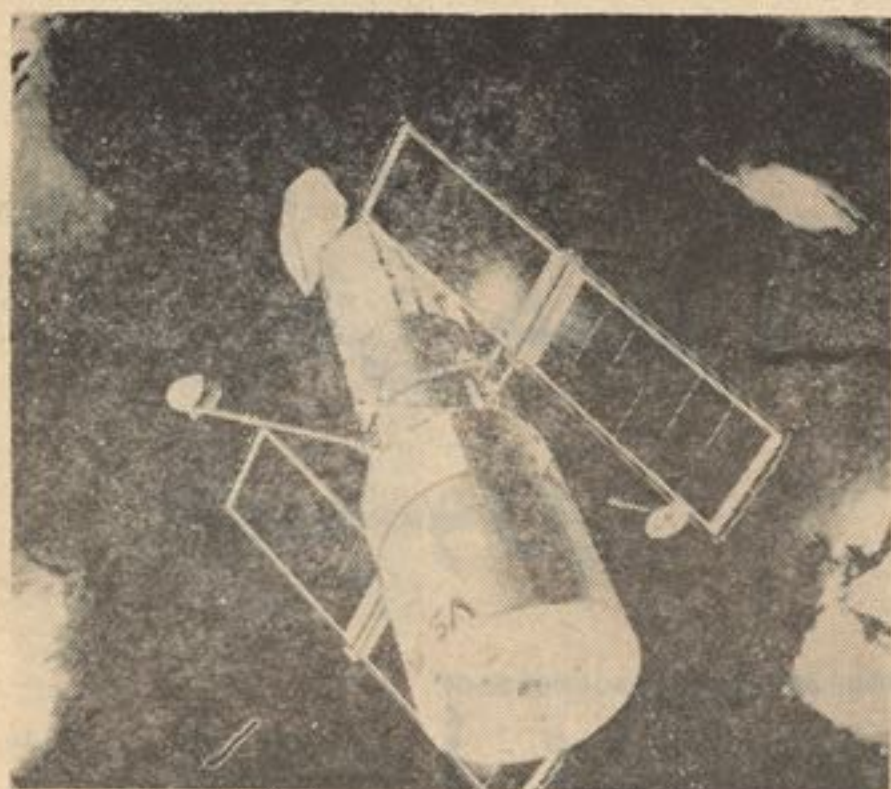
در این زمان وی دریافت که مفکوره سطوح فزیک کد ام مفهوم نداشته و در صدد کشف قوانین دیگر برآمد.

اداره مکتب نیز از وی تقاضا می نمود تا راهی دریابد که چگونه بتوانند مسائل و معما های پیچیده و مغلق علمی را در یک کلمه ساده و روان و عام فهم بکنجاند.

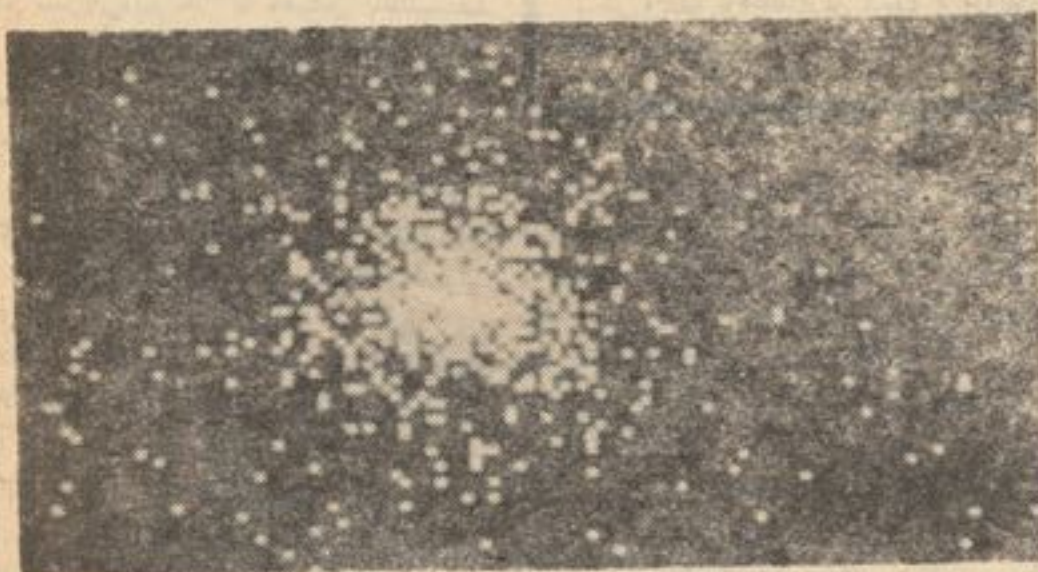
اداره مکتب پول و بودجه کافی به اختیار البرت گذاشت تا بتواند در مسائل فزیکسی تحقیقات انجام دهد و کار و بار روزمره اش را روی این لحاظ تا حدودی کاهش بخشید تا وی فرصت کافی تفکر در مورد مسائل فزیکسی دریافته تواند.

سال ۱۹۰۵ قطر يك مایکول شکر ۹۰۸
انگستروم یا هزار میلیون حصه يك متر بوده
است .
پنجاه سال قبل ازین که انشتین بدینسا
باید رابرت براون دانشمند کیمیا گفته بود
که اگر يك دانه خورد و کوچک پولن گل
به كب بفتند هیچ گاهی از حرکت باز نمی
استند. گفته می شد که اگر کسی مدت يك
سال هم انتظار بکشد حرکت پولن هیچگاهی
متوقف نمیشود . انشتین به این موضوع روشنی
انداخت که حرکت دایمی پولن در آب بواسطه
حرارت آب صورت می گیرد که در اثر آن
مایکول های آب دایم در جریان می باشند
و پولن نیز درین حرکت با مایکول های آب
تبادل انرژی می نماید اما هیچگاهی انرژی
ازین نیروی زیرا انرژی بواسطه حرکات
ذرات خورد ذخیره میگردند مایکول های آب
به مراتب کوچکتر از ذرات مایکول پولن
است زیرا صد میلیون مایکول آب از يك
طرف و صد میلیون مایکول آب از طرف دیگر
دایم فشار می آورند و این امر باعث میگردد
تا حرکت پولن در آب بصورت واضح و برجسته
ملاحظه شود .
انشتین گفته اگر حرکتی که
بواسطه گروه پولن صورت می گیرد از دید
یاد پولن خورد شده و حرارت از دید
هم تجارب علمی امروز در مورد صد اعداد
رادو و ویلفون نیز مورد استفاده قرار میگیرد.
انشتین تئوری اتمی را نیز تدوین نمود
در احصایه گفته می شد که همه چیز روی
صادف میان آمده و هیچگونه ارتباط
دو الکتیکی میان علت و معلول مشاهده نشده
و وجود هم نداشتند باشد انشتین می گفت:
"که خداوند زبیرك ودانا است اما هیچگاهی
قمار بازی نمیکند او عقیده داشت که همه
اشیا و پدیده ها روی قانونمندی خاص که
اساس پدیده هارا تشکیل میدهد وجود
دارد .
تئوری نسبیت انشتین عمده ترین تئوری
میخانیك شمرده میشود قبلا نظریات میخانیك
نیوتن بر آن بود که چگونه ماده در زمان و
مکان در حرکت اند . درین حرکت ساده
انرژی را از دست میدهد و انرژی را
بدرست می آورد . انشتین گفته بود در
صورتی که سرعت اجسام به سرعت نور برسد
این فورمول ها نمیتواند بقدر کافی نیازمندی
علمی را رفع سازد . انشتین گفت
که اگر با سرعت نور
چه چیزی را میتوانم مشاهده کنم آیا میتوانم
فوتون هارا از اطرافم ملاحظه کنم روی این
لحاظ وی به کشف ساحه مضامینی گردید
که اهتزازات ساحه به اشعه نوری
فیزیکوس های بخشیده که در آن هم انرژی
به شکل های مختلف آن جلوه میکند .
سوال دلچسپ دیگری که وی از خویش
می نمود این بود که فرضا به سرعت نوری
حرکت میکنیم و اشعه را به پیش از خود می
فرستیم بودن به حیث نورچنان به نظرمی رسد

تغییر یابد یا رنگت آبی و یا ماوراء بنفش باشد
الکترون ها کمتر بوده ولی با سرعت زیادتری
از مدار خارج میگردند در صورتی که شدت
اشعه نوری بیشتر گردد سرعت الکترون های
آزاد شده به يك پیمانه خواهد بود اما تعداد
الکترون ها اگر رنگت تغییر یابد اشعه نوری
به طرف انجام رنگت سرخ قرار می گیرد که
الکترون ها با سرعت کمتری از مدار خارج
می گردند اما در رنگت های که سرخی آن
بیشتر باشد هیچ الکترون آزاد نمیشود .
در صورتی که اگر شدت نور سبز آبی کم
شود در هر يك دو نایه فقط يك الکترون از
مدار آزاد میگردد اگر نور را در سراسر
جسم بگسترانیم که در هر يك از قسمت های
جسم فشار مجموعی انرژی هایی که منجر به
آزاد شدن الکترون ها میگردد احساس گردد
مشاهده میشود که يك الکترون در هر يك
نایه آزاد میگردند .
هیچ یکی از این تجارب نتوانست آرزوهای
دانشمند جوان را قانع سازد زیرا وی نور را
به مثابه امواج می پنداشت و وی نتوانست
تأثیرات فوتو الکتریک را کشف نماید. او
نشان داد که نورنه از امواج مسلسل و نه از
امواج منقطع تشکیل گردیده بلکه نسور
مشکل از نوده های زیاد امواج انرژی اند
که بنام فوتون هایاد میشود هر يك از فوتون
ها دارای انرژی اند که مطابق به فریکوئسی
نوده های موج اند . هر قدر فریکوئسی زیاد
باشد انرژی نیز زیاد است غرض اینکه در
اطراف انتشار یابد امواج فوتون ها به شکل
نوده های متحد باقی می ماند . وقتی که فوتون
ها به سطح فوتو الکتریک تصادم نماید کلیه
انرژی آن در يك نقطه تجمع می نماید روی
این لحاظ با کشف این حقیقت وی به شباهت
توضیح سلوك فوتو الکتریک موفق گردید
بلکه وی توانست فورمول های ریاضی را نیز
طرح و تدوین نماید که به اساس آن دیگران
توانند خصوصیت نور را مورد ارزیابی و مطالعه
قرار دهند .
مطالعات دقیق و عمیقی وی از طبیعت نسب
بزرگترین دانشمند طبیعی را بوی ارزانی
داشت آثار علمی دیگر انشتین در مورد تئوری
اتم و مایکول ها مشهور است در سال ۱۹۰۵
دانشمندانی بودند که به عنیت اتم و مایکول
هیچ عقیده و ایمان نداشتند همه آنها در بحر
اندیشه های ایده آلیستی غرق بودند .
وی ثابت نمود که مایکول ها وجود داشته
و این يك واقعیت علمی و عمیقی است که تجارب
بر صحت آن انگشت گذاریده چنانچه وی
مایمی را در ظرف انداخته به اثر حرارت به
بخار و بخار را به مایکول ها مبدل کرد در
صورتی که اگر
باید فشار بر حسب اساس قانونمندی مشخص
که از تجارب علمی بدست آمده تغییر می
یابد . انشتین این نظریات را به شکل علمی
در کلیه مواد و اجسام تطبیق نمود به نظر
البرت انشتین حرارت فقط حرکات و اهتزازات
اتم هایی است که به اساس قانون ریاضی
انشتین بایکدیگر تبادل انرژی می نمایند .
انشتین نتوانست اندازه مایکول های خود
را محاسبه نماید چنانچه طبق گفته وی در



یکی از تلسکوپ های فضایی به مدار زمین فرستاده شد. دانشمندان هنوز هم نظریات انشتین را در
دورد شناخت کائنات با وقت پیشروی پیروی می نمایند.....



سینوس اکسل-۱ با فاصله ۶۰۰۰ سال نوری بعد بوده که در تصویر کامپیوتری ستاره ها
دیده می شود

زیرا نسور شکلی از انرژی خالص است
برای اینکه موجودیت خود را ادامه داده
توانند تاگزیر به سرعت نوری باید در حرکت
باشند روی این لحاظ تئوری علمی نسبیت
انشتین برای اکثریت زیاد وی شمار مردم
غیر قابل تبدل به نظرمی رسد زیرا آنها
وقتی که ماده به سرعت نور حرکت می کنیم
مکان خورد شده و زمان مدت آن طولانی می
گردد .
انشتین مسئله مهم زمان و مکان را نیز
مورد بحث قرار داد که خلص آن چنین
است: مکان در زمان است و زمان در مکان .
ماده به انرژی و انرژی به ماده مبدل
میگردد .
وقتی که ماده به سرعت نور حرکت می کنیم
مکان خورد شده و زمان مدت آن طولانی می
گردد .

رنگ‌ها

و

بیماری‌ها

طب رنگی هم‌مطراز

طب سوزنی

زیبایی مجموعه از هماهنگی و رویا رویی و آمیختگی رنگ‌ها است. به این جهت است که رنگ راه‌آورد زیبایی گویند. از نگاه بعضی هارزیایی و رنگ هر دو یک معنی دارند. مسا موجودیت رنگ‌های مختلف را در طبیعت حس می‌کنیم و منجبت یک موجود زنده مقابل آن از خود عکس العمل نشان می‌دهیم مثلاً دیدن یک منظره پائیز در ما احساس مختلف می‌آفریند، یا از دیدن رنگ‌ها امواج آبی دریا احساسی به ما دست می‌دهد. که فرجام آن اندوه و یا شادی است.

روانکاوان را عقیده برین است که انسواء رنگ‌ها برای ضمیر آگاه و یا ناخود آگاه انسان ارزش و معنی سمبولیک دارند و هر کدام تصویر های ذهنی خاصی را میسازند. رنگ‌ها برای سلامتی، احساسات جنسی، حالات انفعالی مثلاً شادی و اندوه و عواطف مثلاً دوست داشتن و یا تنفر تأثیر می‌گذارند.

نقش رنگ در زندگی ما تا آنجا است که نمیتوان یک دنیای بدون رنگ یا حتی دنیایی را فقط به رنگ خاصی باشد تصور نمود. امروز در پهلوی رنگ‌های طبیعی رنگ‌های ترکیبی نیز داریم که حدود آن تا چهل هزار نوع میرسد. مطالعه تیوری رنگ بصورت عموم از چهار نگاه زیر صورت می‌گیرد:

۱- از نگاه ساختمان کیمیایی.

۲- از نگاه فیزیکی.

۳- متود سوم بر تائیرات بیولوژی و رنگ استواری دارد.

۴- آمیزش و هماهنگی رنگ‌ها.

تأثیر رنگ در جلوه دادن شخصیت:

۱- رنگ سپید به فرد اعتماد بشعرو آرامش خاطر میدهد.

۲- رنگ زردی نمایانگر طبع محافظه کار است.

۳- رنگ گلابی سوخته به بیننده احساس آرامش خاطر می‌بخشد.

باتوجه به اصل بالا در سال ۱۹۷۷ در ذیل تقسیم می‌کند:

۱- رنگ‌های سرد روی سیستم اعصاب انسان اثر ناخوش آیندی بجا میگذارد. زیرا احساس ناامیدی و میل در خود فرو رفتن از او و کناره جویی را تقویت میکند.

۲- در مقابل رنگ‌های گرم اثرات مثبتی روی اعصاب دارند این هانشاط آور بسوء تحرک و فعالیت را بوجود آورده و انسان را در حال و نشاط نگه میدارد. این رنگ‌ها بین سرخ، صورتی، نارنجی، زرد انواع رنگ‌های سبز، و قهوه‌ای روشن میباشد. بعد از گروه بندی و تعیین اثرات رنگ‌ها و بازده اش به شخصیت و زندگی انسانها، کار شنا سان پوهنتون ایکاشیکا تحت نظریه و فیسراکوسانو به پژوهش‌های هر چه وسیع تر و علمی تر همت گماردند. بعدها دانسته شد که بهترین رنگ برای اطاق نرس‌های شفاخانه رنگ سبز است که رنگ گرم و شاد و آرامش بخش است. بعد در حلقه‌های علمی خبر دا غسی پیچید که گفته میشد رابطه بسیار نزدیکی میان رنگ غذا و دستگاه هضمی برای هضم غذا وجود دارد. انبوه اطلاعات نشان میدهد که امروز غذایی لذیذ مطبوع و خوردنی تر است که خوش رنگ و خوش ترکیب باشد. زیرا میل به خوردن غذا از راه دیدن غذا و بوسیله تأثیری که رنگ ظاهری آن روی چشم می‌گذارد تقویت می‌شود. و هر قدر

- رنگ‌ها بچند گروه تقسیم می‌شوند و چه اثراتی در سلامتی روان انسانها دارند؟
- رنگ‌ها برای ضمیر آگاه و یا ناخود آگاه انسان ارزش و معنی سمبولیک دارند.
- آیا غذاهای خوش رنگ ساده تر هضم می‌شوند؟
- طب رنگی گام دیگری برای معالجه انسان نه مبارزه با بیماری.
- کدام رنگ‌ها غم انگیز و کدام رنگ‌ها شادی بخش هستند؟
- در آینده نزدیک از این شیوه با درونمایه امیدوار کننده غرض پیشگیری امراض عسری استفاده خواهد شد.

غذا زیباتر و جالب تر آماده شود و به شکل جالبی با رنگین کمان هادر مقابل چشم قرار بگیرد اشتها بر انگیز است. و آسان تر هضم میگردد.

«پاولوف» دانشمند شوروی معتقد است: خوشمزگی غذا به بو، درجه حرارت، صدای خرد شدن آن زیر دندان و بیشتر از همه به رنگ غذا ارتباط دارد. مناسبترین رنگ‌ها از نگاه درجه هضمیت بین رنگ ارغوانی تا سرخ میباشد.

سال هاست که انسان به نقش رنگ در غذا توجه دارد و هنوز معلوم نیست انسانها چگونه آموختند بجای غذای سر رنگ غذای رنگین و دل پذیر بخورند اما میتوان گفت که انسان از وقتی پختن غذا را آغاز کرد به نقش رنگ در غذایی برد (پیش از دوره پخته خواری انسانها به خام خواری رو کرده بودند. و امروز به یقین ثابت شده است که غذا ها و سبزیجات خام بهتر از غذاهای پخته است).

تنها در چند سال اخیر با بمیان آمدن غذاهای حاضری (کاسرو) و غیره بشر آموخته است دیگر بجای رنگ‌های طبیعی از رنگ‌های مصنوعی استفاده برد. امروز این نکته کاملاً روشن است که رنگ هادمت حفاظه (شلف لایف) خوراکی‌ها را زیاد میسازد. و رنگ جالبی به غذا میدهد.

رنگ‌ها امروز در صنایع ساخت غذا به عنوان مواد حفاظتی مورد استعمال دارد.

رنگ‌ها در مواد خوراکی به استندرد معینی (تی پارت پارت فی ملیون) علاوه می‌شود و اگر ازین سرحد تجاوز کند سرطان زا اند و احتمال خطرهای زیادی را در خود دارد احتمال زیان بخش بودن رنگ‌های غذایی برای انواع مصنوعی آنها بیشتر است. نامه سال پیش صنایع غذای اروپا برای اینکه به محصولاتش که در قطعی‌های کانسرو عرضه میشود رنگ بهتری بدهند از یک ماده کیمیایی سرخ رنگ بنام آی ۱۲۳ استفاده می‌کردند. به تازگی کشف شد که مصرف این ماده کیمیایی خطرناک است.

معالجه بارنگ‌ها و باطبرنگی پدیده جدیدی است و مانند طب سوزنی میسرود تا جایش را با موفقیت در میان روش‌های درمانی جدید پیدا کند. اینک عده از اطباء اروپایی و آمریکایی این شیوه را که هدف آن درمان به کمک رنگ‌هاست پیشنهاد می‌کنند. با اینکه این روش مانند طب سوزنی ریشه خیلی‌ها قدیمی دارد و دانش خیلی قدیمی است ولی در مورد آن کمتر فهمیده شده است. و هنوز هم جزئیاتش در سرابره ابهام قرار دارد. طرفداران روش معتقد است که این متود به زودی جایش را به عنوان یک اصل مداوایی و درمانی در عالم طبابت احراز خواهد کرد. یکی از پیشقدمان درین راه استاد یکی از پوهنتون های ایتالیا بنام «جان باتیستا» میباشد او معتقد است استفاده از رنگ به حیث یک عامل تعادل بخش روانی و به عنوان یک مؤلد سلامتی در آینده جهان طبابت را تسخیر و توجه جهانیان را بخود معطوف خواهد ساخت.

چنانچه استفاده از رنگ به حیث یک شیوه درمانی بالاخص بیماری‌های روانی سابقه و ریشه قدیمی دارد. اکنون که در مورد سوکه و اهمیت شیوه گفتیم بیستم آیا کندوکاوها و پژوهش‌های علمای سراسر جهان در مورد کاری از پیش برده است؟ بازده و اثر این تحقیقات چقدر مفید بوده است آیا آنرا میتوان در هر گونه شرایط پیاده کرد؟ بدرستی معلوم شده است که:

رومیزی سرخ ضد پر خوری، رومیزی بنفش ضد اشتها، رنگ آبی ضد بیماری اسما (نفس تنگی) بوده و بالاخره رنگ نارنجی نبض را سریع میسازد.

امروز از رنگ‌ها استفاده غلط میشود. مثلاً رنگ سپیدی که در شفاخانه‌ها مورد استعمال دارد با خاصه «هینوزی» اش اثر مطلوبی بالای بیماران ندارد در عوض پروفیسر دیوتی یکی از پیشقدمان طب رنگی برای تزئین شفاخانه‌ها رنگ سبز را پیشنهاد میکند.

همچنان رنگ فولادی که برای تزئین اکثر جاها مستعمل است متأسفانه دارای خاصیت مالتیکونیک یا مالتیگولیایی است. جلوگیری از تزئین و استفاده از بند رنگ در مکاتب، شفاخانه و غیره جاهای عمومی کاری است معقول. مؤثریت رنگ در معالجه بیماری‌ها: درین باره نظریات مختلفی وجود دارد از آن جمله فرغیه «رادیا میون» یا تشعشع رنگ‌ها است. هر یک از رنگ‌ها در میدان‌های رنگ دارای انحرافاتی اند، انحرافی که به دلیل بقیه در صفحه ۴۹



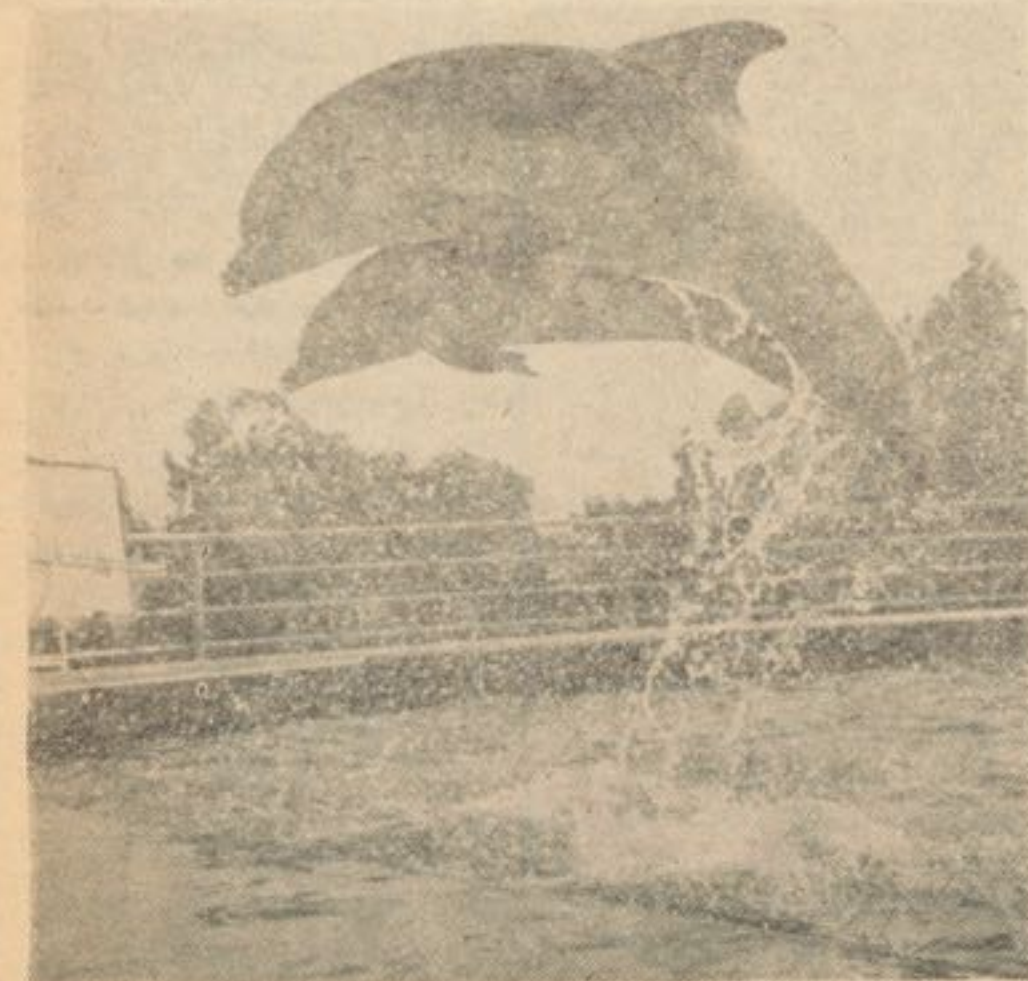
یکی از دلفین ها، در يك حالت جالب

را در یا بند که از نقطه نظر ما می غنی باشد یا بوسیله دلفین ها مایه ها را به سوی کشتی های ما هیگیری می دهند و یا از کدام طریق دیگر درین قسمت به اشخاص می مو تلف اطلاع بدهند .

طبق اظهار محققین دلفین را تا هنوز به اصطلاح عام شمرده نمیتوانیم بلکه تنها گفته میشود که انکشاف مغزی دلفین ها مساوی به سطح انکشاف مغزی شباهتی پیدا شد و در مقابل حوادث عکس العمل بسیار سریع از خود نشان میدهند در نتیجه قابلیت دلفین ها را حافظه نه بلکه عکس العمل آنها تعیین میکند .

دلفین ها در تمام شرایط یعنی چه در بحر و چه در حوض های تحقیقاتی به انسانها علاقه خاص از خود نشان میدهند اما یکی از تفاصیل این است که دلفین ها اشخاص را از همدیگر با تند سگ ها از همدیگر فرق کرده نمیتوانند و به تمام اشخاص می عین علاقه را نشان میدهند.

در لابراتوار تا هنوز دلفین ها از طریق صدا ها و حرکات مخصوص منتهای بند و تاحال تقریباً سی نوع حرکات مخصوص را آموخته اند اما در قسمت لسان دلفین ها تشبیه صدای مخصوص اکتفا میشود در اتحاد شوروی به کمک حیوان شنا سان آله ای ساخته شده است که توسط آن (لسان) دلفین ها به دقت فهمیده می شود یکی از مفاصدا دیگر



دلفین ها در وقت جست از آب



دلفین ها به انسانها علاقه خاص از خود نشان میدهند .

مترجم ش . احمد شاه

از سپو تیک

دلفین یا

دوست انسانها

درین او اخرد بعضی از ممالک جهان دلفین ها را به طرز مخصوص تربیه میکنند تا از آنها بمقصد نمایش و اشرف میباشد . این نمایشگاه که گنجایش دو صد و پنجاه نفر را دارد از تماشاچیان هیچ وقت خالی نمیشود . تماشاچیان شبیه نمایش در سیرک میباشد . بطور مثال طبق هدایت مربی دلفین ها توپ را به سید یا سکتال پرتاب میکنند یا همدیگر والیبال بازی میکنند . دودلفین هیزمان از آب جست میزنند و دو باره در آب فرو میروند . به این ترتیب چندین نوع نمایش را اجرا میکنند . اما در حقیقت این يك تماشايشگاه نیست بلکه يك لابراتوار تحقیقاتی است که در آنجا تحقیقات مختلف صورت میگیرد . طبق اظهار یا روسلاف - بلیز لیوک آمر لابراتوار هد ف آنها این نیست که دلفین ها توپ را به سید یا سکتال پرتاب کنند و یا کدام نمایش دیگر را اجرا کنند ، بلکه هدف عمده این است که در یابند تا کدام اندازه دلفین ها برای انسانها مفید و به اصطلاح دوست شده میتواند

در لابراتوار مذکور سعی میکنند تا بدانند به چه طریق توسط دلفین ها محاسنی

مضاجه جالب قبل از شروع نمایش



مضاجه جالب قبل از شروع نمایش

شکار یا در شکار کردن حیوانات نیز مورد استفاده انسانها قرار می گرفت . با کمک آتش انسانها توانستند بشکل یک گروپ بزرگ ، گله های علف خوار را ترسانند و این رعمه ها را بطرف مر داب ها و دره های باریک و سراشیبی های خطرناک بکشانند تا بدینتر تیب آنها را از پرنگاها قتل عام کرده و مدتی از گوشت آنها تغذیه نموده واز پوست و استخوان آنها نیز احتیاجات ضروری خویش را رفع نمایند .

استفاده و استعمال آتش بمنظور پختن غذا ، تأثیر بسا بزرگی را پیرامون تکامل بیولوژیکی انسان وارد آورده ، چنانکه جویدن گوشت خام و غذاهای نباتی سبب یجانب شکها و عضلات قوی د لاشه را ایجاد می نمود . که انسانهای نهایت بدوی و گوشه خوار چنانکه دیده می شود (نظر به پیدایش بقایای استخوانها و فوسیل های شان ذریعه باستان شناسان و اتروپولوژیست ها) دارای چهره های جسم و انکشاف یافته بوده همچنان بر

متعادل گردانید . بعد از پیدایش ، اختراع و استعمال آتش انسانها عوض کناره گرفتن از فعالیت به زور و جبر و خوابیدن بعد از غروب آفتاب یک سلسله کارهای ارزنده

یادست می زدند ، مثلاً بعد از غروب آفتاب بشکل گروپ وار گرد آتش جمع می شدند و با خوشی و سرور دور هم حلقه می زدند و ملاحظات و برخورد های روز مره خود را در چگو تکی شکار توضیح می کردند و بعداً برای روز آینده و طرز شکار

پلان های طرح مینمودند بدین ترتیب آتش موقع مساغی را برای انسان درازمنه قدیم مهیا ساخت تا در هنگام فراغت و مجال یافتن ، به آبا دانی دست بزنند و از

ایام بیکاری حد اعظم استفاده نمایند و بدین مردم آبی های فامیلی ، بزرگان و صاحب تجارت از آزمایش ها و رویداد های زندگی برای جوانان و تازه گران حکایت ها می نمودند و کوشش می شد تا این گونه گرد هم آیی شکل رهنمای

را داشته باشند . افسانه ها گفته می شد واز سینه به سینه منتقل می شد و با گذشت زمان خاطرات گذشتگان رازنده نگاهید اشت و تا اندازه ای هم مورد استفاده قرار می گرفت . لذا گفته می توانیم که در

جوامع بدوی زمین با خانه و سر پناه متراصف شناخته شده و بدین گونه گرد هم آیی کنار آتش در زمره اولین مدینه انسان اولی به حساب آمده است .

آتش یک حالت و موقعیت روحانی خوبی را به زندگانی انسان جا داد ، یعنی اینکه آتش دیگر مشوق خوب و بزرگتری برای شکارچی بود تا شکارش را در فضا آزاد پخته کرده بدون ترس با سایر

شکار یا در شکار کردن حیوانات نیز مورد استفاده انسانها قرار می گرفت . با کمک آتش انسانها توانستند بشکل یک گروپ بزرگ ، گله های علف خوار را ترسانند و این رعمه ها را بطرف مر داب ها و دره های باریک و سراشیبی های خطرناک بکشانند تا بدینتر تیب آنها را از پرنگاها قتل عام کرده و مدتی از گوشت آنها تغذیه نموده واز پوست و استخوان آنها نیز احتیاجات ضروری خویش را رفع نمایند .

استفاده و استعمال آتش بمنظور پختن غذا ، تأثیر بسا بزرگی را پیرامون تکامل بیولوژیکی انسان وارد آورده ، چنانکه جویدن گوشت خام و غذاهای نباتی سبب یجانب شکها و عضلات قوی د لاشه را ایجاد می نمود . که انسانهای نهایت بدوی و گوشه خوار چنانکه دیده می شود (نظر به پیدایش بقایای استخوانها و فوسیل های شان ذریعه باستان شناسان و اتروپولوژیست ها) دارای چهره های جسم و انکشاف یافته بوده همچنان بر

متعادل گردانید . بعد از پیدایش ، اختراع و استعمال آتش انسانها عوض کناره گرفتن از فعالیت به زور و جبر و خوابیدن بعد از غروب آفتاب یک سلسله کارهای ارزنده

یادست می زدند ، مثلاً بعد از غروب آفتاب بشکل گروپ وار گرد آتش جمع می شدند و با خوشی و سرور دور هم حلقه می زدند و ملاحظات و برخورد های روز مره خود را در چگو تکی شکار توضیح می کردند و بعداً برای روز آینده و طرز شکار

پلان های طرح مینمودند بدین ترتیب آتش موقع مساغی را برای انسان درازمنه قدیم مهیا ساخت تا در هنگام فراغت و مجال یافتن ، به آبا دانی دست بزنند و از

ایام بیکاری حد اعظم استفاده نمایند و بدین مردم آبی های فامیلی ، بزرگان و صاحب تجارت از آزمایش ها و رویداد های زندگی برای جوانان و تازه گران حکایت ها می نمودند و کوشش می شد تا این گونه گرد هم آیی شکل رهنمای

را داشته باشند . افسانه ها گفته می شد واز سینه به سینه منتقل می شد و با گذشت زمان خاطرات گذشتگان رازنده نگاهید اشت و تا اندازه ای هم مورد استفاده قرار می گرفت . لذا گفته می توانیم که در

جوامع بدوی زمین با خانه و سر پناه متراصف شناخته شده و بدین گونه گرد هم آیی کنار آتش در زمره اولین مدینه انسان اولی به حساب آمده است .

آتش یک حالت و موقعیت روحانی خوبی را به زندگانی انسان جا داد ، یعنی اینکه آتش دیگر مشوق خوب و بزرگتری برای شکارچی بود تا شکارش را در فضا آزاد پخته کرده بدون ترس با سایر

می توانیم که استعمال و استفاده از آتش شکل طبیعی و یا اجباری نداشته بلکه روی سلسله نیازمند و اتفاقاتی بهمان آمده است ، اینکه ابزار آن بشکل فرهنگ و کلچر تحصیل شده ، استعمال و ساختن آن که چگونگی انسانهای اولیه و بدوی آرا آموخته اند ، مربوط میشود به یک تحقیق خیلی عمیق و طولانی ، که نه تنها در بین مختصر نمی گنجد بلکه از بحث ما نیز خارج است و لی جای شک نیست که آتش در اثر مرا حل و طولانی تکامل در یکی با قدم های منظم و تجارب گوناگون انسانهای اولیه بهمان آمده است .

آتش یک نقش ارزنده و بس مهمی را در فرهنگ و کلچر انسان و تکامل جسمی و بیولوژیکی آن بازی کرده است . مهمتر واولتر از هم آتش مانند اسلحه تدافعی برای انسانهای اولیه کمک کرده تا انسان توانسته باشد با استفاده از این سلاح خود را از خطر شکار حیوانات درنده در شکار گاهها دور و درایان نگهدارد . قدیمترین انسان یا انسان

تولید و عرضه میگرد ، در غیر آن آتش بشکل دیگری کشف و مورد استفاده قرار می گرفت . اگرچه جوامع بسط درازمنه باستان از ارزش های آتش بسیار دور و حتی بی خبر بودند ولی با آنهم زندگانی شان خیلی باهم مشابه و ارتباط نزدیک داشت که اینگونه نزدیک و گرد هم آیی ها صرف بمنظور بقا زندگی بوده است . بعدها که آتش را خلق کردند جمعیت یافته شده

تر شدند و زندگانی انسانها حتی ساختن فزیکیشان نیز تغییر پیدا کرد . اکثر جوامع انسانها را در مورد آتش خلق کردند . چنانچه آیین های عصر و یک آتش را چون رب النوع پرستش میکردند و در سناش آن سرود های مقبولی را میخواندند ، حتی امروز هم پرستش آتش یک بخشی از مذاهب هند و را در مراسم تشرفیات و محافل خوشی تشکیل داده چنانچه از بهترین نمونه آن می توان

مذهب زردشتی را در هند یاد آور شد . با آنهم هستند عده ای که از آتش ترس داشته واز آن بعضی اوقات و یا مطلقاً دوری می گزینند . پس بدین ترتیب گفته

اولیه و جدید انسانهای امروزی که درفضای آزاد ، بدون سرپنازندگی میگرد ، اصلاً در هنگام سرپناهی وجود داشت ، یا بعباره دیگر جای مشخص برای رهایش و بود و باش شان موجود نبود . هرچای میرسد اندامات می گزینند و حتی شب ها را از ترس چون همواره بشکل گروپ واورو گله حیوانات با لای درختان و جا های نسبتاً

مستون تر صبح می گردید و بر سر می بردند . حرکت می کردند و دنیا لشکار می نشستند تا در یکسو از خطر حیوانات نسبتاً محفوظ باشند و از طرفی هم بتوانند شکار را محاصره کرده بچنگ بیاورند ، و شبها در قله های بلند صبح می نمودند . و فقط بعد از کسب و بهره برداشتن آتش بود که آنها توانستند بطرف مغاره ها حرکت کنند و در گام اول پناهگاه های سنگی (مغاره های طبیعی) اولین و سابقه دار

ترین جای و محل اقامت گزینی و شب پائی بود که توسط انسانهای اولیه و حتی جانور گوشه خوار قصری و اشغال گردید . همچنان آتش بمنظور آتش

تولید و عرضه میگرد ، در غیر آن آتش بشکل دیگری کشف و مورد استفاده قرار می گرفت . اگرچه جوامع بسط درازمنه باستان از ارزش های آتش بسیار دور و حتی بی خبر بودند ولی با آنهم زندگانی شان خیلی باهم مشابه و ارتباط نزدیک داشت که اینگونه نزدیک و گرد هم آیی ها صرف بمنظور بقا زندگی بوده است . بعدها که آتش را خلق کردند جمعیت یافته شده

تولید و عرضه میگرد ، در غیر آن آتش بشکل دیگری کشف و مورد استفاده قرار می گرفت . اگرچه جوامع بسط درازمنه باستان از ارزش های آتش بسیار دور و حتی بی خبر بودند ولی با آنهم زندگانی شان خیلی باهم مشابه و ارتباط نزدیک داشت که اینگونه نزدیک و گرد هم آیی ها صرف بمنظور بقا زندگی بوده است . بعدها که آتش را خلق کردند جمعیت یافته شده

تر شدند و زندگانی انسانها حتی ساختن فزیکیشان نیز تغییر پیدا کرد . اکثر جوامع انسانها را در مورد آتش خلق کردند . چنانچه آیین های عصر و یک آتش را چون رب النوع پرستش میکردند و در سناش آن سرود های مقبولی را میخواندند ، حتی امروز هم پرستش آتش یک بخشی از مذاهب هند و را در مراسم تشرفیات و محافل خوشی تشکیل داده چنانچه از بهترین نمونه آن می توان

مذهب زردشتی را در هند یاد آور شد . با آنهم هستند عده ای که از آتش ترس داشته واز آن بعضی اوقات و یا مطلقاً دوری می گزینند . پس بدین ترتیب گفته

اولیه و جدید انسانهای امروزی که درفضای آزاد ، بدون سرپنازندگی میگرد ، اصلاً در هنگام سرپناهی وجود داشت ، یا بعباره دیگر جای مشخص برای رهایش و بود و باش شان موجود نبود . هرچای میرسد اندامات می گزینند و حتی شب ها را از ترس چون همواره بشکل گروپ واورو گله حیوانات با لای درختان و جا های نسبتاً

مستون تر صبح می گردید و بر سر می بردند . حرکت می کردند و دنیا لشکار می نشستند تا در یکسو از خطر حیوانات نسبتاً محفوظ باشند و از طرفی هم بتوانند شکار را محاصره کرده بچنگ بیاورند ، و شبها در قله های بلند صبح می نمودند . و فقط بعد از کسب و بهره برداشتن آتش بود که آنها توانستند بطرف مغاره ها حرکت کنند و در گام اول پناهگاه های سنگی (مغاره های طبیعی) اولین و سابقه دار

ترین جای و محل اقامت گزینی و شب پائی بود که توسط انسانهای اولیه و حتی جانور گوشه خوار قصری و اشغال گردید . همچنان آتش بمنظور آتش

تولید و عرضه میگرد ، در غیر آن آتش بشکل دیگری کشف و مورد استفاده قرار می گرفت . اگرچه جوامع بسط درازمنه باستان از ارزش های آتش بسیار دور و حتی بی خبر بودند ولی با آنهم زندگانی شان خیلی باهم مشابه و ارتباط نزدیک داشت که اینگونه نزدیک و گرد هم آیی ها صرف بمنظور بقا زندگی بوده است . بعدها که آتش را خلق کردند جمعیت یافته شده

تر شدند و زندگانی انسانها حتی ساختن فزیکیشان نیز تغییر پیدا کرد . اکثر جوامع انسانها را در مورد آتش خلق کردند . چنانچه آیین های عصر و یک آتش را چون رب النوع پرستش میکردند و در سناش آن سرود های مقبولی را میخواندند ، حتی امروز هم پرستش آتش یک بخشی از مذاهب هند و را در مراسم تشرفیات و محافل خوشی تشکیل داده چنانچه از بهترین نمونه آن می توان

مذهب زردشتی را در هند یاد آور شد . با آنهم هستند عده ای که از آتش ترس داشته واز آن بعضی اوقات و یا مطلقاً دوری می گزینند . پس بدین ترتیب گفته

اولیه و جدید انسانهای امروزی که درفضای آزاد ، بدون سرپنازندگی میگرد ، اصلاً در هنگام سرپناهی وجود داشت ، یا بعباره دیگر جای مشخص برای رهایش و بود و باش شان موجود نبود . هرچای میرسد اندامات می گزینند و حتی شب ها را از ترس چون همواره بشکل گروپ واورو گله حیوانات با لای درختان و جا های نسبتاً

استعمال آتش در زمانهای قبل تاریخ

نوشته: وی . آن میسرا

مترجم: م . راد

انضای فامیلی یکجا در اطراف آتش جمع شده و با خوشی و سرور آنرا صرف نمایند که اینگونه گرد هم آید و صرف غذا شکل میله را هم بخود داشت.

دیگر شکارگران شکارشانرا چون راهها و تارک دنیا در جاها ی گوشت و دور از انتظار دیگران مانند قله ها، جاها، زیر سنگها له ها حتی جتری ها رویش خاک و سنگ ریخته و بطور خام پنهان نمی کردند که با همچو عمل مقدار زیاد مواد خام را تقریباً تلف می نمودند. پس بدین ترتیب آتش بشکل یک قوه ورشته اتصال بسیار قوی در تحکیم فامیلی های بشری نقش ارزنده ای پیدا کرد که در نتیجه گفته می توانیم واقعا زمانیکه انسان قادر شد آتش را مطیع و تحت اداره و کنترل خود در آورد، آنگاهست که وی توانست با همچو عمل خود حتی دیگران را نیز رام و اهلی سازد.

وزمین گسترش فامیلی را مهیا گرداند، چنانچه این عمل تحقق هم پذیرفت.

قدیمترین مدارک آتش با شرمک یا معاشرات فرهنگ انسان و یا با بقایای فزیک آتست که از امتداد قسمت های شمالی اروپا و چین بدست آمده است. ممکن این هم بطور یقین و کامل نباشد تا اینکه انسان شروع به مهاجرت و حرکت بطرف مناطق و محیط سرد تر نمود، آنگاه هست که انسان یقینا به آتش و موجودیت آن احساس ضرورت کرده است. همچنان این نکته قابل قبول را با ید خاطر نشان ساخت که اثرات قدیمه آتش در اروپا و برخی حصص چین نگا هداری شده زیرا انسان بعضی اوقات جایی را در مغارو های مختلف در افریقا و جا های دیگر چنانچه معمولا آنها در هوای آزاد و سر باز زندگی می کردند، برای بودو باش خود انتخاب می نمودند تا از یکسو نسبتا از گزند حیوانات درنده و مضر درامان بوده و از جانبی هم با فرآورده های طبیعی فسترسر داشته باشند، که در نتیجه از همچو جاها به اثر کاهشها اثرات آتش بدست آمده است.

باتر کاوشهای محققین از مغاره سکیل واقع در کرانه دریای دورانی که از مارسلیز چندان فاصله نداشته و در بای مذکور در کنار خود چندین طبقه و تراس را تشکیل داده است، یکمقدار چوب سوخته یا ذغال، خاکستر و همچنان استخوان های سوخته و سنگهای که بوسیله حرارت آتش جاک و یا ترکیده بدست آمده است محققین مذکور باین نتیجه رسیده اند بقایای که از مغاره مذکور بدست آمده تا ریخ آن گمان غالب به ۷۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال قبل منسوب می شود.

فقط کمی جو آتش از مغاره سکیل ساحه جو کوتین که نزد یک بکنگ

موقعیت دارد با داشتن مدارک آتش و بقایای آن معروف می باشد ساحه مذکور علاوه بر غنی بودنش از نگاه فابریکه ابتدا یی یا مرکز اولیه ساختمان ابزار سنگی چون ساطور، قطع کننده و برنده سنگی و استخوانهای وافر حیوانات پستاندار، یک مقدار زیادی از بقایای انسانهای بدوی و دوره انسان فوسیل (شامل انسان اولیه و یا نژاد انسانهای امروزی)، سن انترو یوس - یکنینس رانیس دارا بوده است در این ساحه مدارکی که موجودیت آتش را در آن زمان به اثبات می رساند عبارت از آتشدانها، ذغال، چوب سوخته، استخوانهای سوخته حیوانات بشمول شاخ گوزن، دانه های حیوانات سوخته و همچنان فرش گلی پخته شده برنگ های سرخ و زرد می باشد.

اثرات آتش در ساحاتی که متعلق به فرهنگ و دینا شلو لین شناخته شده و با فرهنگ و کلتور افزار

سنگی چون ساطور و برنده یک پیروزی رسیده است، نیز شریک و هم دوره می باشد. قدیمترین این ساحات عبارت است از فو رابا و امبر و نا در هسپانیای مرکزی که به ۵۰۰۰۰ سال قبل منسوب و تا ریخ گذاری می شود. شواهد و مدارک استعمال آتش ذریعه انسان دوره اشو لین در افریقا از ساحات از بیلا مربوط به کشور تانزانیا و آبشار کالا مپو واقع در کشور زیمبابوئه کاوشهای محققین بدست آمده است.

در دور و پیشینه سنگی که تقریباً در حدود ۳۵۰۰۰ سال قبل شروع شده و فضاء انسان مهاجر نشین ساحه وسیع و پهناور جهان را احاطه نموده همچنان آتشهای متعددی از سطح های آوریگنشین واقع در ابری یا تو و ساحات مختلف فرانسه و ساحه اوکراین کوشیگی کشف و مربوط بدوره های باستان شناخته شده است.

قدیمترین اشکال گلی که ذریعه آتش پخته شده و بمنظور های خاص در ایام قدیم مورد استفاده قرار گرفته از مناطق دالتی و یستونیس و پاولونزدیک برنوو واقع کشور سو سیالیستی چکو سلواکیا بدست آمده است که محققین اشکال مذکور را مربوط به ۳۰۰۰۰ سال قبل دانسته اند.

بقایای استخوانهای سوخته حیوانی که بیشتر در آتشدان ها یافت شده و گمان غالب از هنگام پختن یا کباب کردن حیوان ذریعه استعمال آتش یا پشو در آنجا ها مانده باشد، بطور معلوم و یقین میرساند که چون چوب هنگام سرماوزستان در جلگه های پوشیده از برف

متفرق شده و بدست آوردن آن زحمت زیادی را ایجاد مینماید، لذا استخوان حیوانات را سوختن و دفع نیازمندی نموده اند باید یاد آور شد که با لایحه آثار قدیمترین شیوه استعمال آتش بر ای ترتیب و نگهداشت وجود انسان از گزند سرما از چندین قسمت در ساحه منگسو واقع آسترالیا ذریعه محققین و باستان شناسان بدست آمده است اکثرا باستان شناسان استخوان های سوخته و خاکستر اجساد فنی شده را از آتشدانها و قبرهای که در مجرای دریاچه مذکور قرار داشت ذریعه کاوشها از ساحه مذکور بدست آورده و آنها را بعد از تحقیق به ۳۰۰۰ سال قبل نسبت داده اند.

طبق عقیده عده ای از دانشمندان و محققین آتش تقریباً یک میلیون سال قبل مورد استفاده انسانها قرار گرفته و لی بولوف تحقیقات و پژوهشهای متواتر تا هنوز بدقت فهمیده شده نتوانسته است که انسان چه زمانی قادر شده تا آتش را توسط میوه های مصنوعی حاصل و تولید نماید. اگر چه لایل زیادی موجود است که سبب بروز آتش در طبیعت شده است که مهمتر از همه شعله وری در دین جنگل و تولید آتش است ذریعه ماشین یا اصطکاک درختان یا یکدیگر.

همچنان کوه های آتش نشان میداند دیگری است که آتش را تولید نموده است، اگر چه اینگونه تولید آتش در برخی از مناطق محدود بوده است. ناگفته نباید گذاشت که تراوش و رخنه های طبیعی تپل و گاز نیز سبب دیگری است که آتش را بهمان آ و رده است. پس به یقین میتوان گفت که اندام قبلی شاهد آنست که در بعضی مواقع آتش طبیعی موجود بوده و در برخی موارد ممکن هم ذریعه اتفاقات ناگهانی صورت پذیرفته و از تصادم سنگی به سنگ دیگر و بادر حتی بد رخت دیگر جرقه آتش تولید شده باشد که ممکن بعدا انسانها مفیدیت آنرا احساس کرده باشند و در آن هنگام بوجود میامد بدست انسانهای اولیه قرار می گرفت. آنگاه بود که بشکل گروپ وار بدور آن حلقه زده و بادقت کمال هواره در حفظ و نگهداری آن میکوشیدند، یعنی اینکه آتش را محاصره کرده و در آتشدانهای مخصوص و بزرگ مثلا یک جگری زمین، سنگ قالبی بزرگ و غیره جاها نگهداری مینمودند بعد از همه مراحل گوناگونی که در کشف و چگونگی استفاده و نگهداشت آتش سپری شد، برخی از فامیلها در خانه های روستاها (حتی امروز هم در مناطقی خیلی دور افتاده از شهر و قریه) بطور دائم آتش را در آتشدانها روشن نگهداری میکردند آتش مصنوعی

بد و طریق تولید میشد: یکی ذریعه ضربت و تصادم و دیگری ذریعه ماشین اصطکاک. میتود ضربتی یا تصادمی عبارت است از یک گره کوچک ترکیب گوناگون فلز (مواد اولیه و ابتدا یی گوگرد امروز ی) که بمقابل یک پارچه سنگ ضربت و یا تصادم داده میشود و در نتیجه جرقه یا شعله زنده بوجود میاید و جرقه ای که ازین طریق تولید میشود فیهل خشک و بدون رطوبت را می تواند روشن سازد شیوه یا میتود دیگری که عبارت از مالش دادن یک شیء باشی دیگر یا اصطکاک اجناس است نسبتا پر زحمت تر بوده و ایجا بمینماید که پارچه های چوب خشک را با یکدیگر بشکل دوامدار مالش داده تا حرارت تولید شده و ذریعه آن فیهل خشک روشن گردد قدیمترین مدارکی از شوه تولید آتش

توسط میتود ضربتی یا تصادمی از مغاره بلجین بدست آمده که محققین آنرا مربوط به ۱۵۰۰۰ سال قبل شناخته اند، و این طریق ایجا ب یک گلوله کوچک و یا توب سلفا بد طبیعی آهن را (پایک یا رجه آهن و تکل) نموده تا با یک مجرای عمیق سبب تکرار عملیه در عین محل شده بتواند یعنی در عین محل شکل یک جری را داشته باشد. تولید آتش ذریعه عملیه ماشین یا اصطکاک ایشاء یا لایحه بعد از اینکه انسان شروع به ساختن ابزار و وسایل سنگی توسط خورد و پا رجه ساختن سنگ

دردوره پیشینه سنگی نمود، آغاز گردید که محققین آنرا به ۳۰۰۰۰ سال قبل منسوب کرده اند. ولی تخنیک اینگونه استفاده که بیشتر بشکل مستقل ذریعه بومی های استرالیایی مورد استعمال قرار می گرفت توسط یکعده محققین و دانشمندان کشف گردیده و استعمال آنرا بشکل منفرد دانشمندان در حدود ۴۰۰۰ سال قبل نسبت داده اند. اینگونه مرا حیل را آتش گشتا نه است اگر چه بطور دقیق معلوم شده نتوانسته است که آتش در اول در کدام قاره کشف و سامورد استفاده و استعمال قرار گرفته است ولی با تپم در بعضی قاره ها چون افریقا برای اینکه دارای اقلیم گرم و قاره ای بود و مردم اولیه تا دیر زمان در فضا سر باز زندگی میکردند لذا بقایای آتش از زمانهای خیلی ها نخستین تا حال کشف و بدست نیامده است، و در قاره های دیگر نیز مدارک اولیه بطور دقیق تا حال معلوم نگردیده است که چگونگی و چه زمانی آتش کشف و مورد استعمال انسان اولیه قرار گرفته است تا

توضیح و تشریح گردد و لی محققین و دانشمندان بپوسته در زمینه مصروف پژوهش اند. تا با شد که بارها هگتا بی این مقضله روشنی های بیشتری در کشف و تحقیق علوم دیگر بیاندازند.



احسان شریف

دیکتاتوری پرو و لتاریا

وسازمان جوانان

دیکتاتوری پرو و لتاریا که در گذار از مرحله سرمایه داری به جامعه سوسیالیستی مرحله موقت و حتمی و انکار ناپذیر است امریست برای رسیدن به جامعه فارغ از استثمار و از فرد دیکتاتوری پرو و لتاریا حافظ و نگهبان یک طبقه بر طبقات دیگر است باین تفاوت بزرگ.

حالت های فاشیستی و استبدادگر بمنظور صیانت منافع طبقات استثمارگر که خود از همان طبقه نمایندگی میکند بر طبقات و توده های زحمتکش ورنجیر جامعه عرض اندام نموده است اما دیکتاتوری پرو و لتاریا به خاطر حفظ و نگهبانی، منافع، طبقه زحمتکش و بهره ده جامعه که معمولاً میزان بیشتر از اکثریت به مفهوم وسیع کلمه را نشان میدهد، عرض وجود می نماید که بخاطر تحقق خواست و آرمانهای توده ملیونی کمتر همت می بندد و به نفع ایشان دست به اقدامات موثر میزند.

سیستم دیکتاتوری پرو و لتاریا از نظر مکانیسم آن دارای تسمه ها و اهرمهای است که منجبت نیروی هدایت کننده عمل میکند این اهرمها و تسمه ها عبارت اند از:

اتحادیه کارگران - شورا ها کوپراتیف ها و سازمان جوانان.

سازمان جوانان که بسیج شدن عناصر انقلابی و روشنفکر جامعه را در بردارد متشکل از آئنده جوانانی است که توانسته اند فرم طبقاتی جامعه خود را ببینند و برای درهم شکستن

غذا و ارتباط آن به سلامتی انسان

از بسیاری جهات سلامت ما وابسته بطرز تغذیه ماست. بر اثر یک تغذیه درست و مناسب میتوان از بسیاری بیماری های کوچک و بزرگ جلوگیری کرد، در حالیکه با اشتباهات و خطایهایی که در امر تغذیه مرتکب

ژونون

صفحه ۲۶

بایم در صفحه ۵۸

که متناسبه بسیاری از مردم با تغذیه نادرست و نامناسب باعث بیماری ها میگردد. و این بخاطر اینست که آنها از خواص و مضار غذاهای خیر هستند و نمیدانند خوراکیهای که مصرف میکنند چه نفع و چه ضرری دارند. با اطلاعاتی که از این مقاله بدست می آورید که شاید هم زیاد تازگی برای شما نداشته باشد میتواند استفاده نماید ولی حد اقل این مطلب شما را یاد آوری می نماید که چه بخورید و چه نخورید تا صحتمند و تندرست باشید. با استفاده از این مطلب که حاوی نظرات متخصصین علم غذا شناسی است خواهید توانست پروگرام غذایی مناسب و مفید برای خود ترتیب دهید. و در ضمن ما روش خاص باغذا و خوراکهای مخصوص را شما توصیه نمی کنیم زیرا تغذیه امریست که تابع شرایط زندگی افراد میباشد و نمی توان در این مورد یک نسخه کلی و عمومی تهیه کرد.

شما میتوانید حتی غذاهای سنگین و خوراکیهای را که از لحاظ خاصیت چندان تعریفی ندارند بعد اعتدال بخورید، بدون اینکه خطری متوجه تان گردد، در حالیکه برعکس خوراک های بدون ضرر اگر بعد اسراف مصرف شوند و طریقه طبخ آنها نادرست باشد، تبدیل به غذاهای زیان بخش میگردد و چه بسا که امروز شما را برای یک خوراکی ساده جناسیت داده باشد، آن خسرواکی برای شما صورت سم را پیدا کند...

دیگر اینکه شما در این مطلب با حسابهای درهم و پیچیده مربوط به کالوری و ویتامین ها و تجزیه و ترکیب های کیمیای مغلق روبرو نخواهید شد، زیرا آشپز خانه را نمی توان به آزمایشگاه تبدیل کرد بنظر هر کس هنر خوب تغذیه کردن زاینده عقل سلیم و تجربه شخصی است تیوری ها و حسابها در آن نقش اساسی را نبوده ندارند.

با این حال امیدواریم که امر تغذیه، یعنی رکن اصلی و اساسی تندرستی شما به صورت یک امر ماشینی در نیاید، بلکه این مساله از روی عقل و بصیرت انجام شود و شما که مسئول خوراک خانواده هستید یادتان باشد

که بیش از هر داکتری مسئولیت سلامت افراد خانواده را بر عهده دارید، و از آنجا که طبخ خوب و خوراک مطبوع باز عایت اصول صحی غذایی به هیچوجه منافی ندارد، بنابر این امیدواریم که در عین خوش خوراکی بتوانیم شما را در انتخاب غذا های سالم یاری نماییم.

اصول صحی غذای روزانه:

بسیاری از مردم با اندازه کافی غذا نمی گیرند و بسیاری دیگر زیاده از اندازه غذا می خورند. آیا شما گفته میتوانید که در کدام یک از این دودسته قرار دارید؟

به موجب ارقامی که از نظربین المللی مورد تایید قرار گرفته اند جیره غذایی روزانه افراد بر حسب کالوری باید به این شرح باشد و محاسبه گردد:

- برای زنی که وزنش میان ۵۵ تا ۶۰ کیلو گرام باشد، دو هزار تا دوهزار و چهارصد کالوری ضروری است.

- برای مردیکه وزنش میان هشتاد تا هشتاد و پنج کیلو گرام باشد دوهزار و چهار صد تا دوهزار و هشتصد کالوری لازم است.

و بر حسب میزان فعالیت بدنی این ارقام باید از پنجم تا هزار افزایش یابند و علاوه بر حسب سن نیز این اندازه ها تغییر پذیر هستند. در مورد پیر مردان باید از میزان خوراک به اندازه قابل توجهی کاسته شود.

برعکس برای نوجوانان باید خوراک فراوان وجود داشته باشد.

چنانچه بین شازده تابست و یک سال بر حسب سلامت مزاج و میزان فعالیت جیره روزانه ممکن است به روزی سه هزار تا سه هزار و پنجم کالوری ضرورت یفتد.

البته ممکن نیست که شما هر روز کالوری هزارا شمارش کنید و حساب دقیق آن را بدست آورید. اما بدینست که گاه بیگاه لااقل بطور تقریبی در باره آنچه می خورید و معلوماتی داشته باشید تا معلوم گردد که آیا رژیم غذایی شما از نظر کمیت کافی هست یا خیر؟ به اندازه کافی غذا بخورید :-

هنگامیکه شما یک زندگی عادی و فعال دارید، جیره کالوری ها نباید از روزی هزار و پنجم کمتر باشد و حتی بسیاری از متخصصین بقیه در صفحه ۵۸



سخنی چند با خوانندگان این صفحه

هر هفته عده ای از خوانندگان این صفحه با فرستادن مطالبشان همکاري می نمایند و ما را در راه بهتر شدن مجله شان ياري می کنند اما این هفته روی سخن به آن دسته از همکاران قلمی این صفحه است که با خط ریز خویش باعث زحمت آبروینان مجله میگردند. گذشته از آن بعضی از این همکاران مطالبی مسمی فرستند که اصلا برای مجله قابل قبول و هضم نیست.

وباز هم صرف نظر از این موضوع این عده با تلفون های وقت و بی وقت خویش که چرا فلان مضمون به چاپ نرسید باعث ازیت کارکنان این مجله میگردند. اگر برای این همکاران در صفحه جواب به نامه ها تذکرات چند میدهم باز هم مورد قبول اینها قرار نمیگیرد.

متصدی صفحه جواب به نامه دایم به این خوانندگان ارجمند خاطر نشان ساخته است که مطالبی برای مجله تا نافرستید که قابل نشر بوده و ارزش این داشته باشد که خواننده این مجله با وقت کمی که دارد از آن استفاده نماید ولی این دوستان یا بهتر بگوییم این «آشنايان ناشناس» کوچکترین توجهی نکرده باز هم با همان خط ریز و غیر خوانا که به مشکل میشود چند سطری از آن را خوانند به این کارشان ادامه میدهند. چه میشد که اگر این خوانندگان یا این همکاران ارجمند مطالبشان را

تا پیم می نمودند و پیمای فرستادند و لااقل بخط نسبتا درست و خوانا که باعث تکلیف آبروینان نگردد به ما ارسال می نمودند.

ما که سالها درد دلهای شما را گوش کردیم، یکبار هم شما به درد دل ما گوش دهید و این خواهش ما را بپذیرید.

خوانندگان ارجمند این مجله البته مطلع اند که مجله شان، مجله خانواده هاست و باید مطالبی از خانواده و آنچه مربوط به آن است در این مجله نشر گردد ولی در پهلوی آن این مجله وظیفه دارد تا بعضی مطالب جالب دیگر را نیز به نشر بپردازد تا ذوق خواننده ها که بیشتر مایل هستند مطالبی دیگر را نیز در مجله خود داشته باشند مد نظر گرفته شود. از این جهت که این مجله در پهلوی نشرات ذوقی خود بعضی مطالب دیگری آموزنده را نیز بچاپ می رساند تا ذوق آن دسته از خوانندگان که بیشتر مایل به این گونه مطالب اند برآورده گردد فلذا توقع ما از تمام خوانندگان این مجله مخصوصا از این صفحه شان اینست که مجله خود را با فرستادن مطالب متنوع، انقلابی و آموزنده کمک و یاری نمایند تا خدا بخواهد که این مجله شان آنگاه بیکه توقع خوانندگان ارجمند و عزیز است به نشرات خویش ادامه دهد.

گریز جوانان از ازدواج

امروز یکی از پدیده های رایج روزگار گریز جوانان از ازدواج شده است به همین جهت بسیاری از جامعه شناسان و علما معتقدند که «تدن» و «پیشرفت» وجود آنکه مزایای زیادی را به جهان بشریت هدیه میکند مشکلاتی را نیز با خود به همراه می آورد که از جمله گریز جوانان از ازدواج را میتوان نام برد مخصوصا در دهه اخیر بیشتر میتوان این فرار جوانان را از ازدواج مشاهده کرد.

علت این گریز چیست؟ آیا عامل اصلی این گریز مسائل اقتصادی است؟ یا نبودن اطمینان متقابل بین دختر و پسر بخاطر خوشبختی از آینده؟ تکنالوژی و تمدن امروزی در این گریز دخیل نیست؟

وحقیقت اینست که تا قبل از انقلاب شور جوانان ما در چنین حالت قرار داشتند یعنی بی خانگی، نامساعد بودن وضع اقتصاد به ایشان این امکان را میسر نمی ساخت تا برای خود زندگی ایده آل انتخاب کنند. بعضی های گوناگون باعث گردید بود که جوانان کمتر بنظر ازدواج بیفتند و ده ها مساله دیگر بود که جوانان ما را از ازدواج گریزان می ساخت.

ولی بعد از انقلاب شور جوانان ما رو حسیه

تازه یافتند و به زندگی دلپسندی پیدا نمودند دیگر اقتصاد و با نام خانوادگی ما نسخ خوشبختی دو جوان شده نمیتواند. در گذشته رسم چنان بود که خانواده متحول و سرشناس باید حتما با خانواده سرشناس و متحول دیگر خویشی می کردند اخلاق و تعلیم مدار اعتبار و اعتماد نبود صرف پول بود و زندگی مجلل. از همین رو یک عده زیادی از جوانان ما اینک به جد شرایط زندگی خانوادگی کودکان اما با چنان شرایط نمی توانستند زندگی خانوادگی خود را بسازند. و گمان کنم زندگی را تشکیل نمایند ولی خوشبختانه با پیروزی انقلاب شور دیگر تمام این سد های پوشالی از میان برداشته شد.

و امروز جوانان ما دیگر احساس حقارت نمی کنند زیرا پول که در گذشته معیار همه چیز شمرده میشد اکنون اعتبار خود را در این مسائل از دست داده است.

امروز ارزش جوان به تعلیم، اخلاق، کرامت و ارزیابی میگردند. از همین رو در مدت کمتر از دو سال که از انقلاب شور سپری میشود جوانان ما توانسته راه زندگی حقیقی را در پابند و سوی یک زندگی آبرومند و شرافتمندانه به پیش ببرند.

نکاتی چند در باره زندگی

زیاد زیبا نبوده و شاید هم اصلا زیبایی نداشته است.

و شما که مرد دانسته و فهمیده و خانواده داری هستید چکار دارید که اولین خواستگار زنتان مردی پیر بوده است.... فعلا که به خواست خداوند شریک زندگی هستید بگریز شده اید برگشته های یک دیگر خویش پرده فراموشی بکشید، اگر یک وقت خواستید در این مورد صحبت بکنید، بطوری حرف بزنید که طرف به هیچ صورت احساس تمسخر در حرفهای شما نکند.

زن و شوهری که بی جهت (و باجهت) سعی میکنند از چنین موضوعی حرف به میان بیاورند، بدست خود، زندگی خانوادگی شان را به پرتگاه سقوط سوق میدهند. اگر هم کار به آنجا نرسد، بسیار احتمال دارد که در اثر همین صحبت های بی جا و بی لزوم یکی از طرفین نصیانی شده باعث مجروح شدن دیگری گردند.

نکته دوم هر شوری باید سعی کند نام های خواهرخوانده های همسرش را یاد نگیرد و بداند. گرچه این کار برای شوهر مشکل باشد باز هم سعی خود را بنماید زیرا با این کار زن را خوشحال میسازد که شوهرش نظر به علاقه که به او دارد نام دوستان او را یاد دارد. این امر علاوه از آن باعث خوشحالی دوستان همسر تان نیز میگردد. و وقتی که دوستان همسر تان از شما به قدر دانی یاد کرد طبیعی است که این امر بر خوشحالی همسر تان به قدری در صفحه ۵۶

ایش از همه باید بگویم که هیچکس از من نخواسته است که این عقاید را، بصورت فوری برای خوشبختی زندگی زناشویی، در این جابجایی و بنابر این، طبعاً ضمانت نمیکند که همه ای این عقاید واقعا درست و بجا باشد و پدر همه کس بخورد و همه خانواده ها را از مشکلی که معمولا بدان دچار اند برکنار میسازد.

مقدمه کوتاه، باید خدمتان عرض شود که از ذکر این نکته نباید خودداری شود که همه این عقاید و اندرزهای که اکنون ملاحظه خواهد کرد، زائیده فکر و اندیشه شخصی من نیست. غالب آنها مطالبی است که در باره خوشبختی خانواده ها مخصوصا زن و شوهر ها آمده است و ما آنرا برای شما گلچین کرده ایم. حالا این نکات را بخوانید:

نکته اول- هرگز، کسانی را که بنحوی در زندگی گذشته همسر شما مقامی داشته اند، به عنوان موضوع صحبت انتخاب نکنید.

بنظر اکثر از خانواده ها این عادت بد است که بعضی زنها دارند و ناگفته نماند که (مرد هاهم دارند) بدین معنی که می خواهند به ترتیب شده زنی (یا مردی) را که سابقا مورد توجه همسر شان بوده است دست بپندازند و مسخره کنند. همین موضوع یکی از سرچشمه های دعوی بسیاری از زن ها و شوهر هاست.

خوب، شما چه عرض دارید که شوهر تان سابقا می خواسته با زنی ازدواج کند که



فاطمه . د . نیرو

مبارزه در راه رهایی زنان، مبارزه در جهت دموکراسی و ترقی اجتماعی است

مبارزات رهاگرانه زنان در واقعیت امر، بخشی از مبارزات انقلابی طبقه کارگر را (چه در دوران سلطه طبقات مترجع و چه در دوران بعد از پیروزی انقلاب کارگری) احتوا میکند. اما مبارزات زنان همانند مبارزات عمومی طبقه کارگر و گردان پیشاهنگ آن در پروسه انقلاب با نحوه و اشکال مبارزات قبل از انقلاب از هم متفاوت میباشد. زیرا قبل از انقلاب زنان بیشتر در تشکّل سازماندهی و تبلیغات سیاسی تکیه میکردند. در حالیکه بعد از انقلاب نه اینکه در جهت گسترش تشکیلات، سازماندهی و تبلیغات روستگرانه شان می تلاشند، بلکه در پروسه تحول انقلابی جامعه نوین خویش نیز بصورت آگاهانه و فعالانه سهم میگیرند.

مثلا زنان آگاه و یکپارچگی افغانستان که در چوکات یک سازمان خلقی تحت در فتن ایدئالوژی علمی پروتاریا و در فروغ رهنمود های داهیانه حزب دموکراتیک خلق افغانستان به منظور رهایی شان از بند اسارت ملی، طبقاتی، خانوادگی و دیگر تبعیض و ستم، علیه ارتجاع، استبداد، استثمار و امپریالیزم دلیرانه میروز میدند اکنون در پروسه انقلاب تسور بیش از پیش دارای رسالت و وظایف سنگین

بوده و باید با درک همین رسالت و وظایف خویش مبارزات شانرا تنویر و گسترش دهند.

از آنجاییکه مبارزه زنان در شرایط انقلاب نور دارای پهنوهای زیاد و اشکال متنوع میباشد باید تمام زنان وطنپرست، انقلابی، درک و چیز فهم دست بدست هم داده و به سازمان خلقی شان پیوسته و در جهت رهایی کامل شان کار و یکپار خلق ایفاء نمایند. بدیهی است که رهایی کامل زنان از بند انواع اسارت ملی، طبقاتی، خانوادگی و فرهنگی تنها در جامعه فاقد طبقات ممبر می آید. بنابراین زنان آگاه افغانستان نباید با تحقق ظفر مند انقلاب جاودان تسور وظایف شانرا تمام شده بگذارند. از طرف دیگر مبارزات زنان کشور ما طوریکه در بالا تذکر دادیم بخشی از مبارزات عمومی و انقلابی طبقه کارگر کشور و حزب راستین آن یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در بر میگیرد. لذا بین مبارزات آگاهانه زنان و مبارزات عمومی و انقلابی زحمتکشان ما منظور تکامل انقلاب نور و باخاطر فراهم شکستن مقاومت ها و واکنش های گونه گون دشمنان داخلی و خارجی وطن محبوب ما ارتباطات

ناگسستی وجود دارد که نمیتوان این ارتباطات را نادیده پنداشت. چنانچه آموزگار کبیر پروتاریای جهان میگوید: «مبارزه برای برابری زنان بخشی از مبارزه عمومی طبقه کارگر برای دموکراسی و پیشرفت اجتماعی است». رهایی واقعی زنان مستقیما وابسته به دگرگونی های انقلابی، سیاسی و اقتصادی در کشور است. و فقط گذار انقلابی جامعه به سوسیالیزم میتواند زنان را بطور کامل از نابرابری و استثمار رهایی بخشد.

زنان آگاه و رزمنده افغانستان نسبت به همه زنان مبارز جهان در شرایط بغرنج و حساس قرار گرفته اند.

زنان دلیر و مبارز ما باید ملتفت باشند که مبارزه زنان کشور ما نمیتواند تنها بایک سازمان نامتکشف و کمیت معین مبارزین در چوکات این سازمان در راه رهایی کامل شان توفیق یابد. زیرا جنبش انقلابی زنان کشور ما در فروغ انقلاب نور آتقد گسترش یافته و اوج میگیرد که بتواند آماجگاه جذب و کشش و تشویق همه زنان محروم و مظلوم وطن محبوب ما قرار بگیرد.

چه از یکطرف انقلاب کارگری مادر شرایط فیودالی تحقق یافت و هنوز زنان کمتر پا از دایره خانواده در عرصه اجتماع نهاده و به تحصیلات و مشاغل پرداخته اند که این حالت موجب ضعف کمی زنان چیز فهم، روشنفکر، با سواد و مبارز شده است. در حالیکه در جوامع سر مایداری زنان صرف نظر از اینکه چگونه در حصار مظالم سر مایه محصور اند

با آنهم بیشتر در مکاتب، پوهنخی ها، موسسات و کارگاه هادیده میشوند. و بدین ترتیب زمینه پذیرش علم و ایدئالوژی در بین ایشان به ملاحظه میرسد. اما از طرف دیگر زنان ما بنا بر سنن ملی و معیار های فرهنگی شان نسبت به جوامع غرب هنوز در تحت قیودات گونه گون اند. که این وجوهت هریک در تشکّل، تنظیم، سازماندهی و بیداری و نان کشور و گرایش آنان به تحول و تکامل جامعه اثرات منفی بجا گذاشته است.

معذا زنان کشور ما وقتی میتوانند بهتر در کار و یکپار خویش مؤلف باشند که هنگام با مبارزات کارگری کشور و در سنگر دفاع

از انقلاب مجدانه در حرکت باشند. و روابط منطقی مبارزه شانرا با مبارزات عمومی طبقه کارگر و گردان پیشاهنگ آن درک کنند.

چنانچه رهبر داهی انقلاب کبیر اکتوبر میگوید: «پروتاریا نمیتواند خود را آزاد کند بی آنکه برای آزادی کامل زنان مبارزه کند» هرگاه در جامعه ما این اندیشه راه یابد که زنان و مبارزه آنها در امر تکامل انقلاب و اعمار جامعه نوین بدون طبقات چندان مؤثر نیست اشتباه محض میباشد. زیرا زنان باید بدانند که اگر طبقه کارگر بدون رهایی زنان از

چون در افغانستان زنان هنوز غالباً بیسواد، خانه نشین، مستور و بعیذ از نهفت قرار دارند. لذا رفع چنین حالات و کشاندن این زنان به نهفت انقلابی و بخصوص در سنگر انقلاب کار مشکل بوده که مساعی همه جانبه و کار خستگی ناپذیر را میطلبد. زنان آگاه و مبارز ما بتابه همین کمیت معین زنان کشور که دور سازمان خلقی زنان و حزب ما حلقه زده اند دل خوش نمایند. بدین مفهوم که نهفت زنان کشور ما باید به سطح جنبش کارگری جامعه گسترش یابد تا بتواند تمام زنان را بحرکت در آورد چنانچه آموزگار کبیر پروتاریای جهان میگوید:

«جنبش زنان باید وسیع ترین اقشار زنان را دربر گیرد این جنبش باید بخشی از جنبش عمومی توده ها باشد یعنی - بخشی از جنبش همه استثمار شوندگان و ستمکشان و نه تنها بخشی از جنبش کارگری»

زنان آگاه و انقلابی ما میدانند که اسارت ملی، طبقاتی، خانوادگی و انواع تبعیض و ستم بر زنان همزمان با پیدایش طبقات، مالکیت، خصوصی و استثمار فرد از فرد بوجود آمده است. هرگاه زنان نجیب کشور ما بخواهند از آزادی کامل و از حقوق همه جانبه انسانی شان به خور دار گردند باید تا پای جان در راه محو طبقات و استثمار فرد از فرد بیکار نمایند بخصوص در کشور ما دیگر وظایف نهفت زنان از چار چوبه صرفا تبلیغاتی و سیاسی خود بیرون شده و حالا بمتا به بخشی از مبارزات و نهضت کارگری کشور در آمده است.

برانی بادنجان زیر آتش

حصه وسط خونیم نموده آرا بروی یک غوری پهلوی هم قرار داده ماست یاچکه آماده شده رابالای آن انداخته روغن گرم شده رابالای آن علاوه کنید بانعانی خشک، مرچ و گشنیز آرا زینت داده و برای صرف بالای میز و با روی سفره بپزید.

اولتر بادنجان را شسته بعد توسط خمیر تمام بادنجان را پوش نموده آرا در یسن خریج قرار دهید بعد ماست یاچکه آماده شده رابا سیر کوبیده شده مخلوط نما یسید بعد از بیست دقیقه الی نیم ساعت بادنجان هارا از زیر خریج کشیده سپس آنها را از

خانگی صرف بخاطر اعتقاد داشتن بدان مؤثر واقع میگردد زیرا بوضاحت ترین مثال دیدیم که لبلبوی خام نه بلکه اعتقاد بتداوی آن زن مؤثر واقع شد. در غیر آن در لبلبوی خام هیچگونه خاصیت از بین بردن در وجود نداشته و ندارد.

بنابراین باید گفت که اکثر مریضان خیالی که فکر میکنند آنها مریض اند فقط بداشتن اعتقاد قوی بیک تداوی صحت یاب میگردند که این خود وسیله ای خوبی است، برای تداوی چنین اشخاص.

به طور مثال: من شخصیرا که شدیداً از درد سر بخود می پیچید، دیدم ... برای آنکه او را تداوی کرده باشند، زنی یک توتۀ از لبلبوی خام را به او داده و گفت، این قوی ترین مسکن و کشنده درد است.

مرد که به تداوی این زن اعتقاد شدید داشت آنرا فوراً جویده و قورت کرد، هنوز بیش از چند دقیقه نگذشته بود که او سلامتی خود را باز یافته و احساس بهبود کرد. بناء باید گفت که بعضی از تداوی های

نورپه افغانستان کی بنیچی نه استثماریوری

هغه پلرپه پوری خلقی اقدام ووجه دلومیری خل لیساره په واقعی تو که دسور په شا نه تلو تکی انقلاب له بریالیتوب څخه ورسته عملی شو او د لومړی لمر فر مان د صادریدو په وسیله یی هغه تور څنځیرونه چه کلو نه کلو نه یی زموږ د هیواد بنیچی په ډیره فجیعانه تو که زو رولی او کړو لی وو ما ت کړل او هغو ته یی د آزادی او بسیا تو ب ملغلری ورپه غاړه کړی.

په تیرو رسته کر غیږن یی محتوا او تش په نوم د لود شاهي جمهوریت کی نه یوازی د پلار وا کی تورو څنځیر ونو زموږ د هیواد بنیچی دهر ټول آزادی څخه محرو می او په

خلور و دیو الوتو کی یی ایسا ری کسری وه بلکی د متاع په حیث په دمعاملی با زار

ته و ډان دی کیدلی او په ډیره بی شرمانه توگه په دیسو په مقابل کی څر خیدل د د ا شان نا و ډ و نا اند و لیو اود انسان پلو رنی بازار د و مره تود شوی و چی خبره د سودا گرانو تر منځ

رقابت ته پورته شوی وه اوبی له دی چی دا دانسانیت قاتلان د بنیچی بشری حقوق د پیژندنی او دهنی شخصیت او انسانی کرکتر به نظر کی ولری د مریی په صفت څر خول کیدی.

د لور انقلاب نه یوازی دانسانیت سوداگران ا بسدی کندی ته وسپارل شول بلکی

د هغوی تور او وژونکی منافات هم رنگ شول اود تل له پاره له منځه لاړل، اودیوی داسی غو ډ ید لی ټولنی اساسی

بنسټ کیښودلی شو چی په هغه کی به نه یوازی انسان ته دانسانیت په سترگه کتل کیږی بلکی دهر ټول استثمار څخه به هم خلاصه وی او زموږ زیار ایستو تکی پرگنی به دژوند دیوه آزاد، آباد، غوړیغلی اوسمسور پسرلی خاوندان وی هر چا ته به دخیل استعداد په اندازه اوگزار په اندازه معاش ور کولی کیږی اود منځواک ټغر به ټول کړی.

معلو ما خبره ده چی د لور د ستر خلقی با خون د بر یالیتوب څخه را پدی خوا نه یوازی داجی دافغانستان دټولو زیارایستو-

تکو په گټه پاڅه گامونه او چت شوی دی اود هغوی د ژوندانه په هره سر څه کی مثبت بدلونونه رامنځ ته شوی دی بلکی ددی ستر با خون له بر کته زموږ د هیواد

د معطلو بنیغو او پیغلو د هو سایی او سو کالی په خاطر او د تیرو رسته او انسان وژونکی رژیم دناوړو او خیر نو

مناسباتو او پلار واکي دبیر حمو کس- و ورو څخه د هغوی د ژغورنی او خلاصون د

پاره هم لوی او دیا کو لی و ډ گا هو نه اخستل شوی دی د نا رینو سره د بنیغو د حقو قو برابر ی او د هغوی د آزادی او

بر ا بری تا مینیدل هغه ستر خلقی گام وچی وروسته د لور د ستر انقلاب څخه پورته کړای شو، زموږ خلقی او د خلکو په

هو سایی مین دولت چی یوازینی ارمان یی زموږ د ټولو زیار ایستو تکو او استثمار شوو

بر گټو ته خدمت دی تل څخه کوی چه د تیر و نا انډولیو او د فرد له خواد فرد به

استثمار دولاړو ناوړو مناسباتو او نابرابر- یومخه ونیسی او زموږ د خلکو دژو ندانه

خران و هلی و چی دشتی سمسوری اوزرغون کړی څخه دا انقلاب د خلکو انقلاب دی د خلکو له پاره او د خلکو د گټو دما تلو په خاطر را منځ ته شوی دی.

هر هغه اقدام چه زموږ د پرا خو پر گټو سو کالی پکښی پر ته دی او زموږ زیار- ایستو تکو له پاره ژوند ییو تکی ز یری ولری زموږ د خلقی دولت کړ لاره ده اوتره و سه و سه زیار باسی چه داسی نافع اوژوند ییو تکی اقدامات د عمل په ډگر کیږی پلې کاندی دهنی او چت او انسانی اصل له مخی د بنیغو د حقونو پوره پیژندنه او تامین چه زموږ د ټولنی لیما یی قشر تشکیلوی



تا کدام حد باید از معالجات خانگی استفاده کرد!

با شیر پودری و بوتل از هر لحاظ بهتر است. مابصراحت میگوئیم که این طرز فکر غلط محض است.

دانشمندان علوم تربیتی و طبی ثابت کرده اند: طفل که با شیر پودری بزرگ شده باشد، به آسانی به انواع امراض مصاب میگردد. همچنان مادر که شیر خودش را بفرزندش نخورانده باشد ... امکان دارد به سرطان پستان مبتلا گردد.

اعتقادات و تلقینات که باعث صحت یا بی میگردند:

بعضی از معالجات خانگی فقط از نظر تاثیر روانی مستقیماً بالای مریض تاثیر گذاشته و باعث صحت یابی میگردد. در حالیکه برخی دیگر بخاطر اعتقاد داشتن بدان نوع تداوی باعث اعتاده صحت و سلامتی انسان میشوند. باید بخاطر داشت که اعتقاد قوی داشتن بیک موضوع در بسیاری موارد صحتی انسان را تأمین نمینماید.



امراض از نظر نوع خود گوناگون و مختلف اند. از این رو بعضی از امراض را با معالجات خانگی و برخی دیگر را باید با ادویه مدرن تداوی نمود.

حقیقت اینست که مرض مهلك و خطرناك مثل امراض سينه و بغل تپانوس، محرقة، توبرکلوز، اپاندیسیت، امراض مقاربتی، تب های شدید بعد از ولادت را باید با مشوره دكتور توسط ادويه مدرن مداوا نمود. هیچگونه غفلت و تنبلی درین مورد مجاز نیست ... در صورت وقوع امراض فوق نباید وقت خود را با تداوی های خانگی تلف کرد.

دانستن اینکه کدام مرض را با معالجه خانگی و کدام آنرا با ادویه مدرن درمان کنیم مشکل است ... برای فهمیدن و تفکیک آن به تجربه و مطالعه زیاد درین زمینه احتیاج داریم.

به خاطر باید داشت که برای درمان امراض مهلك بدون اتلاف وقت به دكتور مراجعه کرد.

طرق تداوی قدیم و جدید:

بعضی طریقه های درمانی مدرن بهتر از تداوی و معالجه های خانگیست، لیکن در برخی موارد طرق تداوی قدیمی و عتیقوی بهترین تداوی ها محسوب شده است.

طور مثال، در بسا موارد درمانی بر خورد

بزرگسالان قدیمی با اطفال بهتر از برخورد مادران و پدران مدرن با اطفال شان است.

از جمله میتوانیم بگوئیم که مادران قدیمی شیر مادر را بهترین غذا برای طفل شان میدانستند و هنوز هم می پندارند. طب امروزی ثابت کرده که آنها درست فکر میکردند و می کنند. در حالیکه مادران به اصطلاح مدرن فریب تبلیغات تجاران شیر های پودری را خورده و تصور میکنند که تغذیه طفل

۳ عقرب

به عقرب ستاره ها بارید
 خون مردان با شهادت خلق
 در هیپاران راه آزادی
 همه را شعر خلقها بر لب
 ذره ذره ز هر کسراه شهر
 حمله بر فز ارتجاع بردند
 پاسداران شو با استبداد
 دهروان راه خویش پیمودند
 تیغ خورشید انقلاب کشید
 سرخ در جاده های شهر توید
 دسته ، دسته زهر کراه رسید
 همه را شور توده گشت نشید
 جمع گردید و آفتاب د مید
 کاخ دشمن به خویشش لوزید
 همه را سر شکست و سینه دوید
 همگی بی عراس و بی تو دید
 صف خود را فشرده تر کردند
 تا که خورشید انقلاب د مید
 غافل بیرنگ کوه دامنی



اهدای به شهدای راه آرمان خلق

به تیرو رژیمو نو کی زمو نبرد زیار کنبا نو دژوند یوه منظره.

د کیودی اختر

بودی لکیاده لیمخی ټکوی
 بودا لکیا دی لر کی ما توی
 ما شو مان زاپی مرو رغوندی دی
 پیغلی زپی، زپی جامی جوړوی
 وای سبیا اختر دی

زوی دخپل پلار ځنی پوښته کوی
 ولی دا موږ نوی کالی نه لرو؟
 نویو کا لیو تری غوښتنه کوی
 ولی په کور کی اوږه غوړی نه لرو؟

پلاوه سبیا اختر دی

پیغله سری سترگی وچی شنوای ناسته
 پخپل زاپه کمیسیون لاسو نه ووی
 کله نټکی، کله اوږی یادی
 کله دډک ټټر سو چو نه وهی

څکه سبیا اختر دی

هلته په څنگ کی یو څلمی ښکاری
 په یو کنډول کی ټک تور تیل اووی
 دخپل زاپه دسمال ټوټه یی پری کړه
 غوړو کی ډو به کړه پخپلی غوړوی

وای سبیا اختر دی

مور خپله غیږه کی ما شوم لوبوی
 تر مو اوږو بانندی یی مخ پر یمیخی
 دمیر و کوچو بانندی یی سر غوړوی
 رانجه را واخلی پری سترگی تورو

څکه سبیا اختر دی

دادی اختر دی شور ماشور ښکاری
 دکیږ دی میښ کی سره غوټه ناسته دی
 نشته کیکو نه چاکیټان شرینی
 یوه جوارو ډوډی گوړه او شمکور ښکاری

داسی زما اختر دی

در محمد افغا نیار

ژوندون

زندگی

و

فبر د

خوشاره بردن از يك آرزو در کام توانها
 خوشادل های گرم و آتشین از مهر انسانها
 حیات بی تکاپو همچو زندانیست بی زنجیر
 خوشا باشیدن زنجیر هادر پای ارمانها

مراد زندگانی گرامیدی هست جز این نیست
 که دیو ناامیدی ها نگیرد راه ارمانها

دل بی معنا شیرینست بادر واژه بسته
 برون درنهیبت و تیر زهر آلود دربانها

چه دشوار است دور ازهای وهی کاروان ماندن

نماند هیچ نامی در فراموشی دورا نها
 گلوی خود بر سستی دشته الهام میخواست

تو مردم شو وبا مردم بکن تجدید پیمانها
 به گیتی استواری هست اگر با عزم مزدور است
 که چشم زندگی دیدست بسوی رانه ایوانها
 به قربا نگاه سرخ آرزو کالیست ایمانی

که شرح عاشقی نتوان به دفتر ها به دیوانها
 سعادت در تلاش مرد تنها کی توان جستن
 خوشا از دور دست روستا هورای دهقانها
 حبیب از شمع محفل آنچه من آموختم اینست
 که حفظ آبرو را شرط باشد رفتن جانبها

کابل ۲ عقرب سال ۱۳۵۸

دکتور اسد الله حبیب

دېزگر جو نگره

يوه زړه غوندي كلاوه هلته
شا ږي ميري وي خړي پېري خمکي
يوه سپيره غو ندي بيد يا هلته
يوه جو نگره دېزگره پکي
له اوسيلو جوړه غو غا وه هلته
له يوي شمعي شمين لو کسي پور ته وه
نوره سره غو ندي فضا وه هلته
ديوه کتکي له پا سه سوي سلکي
دېزگر لور چي نيمه خوا وه هلته
په پوزه کي باندې پرته وه نجلي
دا د خپل ژوند په تمنا وه هلته
ددې سلکيو او سيلو کي پته
يوه غمجنه وا ويلا وه هلته
دغه بنز گر سره ملگري وه
خکه خما مينه پخوا وه هلته
چي کله کله به تپو من ته ور تلم
تل د مظلوم سوي ژړا وه هلته
دفر يا دو نو ما تم جوړو
تا به وي جوړه گر بلاوه هلته
له غمه ډکه در نخو نو دنيا
تابه وي خه توره بلا وه هلته
په تورو شپو کي کله پتور تلم
خکه خما مينه رسوا وه هلته
دتر مو او بنکو له مو جو نوخيني
د انقلاب ور مه پيدا وه هلته
له انقلاب نه پس هم ور غللم
بيا په جو نگره کي رڼا وه هلته
سيمه گلزاروه باغ بن سمسور و
يوه دگلو تما شا وه هلته
چمن شين شوي و گلان وويکي
يوه تازه غو ندي هوا وه هلته
يو شور ما شور و دطو طيانو پکي
شور د بلبلو تما شا وه هلته
دآرزو گا نو سپر يدلسي غو تسي
په مکيزو کتل ، نازوا اداوه هلته
هيلسي تر سره شمعه بيا بليده
يوه زړه پوري مسکا وه هلته
دغه جو نگره کي هر خه بدل وو
خيال بدل شوي وبنکلا وه هلته
جوړه يوه دخو شعالي دنيا
دارمانو نو بنه خدا وه هلته
ډکه له مينی دنيا کي جوړه وه
ليلا مجنون سره پخلا وه هلته
دا انقلاب دی چي بز گرته گلستان راوړي
شیرزي دشعربه خپو کي ارمغان راوړي
علي احمد - شیرزي

قرباني

صبا ي عيد ، ميگويد : دم قرباني ، نزديک امت
به هر سر ، کرده خون خورشيد گل ، افکار خونيني
درفش سرخ خلق ، اي آتشين کردار معبودم ،
به تو آورده ام قرباني اينک ، شعرونگيني

آزادگي

تأقدرات جنبشی بود تن را
کج ، نزد کسی مسازگردن را
باگردر يواو ننگ در يوزه
آلوده مساز پا کدا من را
يا قابيل زهستن بجو مسکن
يا درد دل خاک کس ساز مسکن را

برابري

مشتو دگر تو ناله بيجان جويار
گرمي مچو زمساز غم افزای آشار
بلبل مکن بکنج قفس ناله های زار
قمری چوسرو نام به آزادي برار
ای شاعری که است ترا شعر آبدار
بر چشم مشتری هنر خویش عرضه دار
معیار برتری بجهانست حسن کار
یعنی چو صورتیکه بمعنی است استوار
شور و نوای زنده امواج رود بار
عزم و لیات و علم و عمل رنگ اعتبار
دست طلب ز دامن مطلوب و امدار
گفتا بود مجاهده بارنج بی شمار
با چرخ کینه کار دلیرانه کار زار
پای اراده داشتن و دست اختیار
مانند کوهسار وطن باش استوار
خرق می کن زبونی و خواری بخود میار
چند توهم زسینه خارا کشد شرار
ای آرزوی خفته شبهای انتظار
از پشت ابرهای سیه گشت آشکار
دیگر بحال خویش زبونی روامدار
افسانه های ثابت و سیاره واگذار
دیگر مکن توشکوه زبیدار و روزگار
دیگر تراست شاهد اقبال در کنار
دیگر بود حدیقه عورتو میوه دار
محکوم غیر را نبود زندگی شعار
چون موجهای سرکش دریای یکنار
الکیزه مسرت پیران هوشیار
یارب تو از فساد زمانش نگاهدار
گرجان خود به عشق وطن میکنی نثار

ای آشنای نعره امواج بیقرار
سوزجبات نیست به آوای سرداو
مرگمت بهر خاطر صیاد زندگی
زینده نیست طوق اسیری بگردنت
زرق رنگ خشکی لب چشم تر نماد
بازار گرم بی هنران سرشده می
جای برابری و زمان برابریست
کردار مامور ما هست جاودان
درس تلاش میدهد سعی بیکران
نقش امیدو عشق بود جوهر پیر
از شاهراه منزل مقصود با مکش
پرسیدم از بلندنگاهی حیات چیست
با ازدهای فقر و جهالت نبرد کن
از همت بلند بدنیای بیش و کم
هواره در مقابل طوفان حادثات
گروارمی بخویش تویی عالم کبیر
خشت بود ز برق جهانموز تند تر
پرشو ز خواب دیده بکن باز روز شد
خورشید زندگی توبا تابش دگر
دیگر مکش تواناز فرومایگان دهر
دیگر ز نفس و سعد کواکب سخن مگو
دیگر بکام خویش بگردان ستاره را
دیگر ترا بطالع واژونه کار نیست
دیگر بهار آرزوی نیست بیخزان
اصل حیات نیست جز آرزو یستن
جوش و خروش مردم آزاده و دلیر
طوفان شور و حال جوانان با صفا
در پیکر جوان وطن خون دمیده است
گلپای افتخار بروید ز خاک تو

حیدری پنجشیری

* با عرض یادآوری و بسوزش ، در شماره سی و یکم اشتباهاتی رخ داده که به ترتیب ذیل تصحیح گردد :
- شعر پشتی چارم از شاعر گسرانمایه لطیف ناظمی است .
- شعر «سیرغ آتشین» که بقیه یی آن زیر عنوان «ای مبین» بچاپ رسیده است ، همان دنباله شعر «سیرغ...» است که سهواً عنوان «ای مبین» در گرما گرم کارپرتیو قاپ نوره چاپ کردن افتیده بود .

دنیای اطفال

حسادت در اطفال

هرگاه در يك خانواده نو زادی تولد میشود کودک بزرگتر این تازه وارد را رقیب خود دانسته و نسبت با او شدیدا احساس حسادت مینماید که این حالت در او گم و بیش یابدار میماند و این بصورت ناخود آگاه همان کینه بزرگتر نسبت به کوچکتر است و به اشکال مختلف عکس العمل از خود نشان میدهد که ریشه اغلب اختلافات و نزاعهای جزئی بین اطفال را همان رقابت های کودکانه تشکیل میدهد که در مواقع مختلف برانگیخته شده و بروز میکند که سبب نگرانی والدین می گردد.

سوژه بعضی آثار ادبی، رومانیها و نمایشنامه ها رانیز همین عقده های کودکانه میسازد.

داکتر کوئر در کتاب خود (کودکان عصبی) مینویسد: علاوه بر مشاهدات روانشناختی در روزنامه ها و جراید هم میتوان موارد بیشمار در دین زمینه ملاحظه نمود.

از جمله در یکی از روزنامه های معتبر یکی از ضالک مترقی خبری بچای رسیده بود بدین شرح:

پسریک ساله و هشت ماهه که نسبت به خواهر چند روزه خود شدیداً حسادت می کرد از يك غیبت کوتاه والدین استفاده نمود نو زاده را با اندازه لک و کوب می نماید که مادر و پدر هنگام بازگشت با چند بیجان نوزاد مواجه میشوند و آلسار ضرب و خراش بسیار در بدن لطیف او مشاهده میکنند. اغلب رویای های کودکان از همین عقده ها سرچشمه میگردد که با تغییر و درک درست آن میتوان به گستر فتاری هوایی او پی برد.

قابل تذکر است که اگر این عقده حسادت با خواهر یا برادر در آوان کودکی کسی به نحو مطلوب گشوده نشود بعد ها به اشکال مختلف از جمله بصورت دشمنی و کینه نوزی حسد احساس گناهکاری، عقده شرم و خجلت، نگرانی و افسردگی در میاید و بطور خلاصه باید گفت حالات

پیدا شدن این عقده در کودکان زیاد هم ایجاد نگرانی را نمی نماید زیرا امکان آن موجود است که عقده مذکور به وجهه نیکو و موفقیت آمیز حل شود.

نامفکته نمائید که داشتن خواهر و برادر برای زنده گی آینده کودک مفید هم واقع میشود زیرا بزرگ شدن با خواهر و برادر آمادگی است برای زنده گی در اجتماع آیند.

حل عقیده حسادت برای زنده گی آینده کودک نیازیت ضروری است زیرا همین نوع حسادت ها را بعد ها در مورد همسفری ها و نژد یگان خود معمول خواهد داشت.

روانشناسان از وقتی که متوجه این عقیده شده اند مطالب جالب و دلچسپ از زبان خود کودکان جمع آوری نموده اند.

از جمله این دو مطلب را برای خوانندگان ارائه میداریم:

یکی از روانشناسان میگوید: من دختر پنج ساله ای را می شناسم که صاحب برادری شده بود روزی یکی از دوستان بشوخی از وی پرسید: آیا میخواهی که من نوزاد را در سطل خاکریزه انداخته و بیرون بیندازم؟

دخترک باخو نسردي جواب میدهد: بلی مگر سطل ما را دو باره بیاورید!

يك طفل دیگر گفته: دلم میخواهد این جوچه را با يك توپ بدل کنم چون دلدان ندارد و روش سرخ است و بومی دهد.

(شارل بودون) در یکی از کتابهای خود بنام (روانکاوی و یکتور هوگو و مطالعه بر (آلروی) در یافته که هوگو در کودکی بسختی دچار این عقده بوده مگر از طریق به گرا نی و تعالی بر این عقده ناخود آگاه میروز آمده و عقده فروتری ناشی از رقابت را بصورت شاعرانه جادوانه شعر و ادب ترمیم کرده است.

ویکتور هوگو از دو برادر خود کوچکتر بوده و در سالهای نخستین کودکی از ضعف مزاج رنج میبرد پدر و مادرش هم چندان توجهی به او نداشتند این

بود که همیشه قبل داشت با برادرانش مساوی شود و حتی از آنها هم فراتر رود و جای آنها را بیشتر بگیرد.

تا تیر این عقده گاهی تا آخر عمر دوزد اطفال باقی مانده و التبرات مثبت و منفی آن در زنده گی آنها انکار ناپذیر می باشد کودک وقتی که نو زاده را در خانه خواهد خود می بیند دچار نگرانی گردیده و حس میکند که این مهیا ن تازه وارد جای او را زده و این مخصوصاً مادر گرفته است و کودک اغلب در چنین مواقع مرگ رقیب را آرزو میکند باید دانست که مرگ بنظر کودک تقریباً مفهوم غایب بودن و از نظر فور شدن را دارد.

پس بر والدین واجب است تا با بدنی آمدن طفل جدید از توجه و محبت خویش به اطفال بزرگتر غافل نگردیده و عشق و علاقه بیشتر به آنها مبذول ندارند.



فراهم نمودن وسایل نقاشی برای کودکان و تشویق آنها در تیرا باعث شکوفایی استعدادشان در دین رشته میشود.



صحنه‌ای از ورزش اطفال در اتحاد شوروی



توجه : ریوسفری

فرصت‌های تازه تعلیمی برای جوانان و اطفال اتحاد شوروی در (۵۶) زبان کتب برای اطفال چاپ میشود و بیش از (۷۰) نوع نشریه و مجله مخصوص اطفال وجود دارد



انابه مطالعه کتب دلچسپ می‌پردازند

یک نوع فعالیت حرفه‌ای و عادت به کارهای از قبیل واندن تراکتور، قطار آهن و کار در فابریکه یک اساس محکم مادی برای تعلیم و تربیه گذاشته است.

در اتحاد شوروی اکنون (۱۵۰۰۰۰) مکتب عمومی برای آموزش و پرورش جوانان و اطفال موجود است و اعمار مکتب جدید ادامه دارد. تنها در سال جاری اعمار چندین صد تعمیر برای بیش از یک میلیون نفر در نظر گرفته شده که در نتیجه آن تسهیلات بهتر درسی از لحاظ اتاق‌های متعدد برای دانش‌آموزان میسر خواهد شد همچنان با اعمار مکتب مجوز سالون‌های بیشتر مطالعه و اتاق‌های استفاده از ماکله و مواد علمی که باسیت هانیز مجهز خواهد بود در دسترس این نسل‌های تلویزیونی، تپ ریکاردها و پروجکتور فعال و برنچرک قرار خواهد داشت.

دستگاه‌های صنعتی اتحاد شوروی بمنظور کمک در پیشرفت تعلیم و تربیه مدرن‌ترین وسایل را بدسترس مکتب می‌گذارد تا شاگردان طور بهتر و آسان‌تر معلومات جدید بقیه در صفحه ۴۳

بدون شک وقوع انقلابات علمی و تکنالوژیک در جهان کنونی باعث شده تا کارگران، تکنیشن‌ها، انجیران و سایر افسار مؤلفه‌طور مداوم مهارت‌های شان را بمنظور معامله سریع و موثر با مسائل پیسود و انکشاف بختند که این امر به پیمان خوی در کشور پیشرفته اتحاد شوروی مراعات گردیده است. اکنون در جمع ساحات تولیدی عملیه کار در همه اوقات با تعلیم و تربیه توام بوده و شامل تجدید تربیه پرسونل است که این امر بذات خود مسوولیت‌های جدیدی را بدوش تعلیم و تربیه گذاشته است.

بافر نظر داشت این امر مقامات اتحاد شوروی تعلیم و تربیه را بحیث یکی از ساحات عمده و حیاتی برای خلق آنکسورتلقی میکند که نه تنها هر جوان، طفل و تبعه اتحاد شوروی را با تفاهم عمیق در مورد تنظیمات اساسی طبیعت و جامعه مجهز می‌گرداند بلکه همچنان بانها می‌آموزاند که چگونه دانش بیاموزند و فکر کنند. آماده ساختن مجدد جوانان برای کار در ساحه تولیدات مادی و انتخاب صحیح حرفه از طرف شاگردان و محصلان در زمینه از اهمیت خاصی برخوردار است. انکشاف علاقه در هر شاگرد



یکی از اطفال شاداب

اتحاد شوروی در پهلوی سایر فرصت‌های بی‌سابقه‌ای که بعد از انقلاب کبیر اکتوبر در رشته‌های مختلف حیات اجتماعی و سیاسی برای خلق آنکسور میسر ساخته است تسهیلات خوب تعلیمی و تربیوی را مطابق ایجابات عصر و زمان نیز با اختیار خلق آنکسور قرار داده است. اتحاد شوروی به عصر تعلیم و تربیه بحیث نهاد مطمئن برای پیشرفت فرهنگی و انکشاف دانش علمی و فنیکی توجه خاص مبذول نموده و سرمایه‌گذاری‌های قابل ملاحظه در این ساحه بعمل آورده است.

که در اواخر سال ۱۹۷۸ شهر استرالیا سدن و (بریزبان) از جمله شهر های بودند که مسکو را بهیت محل برگزاری بازی های المپایی ۱۹۸۰ تعیین کردند.



پهلوانی جز پروگرام های ورزشی ۱۹۸۰ المپای مسکو میباشد .

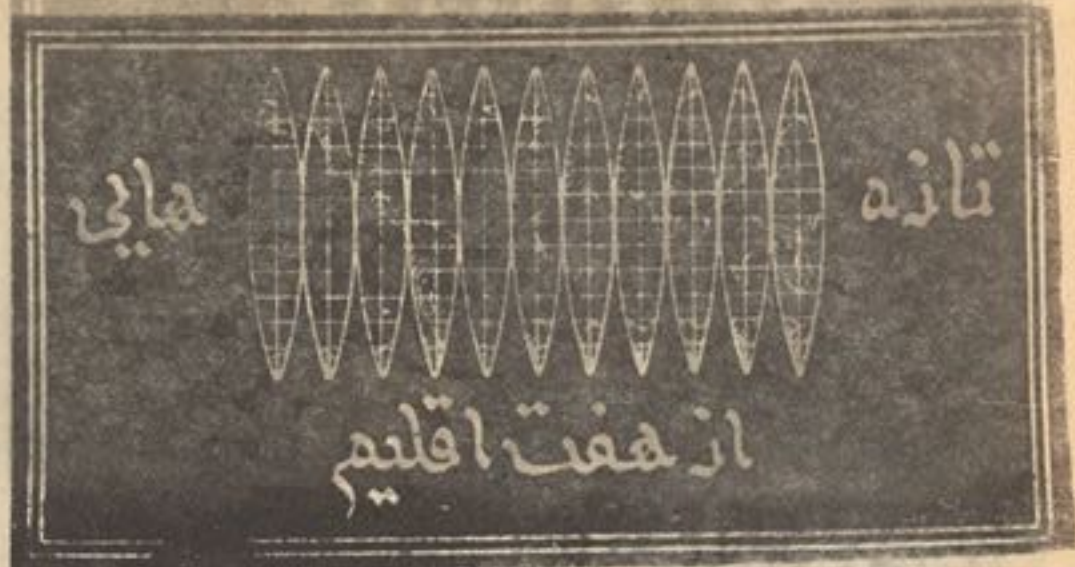
مهمان نوازی شوروی ها خیلی ها چشمگیر و قابل یاد آوری است . نمایندگان ورزشی و ژورنالیستانی که جهت ارائه جواب به پاسخ نامه نگاران ورزشی نیوزیلند و استرالیا بران کشور های رفته بودند میگویند که دو ساعت تمام در باره چگونگی بازی های المپایی ۱۹۸۰ و مشخصات آن سوال شد و دو ساعت دیگر پاسخ ها را در بر گرفت . علاقمندی بیش از حد استرالیایی ها برای آگهی از جریانات ورزشی ۱۹۸۰ مسکو اینست که ورزشکاران استرالیایی در بازی های ۱۹۷۶ المپایی مقام نهم را حایز و دریافت مدال طلا تا میل نگردیده بودند معذالك اینبار خیال دستیابی به چنین مدال را دارند . (کن بوت) یکتن از مبصرین ورزشی متذکر گردید که المپایی ۱۹۸۰ به نوبه خود در رشد استعداد های ورزشکاران، در توسعه انواع ورزش ها و فعالیت های نو ورزشی جان تازه ای بخشیده . کتاب لحظات بزرگ در سپورت استرالیا (مقا بل (وی تینکتان) یکتن دیگر از مبصرین ورزشی استرالیا قرار دارد و در این کتاب درج است که : استرالیا مهد ورزش های تازه در آینده خواهد بود و کجا معلوم که روزی استرالیا و نیلاند خود میزبان و ناظر برگزاری بازی های المپایی باشد . بایست علاوه کرد

از آواز خوانی در کاباره تا پرده فیلم های سینمایی

تسوا روز بروز وسعت یافته و بزرگتر گردیده . مسلما آنان جوابی برای پاسخ به سوالات هم دیگر داشته و آن پاسخ چه چیزی جز کم سنی (پوگا تسوا) و خلافت و ابتکار ات هنری او میتوانست باشد . صرف نظر از اینکه وی از منتهای زیبایی برخوردار و به عرض ظاهر شدن روی سن بطور اعجاز آمیزی در تماشایر با جذابی که داشت نفوذ میکرد . علاوه وی دختری بود . با احساس ، شوخ طبع ، همه وقت شاداب که بیشتر برای مردمش میخواند و خوب میدانست که چگونه بخواند . (پوگا تسوا) در دو مسابقه هنری بین المللی سهم گرفت در (افسانه طلایی) در بلغاریا و در «ژوپوت ۷۸» که یک اصطلاح مخصوص یو لندی ها است . که هر دو برایش شهرت فراوان آورد و در ضمن منجبت عزیز ترین (آواز خوان کاباره ای) شوروی شناخته شد . اکنون مایه شگفت و تعجب همه حلقه های هنری گردیده که وی چنان از کاباره به جهان سینما راهش را باز کرد و با بازی اش در نخستین فیلم باعث شد تا همه انگشت تعجب میان دلدان ها بگذارند و او را هنرپیشه خوب و ممتاز سینما بخوانند .

وی در فیلم (زن آواز خوان) که یقین با مشخصات خودی هماهنگی تام داشت ، ظاهر گردید . عجیب است ، آنجا هنرپیشه ممتاز

در اینجا از یک هنرپیشه و آواز خوان زن حرف میزنیم ، آواز خوانیکه در سنین کودکی در آسمان هنر ، ستاره اش تابیدن گرفت و خود حیثیت ستاره فروزان هنری را یافت این زن (الایوگاتسوا) است که اینک در بسیاری از کشور ها هنرش مورد استقبال فراوان قرار گرفته . با او آشنا شده و صمیمانه دوستش میدارند . وی ابتداء در حلقه مسابقه دهندگان آواز خوانی (هوپر طلایی) یا (افسانه طلایی) شامل گردید و دیری نگذشت که راهش را در تلویزیون باز کرد و دیگر هنرپیشه تلویزیون شده بود و فلحا همان میلودی همه پست نخستین او بود که مشهور ساخت و بر سکوی شهرتش نشاند ، او نه تنها یک آواز خوان کوچک نه بلکه یک رقاصه کوچک نیز بود . از همان مراحل ابتدایی برای ظاهر شدن (پوگاتسوا) با بحصولگی انتظارش برده میشد . در سالون های کنسرت از خارج و داخل استقبال گرم می باشد و اینهمه استقبال از وی ، باعث گردید که (پوگا تسوا) در درجیف هنریشان شماره یک درآید . آواز های فراوان وی ریکا رد گردید . همه مپوتانه از هم میسر شدند چه شد که یکبار چنین حلقه افتخارات هنری پوگا-



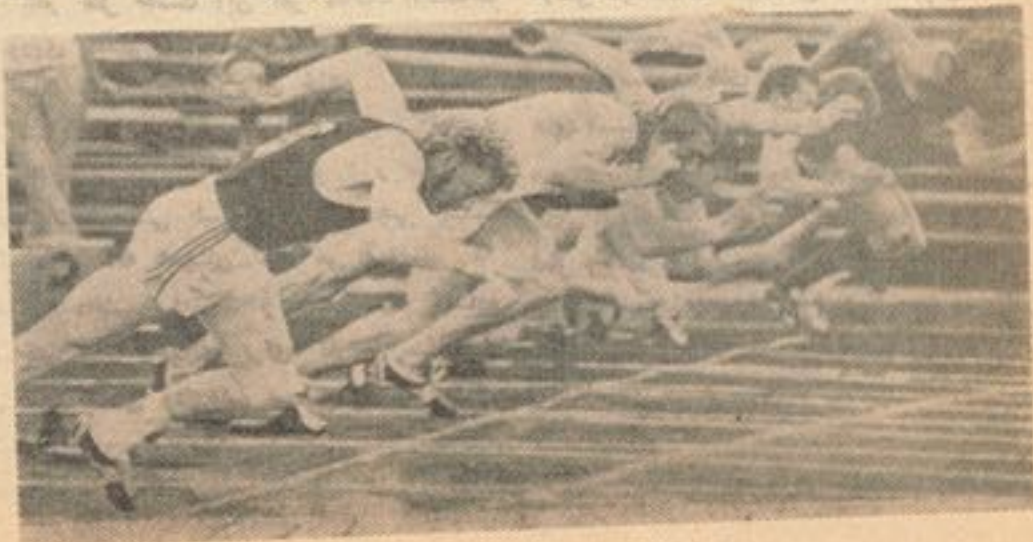
اینک فقط چند هفته دیگر به شروع بازی های المپایی ۱۹۸۰ باقیمانده

استرالیا گفت: مردمان شوروی زیاد دوستدار ورزش اند و پهلوانی را می پسندند . بازی های المپایی که فقط چند هفته به برگزاری آن مانده است از همین اکنون علاقمندی فراوانی از تمام قاره ها نسبت به آن ابراز گردیده و پیوسته در صدد کسب اطلاعات تازه در زمینه اند . (پتر کوتز) سکر تر ورزشی سدن گفت که:

المپای مسکو داغترین حادثه ورزشی دهه نهم قرن موجود بشمار میرود . نامبرده ژورنالیستان شوروی را در قسمت به اختیار گذاشتن اطلاعات مکمل ورزشی در باره المپای ۱۹۸۰ برای استرالیایی ها کمک فراوان کرد . هر چند که با پرواز طیاره از سدن تا مسکو ۲۴ ساعت وقت را در بر میگردد لکن برای

اینکه خود با چشم سر ناظر جریان بازی های المپایی باشند از همین اکنون ورزشدوستان تلاش برای رسیدن به مسکو ، محل برگزاری بیست و دو همین بازی های المپایی ادامه دارد . بهین ترتیب (دانی باتوان) نماینده ورزشی شهر نیوزیلاند خبر داد که همین حالا قسمت زیاد هو تل و سایر مراکز اقامت از طرف سهمگیرندگان بازی ها ریزوف مبصرانه در صدد فرارسیدن موعد اجرای مسابقات اند . موصوف متذکر گردید که

طوریکه علاقمندان ورزشی آگاهند بازی های المپایی برای سال ۱۹۸۰ در مسکو برگزار میگردد که آمادگی برای بازی های مذکور از مدت هاست که با جدیت تمام ادامه دارد . در ضمن اینهمه تب و تلاش ها نباید مساعی کشورهای گیتی که بعضا قصد سهمگیری در المپای ۱۹۸۰ را دارند ننشود نادیده گرفت اشتیاق ملل جهان برای آگاهی از این آمادگی ها حد و حصر ندارد به تاسی از همین نیک بینی ها و علاقمندی ها اخیرا بدعوت مردم استرلیا و نیوزیلاند که بایستی ژورنالیستانی را که از ورزش و باز یهائیکه قرار است در المپایی ۱۹۸۰ انجام پذیرد ، از کشور های شامله ، آمادگی کشور های شامله و همه و همه مشخصات دیگر بوره معلومات داشته باشند و ضمنا به لسان انگلیسی خوب بلدیت داشته باشند در استرالیا و نیوزیلاند بفرستند تا در یوتیورستی ها ، انستیتوت ها ، رادیو تلویزیون ، جراید و نشریه ها ، در باره آمادگی و تدارکات بازی های المپای ۱۹۸۰ معلومات کامل ارائه بدارند که این دعوت پذیرفته شد و تروپسی از ژورنالیستان روانه کشور های متذکره گردیدند تا با باشد که معلومات همه جانبه را در اختیار مناسب اطلاعاتی و نشراتی شان بگذارند (باترین) نماینده بازی های المپای در



آمادگی برای دوش در مسابقات بازی های المپایی ۱۹۸۰

بمب‌های نیوترونی، دشمن شماره
یک صلح و آرامش بشریت

...بلاخره ... یگروز اورا خواهی شناخت.
و آنوقت بدون خد احاطی و به سرعت از
اطاق خارج گردید او رفت . الیزابت تاروز
آینده انتظار کشید در ضمن قبل از ظهر روز
دیگر برای او یک کتاب آوردند که یک رمان
انگلیسی بود این کتاب را (تیبور) فرستاده
بود. الیزابت در حالیکه کتاب را بدست داشت در
فکر عمیقی فرو رفت . او (تیبور) را بعد از آن
دوسه مرتبه سر سری دیده بود . (تیبور)
بالای مزرعه خود مقیم شده و بندرت به شهر
می آمد . دیگر هیچوقت با او تماس نگرفته
بود .

الیزابت در حالیکه تبسمی بر لبانش نقش
بسته بود باخود فکر کرد: «درحقیقت او را
دوست داشتم» آنوقت خود را مشغول مطالعه
کتاب نمود . بعد از مرور دوسه صفحه دفعتاً
ازین کتاب یک مکتوب بیرون افتاد که به
اسم او آدرس شده بود . متعجبانه آن را باز
کرد . در نامه (تیبور) به عشق خود اعتراف
کرده و از او خواستگاری نموده بود. در اخیر
نامه چنین نگاشته شده بود:

«اگر من اشتباه می کنم و شما مرد دیگری
را دوست دارید ، در آنصورت حاضر من انتظار
نکنم . این انتظار هر قدر که طول بکشد من
خسته نخواهم شد حتی تا پایان عمر» در آینه
قلب من دیگر هیچ چیزی انعکاس نخواهد
داشت غیر از موهای نضوری رنگ چشمان
آبی برنگ بنفشه ، اندام باریک و دخترانه
و دستهای ظریف و قشنگ شما . این عکس
برای ابد در قلب من باقی خواهد ماند . و اگر
شما بعد از بیست سال هم مرا بخوانید .
و یا بعد از چهل سال هنوز هم من در انتظار شما
خواهم بود . فدی یک حرف شما کافی است . الیزابت
دقایق زیادی را جمع به این راه عجیب
قسمت و سر نوشت فکر گرد آنوقت در جستجوی
آدرس (تیبور) افتاد و بعد از آنکه او را در
یافت فقط این چند کلمه را بوی نوشت :

«الیزابت»
در بین دو روز (تیبور) به بودا پست آمد.
او دیگران جوان خجالتی و زیبا نبود . بلکه
یک مرد چهل و چهار ساله و متین و خیلی
قشنگ با حرکات سرشار از زندگی . پوست
نضوری رنگ آفتاب ساخته و اندام باریک در
مقابل او ظاهر گردید . آنها هیچ کلمه ای
از گذشته یاد نکردند . الیزابت از اینکه
اعتراف کند در آنوقت کتاب هدیه او را حتی
باز هم نکرده بود خجالت می کشید مرد را نیز
خاطرات گذشته توأم با زودگی از یاد آوری
سال های سپری شده مانع می شد .

از این وقت به بعد (تیبور) هفته یک مرتبه
به بودا پست می آمد هنگامیکه خزان فرا رسید .
برای دایم در بودا پست مقیم شد . آنها همیشه
با هم به تیاتر ، سینما و کنسرت می رفتند .
انسان همواره هرسه آنها را با هم یکجا میدید

...بلاخره ... یگروز اورا خواهی شناخت.
و آنوقت بدون خد احاطی و به سرعت از
اطاق خارج گردید او رفت . الیزابت تاروز
آینده انتظار کشید در ضمن قبل از ظهر روز
دیگر برای او یک کتاب آوردند که یک رمان
انگلیسی بود این کتاب را (تیبور) فرستاده
بود. الیزابت در حالیکه کتاب را بدست داشت در
فکر عمیقی فرو رفت . او (تیبور) را بعد از آن
دوسه مرتبه سر سری دیده بود . (تیبور)
بالای مزرعه خود مقیم شده و بندرت به شهر
می آمد . دیگر هیچوقت با او تماس نگرفته
بود .

نماید . بمن کتاب می فرستد . حتی به این
صورت نیز نمی شود یک کلمه از زبان او در
آورد ؟

آنوقت به جستجوی مادر خود شتافت و با
ملال خاطر به او گفت:

مادر ، من تصمیم خود را گرفتم . من
زن (گیزام) می شوم . او را برای طعام شام
دعوت کن .

من به او قول ازدواج میدهم .

اوه ! بالاخره ... وکی را دوست
دارد ؟

با او مطرح می کرد .
مادر الیزابت می گفت :
دیگر با اعصاب من بازی نکن ، چون
این روش تو دیگر قابسلسل تحمل نیست .
چرا بالاخره تصمیم نمی گیری ؟
دخترک جواب میداد :
«بخاطر یک (تیبور) صدمه رتبه بیشتر خوشم
می آید پس او را به اندازه ای دوست دارم که
فکر میکنم مادرش هستم صرفاً او تا کنون
موضوع را برای من واضح نساخته است .
- تو باید با او مذاکره نمایی .
- تو او را خوب می شناسی . اگر میخواهم
که به عشق خود اعتراف کند از نزد من گریزد
و بعد یک دسته گل بزرگ برایم می فرستد
و به این صورت از عشق خود حرف می زند .
مادرش گفت :

خوب اگر اینقدر احمق است با ی
بافتمت خود بسازد . من بتو یک هفته دیگر
وقت میدهم تا تصمیمت را بگیری . از این
زیاده دیگر انتظار نمی کشم دیگر کافی است .
الیزابت یک هفته انتظار نکشید . بلکه
همان روز میخواست موضوع را یکطرفه کند

(الیزابت) اجازه نداشت که دیگر انتظار
بکشد و باید تصمیم خود را می گرفت . مادرش
او را آرام نمیکداشت او باید در بین این
دو مرد یکی را انتخاب می نمود این دو مرد
اساساً با هم فرق زیاد داشتند یکی
آن شاید هنوز به مرحله مردانگی نرسیده بود
در حالیکه یک سال از الیزابت کوچکتر هم
بود . او بیست و یک سال داشت و دختر
بیست و دو سال . طبیعی است این مرد که
اسمش (تیبور) بود یک جوان زیبا و دو ست
داشتنی بود اما خیلی پس رفته و خجالتی که
در هر فرصت دست و پای خود را گم می کرد .
اگر کسی با او صحبت می نمود او را از خجالت
سرخ می شد . انسان بسادگی می توانست
بیند که این جوان تادو گوش در عشق الیزابت
غرق بود و او را می پرستید . اگر دختر را نگاه
میکرد ضربان شدیدی قلبش حتی
از سینه چشمانش در می آمد . این پس رفتی
مانع اظهار عشق او به دخترک می گردید
در مجالس با او مانند یک طفل پیش آمد
می کردند . اما با وجود سن کم خود جوان
قابل ازدواج و خیلی فعال بود . زیرا او تحصیلات

انر از (شولت فون هرزانی) نویسنده شهیر مجارستانی

یک مرد را انتظار میکشد...

ترجمه از (حجاز)

این ازدواج خیلی سعادتمندانه بود در
سال اول زنا شویی صاحب یک دختر شریف
شدند که اسم او را (ایوا) گذاشتند آنها
خیلی خوشبختانه با هم زندگی می کردند و
زندگی آنها مانند تقسیم اوقات پیش می رفت
منزل شان فوق العاده منظم و با سلیقه بود .
در بین این زوج که بیست و سه سال با هم
بسر بردند کوچکترین سایه کدورتی رونما
نگردید و هیچگونه کلمات مشاجره آمیز بین
شان رد و بدل نشد .

بعد از بیست و سه سال ازدواج شوهرش
که کنون عضو برجسته دیوان عالی محاکمات
بود می بایست یک عملیات جزیی را بگذراند
و بعد از اینکه عملیات موفقانه به پایان رسید
او دچار مریضی (ترومبوز) گردید و مرد .

الیزابت از این مرگ نا بهنگام شوهر و فادارش
خیلی متأثر شد و چنانچه شایسته او بود
سوگواری نمود و از غم او صبح تا شام می گریست
یگانه تسلی او دخترش بود که یک شباهت
فوق العاده با پدرش داشت و همچنان ظریف
و زیبا بود .

و این سوال حل شود . زیرا خودش هم
دیگر حوصله نداشت .
بعد از ظهر همان روز (تیبور) برای صرف جای
به منزل شان آمد به مجردیکه ما در ش
آنها را تنها گذاشت آنوقت (تیبور) دوباره
سراز پاگم کرد و بانگاه های مضطرب و نا
آرام اطراف را می نگریست . الیزابت تصمیم
گرفته بود که سرال عشق و ازدواج را مطرح
کند و از لابلای این گفتگو نتیجه حاصله را
هرچه که بود بگیرد . بنابراین بالحن جدی
پرسید :

«(تیبور) بمن بگویند چرا ازدواج نمی کنید ؟
مرد جوان تابنا گوش سرخ گردید . پیاله
جای را که در دست داشت می لرزید و آن را دوباره
در جایش گذاشت آنوقت بالکنت زبان و لبان
لرزان جواب داد :

«برای اینکه ... برای اینکه من ... که
من خیلی عاشق هستم .

اوه ! بالاخره ... وکی را دوست دارید ؟
جوان در حالیکه خیلی دست و پاچه شده
بود از جایش بلند شده گفت :

خود را در رشته زراعت در یونیور سیتی خاتمه
داده و یک مرد متکی بغد بود پدرش دارای
زیادی را بعد از مرگ به او میراث گذاشته
بود .

مرد دیگریست و دوسال داشت و زیبا نبود . اما
در مقابل ، رفتار خیلی جدی آرام و متین داشت
او حقوق تحصیل کرده بود و از جمله حقوق
دانان جوان و موفق به شمار می رفت همه
می گفتند که در دفتر کارش به او خیلی اهمیت
و احترام قایل هستند ارتقای او در مسلکش
آرام و موفقانه به پیش می رفت ، انسان
میتوانست بسنجد که معاش او بعد از سپری
شدن پانزده سال چقدر خواهد بود و اطفال
که تا آنوقت بدنی می آورد چند ساله می شدند
و چگونه باناز و نعمت پرورش می یافتند .

او هم عاشق الیزابت بود اما در هنگام
رو سرو شدن با الیزابت لکنت زبان به او
دست نمیداد و اگر با او هم صحبت می گردید
از خجالت سرخ نمیشد . او از عقب عینک
های خود بصورت جدی الیزابت را می نگریست
خیلی واضح و سنجیده فواید این ازدواج را



مادر، دختر و (تیپور) را *

يك روز (تیپور) به الیزابت گفت كه میخواهد چند دقیقه تنها با او صحبت نماید. سربان قلب الیزابت از هیجان به طیش در آمد و همان لحظه تصمیم گرفت كه این مرتبه بدون توقف در خواست او را بپذیرد. بالاخره می توانست زن مردی شود كه او را از صمیم قلب دوست داشت. هنگاميكه تنها شدند در حاليكه مرد داستان او را گرفت بملايمت گفت: من میخواهم يك موضوع مهم را با شما درمیان بگذارم... من عاشق دختر شما هستم و میخواهم با او ازدواج كنم. او نیز مرا دوست دارد در موضوع سن و سال با هم بتوافق رسیده ایم. امیدواریم كه شما با این وصلت رضایت داشته باشید *

در لحظات اول تمام اشیا در مقابل چشمان الیزابت به چرخ در آمد و نزدیک بود تعادل خود را از دست بدهد. وازينكه سر نوشت يكبار ديگر با او چنین معامله ای نموده بود، خیلی متاثر شد *

اما بزودی جلو احساسات خود را گرفت. آنوقت بدون كدام حرفی از جای خود بلند شد و مکتوبی را كه تیپور چندین سال قبل برایش نوشته بود و هنوز آنرا در رولف میز تحریر خود با احتیاط نگه میداشت آورد بدستش داد و گفت: «آخرین سطور نامه را با آواز بلند بخوانید» *

مرد، آنرا با آواز بلند خواند و در حاليكه با سر خود اشاره مثبت می نمود اظهار كرد: «بلى همینطور است» موهای نضاری رنگ، چشمان آبی پرنگ بنفشه، اندام باریك و دخترانه و دست های ظریف و قشنگ، این بكلی صفات (ایوا) است *

(ایوا) امروز همچنان زیبا است كه شما در آن وقت بودید من عاشق دیوانه وار این تصویر دخترانه هستم و تازه امروز به او و فادار ما ندم ام با او شما دوباره بمن مراجعت می كنید. می فهمید چه می گویم؟

الیزابت سكوت كرد. آنوقت در حاليكه اشك در چشمهایش حلقه زده بود جواب داد: من شما را خیلی دوست داشتم تیپور! چیزی كه من به شما احساس می كردم زیادتیر احساس مادری بود. شما آنقدر خجالتی و پس رفته بودید و به كمك احتیاج داشتید كه انسان مجبور بود شما را دوست داشته باشد. در عمق روح خود به شما مانند پسر خود نگاه می كردم و اینك می بینم كه سر نوشت نیز چیزی دیگری نميخواهد. من (ایوا) داپرستش می كنم و برای او نیز همچونك احساس دارم. بروید با هم خوشبخت باشید *

آنوقت دست خود را بالای دست او گذاشت گفت:

«صرف عاشقان و فادار پیدا نمی شوند» بلکه مادر آن فدا كار نیز وجود دارند *

پایان



تیه و تنظیم : صالح محمدکپسار

حدول کلمات متقاطع

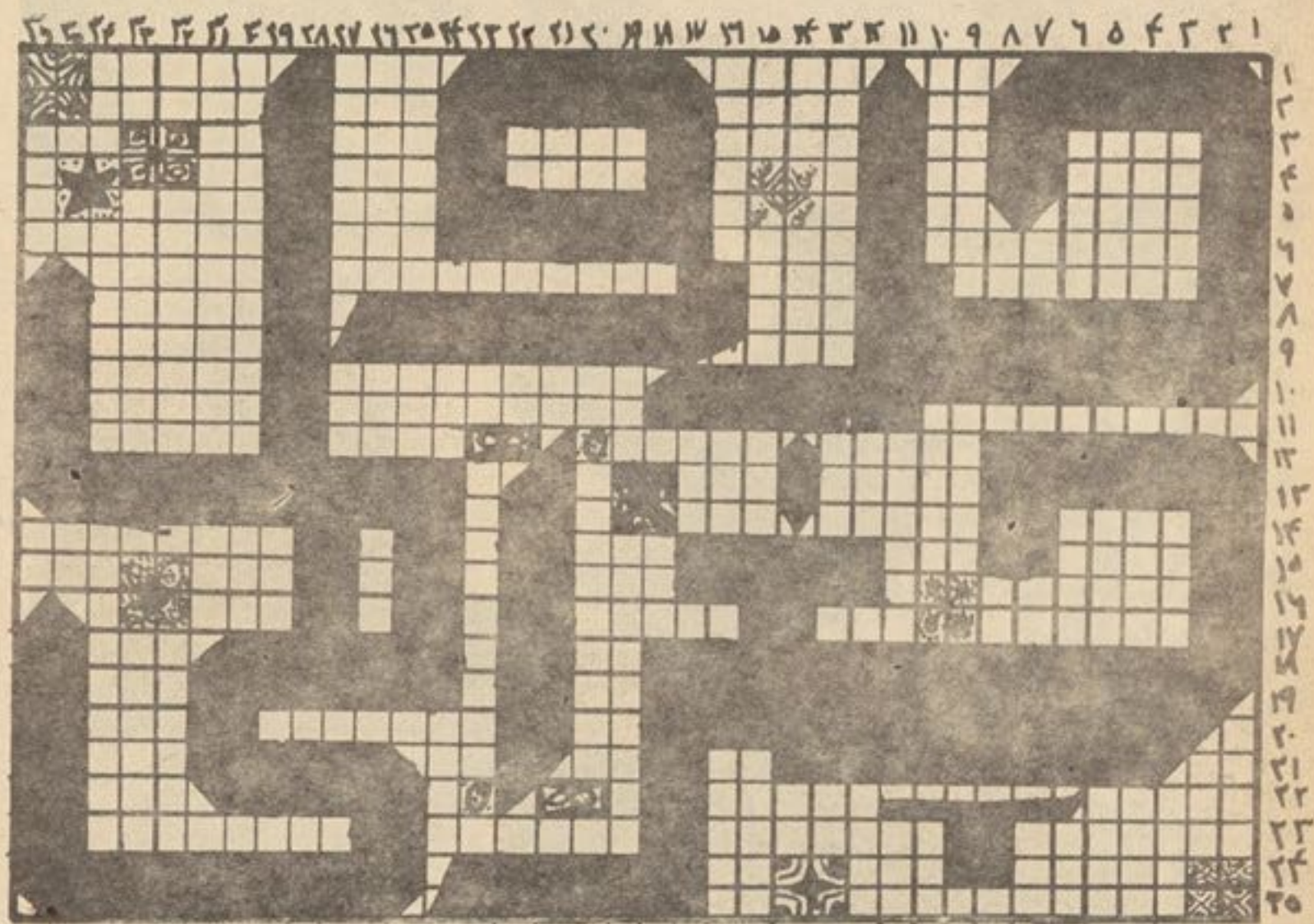
الفی:

از خزندگان، ۳- بدون حرف چهارم منظم آن منکر میشود، یکی از ممالک عربی، میبندد به پشتو، ۴- یکی از ولوالتی های کشورها، بانقیر حرف دوم سنگ مرمر میشود، امید، ۵- بدون حرف آخر بهار است، پایش را قطع سازید سازید امر میشود، منظم آن گوزر است، ۶- از شهر های ممالک شرقی، بدون حرف آخر منظم آن نیک است، آخرش را گیم سازید عطر میدهد، ۷- من به پشتو نمیشنود، سیم پراگنده، ۸- گاز نامکمل، مادر عربی، ۹- یکی از ولایات شرقی کشورها، یکی از مراکز جهان، ۱۰- یکی از ممالک دنیا، بانقیر کم دریای گنگا میشود، سرحدین افغانستان و شوروی را تشکیل میدهد، ۱۱- یکی از کشور های آمریکایی، پنهانی است، ۱۲- از آسیا میباید، باجمع حرف میم و حذف الف یتیم میشود، ۱۳- قلب آسیا، باجمع هه لثافه است، نصف وردک، ۱۴- درین بیره قرار دارد یکی از دریاهای مشهور اتحاد شوروی، ناقل آب است، ۱۵- بگذار بزبان عوام، بدون آخر خود یسمن است، منظم آن نیم است، به تایوان نرسیده، ۱۶- یک کلمه که معنی ندارد، از آنطرف آب میاورد، باجمع (ره) اثارچه میشود، ۱۷- سخت نیست، ۱۸- مطبخ غیر منظم، ۱۹- نصف بهتر، یکی از ممالک آسیایی، در ردیف سیزدهم عمودی قرار دارد، ۲۰- رمق بی پایان، کور نشده، یکی از جمهوریت های شوروی، ۲۱- از تعامل دو عنصر بدست میاید، جیوگ بی سر، ۲۲- تیرکونه، طرف، ۲۳- عددی به پشتو، کشوریکه شاهزادگانگون ساخت، ۲۴- گول پراگنده، از بازار خریداری میشود، ۲۵- یکی از کشور های جهان، ارا پراگنده، ۲۶- مرکز هند، امر به کوشیدن، از جاهای تاریخی کشورها، ۲۷- از جمله براعظم ها، اولش را کم کنید خودش یک است، ۲۸-۲۹- رود نیل درین آن جریان دارد، ۳۰- یک کشور بامرکز خودش، یک کشور عربی، ۳۱- با علاوه (ی) بعد از حرف اول لیبال و باکم کردن حوالف ازین آن پایتخت این کشور میگردد، ۳۲- گام کوتاه، خمیر است اما اولش نبود، از آنطرف غیرت است، از براعظم های جهان، ۳۳- دول میان نمی، حرف سوالیه پشتو، روشنی به پشتو، از مراکز اروپایی، ۳۴- منظم نیم است، معکوس یکی از مناطق توریمستیک کشورها، یکی از ممالک اروپایی، ۳۵- پیر نشده، ۳۶- مرکز کشورها، از واحد پول آسیایی.

مختلف و سه خانه، منظم آن از کشور های افریقای می شود، مرکز اتریش، ۱۷- از کوه های بلند جهان، بزرگترین دریای کشورها، بدون حرف اول قطغن است، ۱۸- اسب به زبان پشتو، از کوه های پامیر سر چشمه میگردد، ۱۹- رفیق بولت، پای فاسق قطع شد، ۲۰- نصف ساعت، از جمله براعظم های جهان، پایش را ببرد رد میشود، ۲۱- ارم بی آغاز- تارخوام دار، هزار کیلو، جدید، یار مغشوش، ۲۲- یکی از ولوالتی های

های جهان، ۷- یکی از ولایات کشور ما، میر و م به پشتو، یکی از کشور های اروپایی، بانقیر حرف آخر اتریش میشود، ۸- از آن طرف نگاه است، مرطوب، ۹- آتش عرب، داس بود آخرش شکست، ۱۰- یکی از ممالک جهان، یکی از کشور های جهان با تفسیر حرف آخر، ۱۱- یکی از کشور های جهان، یکی از ممالک اروپایی، یک کلمه بی معنی، ۱۲- یکی از ممالک آسیایی، سرزمین تمدن غرب، از ولوالتی

۱- آب در آن جریان دارد، مرکزیت از ولایات کشورها، ادنا است مگر بی سر، به مجارستان نیز شهرت دارد، ۳- از اعداد پشتو بانقیر حرف اول گران میشود، از حروف آسیا انتخاب کنید، دو حرف اول را کم سازید الم میگردد، ۳- گهواره انقلاب، گیس میان نمی، منظم آن اغنسا میباشد، سرزمین سیاه روی و جلالی، یادداشت، این به پشتو، از جمله میوه جات است، ۴- رها شد بدون حرف اول، از آنطرف خشک نیست،



طرح از: خالده (عالمی) متعلسه صنف هشتم لیس جهان ملکه ولایت غزنی.

کشورها، سرزمین تمدن، قسود نشده، ۲۳- مرکز یکی از ممالک افریقای، این براعظم در ردیف بیستم افقی قرار دارد، ۲۴- منظم آن زن و روم است، باخ عربی است، دروازه پشتو، ۲۵- یکی از کشورهای جهان، اداوعدادار. عمودی: ۱- یکی از ممالک عربی، ۲- منظم آن یکی

های ولایت غرب کشورها، این کشور در همین ردیف قرار دارد، ۱۳- کلمه بی معنی، در بین غزنی و ولایت قرار دارد، ۱۴- از کشور های عربی، اوگندا بدون آغاز، از آن طرف جوان نیست، ۱۵- یکی از مناطق کشورها، منظم آن مادر کلان پشتو است، ریگ و سنگ نیست، یکی از بزرگترین دریا های جهان، ۱۶- از جمله براعظم های جهان، سه حرف

یکی از شهر های بزرگ هندوستان، از آلات موسیقی شکسته، اولی آغاز، ۵- بانقیر کم یکی از ولوالتی های شرق کشورها، منظم آن درین بهار قرار دارد، اهلی بی پا، منظم آن یکی از مراکز اروپایی، ۶- یکی از ولایت کشورها، یکی از کشور های جهان، رمل شکسته، بدون حرف آخر یکی از کشور

شما که هم بدون اینکه توجه داشته باشید

این عکس چیست ؟



به این عکس خوب توجه گردید و بعد از آنکه آنرا بدقت دیده و مطالعه نمودید برای مانتو بسید که این عکس چیست از کجا بدست می آید و نیز علاوه نمایید که در کدام کشور جهان زیاد پیدا میشود ؟

راجع به کودک ؟

به چهره بشاش این کودک توجه شوید میدانید برای چه آتقدیر خوش و خندان معلوم میگردد از نگاه روانشناسی کودک به سوالات



امان الله عثمانی

حل کنندگان جدول عبارت اند از عزیز احمد عطایی
اسدالله قیومی ، نگیار ، فضل احمد
عزیز احمد و لی زاده محمد سلیم ،
غلام ربانی ، محمد افضل ، میر آغا ، که تنها
فوتوی امان الله عثمانی به چاپ رسید .

مربوط به کدام داستان است ؟

این عکس را که درین جا ملاحظه میکنید یکی از داستان های مشهور را تمثیل مینماید و حتی فلمی هم ازین داستان تهیه گردیده است اگر با این داستان و بسویمنده آن آشنایی داشته باشید و یا قلمی که از روی همین داستان تهیه گردیده است برای ما اسم این داستان را بنویسید و ضمن آن يك قطعه فوتوی خویش را نیز برای ما ارسال دارید .



این مرد کیست ؟



در عید میلاد مسیح سال ۱۶۴۲ کودکان بسیاری چشم به جهان گشودند اما فقط یکی از آنها بود که نامش برای همیشه در صفحات تاریخ علوم ثبت شد . او یکی از چهره های بسیار درخشان جهان علوم است کار های او در ریاضیات ، فزیک نظری و فزیک تجربی چنان مهم و بی سابقه بود که تا زمان انشتین کسی نتوانسته بود با او برابری کند یکی از تذکره نویسان معاصر او رابه دودیل تشبیه میکند که همه به عظمت او قایل اند و لی کسی سر چشمه آنرا نمیشناسد با این همه با استفاده از آنچه از دوران خرد سالی او در دست است میتوان تا حدی اخلاق و روحیات و تجولات فکری او را تحت مطالعه درآورد او در دوران کودکی علیل و ناتوان بوده طوری که میگویند قادر به تحمل سروگردنش هم نبود پدرش سه ماه پیش از تولد او در گذشت بعد از دوسال مادرش ازدواج کرد و تربیت این کودک بدست مادر کلانش افتاد او بعد از آن نه مادری داشت نه خواهر و نه برادری . به همین

کدام صحنه ها ؟

هر کشوریکه تحت سلطه امپریالیزم باشد بالاخره تلاش میکند تا خود را ازین سلطه نظامانه برهاند که نمونه های بارز آن کوبا و ویتنام را نامبرده میتوانیم این صحنه هم یکی از صحنه های پیروزی کشوری میباشد که عساکر آن سر مست باده پیروزی بوده و مالک کشور خود اند و آنرا تکه میدارند حالا برای مانتو بسید که این عساکر مربوط کدام کشور می باشند .



این ستاره کیست ؟

یکی از ستارگان مشهور جهان بود و بنام معنوقه جنگل نیز شهرت داشت زیرا او با حیوانات علاقه میگرفت . حالشما به سوالات ذیل جواب بگویید :

- ۱- در کدام سال تولد یافت ؟
- ۲- در کدام آرکستر ها اشتراك نموده است ؟
- ۳- در کدام سال به هالیوود رفت ؟
- ۴- برای اولین بار در کدام کمپنی فلمبرداری شروع بکار نمود ؟
- ۵- آیا با کدام کمپنی فلمبرداری دیگر هم کار نموده است ؟
- ۶- از چند فلمش نام ببرید ؟
- ۷- یکی از همبازی های او را نام ببرید .



و جاعه ی افغانی بحالت قرون و سطر
باقی می ماند. و چگونه یکدولت در هیر ی-
شده از طرف ا هیر یالیزم ستمکار
مر تجع، خلق افغانستان را به
وسیله ی آتش و خون در زیر تسلط یک رژیم
زندان و زنجیر ترور و وحشت، مظلوم و فقیر و
دل شکسته می سازد. تا بکلی احساس
آزادی و سر فرازی و ترقی خواهی در
ذهن خلق افغانستان ببرد، و به اصلاح
انگلیسی «مردم به ذلت و پستی و اسارت
عادی گردند». ولی تنها چیزی را که
انگلیس نتوانسته بود بفهمد این بود که
با فرض اگر این پروگرام انگلیسی
تطبیق هم می شد؟! تنها برای رخنه در بین
شهرهای کشور ما و طبقات حاکمه ی
ار تجاعی این کشور نیم قرن ضرورت بود
در حالیکه خلق افغانستان که همه در دره ها
و دشت ها و روستا ها ساله و دست نخورده
می ماندند و در اولین فرصتی که می یافتند
بمقابل تجاع و زجران شدید تری عکس-
العمل نشان می دادند زیرا سیر تاریخ
و قانون تکامل جامعه از حرکت نمی
ایستد و نمی توان خلق را بصورت مجموعی
مسخ نمود. البته این یک واقعیت تاریخی
است که دولت امپریالیستی بریتانیا با
آن قدرت نظامی و سیاسی و عظمت که
در شرق و غرب جهان داشت یعنی در هر
پنج قاره ی جهان چار و پنجاده و
تقوای بشری را تحت سلطه ی خود داشت
و از نظر فرهنگ و تخنیک و
اقتصاد وارد و در صیف اول دول
بزرگ دنیا قرار داشت پس و قسکه با
افغانستان مقابل شد تا جاییکه حرف و
دولت ها و طبقات حاکمه ی ارتجاعی
افغانستان بودند. در تطبیق تمام این های
خود موفق و کامیاب بود.

انگلیس توانست توسط شاه شجاع پادشاه
ایمانی افغانستان معاهدات لا هور و قندهار
را (۱۸۳۸-۱۸۳۹) بر افغانستان تحمیل
و ولایات شرقی کشور را مجزا نماید پسند
و هم چنان مطابق پلان و سلی قوای نظامی
خود را در مملکت مسلط و اداره ی کشور را
تظارت نماید. امپریالیست محمد خان نیز
از مقابل قشون دشمن جنگ نا کرده
به بخارا فرار کرد و باز جنگ نا کرده
به انگلیس ها تسلیم شد و با یکصد و پنجاه
نفر خانوادگی خود به هند رفت و جیره خوار
دشمن شد همچنان وی در دوره ی دوم سلطنت
خود معاهده ی بشاور (۱۸۵۵) را با فرانس
کردن استقلال افغانستان قبول نمود و در
هنگام انقلاب هند و ستان با وجود اصرار
زیاد خلق افغانستان در صدد تا من ولایات
از دست رفته ی شرقی افغانستان ببرد-
نیامد. پس این امپریالیستی ترسوفنی امپری-
شیر علی خان نیز جنگ نا کرده از مقابل
دشمن فرار نمود و بغرض استمداد از یک
دولت استعماری دیگر (دولت استعماری
روسیه ی تزاری) به بخارا شریف رفت و به
مفتی معروف از زیر باران بر خاست و
بزرگ ناوه دان نشست.

ادامه دارد

گفته بود عجا ئل افغانستان را بحیث یک
کل از روی اتلس جهان زدود. لارد لیتن
مفت:

اشغال افغانستان از طرف قوای انگلستان
تا آنوقت دوام می کند تا افغانها به
اطاعت از انگلیس ها عادت گیرند و از
قدرت امپریالیستی بکلی مطلع شوند. اما
آقای بیکنس فلذیک شخصیت دیگر دولت
آنوقت انگلیس ازین سخاوت؟! لیتن
انتقاد کرد و گفت: اشغال نظامی افغانستان
باید ابدی و جاودانی؟! باشد تا دنیا
عادت بگیرد که قدرت ما در افغانستان
پایدار و جا و دانی است. دولت انگلیس
در تمام این اعمال ظالمانه و خالصانه ی
خود در برابر افغانستان تحت بیرق
«مقابل باخطر روس» قرار می گرفت تا دنیا
و مخصوصا مردم انگلستان را اغفال نمایند.
در حالیکه دولت روس تا جاییکه در
آسیا رسیده بود توقف داشت و در صدد
عبور از دریای آمو نبود، زیرا امپری-
طوران روس مصروف فعالیت هادر ارو با
و به مقابل دولت های آن قاره بودند

دولت روس خواب آقانی براستانبول و
بالقانات را می دید و کمترین و دور-
ترین خطر برای هند و ستان از طرف
دولت روس بود. در ایران هم سازش
برای درانه روس و انگلیس عملی شده و
بعد ها این کشور به مناطق نفوذ ایسن
برادران تقسیم گردید. در حالیکه نه در هند
شبه افغانستان زیر تا ئیر دولت زاری روس
بود و نه بعد ها صحنه ی فعالیت اتحاد
جما هیر شو روی گردید. زیرا اتحاد
شو روی خود برای دفاع از تجاع و غرب
خواهان ی کشیدن حصاری در دورا دور
خود بود. که این کار با سیاست
پیشروی و تعرضی هیچگونه ارتباطی
نداشت.

معهدا دولت انگلیس برای سلب استقلال
کنترل امور خارجی و داخلی، تولید تفاق
و خانه جنگی و جلوگیری از هرگونه
تجدد و ترقی افغانستان، دو بار در یک
موزه کرد و آرام نه نشست تا جنگهای اول
و دوم افغانستان و انگلستان بعمل آمد و به
اثر دسایس انگلیس با لخره دولت
امانی هم معدوم شد.

بعد از تاج مور رژیم ستوی، انگلیس با
رضایت تمام منتظر بود که چگونه
جنبش های جوان کشور ما منهدم شود

ولایات شرقی افغانستان اعلام کردند و از
همین وقت به بعد استقلال سیاسی افغانستان
معدوم شد و ولایات شرقی افغانستان تحت
ضربات متوالی و بیرحمانه ی انگلیس واقع
شده انگلیس های استعمارگر به این ها هم
اکتا نکرده و نقشه ی انهدام کامل افغانستان
را بر سر می پروراندند و می خواستند تمام
افغانستان را از روی نقشه ی دنیا محو
سازند؟!.

لارد کران پروک وزیر خارجه ی وقت
امپریالیستی انگلیس توسط مکتوب ۱۲
اکتوبر ۱۸۷۹ عنوانی لارد لیتن و ایسرای
هند چنین نوشت:

«ازین بعد افغانستان نمی تواند بحیث یک
کل موجودیت داشته باشد»

پس لیتن به اساس همین نظر سیاست
رهبران امپریالیستی فیصله کرد که
اشغال نظامی کابل دوام نیابد. کتل جان
هم شمشیر تحت حمایتی قندهار را از
طرف دولت انگلستان در سال ۱۸۸۰ در ماه
می بکمر سردار شیر علی خان پسر
سردار میر دل قند هاری بست و تبریک
مفت. ایسن سردار دست نشاند
در وقت جلوس خود به ولی نعمت خود

بلی طعمه ی افغانستان هر قدر بدنهان غول استعمار
زودیکتر می شد شوق بلعیدن تمام و کمال
آن نیز برایش ضروری تر مطرح می شد.
چنانچه بعد از تطبیق موفقیت آمیز دوره ی
اول سیاست نظامی و سیاسی انگلیس «لارد-
پالمرستون» صدراعظم وقت انگلیس «لارد-
انگلیسی هند نوشت که: «وقت آن رسیده
است تا جدا در افغانستان مداخله بعمل آید
و از توسعه یافتن قلمرو ایران رویه جانب
هند جلوگیری شده و سدی در برابر روس
کشیده شود». (در اینجا قابل تذکره می دانیم
که بگوئیم استعمار تنها تا بدست آوردن
منافع خود از دولت های ارتجاعی پشتیبانی
می کند چنانچه در مرحله ی اول پلان
استعماری خود در مورد افغانستان، انگلیس
ها ایران را تقویه و قطع نمود ولی اینک
دولت انگلیس حکم می کند که از پیشروی
ایران جلوگیری شود) همچنان همین شخص
(پالمرستون) به پارلمان انگلیس خیرداد که:
«حاصل عقیده قلبی من اینست که اگر ما از
افغانستان دست بکشیم بزرگترین مصالح
دولت انگلیس را بر باد کرده ایم. و اگر
افغانستان را بهر ملاحظه ای که باشد ترک
نماییم متعین باشیم که باز روزی فرا خواهد
رسید که مجبور گردید با تلفات بسیار مالی

ستراتژی سیاسی و نظامی انگلیس در افغانستان

پیوسته بگذشته

(نمایند. ی امپریالیستی) گفت که: این
شمشیر را در راه خدمت به بریتانیا
کبیر از غلاف خواهم کشید، ولایت کابل
نیز توسط گرین به سردار ولی محمد
خان پسر امپریالیست محمد بیچیت یک
حکومت تحت حمایتی انگلیس سپرد
(خلق افغانستان این سردار را بنام ولی
محمد لانی یاد می کردند و کلمه ی «لارد-
دی» در بین عوام بحیث یک لقب تو همین
آمیز استعمال می شد ولی در لسان خلق
آنوقت افغانستان لاردی رالانی می گفتند)
در باب ولایت هرات آقای شالبرای از
لندن در مکتوب اکتوبر ۱۸۷۹ به روال
تا من سفیر انگلیس در تهران نوشت
که:

«هرات را به ایران بدید؟! به این شرط
که در موقع خطر، انگلیس هرات را
اشغال خواهد کرد ولی این بار نو است
دولت روس بود که نگذاشت انگلیس بنام
ایران در هرات نفوذ نماید لذا مذكرات
انگلیس و ایران در مورد هرات بی نتیجه
ماند.

یک لارد دیگر انگلیسی بنام رندرن
در همین وقت پیشنهاد کرد که سرحدات
ایران و افغانستان به نفع ایران تعیین
شود به این ترتیب دولت انگلیس چنانکه

و جانی دوباره این کشور را اشغال نماییم»
گورنر جنرال انگلیس در هند نیز گفت که:
«ما باید بقدر توان کوشش کنیم و نگذاریم که
در افغانستان قوت های خارجی نفوذ کنند
امنیت مادر شرقی مستلزم آنست که در
افغانستان دستگاهی ایجاد نماییم که مانع
حمله ی خارجی باشد، و ما توان آنرا نداشته
باشیم که با دشمنان کشور گیریم هرا هی
کنند ما باید درین کشور یک سد دائمی بسازیم
تا مانع حمله ی دشمنان شمالی و مغربی مسا
باشد».

ازینرو انگلیس ها در سومین کسب
سیاست نظامی و دیپلماتیک خود به اتفاق
حکومت سکهای پنجاب در زیر نقاب
شاه شجاع فراری در سال ۱۸۴۴ با چهل و
پنجاه هزار عسکر منظم و توپ خانه به افغانستان
ناخند و نادامنه های جنوب هندوکش آمده،
گردن بند و سلی را بگردن افغانستان
الداختند. زیرا «سکرت کمیته» انگلیس در
پادداشت ۲۵ جون ۱۸۳۶ خود به لارد آکلند
گورنر جنرال هند انگلیس نوشته بود:
«در افغانستان جهت مقابله با پیشرفت نفوذ
روسیه بهر نوعی که می خواهید عمل کنید»
و انگلیس ها در وقت بازگشت از افغانستان
نیز ولایات هند و بلوچستان را از افغانستان
جدا و به حکومت انگلیس ملحق نمودند و به
تعقیب آن خود را جانشین حکومت سکهای در

دلفین یادوست...

اما باز هم از صید دلفین ها در بحیره سیاه خود داری میشود .

در قسمت تحقیقات طبی معاینه خون جهاز تنفسی، کاردیو گرام و غیره تحقیقات بالای دلفین ها اجرا میگردد . تحقیقات

طبی قسمت عمده تحقیقات را بطور مکرر تشکیل میدهد زیرا دلفین ها اغلبا از یک تعداد امراض منجمله امراض جلدی بلند رفتن غلظت خون، تخریب دو ران

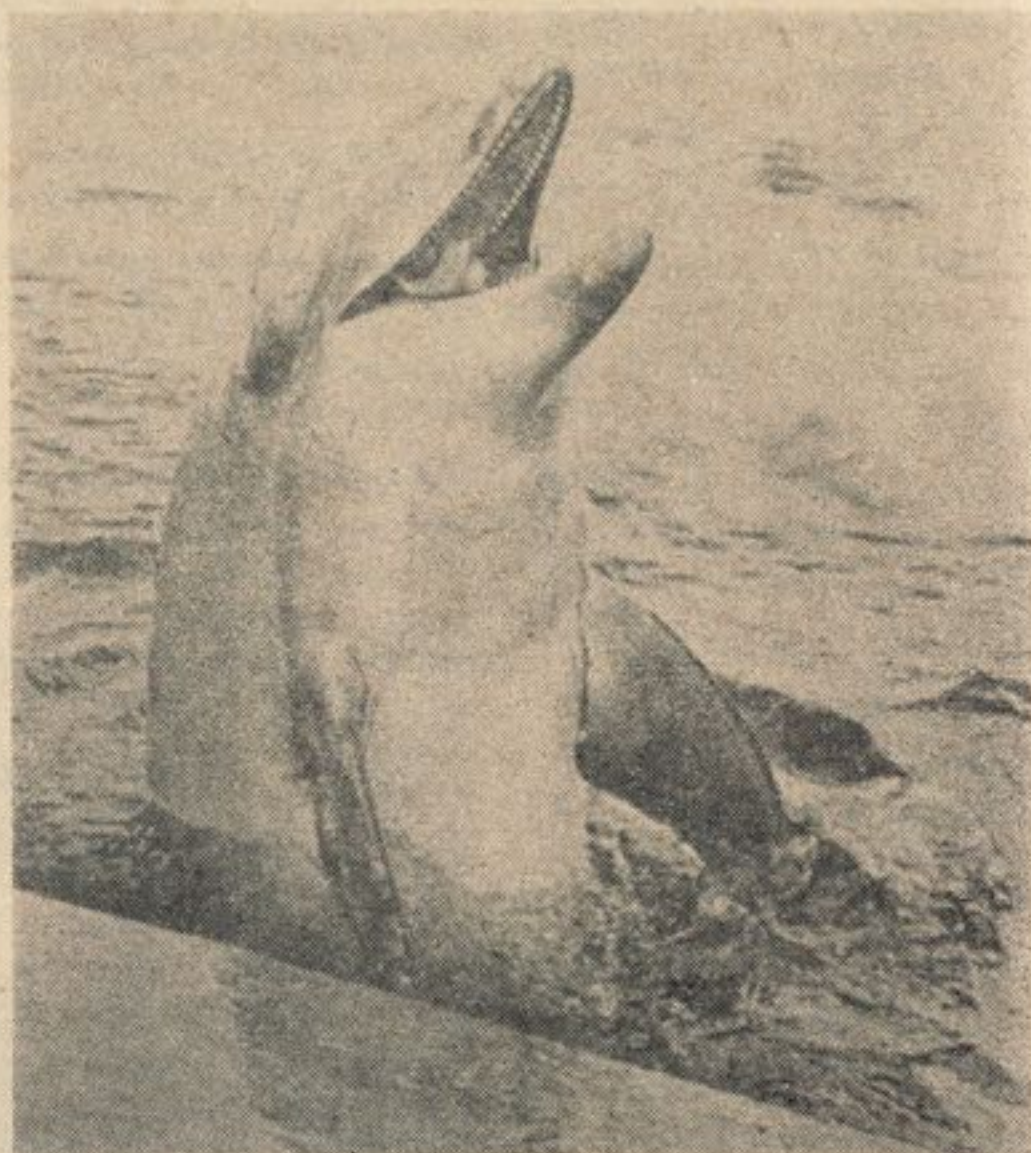
خون در سر رنج میبرند . مسایل فوق الذکر نه تنها برای آن است که از دلفین

ها غرض نمایش و تحقیقات لایروبی کار گرفته شود بلکه حفاظت آنها در بحر آزاد نیز از جمله پراپلم های مهم و حیاتی بشمار میرود .



حلقه را دوباره از آب آوردن برای دلفین کار ساده بیش نیست

امضا گردید . در این موافقت نامه ذکر شده بود که ناده سال صید دلفین ها منع میباشد اگر چه از مدت موافقت نامه مذکور سه سال اضافه تر گذشته



از تبسم دلفین، دوستی اش با انسان هویدا است

یک گام...

جبرلین ودالادی به این جاکشانیده شدیم. آنها میخواهند شوروی در دام گیر آید اما خود آنها در حلقه گیر آمدند .

درین اواخر در غرب اظهار میکنند که گویا جنگ از اثر معاهده عدم تعرض بین جرمنی و شوروی بوجود پیوست . اما آنها حقایق را می پوشانند . تاجاییکه به اتحاد شوروی مربوط بود از هیچنوع تلاش دریغ نه ورزیده است .

تاریخ نویسان همیشه سوال «چشم انداز» را طرح میکنند . به این ترتیب اگر دول فرانسه و انگلستان در مقابل پیشنهادات شوروی جواب مثبت میدادند ممکن بود اوضاع جهانی شکل دیگری را بخود میگرفت .

چند روز بعد از امضای معاهده وزیر دفاع شوروی وروسیلوف اظهار داشت . «ایمن معاهده راه بخاطری امضا نمودیم که گفتگو های ما با انگلستان و فرانسه قطع گردید بلکه در نتیجه اعمال هیات های نمایندگی انگلستان و فرانسه صورت گرفت» اما شوروی به معاهده عدم تعرض اعتماد نداشت تنها سعی مینمود وقت را کمایی کند و خود را علیه تجاوز آماده نماید .

ایوان مایسکی که خود در مذاکرات اشتراک داشت چنین مینویسد : «این یگانه راه مایود . ما از اثر سیاست بی بندوبار

...رنگ ها...

۶- رنگ سبز مایل به زنگاری به بیماران زخم معده اثر شفا بخشی دارد .
۷- بیماری های ناحیه یی عصبی را با جاسازی رنگ آبی بروی آن محل میتوان آرامش بخشید .

اگر تا این جابا ماهستید وباخوش بینی زیاده آینده این شیوه درمانی فکرمیکنید، امیدواریم چند توصیه زیر را مرغسی بدارید :

۱- لباس های زیر نباید به رنگ سیاه انتخاب شود زیرا این رنگ بخاطر شعاع تشعشع تاثیر خوبی بالای بدن ندارد .

۲- رنگ سقره ورومیزی به رنگ سبز بسته یی انتخاب شود زیرا ایسن رنگ اشتها بر انگیز است واین رنگ غذوات معده را به فعالیت وامیدارد.

۳- رومیزی سرخ و فسولادی بازایل نمودن اشتها از برخوردی جلو گیری میکند زیرا در انسان احساس سیری ایجاد میکند .

۴- رومیزی بارتنگ بنفش حتی خاصیت غدرا تغییر میدهد از انتخاب ایسن رنگ برای سقره کناره بجوید .

شناخت رنگها و تاثیراتش مارا روزی بجایی خواهد رساند که به کمک آنها خواهیم توانست بیماری های مسری را ریشه کن کنیم و به کمک تحقیقات علمی روزی فرا خواهد رسید که روش استفاده درست رنگ ها را بیاموزیم به امید رسیدن آروز : «پایان»

امواج نیرومند

راه سویه جهانی به نفع صلح، تر قی سوسیالیزم تغییر داد . انقلاب تور که در قلب آسیا برای اولین بار مشعل فروزان آزادی وراهی از اسارت استثمار وامپریالیزم راه رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بلند نمود برای کسلیه خلق تحت ستم حس اعتماد وایمن به پیروزی راه ارمغان آورد چنانچه خلقهای چلی به انقلاب نور در آنسوی گیتی افتخار و میاهات نمودند وانهام دیکتاتوری آبروباخته بنوچت وانا بود شونده اعلام نمودند .

همچنان پیروزی انقلاب خلقی در گرینادا وپیروزی انقلاب لیکاراگوا و آزادی بعضی از جزایر حوزه کارابین مردهای دیگری میباشد برای خلقهای امریکای لاتین تا صفوف نیرومند خود را بر ضد دیکتاتوری ها و ارتجاع بین المللی هرچه بیشتر فشرده نمایند .

بدون تردید می توان گفت که کلیه کشور های امریکای لاتین علی الرغم اینکه تحت نفوذ ارتجاع وامپریالیزم قرار گرفته است دیروپازود بر ضد استثمارگران و مرتجعین پیروز خواهد شد وگلیم کهنه و فرسوده تسلط امپریالستی ازین گوشه جهان نیز جیده خواهد شد ، زیرا حکم تاریخ پیروزی خلق ونابودی دشمنان خلق، ارتجاع وامپریالیزم می باشد .

ضرب انکسار نور های رنگه مختلف در طیف بوجود می آیند. انسان بادیدن رنگ های مختلف عکس العمل های مختلف روانی نشان میدهند واین عکس العمل هادر مقابل رنگ در افراد مختلف ، مختلف است . درین شیوه درجات مختلفی برای حساسیت در مقابل رنگها وجود دارد وشناخت میزان حساسیت در مقابل هر رنگ کاری است ساده وامروز ضسسن آزمایش های متعدد این شناخت به سهولت عملی میگردد .

از روی تمایل ویا نفرت بارتنگی میزان این حساسیت با یک مقایسه ساده بروی یک طیف رنگه مقابل رنگ ها اندازه گیری میگردد باید گفت مساله هنوز در مراحل تحقیق و تجربه است وپژودی از (آزمایشگاه ها به صحنه عمل وشفافخانه ها پیاده خواهد شد .

رنگ بطور کلی تاثیرات متشایزی بر اعصاب دارد درست مانند طب سوزنی . پس میتوان گفت که طب سوزنی در عین حال میتواند نوع پیشرفته از طب رنگی باشد . مثلا رنگ سوزن های که استعمال می شود اهمیت فراوانی برای مؤثریت آن دارد . در حقیقت امر این سوزن ها برای نقاط مختلف بدن بارتنگ های مشخصی هستند که این رنگ ها روی سیستم عصبی آن منطقه تاثیر مطلوبی دارد . رنگهای گرم که از رنگ سرخ شروع شده و به سبز متوسط می انجامد عدم تعادل های را که در کمبود دیشنسی ناشی می شوند تعادل می کند. در حالیکه رنگ های سرد که از سبز متوسط شروع و به رنگ بنفش ختم میشود عدم تعادل های را که از «زیادی» ناشی می شود ازین می برد .

بطورعمومی برای معالجه بیماری های کاربری رنگ به اساس دوطریقه زیر صورت میگردد:

۱- با رنگ های توری که در آن نور از فلتر های مختلف می گذرد وروی بیمار می افتد .

۲- استفاده از مجموع هفت رنگ شناخته شده .

اساس معالجه این شاخه طب به معالجه انسان نه مبارزه با امراض استواری دارد .

کدام رنگ برای کدام بیماری؟

۱- با گذاشتن دستیند های سبز تیزبروی مخ دست میتوان تب را کاهش داد .

۲- رنگ آبی ضدآسما (نفس تنگی) است بکوشید در تزلزل منزل (برده ها، موبل ، باملحه ها، رخت خواب، بستر خواب) ازین رنگ استفاده کنید .

۳- اسپال شدید را میتوان به کمک دستیند های مخصوص به رنگ زرد نیز در بیمار تخفیف داد .

۴- ریزش موی را میتوان بارتنگ سبز بسته یی مهار کرد. اگر پارچه بالش بستر خواب تاثر به این رنگ انتخاب کنید، معجزه آرا خواهید دید که چه سان ریزش مویتان رفع خواهد شد .

۵- «انسومنا» بی خوابی بالاخص کودکان رامیتوان با استفاده از رنگ زرد زعفرانی معالجه کرد .

دياک الو تکه

په بهرني فضا کې

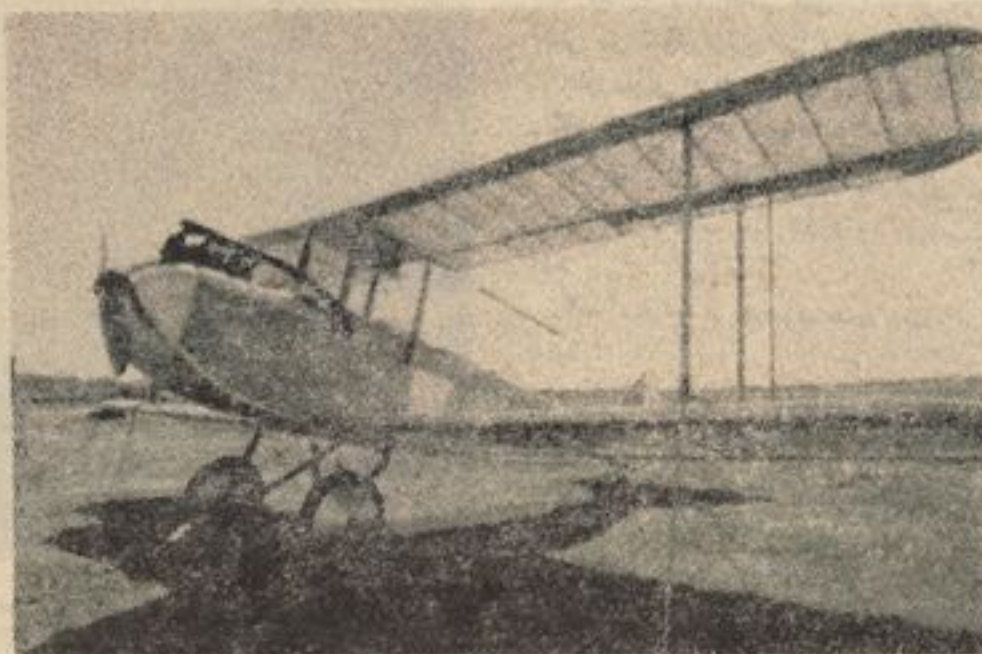
دياک الو تکی نن په نړۍ کې زيات شهرت لري. د دياک نوم د الکساندر ناکسو - لوف له نوم څخه اخيستل شوی چې ددی الوتکې مخترع دی. اوس دده نوم په ټول نړۍ کې زيات شهرت لري. کله چې ياکوولوف په (۱۹۲۰) کال کې دخپل لمړي الوتکې طرح رامنځ ته او هغه يې جوړه کړه نو زيات شهرت يې ومگا ته. په دې الوتکه کې ځوان شوروی پيلوت داو ددی الوتنسې نړۍ وال ريکارډ ټينګ کړ. الکساندر ياکوولوف په مسکو کې د يوه مشهور انجنير په کورنۍ کې سترگې داسې نيس او تخنيک نړۍ ته وگرځولې. هغه په وډکتوب کې د مخترعينو زيات آثار او کتابونه ولوستل او وروسته له څو مودې هغه د سترگې ايلو - شمس سره اشنا شو. سترگې ايلو شمس هم په يو بزگرۍ کورنۍ کې زيږيدلی و چې وروسته د الوتکو لوی مخترع شو او د ياکوولوف له پلوه په ژوندانه کې يې ستر رول ولوباوه. په هغو کالو کې چې سترگې ايلو شمس د الکساندر ياکوولوف استعداد او ذکاوت ته متوجه شو او هغه ته به يې ټل درس او تعليم ورکاوه چې الوتکې څنگه جوړېږي؟ الکساندر ياکوولوف په ۱۹۳۱ کال کې د فلوت فضائي اکاډمۍ پای ته ورسوله او په دې وخت کې هغه څو ټوله سپکې او سپو رټې الوتکې اختراع کړې وې. دهغو امکانا توپيره استفاده چې په هغو کالونو کې د الکساندر ياکوولوف لپاره برابر شوی وو پخپله د الوتکو د جوړولو او طرحې دفتر يې رهبري کاوه او له نورو عوایدو او تکنالوژۍ څخه يې کار اخيستنه تر څو د الوتکو چټکوالی لوړېږي. کله چې په ۱۹۳۹ کال کې له هيناري فاشيسما او سره د جنگ خطر زيات شو الکساندر ياکوولوف دوه موټره لرونکې بمب غورځوونکې الوتکه جوړه کړه. ددې الوتکې چټکوالی په يوه ساعت کې (۵۶۰) کيلو متره و په داسې حال کې چې دهغه وخت د يوې معجزې ټيکنارۍ الوتکې سرعت او

وړ اوډ، له هغې ډلې څخه ياک ۲۵ ټو له الوتکې کولای شول چې څوگرې په فضا کې پاتې شي. ددې الوتکې حسابو او قسوي دستاڅو دا امکان برابرېده چې تر څو الوتکه په هر ټول جړی خا لاټواو هوا کې ټا کړل شوی هدف کشف کړي.

الکساندر ياکوولوف دهليکو پټر ونسو مخترع هم دی په ۱۹۵۳ کال کې دهغه ياک ۴۲ ټوله هليکوپټر د نړۍ د مشهورو هليکوپټرونو په ټوله او قطار کې ځای درلود. دهغه دوه موټره لرونکې هليکوپټر کولای شول چې د شپږ اشيا ربه پنځه ټنو يو وزن د (۲۰۰۰) مترو په لوروالي فضا ته پورته کړي. په ۱۹۶۷ کال کې د مسکو په هوایي ډگر کې د الکساندر ياکوولوف الوتکې دندداري او ازماينست ډگر ته را ووتله چې په امانې سره جگړه لای او کيښاستلای شوای.

د الکساندر ياکوولوف نوي الوتکې نن په نړۍ کې زيات شهرت لري. دې الوتکې يو خړيا دهغه او دهغه طرحې اوجو پو لود دفتر استعداد، ذکاوت اولياقت په ډاگه کړي.

مگر الکساندر ياکوولوف خپل سپو رټې الوتکې نه هير وي. د مثال په توگه دهغه د سپو رټې الوتکو له ډلې څخه يوه هم ياک ۱۸ ټوله سپو رټې الوتکه ده چې له هغه



دياکوولوف د استعداد لمرې نمره.

څخه د شوروی اتحاد سپورت مينش مسا بقو تم استعدادی کړی او هدا ټول له هغو څخه دالو تنی ديا ټولو په غرض هم گټه اخيستل کيږي. پوری گا گارین ددی الوتکې په هکله داسې ويلي دي: «دا الوتکه ډيره ښه تعليمی الوتکه ده او په ډيره ساده توگه رهبري کيږي. پوړی دهغه ډيره خوبه ښوله». د الکساندر ياکوولوف وروستی الوتکه

هغوی بيله ختم څخه ويل چې ياک ۳۰ ټوله الوتکې. کله چې جگړه پای ته ورسيدله نو فرانسوي پيلوټان دېخوا يې معمو لس اداټو په اساس د ياک په الوتکو کې چې د شوروی اتحاد له خوا ورته اهدا شوی وي خپل هيواد ته ستا نه شول. کله چې جگړه پای ته ورسيدله نو د الکساندر ياکوولوف د طرحې دفتر ونوو او سر سم - السیرو الوتکو طرحې او جوړولو ته لاس

ياک ۵۰ ټوله الوتکه ده چې د ۱۹۷۷ کال په نړۍ والو مسا بقو کې تر درايوسه اتفاق دتري ډيره عالی سپورټی الوتکه وگڼل شوه.

د زياتو هيوادونو دالو تکو دجوړولو لسو انجنيرانو او متخصصينو دا ټکي په ځيځه تکرار کړيدي چې ديا کوولوف الوتکې په عصری تخنيکي وسيلو سره مجهز او سمبال دی. د الکساندر ياکوولوف له الوتکو څخه يوه هم ياک ۴۰ ټوله الوتکه ده چې دنړۍ په ټولو وچو کې يې خلک پيژني. په ۱۹۷۶ کال کې الکساندر ياکوولوف خپل د ژوند او پان وچه (۷۰) کالونه د مسافرو - پو ټکي ياک ۴۲ ټوله الوتکې په طرح او جوړولو سره وينا نوله. د ياک ۴۲ ټوله الوتکه د (۱۲۰) تنو مسافرو پټو لپاره ځای لري او ددري موټرو نو لرو ټکي د ۵۰۰ دالو تکه دا لوتنې په وخت کې په سلو کې پنځه ويشت دسون مواد نظر پخوا ته لاس مصر قوی او دا ډرو فلوت هوا يې سرکت ته خدمت کوي. په اوسني وخت کې زيار ايستل کيږي تر څو دالو تکو غږ لږ ځم کم او هوا خرابه نه کړي. ياک ۴۲ ټوله الوتکه له بين المللی مقرراتو سره سمون لري. دا الوتکه دوه کسه عمده کارکوونکو لري چې يو يې فو مانډان او بل يې پيلسوت دی. ځکه چې ددې الوتکې زيات تر برخې اتوماتيزه شوي دي. کله چې له الکساندر ياکوولوف څخه يو پښتنه وشوه چې دانسان کوم کر کټر خو ښوی اوله هغه سره مينه لري؟ نو هغه وويل: (د پيلسوت).

په رښتيا هم دهغه د طرحې او جوړولو په ځانگړي دفتر کې هيڅ وزگار شيسان نه ليدل کيږي او تل دفعا لاته کار فضا حکم فرماوي. دهغه د طرحې او جوړولو په دفتر کې دهغه دفتر او ذکاوت د طرحه شوي او جوړ شوي الوتکو مو ډولونه نشته. په زړه پوري ټکي دادی چې د هغه د طرحې په دفتر کې دسگر ټو دايرو داچولو لپاره هېڅ شې نشته يعنې په دفتر کې يې سگرت

دې کورنۍ کې چې طرحه کوي (الکساندر ياکوولوف) اودهغه نور همکاران او مرستيا لان سگرت نه ځکوي. نژدې پنځه پنځو س (۵۵) کاله کيږي چې د الوتکو په طرحه او جوړولو کې کار کوي. ممکنه ده په راتلونکي وخت کې د الوتکو نور هم ډير ښه ډولونه دهغه پواسطه طرحه او جوړ شي.

فرصت‌های تازه تعلیمی...



یکی از اطفال بانشاط اتحاد شوروی

را در ساحه کار و تولید بیاموزند. گداور کذاب تجدید تربیه داخل خدمت در مراکز آموزشی موجود است.

مقامات دولتی می‌کوشند تا از هر حیث امکانات یک انتخاب آزاد شغل و انگیزش شخصیت هر فرد صرف نظر از ملیت، نژاد، جنس، مذهب اجتماعی و غیره تأمین گردد.

عده بی از ایران و دختران نظر به علاقه تحصیلات کوتاه مدت را برمی‌گزینند و برخی دیگر تحصیلات دراز مدت را انتخاب میکنند.

کسانی که مایلند تا بیست و پنج سالگی معلم کار کنند لازم است تا برای مشخص شدن در رشته مربوط دوره ثانوی را درمیان بلوغ تکمیل کنند. باید یادآور شد که مناسبانه اطفال نیز موجود است که بتدریس نواقصی از قبیل ضعف باصره، سمع و غیره نمیتوانند طور عادی و منظم تحصیلات شان را مثل دیگران پیش ببرند که البته برای آن ها وزارت تعلیم و تربیه اتحاد شوروی تسهیلاتی فراهم ساخته است. ادارات مشخص که کار مکاتب عمومی و کودکان عاری از تنظیم می‌نمایند طور عملی از اطفال نیز مراقبت بعمل می‌آورند.

اطفال مصاب نواقص جسمی که قادر بر رفتن در مکاتب عمومی نباشند در مراکز تعلیمی اختصاصی که مدت تعلیم در آنجا طولانی تر است شامل میگردند و پروگرام های خاصی تعلیمی را پیش میبرند. بطور مثال در مسکو یک مکتب لیلیه برای اطفال معلوم وجود است که در آنجا شاگردان دو سال بیشتر نسبت به مکاتب عمومی درس میخوانند درین مکتب اطفال شش روز هفته درسی خوانده و در روز تعطیل هفته آنها را والدین شان به خانه می‌برند.

تصامیم کنفرانس اخیر جهانی راجع با اطفال :

در کنفرانس بین المللی که اخیراً در مورد اطفال در مسکو دایر شد بر مسائل مختلف مربوط با اطفال و نیازمندی های آنها در عصر کنونی بحث و مذاکره صورت گرفت. درین کنفرانس که در آن نمایندگان کشورهای مختلف جهان اشتراک کردند اختلافات سیاسی دور گذاشته شده و شرکت کنندگان کنفرانس بر مصونیت و نجات اطفال از مصائب و آلام تأکید کردند.

درین کنفرانس که به مناسبت تجلیل از سال بین المللی طفل دایر شد طرق مختلف نیل یک آینده سعادت تر در قبال شعاع (آینده) مصون و آرام برای همه اطفال مورد بحث قرار گرفت و در مورد این نسل ارزشمند و پر تحرک که مردان و زنان آینده جامعه است تصامیم لازم اتخاذ گردید.

سال بین المللی طفل در اتحاد شوروی با تأسیس کودکانستان ها و شیر خوارگاه های بیشتر نمایان شد کتب برای اطفال تدوین فستیوال های آثار نقاشی اطفال و ایجاد تسهیلات مزید به آنها همراه بوده است.

درین مکتب لباس و غذا طور رایگان از طرف دولت با اطفال تهیه می شود. نیز هر شاگرد با مسیت های تلویزیونی مجهز است که شاگرد را قادر می سازد تا معلم را بخوبی ببیند و لکچر او را بشنود مریون هنگام تدریس مشخصات صبحی هر شاگرد را مدنظر میگیرند. درین مکتب شاگردان عین دانشی را فرا می گیرند که متعلمین در مکاتب عمومی می آموزند.

اتحاد شوروی در صدد مطالعه مجسود پروگرام های تعلیمی بوده و می‌کوشد تا جزیی های را از پروگرام حذف کند که نزد آنها ارزش درجه دوم دارد. درین پروگرام حایق تقدیم به بهترین موضوع حیاتی و مبتود های درسی شده است.

جهان در خشان برای اطفال :

در قبال پروگرام های همه جانبه که برای تربیه و رشد سالم اطفال در اتحاد شوروی وضع شده. اطفال به آینده مرفه و شگوفان شان مطمئن اند.

در اتحاد شوروی که (۳۶) میلیون نفوس دارد روزانه (۱۲) هزار طفل چشم بدنی می کشاید. مراقبت از اطفال و مادران ما نزد سایر کمک های طبی در بین کشور مجانی است. اطفال نوزاد معمولاً توسط داکتر در ماههای اول طور منظم در خانه و بعداً در پولی کلینیک ها معاینه می شوند. هر زن کارگر

در ایجاد تسهیلات برای تربیه اطفال و انکشاف قابلیت آن ها موسسات مختلف دولتی سهم می گیرند بطور مثال اتحادیه کارگران اتحاد شوروی سالانه قریب یک هزار میلیون روبل را بر فعالیت های ورزشی و کلتوری برای اطفال به مصرف می‌رسانند. باید گفت که همه این تسهیلات موافق با اعلامیه حقوق طفل که بیست سال قبل از طرف ملل متحد تصویب شد صورت گرفت و اتحاد شوروی به تربیه سالم جسمی و ذهنی اطفال و جوانان آن کشور و نقش آن هادر جامعه سوسیالیستی ارزش زیادی قایل است.

در اتحاد شوروی در ۵۶ زبان کتب برای اطفال چاپ می شود و بیش از ۲۹ نشریه و چهار مجله مخصوص اطفال بانبراز های چهار میلیون نسخه به چاپ میرسد. طبق احصایه مالی منتشره یک ششم تمام کتب که در اتحاد شوروی چاپ می شود راجع به اطفال است و این کشور از بانیان نیاتر برای اطفال میباشد.

در اتحاد شوروی (۱۲) نیاتر هنری و یک نیاتر موسیقی برای اطفال وجود دارد و این نمایشات ارزان بوده و یک شاگرد میتواند در هفته چند بار به نیاتر برود.

به اندازه همان مسدود، عمارت کوهستان می کنه ؟

وی با سرعت گوشت بریان را عقب زد و در حالیکه گیلای شیر را سر می کشید گفت :

«تصادفا هر گیلای شیر را و چنان بران هرکوب اس که می توان آنرا خطرناک تر از یک گیلای آب جوش داده دانست.»

من از شگفتی به جایم خنک شدم دوست «گردم» شروع به مالیدن مسکه و عمل برتونه نانی کرد.

خواستم انتقام بگیرم.

«بیا جان می فامی که ممکن همی عمل از یک زنبور الفلیج به دست آمده باشد.»

این بار نوبت او بود که فرار کنه به دنبالش دویدم.

«چه می کنی از خوردن نان زیاد به جای ای که قدم بزنی به یستر خومی روی ؟» سعی کردم او را بیشتر بترسانم.

«بیا درجان می فامی که قلب حیواناتی که در طویله نسکه داری می‌شوند نصف قلب پرندگان، آهو و اسب های مسابقه بی که ده هوای آزاد زندگی کده و فعال اند می‌باشد.»

سعی کرد از بالای میزها بگریزد.

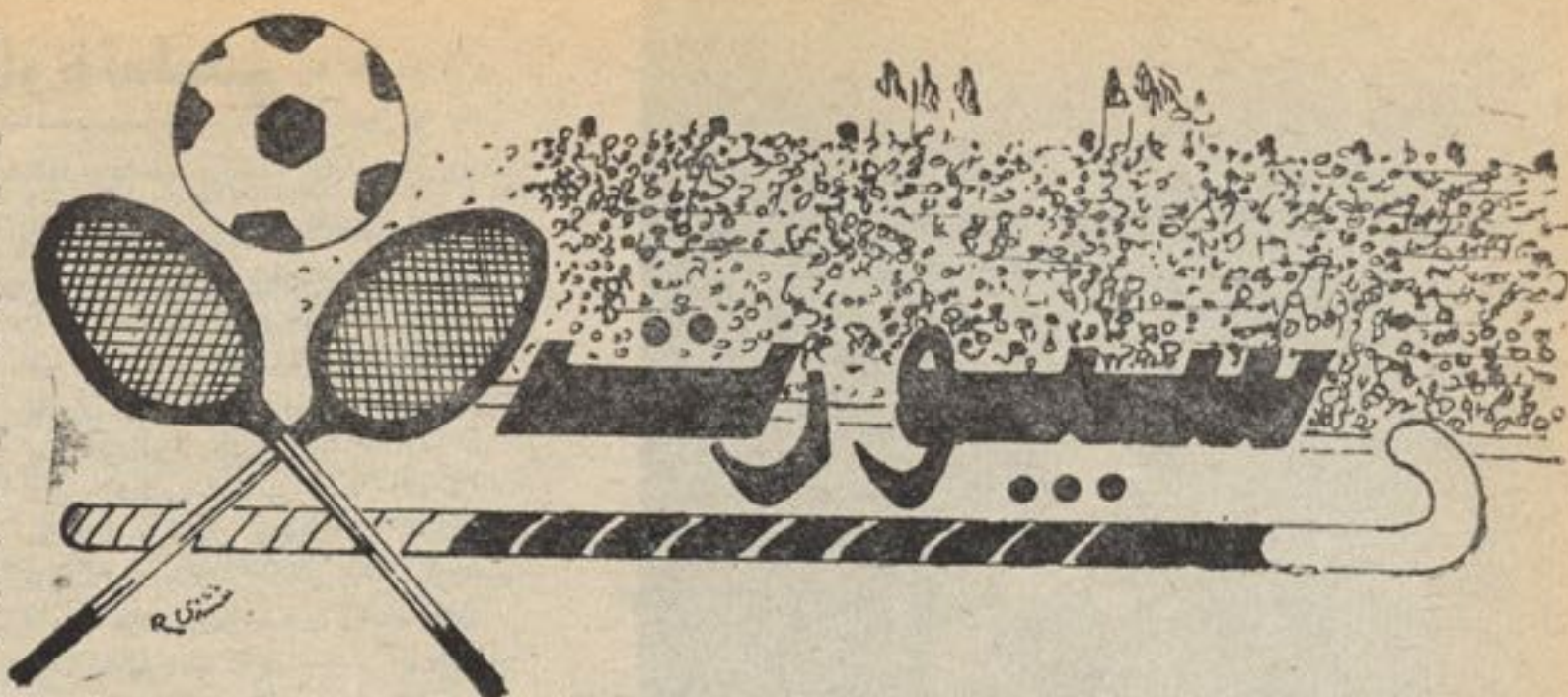
«به باور دارم که تو نمی فامی که از هر صد آدم عادی فقط هشتاد و شش، نای آن دیوانه اند و همین دیوانگان اند که زندگی ۹۹.۲۴ دیگر را برهم می زنند.»

او دیگر هرگز به پشت میزم پیدانند.

آب بازی این کشور به حساب میاید که در هر هفته لافل در حدود ۱۲۰ نفر مرد و زن و جوانان در مسابقات آب بازی استراک میورزند *

دریای دانیوب دریای خیلی کلان بوده و وسعت خوبی برای آب بازی داشته و در طول فصول مختلف حتی در زمستان های سرد نیز امکان آب بازی تاحدی موجود است روی این ملحوظ است که تعداد زیاد سیاح از کشورهای مختلف جهان درین کشور مسافرت نموده و چند روز را جهت تفریح و خوشگذرانی درین کشور زیبای اروپایی سپری می نمایند *

هم چنان مسابقه باسکل دوانی نیز یکی از مهمترین و دلچسپترین مسابقه است که تعداد زیاد جوانان به سنین مختلف درین مسابقات



مسابقات باسکل دوانی در بلغاریا یکسپورت کاملاً عادی و روزمره شمرده میشود

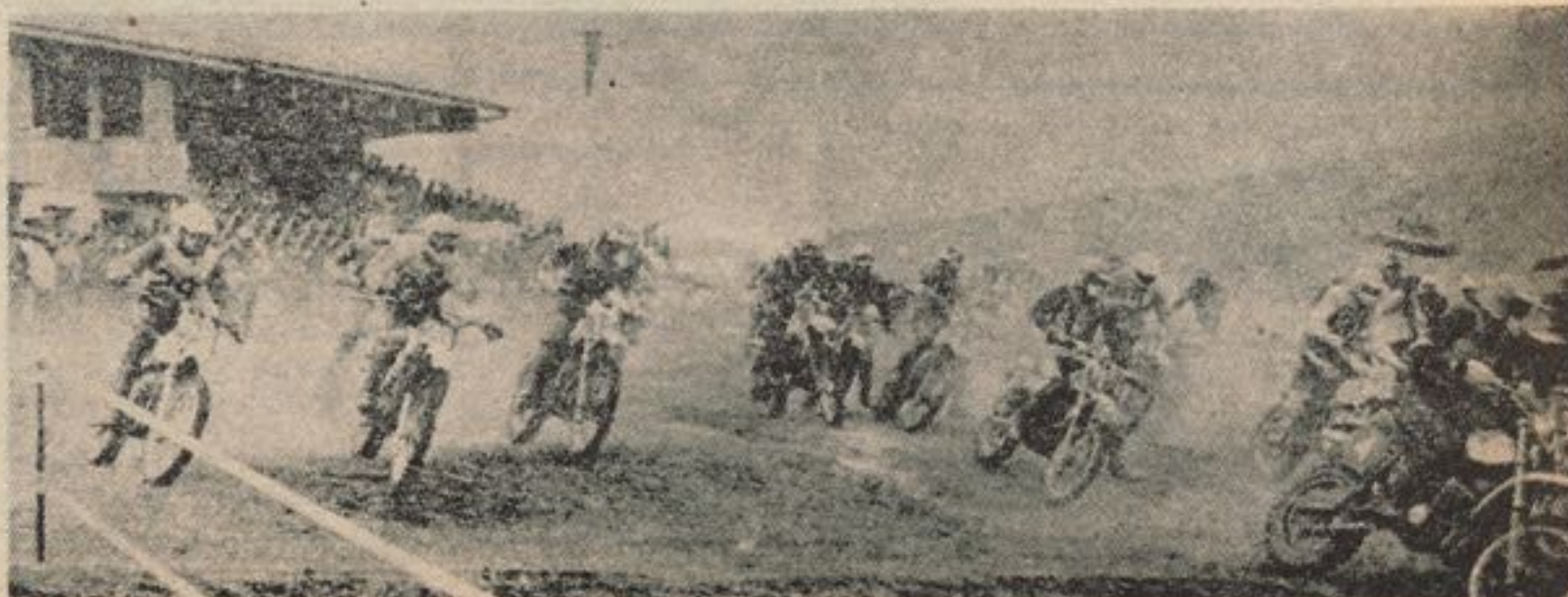
بزرگترین مسابقات موتور سائیکل سواری جهانی

مسابقات بزرگ موتور سائیکل سواری که در شهر ساموکوف در ۶۰ کیلومتری شهر صوفیه بولوع بیوست یکی از جالب ترین مسابقات جهانی تلقی گردیده است. مسابقه خصوصاً در لحظه که باران هم بهسکت می بارید صورت گرفت اما شاملین مسابقه نه تنها با چنین مشکل در وحله اول روبرو گردیده بودند بلکه چنین وضعی را گاهی نیز دیده بودند. در روز اول مسابقه ۳۱ نفر قهرمان استراک

ورزید که از آن جمله پانزده نفر آن توانستند تا آخر مسابقه مقاومت نمایند در روز آخر مسابقه تعداد زیاد از شاملین مسابقه بدون اینکه مسابقه را به پایان برسانند از استراک در اهر پیشمردان صرف نظر کردند.

مسابقه خیلی ها دلچسپ و قابل دید بوده کسی که توانست مسابقه را به پایان رساند جینادی موبیسفاز اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بود وی از ابتدا تا انتهای مسابقه به موفقیت چشمگیری نایل گردید.

وان دل هووان تبعه کشور بلغاریا درین



صحنه ای از مسابقه موتور سائیکل سواری در شهر ساموکوف بلغاریا

سگفتی انگیز شرکت می نمایند.

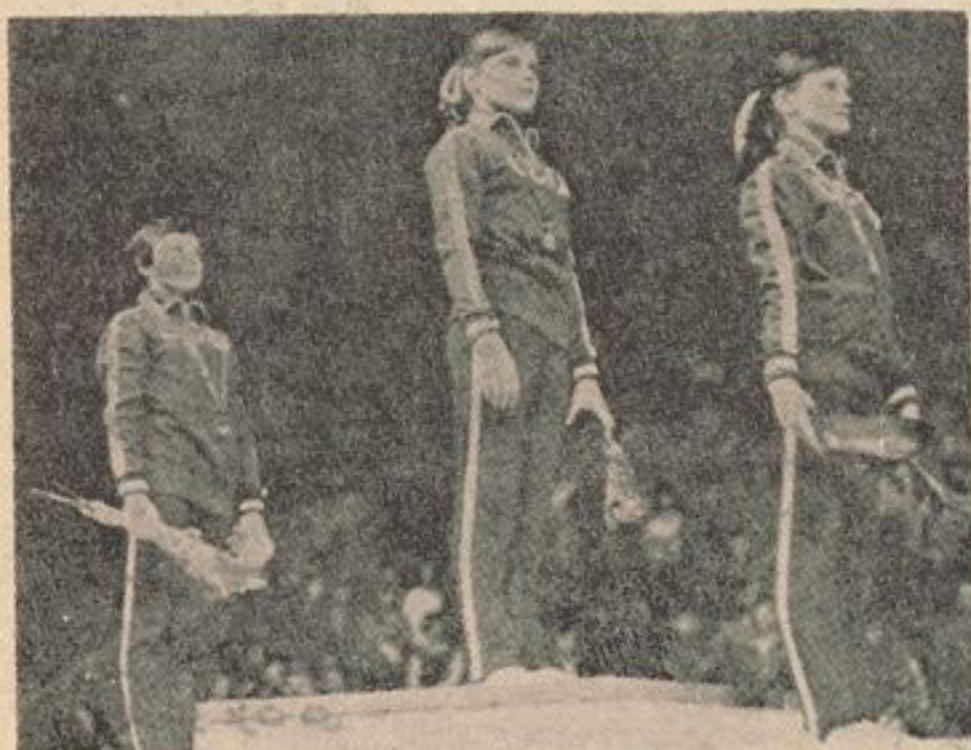
یکی از بزرگترین مسابقه باسکل دوانی که بنام بیستمین مسابقه جهانی ملقب گردیده در شهر بلغاریا در استدیوی واسیل لی و سیکلی صورت گرفت *

در طول سه روز ۷۴ باسکل سوار از یازده کشور مختلف درین بازی مشهور استراک ورزیده بودند. درین مسابقه جهانی باسکل سوار جکوسلواکیایی حایز مقام اول گردید. تعداد زیاد جوانان از سنین خردی دربارک ها و جاهای بخصوص تعریف باسکل سواری

جهانی را مشاهده خواهند نمود .
 المپیای سال ۱۹۸۰ بیست جشنواره
 بزرگ هنر و کارهای خلاق مردمی بوده که
 یک بازدیدگر نقش ورزش را به سویه جهانی
 والود می سازد و همچنان این عمل در تحکیم
 مناسبات دوستانه بین خلفیا و کشور های
 مختلف جهان نقش مهمی را ایفا خواهد نمود.
 اینکه همه ورزشکاران جهان تحت یک
 لوای متحد ورزشی گرد هم جمع میشوند این
 حقیقت را والود می سازد که خلقای جهان
 آرزو دارند تا در فضای محبت، همبستگی و
 برادری همزیستی نموده و روحیه همکاری
 درین مسابقات بزرگ المپیای جهانی که
 مقابل را هرچه بیشتر وسعت و غنا می بخشند.
 در بین مسابقات بزرگ المپیای جهانی
 انواع مختلف ورزش از قبیل وزنه برداری،
 فوتبال، والیبال، جودو، واریتو، کشتی گیری
 هاکی، باسکتبال، آب بازی و انواع مختلف
 ورزش های دیگر نیز صورت خواهد
 گرفت .



فوتبال بازی مشهور است که در بلغاریا مردم زیاد به دیدن آن علاقمند هستند



آمادگی برای المپیای ۱۹۸۰ مسکو

نموده و خواهان اشتراك نمودن در مسابقات
 بعدی می باشند .

بوری بوری نوب که یکی از عمده ترین
 ورزشیده ترین اشتراك کننده مسابقه بود
 مسابقه بایسکل دوانی که در بلغاریا دایر

در ختم مسابقه چنین گفت :

گردد یکی از عمده ترین خصوصیات این
 مسابقه بایسکل دوانی که در بلغاریا دایر
 گردید یکی از عمده ترین خصوصیات این
 مسابقه به سویه جهانی این بود که فرصت
 کافی را برای تعداد زیاد جوانان کشور های
 مختلف خود مساعد نمود تا با هم از نزدیک
 ملل جهان هرچه وسیعتر می گستراند .

مترجم حفیظ الله عمادی

نقش المپیک سال ۱۹۸۰ در تحکیم مناسبات دوستانه خلق جهان

در مسابقات المپیای سال ۱۹۸۰ که در
 شهر ماسکو بر گزار میگردد در حدود
 ده هزار نفر ورزشکار و صد نفر نماینده از
 کشور های مختلف شرکت خواهند جست .
 درین مسابقات بیست و یک نوع مختلف ورزش
 در شهر های مسکو، لنینگراد، کیف وینسک
 دایر میگردد .

در جریان این مسابقات کنفرانس های
 نیز برگزار خواهد شد که در آن سه هزار

ورزشکار از نقاط مختلف جهان و در حدود
 ۷۴۰۰ نفر نمایندگان وسایل مطبوعاتی نیز
 اشتراك خواهند نمود .

صد ها هزار نفر سیاح داخلی و خارجی
 درین مسابقات بزرگ المپیک جهانی که
 در مسکو دایر میگردد حضور بهم میرسانند
 و گفته میشود که در حدود اضافه از ۵۰۰۰۰
 تماشاگر از این مسابقه دیدن خواهد نمود و در
 حدود دو بلین تماشا کننده دیگر از طریق
 امواج تلویزیونی این منظره عظیم ورزش



ووستان غوریز

بامکھایه نایید

شعر، داستان و مطالب و محسوسه
و خواندن بفرستید

(یوسف مهرزم)

وطن ته ولی موروایی؟

که خوراک دی که پوښاک
یاژوندون لرو خپلواک
که موکور دی یا کپړ دی
که مو مرگ دی که مو ژوند

که مومور ده او که پلار
قربانی ته دی تیار
که موور وردی که مو خور
زمون ټولو افتخار

که مو توره او غیسرت دی
یامو لوړ شانته همت دی
که مو ننک که مو میرا نه
که مو قدر او عزت دی

که تاریخ که مو قصی دی
که خوږی شان ترانی دی
ستر ویاړونه او یادونه
که پیاوړو افسانسی دی

که مو غرونه او دری دی
پکی هر رنگ خزانی دی
دایه کار که کار خانی دی
که دمینی پیمانسی دی

سره یاقوت دی که لعلونه
دسرو زرو معدنونه
در نو او بورو دونه
دخوږو میوو با غونه

په وطن کی دی ، و وطن کی
په وطن کی دی ، و وطن کی

که ښادی که مو اختر دی
یامو یو پرېل نظر دی
یاخو هریو بختور دی
چی دټو لوگه سنکر دی

په وطن کی دی ، و وطن کی
په وطن کی دی ، و وطن کی

ترجمه : ۱

سخنان چند راجع به موهای بدن

پياز موی (ساختمان بیولوژیکی ایکه ازان موهای رویند) تقریباً در نزدیکی های پوست بدن موقعیت دارد که برای پیدایش و رشد موی جزء لازمی و حتمی پنداشته میشود بطور مثال اگر حجره پياز مو تخریب گردد و یا بکلی از بین برود در آن قسمت هیچگاه موی نونخواهد روید ولی اگر موها در اثر بعضی بیماری ها و یا عوامل دیگر از بین برود و یا قطع گردد ولی حشرات پياز مو تخریب نشود موهای نودران حصه بدن خواهد روید. تعداد پياز موی در سراسر بدن يك انسان بالغ به پنج میلیون می رسد. که ازین جمله صد هزار آن در تحت پوست سر موقعیت دارند. تعداد حشرات پياز مو بابلند رفتن عمر آهسته آهسته و تدریجی کاهش می پذیرد. روئیدن موی بشکلی صورت می گیرد که در قسمت حشرات پياز موی حشرات پروئینی مرده متراکم می گردد و به مانند ناخن به صورت تدریجی به طول خود می افزاید. در بدن انسان ها روئیدن موی به دوره های معینی صورت میگیرد و در قسمت های مختلف بدن این دوره ها تنوع می نماید بطور مثال در ناحیه سر، موها بطور مداوم برای سه الی پنج سال بدون وقفه هائی روید. بعداً برای مدتی روئیدن موها متوقف می گردد. در این هنگام موها برای سه الی چهار ماه شروع به ریختن می نماید و بعد ازین دوره کوتاه موها دوباره به روئیدن خود آغاز می نماید. در ابرو ها موی برای ده هفته متواتر می روید و بعد از توقف کوتاهی قسماً می ریزد و باز دو باره به روئیدن آغاز می کند نموی موی

در يك شبانه روزيه اندازه يك سوم علسی متر می باشد. ولی در بعضی اشخاص این نمو سریع می باشد. تقریباً نود فیصد موهای ناحیه سر در بین انسان ها بطور اوسط نمو می کند و تنها ده فیصد آن به اساس عوامل گوناگون ضایع و تلف می گردد. وقتی موها ضایع و یا تلف می شوند بجای آنها موهای دیگری می رویند گویا جای برای موهای نو خالی می کنند.

ریختن روزانه پنجاه الی صد موی سر عادی پنداشته میشود. عوامل مختلف پروسه های داخلی و خارجی می تواند دوره های رشد موی را تغییر بدهد. بطور مثال اغلباً دیده شده است که بعد از بیماری های مداوم، تب شدید، جراحی و خونریزی ها موها بمقدار زیادی ریخته اند. همچنان تقلیل ناگهانی وزن بدن نیز باعث ریزش های شدید موی می شود که روزانه بیش از هشتصد موی از ناحیه سر می ریزند ولی بارها دیده شده که بعد از چند ماه محدود موها دوباره قوت گرفته و شروع به نمو و رشد می کند خوردن بعضی از ادویه ها نیز موجب ریختن موها را فراهم می نماید.

در حقیقت با بروز چنین حوادث موهای کهنه عوض می شود. ولی میزان موهای نو از موهای کهنه تدریجاً کم می شود و اگر چنین حوادث ادامه پیدا کند موها نیز به همان تناسب متاثر خواهد شد و بعد از چندی امکان دارد حالتی بمیان آید که موها بکلی تلف شود.

خومرهښه ده چی

متاهل شوی یم

بی عکسونه سربش شوی دی را وا خله،
دا قوتی داجاق له پاسه اینو د ل شوی ده او
دا قوتی داور د بلی یا قوتی گوگرد نومیږي
هغه خلاصه کړه او گوگرد واخله . گوگرد
لر گو یوه وږه میله ده هغه دقو تی له
مضا لحي سره په تما س کی کړه وروسته
له دی چی رو ښا نه شوه داجاق لاستی پورته
خوا ته را کا ږه او اجاق ته ئی لږدی کړه
گاز روښا نه کیږي . گرا نه ږیره پاملرنه
وکره چی ځان ونه سوزی . که چیر ء
داجا ق لږ ول اوروښا نو ل په خیراو عا فیت
تیر شول نو کا سه او چاینگه په همدی توگه
داجاق له پاسه کښیږه ده . ساعت ته دی
گوره وروسته له پنځو دقیقو چی داجاق لاستی
بلی خواته را کاږه ، گاز تیر کیږي ، هغه
میز چی د اجا ق ترڅنگه دی له پاسه ئی
بشقا بو نه اینو د ل شوی دی که چیری
دبشقا بونه دی هم مات کړل داحتیاط
لپاره می یو بل بشقاب هم له میز نه لیری
ایښی دی هغه واخله او که دادی هم مات
کړنو څلور نور بشقا بونه می هم احتیاطی
ایښی دی یوئ را واخله او سو پ بکښی واچوه
کله چی جای له چاینگی څخه پیالی ته
اچوی نو احتیاط وکره چی سر یو ښ ئی
په بیا له کی ونه لو تیری سره له دی چی
هغه می په تار تری دی مگر بیا هم په
لاس ئی ټینگ ونیسه . د ډوډی د خو ډلونه
وروسته له پخلنځی څخه ووزه اواماته
په کوټه کی انتظارو با سه . زه د آرا ښگاه
په خونه کی د مجا ور بلاک په لمړی پوړ کی
یم او غوا ږم چی د جشن پور څو کی ښه
او ښا ښته معلومه شم تر څو دپخوا په
شان ما خو ښه کړی .

گرا نه ! مه خفه کیږه او پرما قهر مه کوه
ښکل او مچو کو م دی .
ما خو خله خط ولوست ، پخلنځی می
و موند ، ډوډی می وخو ږه ، خولی می په
سر کړه او د آرایښگاه په لټونی پسوونم
خپله ماند ښه می پیدا کړه له لاسو نو می
ونیوله کورته راغلسم او مستقیم می پخلنځی
ته ننه ایسته او وروته ومی ویل :
خومره ښه ده چی متاهل شوی یم .

ایښود ل شوی ده په هغی کښینه ، یو ټان
دی له پښو و پاسه او چیلکی په پښو کړه
خپلکی د چو کی لاندی دی . ددی لپاره چی
یو ټان له پښو وکاږی لمړی د هغه بندونه
سمت کړه ، لمړی لنډ مزی کش کړه دټوټان
بند ونه دی واژ یری ، بند ونه په ځای
پر یرده او پښو ته دی لږ حرکت ور کړم
پښه دی په اسانی سره له بوټه را وژی
اوپه همدی تو گه دوهم بوت دی هم وکاږه .
گرا نه ! له واده څخه دی پومی و عده
کړی وه چی ټول کارونه به پخپله کو م مگر
ددی و عدی په عوض به ئن بېله ما ځنی
دغر می ډوډی خوری ، ما ټول شیان نا ته
اما ده کړی دی ، خوراک ټول دا جا ق لپاره
په اشپز خانه کی دی ستا کار دادی چی
هغه به تو دوی ، سوپ او شور واپه هغه
بشقا ب کی ده کو م چی ستا له خو لړ سره
پوره ورته والی لری غوښه او کچالو په لوښی

اوجای هم په چاینگه کی تیار دی .
گرا نه ! مه په قهر یرده ... ډوډی په اشپز-
خانه کی وخوره ، اشپز خانه (پخلنځی) وږه
کوټه ده چی دثنا ب په څنگ کی موقعیت
لری . ددی لپاره چی اشپز خانه ژوپید
کړی ددروازی له پاسه می لیکلی دی (پخلنځی)
کله چی پخلنځی ته ننوتی مخ دی پنجری
ته واپوه په ښی خوا کی به یوه آلماری و
وینی چی سپین لاستی لری او دا اجا ق دی
دهغه له پاسه می په کاغذ کی لیکلی دی (اجاق)
ددی لپاره چی خوا به تا وده کړی ، گاز
رو ښا نه کړه دا کار په لاندی ډول ترسره
کیري . دلر گیو هغه وږه قوتی چی له پاسه

له کار څخه خلاص اود کور په لودوړی
شوم ، پنځم منزل ته وختم او دخپل اپارتمان
ددروازی تر څنگ ودریدم او ومی ویل چی
خومره ښه ده چی سړی ښځه ولری! دکور
زنگ می په گوته کیکاږه او له ځا نه
سره په جرت کی لاهم چی اوس به می
ښځه راوځی ، دروازه به واژوی او له ماسره
په روغ پر کوی ، کالی او لبا سونه به می
تبدیلوی ، د غر می ډوډی به خورو او له
ډوډی څخه په وروسته په کوچ کی استراحت
کوم او ښځه به می راته ورځپانه لولی . له
خانه سره مسکی شوم او بیا می زنگ ته
فشار ورکړ مگر هیڅ ځواب نه راته او نه
دروازه خلاصید له . بیا می زنگ ته فشار
ورکړ مگر هیڅ معلوم نهؤ . مسکی خندا
کار پسې لږه ، ټوله ورځ می کار کړی ؤ
خسته شوی و م نو مجبو ر شوم چی دروازه
پخپله وازه کړم کلی می له حبیب څخه راوايسته
اوپه ډیر زحمت سره می دروازه وازه کړه ،
دامی هیږه کړی وه چی دروازه څنگه خلاصیږي
او پنځمه کاله کیږي چی واده می هم کړی دی
اپا رتمان ته ننوژم مگر هیڅ کوم ښه یوی
می پوزی ته نه راځی ، او ضاع می ښه تغیی
وموند . گروپ می روښانه کړوښم
چی کوټه خالی ده او هیڅوک نشته ، خانم
می هم نشته . هغه او دغه لوښی ته می
نظر واچوه ونیم چی یو ټوټه خط لیکل شوی
او هغه خوا لیری ایښو دل شوی دی په
خط کی دا سی لیکل شوی ؤ (گرا نه ! له
نا پا کو بو ټالو سره دی کور کن و نه
گرځی ، ددر وازی په څنگ کی وږه چوکی

وبدینتر تیب برای عده تشوشات روحی ویا
ناخوشی های چندی را ببار آورد . در ناحیه
سرموها عموما غلومی باشد ودر قسمت های
دیگر بدن موها بشکل پراکنده می رویند .
تعداد موها با بلند رفتن سن کم می شود .
که این قاعده عموما در بین مردان صدق
می کند . ولی زنها نیز به این عارضه دچار
شده می توانند ولی عموما پانزده یا بیست
سال دیر تر این عارضه در بین زنان نسبت
بمردان بیان می آید .

اطباء جلدی و دانشمندان این رشته نظر
میدهند که ریزش موی وهمچنان ضعیف شدن
وباریک شدن آنرا هورمونی بنام «اندروجن»
تعیین می نماید . محققین آلمان غربی در
صدد دریافت راهی اند تا بتوانند روزی این
عارضه را که تقریبا بسیاری اشخاص از آن
رنج می برند درمان کنند . آنها تاکنون
یگانه راه معالجه را با ماده کیمیای به نام
«دینی تروکلوزونیزین» دریافته اند . همچنان
به اساس عقیده داکتر هوارد میبک متخصص
مشهور امراض جلدی یو هنتون کالیفرنای
ایالت سان فرانسسکو ایالات متحده امریکا
امراض جلدی مزمن نیز در سرعت عمل
ریزش موی موثر واقع می گردد . واین
امراض جلدی در بعضی موارد معالجه هاو عمل
ریزش را متاثر می نماید . همچنین دکتوران
جلدی بدین عقیده اند که ماده کیمیای
«دینی تروکلوزونیزین» ماده موثریک نوع
عارضه تلف شدن موی که به شکل دایروی
در ناحیه بالای سر موها تلف می گردند و
این بیماری موها بنام «الوپیکیا اریا» یاد
می گردد ، می باشد .

موهای بسیاری اشخاص بدین شکل از بین
می رود . مراحل مقدماتی ریختن کامل موی
در ناحیه سر انسانیا قبالا تکمیل می گردد .
که آهسته آهسته این مراحل بوخامت خود
می افزاید ودر نتیجه انسان موهای سر خود
را از دست می دهد .

دانشمندان این رشته در مان قانع این
عارضه و تا بحال دریافت ننموده اند ولی در
اثر تجربیاتی که تا بحال صورت گرفته بر سر
زدن متواتر موی ، مساز و همچنان استفاده از
ویتامین ها ، منرالها و غذای مقوی می تواند
از ریختن موی تا اندازه ای بکاهد .

همچنان طریقه دیگر معالجه این عارضه
که درین روزها در بعضی از شهرهای بزرگ
جهان رواج یافته است ، عبارت از انتقال
حجرات پیازموی از نواحی دیگر بدن به نواحی
مورد نظر سر توسط عمل مغلق جراحی پیوند
داده می شود . ولی موهایی که در ناحیه پیوند
شده می روید خواص و مشخصات قبلی خود
را حفظ می کند . موها باید دایما مرتب و پاک
نگهداشته شود و شمع آفتاب نیز در صفای
ولطافت موی رول مهم دارد . نبوی تند و
افراطی و بیش از حد موها در فیزیولوژی
انسان تاثیر منفی وارد می نماید .

سری ناری

هره خوا سری ناری دی
شور ما شور اوعلیلی دی
کار گران سره یو شوی
دلته چغی دخپلواکی دی
انقلاب دلته راغلی
کارگران ټول پا خیدلی
او تجاع دلته مغشور شو
اشرافیت کامه نسکور شو
کار گری نظام را غلی
دخلك هیلې پوره کین ی
هره شاوخواچی گو ری
خلقی سور بیرغ ږیږی
یونس سمرزم

امشب

از عشق تو یار دیوانه ترم امشب
خنجر ز نگاه ناز آمد بد لم یاالله
دیدم تگه مستش از خویش بحدالله
انجام نمی بینم افسانه عشقت را
از خویش نمیدانم «عیار» لیک دانم
مخمور نگاه او چون باده طرب دارم
دیدم به گهی مستی از معنی چشم او
دیوانه شدم دیشب دیوانه ترم امشب

(عیار)

ارزشگفتی های رنگی

ترجمه غیور

دورنمای استفاده از انرژی شمسی از عجایب مارهای بحری

ساحلی آبهای فلپاین از مراکز عمده و بزرگ ماران بحری بشمار میرود. به عقیده دانشمندان اتحاد شوروی سوسیالیستی یکی از عسل بلهور رسیدن مارهای نوع (ارایت) در سواحل شرق آن کشور همانا گرم شدن آبهای ساحلی این منطقه بوده است. برای آنکه عده گشتری از مردم شوروی و جهانگردان از مارهای نوع «ارایت» دیدن کرده بتوانند ماربحری مذکور در موزیم حیوانات و خزانه گان به نمایش گذاشته شده است. باید گفت که اتحاد شوروی یگانه کشور است که در آن انواع واقعا مارهای آبی و بحری بدست آمده است.

مارگیران سواحل شرقی دور اتحاد شوروی سوسیالیستی اخیرا به گرفتن يك نوع مار بحری دست یافته اند که یکصد و دو سانتی متر طول و پنج سانتی متر ضخامت داشته و بنام «ارایت» مسمی گردیده است. پس از آنکه مار مذکور از لحاظ جسامت فزینی مورد ارزیابی دانشمندان قرار گرفت این موضوع بکلی واضح و روشن گردید که مار مذکور از نوع ماران جوان تر بوده است زیرا تاحال مارانی هم بدست آمده که بعضا طول بدن آنها از دو متر نیز تجاوز مینماید. طوریکه در تازه ترین راپور دانشمندان تذکار رفته سواحل اوقیانوس اطلس و همچنان حصص



ارایت مار بحری ایکه یکصد و دو سانتی متر ضخامت دارد.

یونسکو (ملل متحد) تنظیم گردیده بود در کشور بلغاریا برگزار شد که درین کنفرانس دانشمندان از کشورهای سوسیالیستی و غیر سوسیالیستی سهم داشتند. به اساس هدایت کشور های عضو و بدر نظر داشت لوازم ایمان کومیکان هر کس تجزیه تحقیقاتی استفاده از انرژی شمسی در کنار ساحل بحیره سیاه افتتاح خواهد شد. معلومات مقدماتی در مورد نشان داده که استفاده علمی و عملی از انرژی شمسی در طول دهه های بعدی کاملا به يك حقیقت عینی و غیر قابل انکار مبدل خواهد شد. تبدیل و تغییر فوتو الکتریک اشعه آفتاب را به برق تبدیل نموده و عاده سلیکون بحیث تعامل کننده درین تغییر و تبدیل مورد استفاده قرار می گیرد.

استفاده مستقیم از انرژی شمسی بواسطه ذخیره کننده میتواند مقدار زیاد آب را در طول فصول مختلف گرم نگهدارد که در مرحله بعدی انرژی ذخیره شده در روز های ابرآلود مورد استفاده قرار می گیرد.

مشکلی که دانشمندان به آن مواجه میگردند این است که يك وات انرژی برقی در حدود سه صد دالر مصرف کار داشته روی این مشکل است که متخصصین کشور بلغاریا با دانشمندان دیگر کشور ها بصورت مشترک روی این پروژه کار نموده تا بتوان مصارف هنگفتی را تا حدود زیادی تخفیف و کاهش بخشند. دانشمندان در قسمت انکشاف ماده ی بنام کت میوم سلفیت که میتواند مصرف انرژی را تخفیف بخشد کار می نمایند. سیستم ذخیره حرارت در کشور بلغاریا بصورت متفرق و پراکنده بوده و در حدود نصف منابع انرژی کشور را سالانه می بلعد بنابراین تلاش هایی صورت می گیرد تا استفاده از انرژی شمسی را به پیمانهای زیادی تعمیم بخشند.

دانشمندان و متخصصین لابراتوار نابولوس اعلام کرده اند که در پلان های ذخیره نمودن انرژی به موفقیت هایی رسیده اند و آنها معتقدند که آب و هوا منابع حرارتی شمرده شده که میتوانند انرژی را تا حدودی ذخیره و قابل استفاده گردانند.

دانشمندان لابراتوار نیونی میگویند که استفاده از انرژی شمسی که در اوایل بهار به پیمانهای زیادی وجود دارد که در تهیه هایدروجن از اشعه فوتولیز مورد ضرورت کمک قابل ملاحظه مینماید که این طریق را میتوان بحیث طرق کمکی تدخیر و استفاده از انرژی شمسی مورد استفاده قرار گیرد.

دانشمندان و متخصصین انرژی در جهان میگویند که دیگر منابع انرژی نفت و ذغال سنگ يك موضوع کلاسیک و کهن بوده باید انسان قادر صدد کشف و ایجاد منابع دیگر انرژی باشد که بشریت از آن بتواند بدون تکلیف استفاده اعظمی را بعمل آورد. دانشمندان در مورد این که منابع انرژی موجود نفت و ذغال چه مدت ادامه خواهد و ناچه مدتی مشکلات جهان بشری رافع خواهد نمود عده یی عقیده دارند که ممکن است دوسد سال دیگر نفت و مواد ذغالی بتوانند مشکل جامعه بشری را عروق سازند و بعد از آن دیگر نمیتوان استفاده مزید از آنها صورت گیرد.

متخصصین به این نظر اند که چگونه بتوانند بصورت اقتصادی از منابع موجوده انرژی استفاده نموده و هم زمینه استفاده و بهره برداری از منابع انرژی شمسی را بسزود جامعه بشری امکان پذیر سازند تلاش هایی درین مورد در جهان پیشرفته به شدت جریان دارد.

پیش بینی منابع موجود انرژی نفت و ذغال در کشور بلغاریا آتقدیر اهمیت بخصوص نداشته، هرچه بلغاریا کشوری است که آنقدر مواد معدنی ذغال و نفت نداشته و سالانه در حدود هشتاد فیصد مواد خام انرژی مورد ضرورت را از کشورهای خارج توريد مینماید همچنان سالانه در حدود چار بلیون کیلو وات برق مورد ضرورت کشور و در حدود سی و یک بلیون کیلووات انرژی را از خارج کشور توريد می نماید.

اما کشور بلغاریا نسبت داشتن روز های آفتابی یکی از غنی ترین کشورهای جهان است زیرا کشور مذکور در اصطلاح عام در کمریند مناطق آفتابی قرار دارد که در آن در حدود دوهزارالی دوهزار و پنجاه ساعت در سال اشعه آفتاب وجود دارد و گفته میشود که در سال های ۱۹۸۰ منابع انرژی که در جهان مورد استفاده قرار گیرد ده هزار مرتبه از مصرف کنونی زیاد خواهد بود که این رقم در آخر قرن حاضر دو هزار مرتبه ازدیاد را نشان میدهد.

روی این لحاظ کشور بلغاریا در یکنوعاد زیاد پروژه های استفاده از انرژی شمسی در کشور های مختلف جهان سهم گرفته و در به ثمر رسانیدن این پروژه های بزرگ تلاش های قابل ملاحظه را انجام میدهد. روی این لحاظ دومین کنفرانس بزرگ استفاده از انرژی شمسی که از طرف اداره

رنگ جهان

چه چیزهایی را میتوان از ابحار بدست آورد



در ایالات متحده امریکا روی این لحاظ هفده کمپنی بزرگ برای دریافت و بدست آوردن بیشتر این مواد تشکیل گردیده مجموعاً مبلغ صد میلیون دلار را جهت حفاریات عمیق ابحار تخصیص میدهند.

روی اهمیت مواد بخصوص که از عمق ابحار بدست میاید این امر منتج به وجود آسیدن قوانین بین المللی ابحار گردیده تا هر يك از کشورها در ساحه بخصوص خودشان از این مواد استفاده نمایند.

دانشمندان مربوط عقیده دارند که هایدروجن که در آب وجود دارد می شود آنرا از اکسیجن جدا نموده و ذخیره بزرگ انرژی را بوجود آورد و تلاش های درمورد تحقق بخشیدن این مسئله جریان دارد و کوشش بعمل میاید تا از انرژی شمسی نیز در مورد استفاده صورت گرفته بتواند که این امر مستلزم ۳۰۰ کیلو وات انرژی بود و گفته میشود که آفتاب میتواند کمک قابل ملاحظه در مورد نموده بتواند.

یکی از مؤثرترین طریقه که میتوان چنین امر را ممکن ساخت همان طریقه تحفظ انرژی حرارتی آبی است.

یکی دیگر از دانشمندان عقیده دارد که از ابحار میتوان ۶۰ میلیون تن مواد غذایی برای ساکنین روی جهان بدست آورد. علمه یسی معتقدند که از آب روی خشکه هائیز میتوانست مواد قابل ملاحظه خوراکی را تهیه نمایند چنانچه جانوانین یکی از محققان رشته زراعت آبی

امایک نظریه وجود دارد و آن این است که دانشمندان امور بحر شناسی عقیده دارند که در ابحار مقدار زیاد فلزات وجود دارند که این فلزات دارای چارج های برقی بوده و یک دیگر را جذب و دفع نموده و به شکل یک توده تجمع می نمایند. از آنجاییکه ایالات متحده امریکا در حدود ۹۸ فیصد کوبالت، منگناتیس و ۹۰ فیصد نکل - ۱۸ فیصد مس مسود ضرورت خود را به قیمت مجموعی ۲۰۰۰ میلیون دلار از خارج وارد می نماید بنابر همین لحاظ مواد مذکور که از عمق ابحار بدست میاید دارای اهمیت بخصوص می باشد.

بدون تردید و از یک نقطه نظر علمی گفته میشود که ابحار یکی از عمده ترین منابع مع مواد استهلاکی جهان امروزی شمرده شده و دانشمندان عقیده دارند که برای مدت شصت قرن بعدی در جهان مقدار کافی مس و هم چنان مقدار کافی نکل برای مدت ۱۵۰۰۰ سال وجود خواهد داشت.

یکی از عمده ترین منابع مواد خام تحت ابحار در بحیره سرخ بوده و گفته میشود که ارزش مجموع و دیعه مذکور بالغ بر ۲۳۰۰ میلیون دلار تخمین گردیده که این منبع دارای مواد طلا، جست، منگناتیس و آهن می باشد که در بعضی نقاط منرال های مذکور ۹۰ متر ضخامت داشته و ابحار شناسان معتقدند که به صورت بسیار ساده میتوان این مواد را به روی سطح زمین برب نمود تا به آسانی از آن استفاده شده بتواند برآمدگی های در زیر سطح ابحار در سال ۱۸۷۳ کشف گردید که این اکتشافات مدت یک قرن در ساحه علوم نقش مهم ایفا نمود اما در دهه های آخر اکتشافات چنین برآمدگی ها روز افزون گشته و چنین معلوم میشود که این برآمدگی همه آنها فلز بوده باشند که از آن در حدود ۴۰ نوع مواد قیمت بها بدست آمده است که از آن جمله میتوان فلزات گران بهای چون منگناتیس، نکل، کوبالت و مس را میتوان نام برد.

از نتایج تحقیقاتیکه بعمل آمده گفته میشود که این برآمدگی هادر قسمت های بحیره سبز مشیگان نیز وجود دارد و به صورت تخمین گفته میشود که در حدود یک اعشاریه پنج میلیون تن این مواد در قسمت های اوقیانوس اطلس نیز به پیمانه زیاد وجود دارد.

مقدار و اندازه این مواد که به تن ها وجود دارد روز بروز به پیمانه آن افزوده میشود و هر يك از این برآمدگی به تدریج وسعت یافتند گفته میشود که بالاخره به ۱۶ تن در سال افزایش می یابد این گونه این برآمدگی ها به تدریج رشد و نمو میکند نظریات دقیق در مورد وجود ندارد



تحقیقات درمورد بدست آوردن مواد ارزشمند از اعماق ابحار در جهان به سرعت جریان دارد

یکی از دستگاه های تحقیقاتی در عمق ابحار دیده می شود که مواد بدست آورده شده را در همانجا معاینه می نمایند.

عقیده دارد که از هر متر مربع آب های روی زمین که در خشکه وجود دارد ۶ کیلو گرام خرچنگ بدست میاید و عقیده دارد که ۲۲۵۰ کیلو گرام آلی ۳۳۷۵ کیلو گرام خرچنگ در هر يك هکتار آب روی زمین سالانه میتواند تولید گردد.

دانشمندان عقیده دارند که اگر ابحار را فقط بحث محلی تصور نمود که در آنجا کثافات را بیندازیم و تا آن را ذخیره گاه تولیدات ضایعه رادیو اکتیف بدانیم و درین جهت کار کنیم فقط و فقط یکی از عمده ترین منابع مواد غذایی جهان بشری را از دست خواهیم داد.

نیروی برق از کجا می آید؟

بازدن دکه سوچ برق خانه ما روشن میشود غذای ما را میزند به رادیو و تلویزیون و صد ها وسیله دیگر نیرو میدهد.

برای ما مشکل است که روزی را بدون نیروی مؤثر برق به شب برسانیم با اینحال مانند بسیاری وسایل ضروری زندگی برق را يك چیزی عادی و بی اهمیت تلقی میکنیم بیهشیم برق چیست و از کجا می آید.

اگر اطلاع زیادی در این باره ندارید بدانید که بسیاری کسان نیز مانند شما هستند يك بررسی جدید توسط دستگاه الکتریکی نشان داده است که از هر سه نفر حتی يك نفر نمیداند که یکی از سوخت های اساسی مولد برق چیست، کمتر از يك نفر در هر پنج نفر نمیدانند که رابطه میان نیروی هستوی و تولید برق وجود دارد.

لکنه مهم این است که برقی که ما از آن

بقیه در صفحه ۵۳



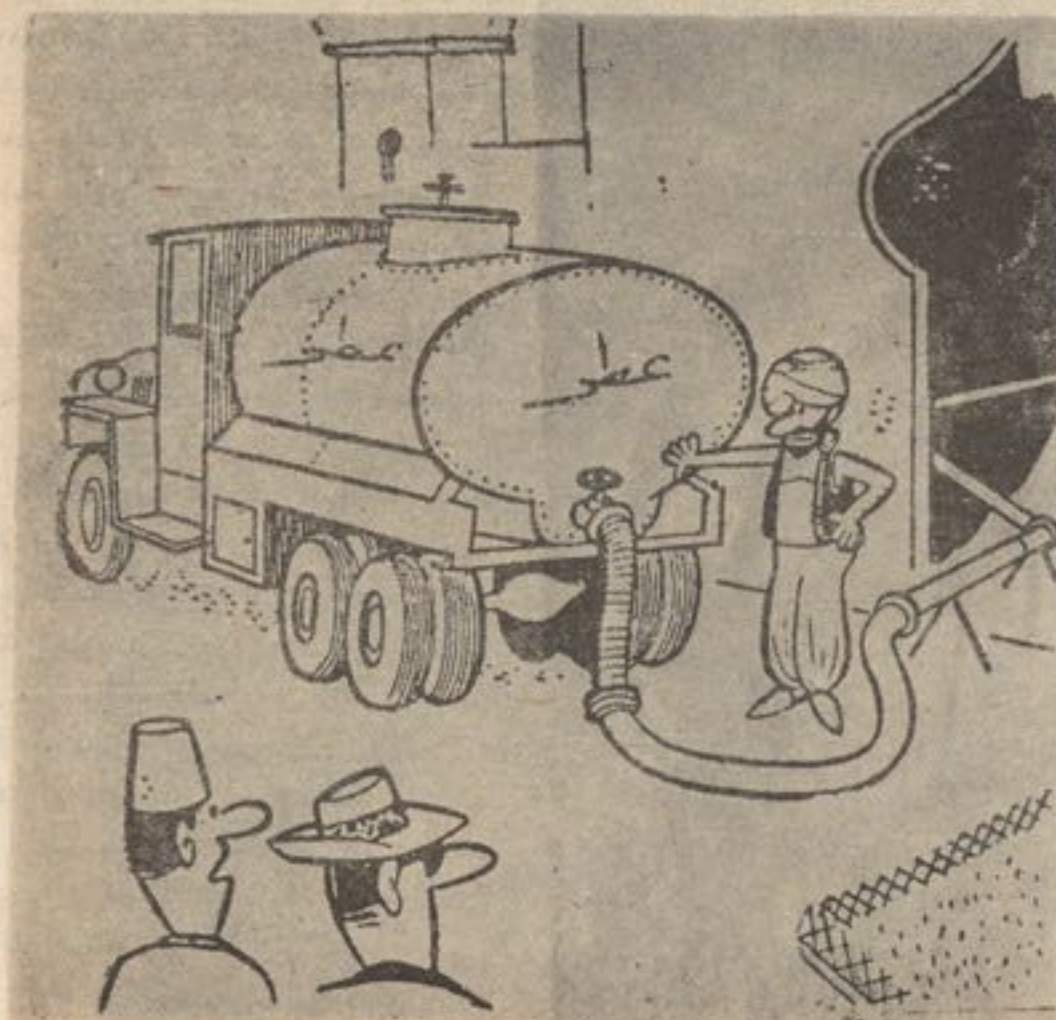
واینک آخرین خواهش شوهر شما را عملی می‌کنم!

افسوس بامورد!

دومرد فقیر در گوشه نشسته و با هم صحبت می‌کردند ... یکی از آنها گفت :
اگر پدرم زنده می بود ... حالا وضع و روزگار من بهتر از این بود .
- چرا ... مگر پدرت ثروتمند بود ؟
- نه ... او بجای من گدایی میکرد !...

وعده ملاقات

يك پسر جوان توسط يك دوست خود بايك دختری كه او را نمی شناخت و وعده ملاقات گذاشت . او در ملاقات ماه تقریباً دو ساعت انتظار کشید ، بالاخره يك دختر از دور پیدا شد . او سوال کرد :
- شما لوتیز هستید ؟
- شما روبرت هستید ؟ جوان گفت : بلی .
دخترك جوابداد : - من لوتیز نیستم .

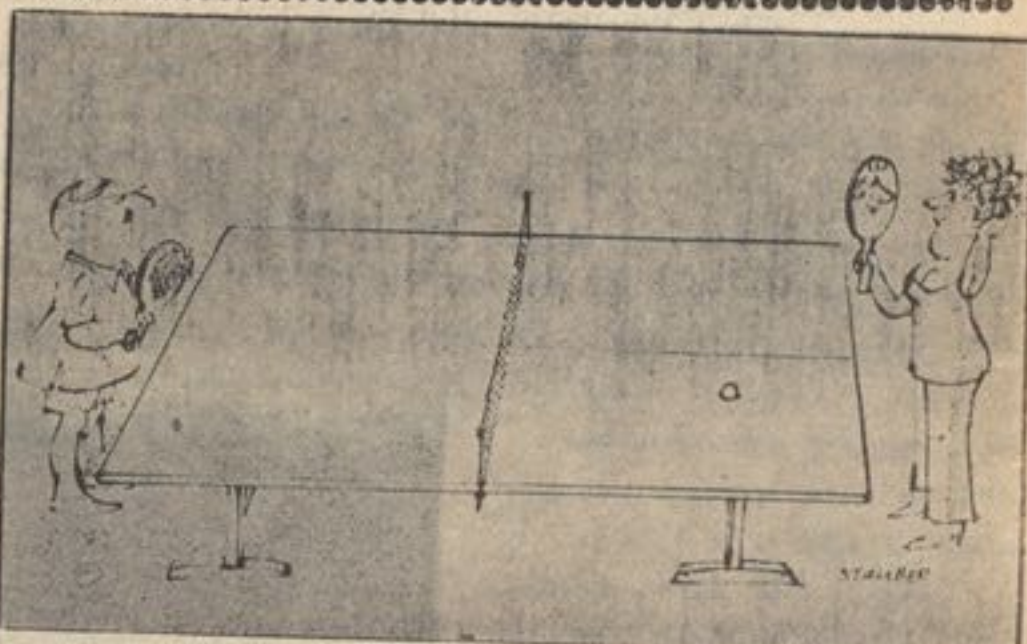


بدون شرح



شاگرد لایق

دختر لا شش ساله از مكتب بخانه آمد و بای صبری راجع به رفیق جدید خود به مادرش گفت :
- نمیدانی او چقدر بچه لایق است . او تمام مضامین را كه در صنف اول درس داده می‌شود ، می‌داند .
مادرش گفت :
- از كجا این همه را می‌فهمی ؟
- برای اینکه در سال گذشته نیز در همین صنف بود .



خودپسند زنها در هنگام پینگ پانگ

جواب دندان شکن

يك كمیدین معروف در يك نمایش ، بك زن پر حرف را كه در قطار اول نشست و همیشه اعتراض می كرد ، به این صورت به سكوت وادار ساخت .

- این اعتراضات را در سال ۱۹۷۰ نیز بمن گردید . من هیچوقت يك لباس را كه يك مرتبه دیدم ، دیگر فراموش نمیکنم .

مرض یاد فراموشی

زن همسایه ما كه يك زن پیراست می‌خواست نسبت یاد فراموشی خود نزد يك داکتر برود . من به او داکتر لایقی را كه سراغ داشتم معرفی کردم . هنگامیکه بعد از ظهر او را دوباره دیدم ، نسخه ای را كه داکتر به او داده بود برایم داد .

من يك نگاه کوتاه به نسخه انداختم و گفتم : « اینك دیگر موقع خواندن : يك کتابچه یادداشت . »



آن بوده که باید بشکنند.

صفحه ۵۰



برادر دیگر جیب، جیب به طرف من نگاه
تکن بگیر این کیلاس شربت را بخور.

همدردی بازن همسایه!

زن- عزیزم ... این يك بوتل فوی تقویت
موی سر است .
شوهر- متشکرم عزیزم .
زن تشکر لازم ندارد ... این ... دوا
را به زن همسایه پهلوی خانه ما بده ... چون
درین تازگی هاموهایش بسیار می ریزد زیرا
چند روز پیش موی های آفرا از سر چپرکت
خود پیدا کردم .

چند سال داری؟

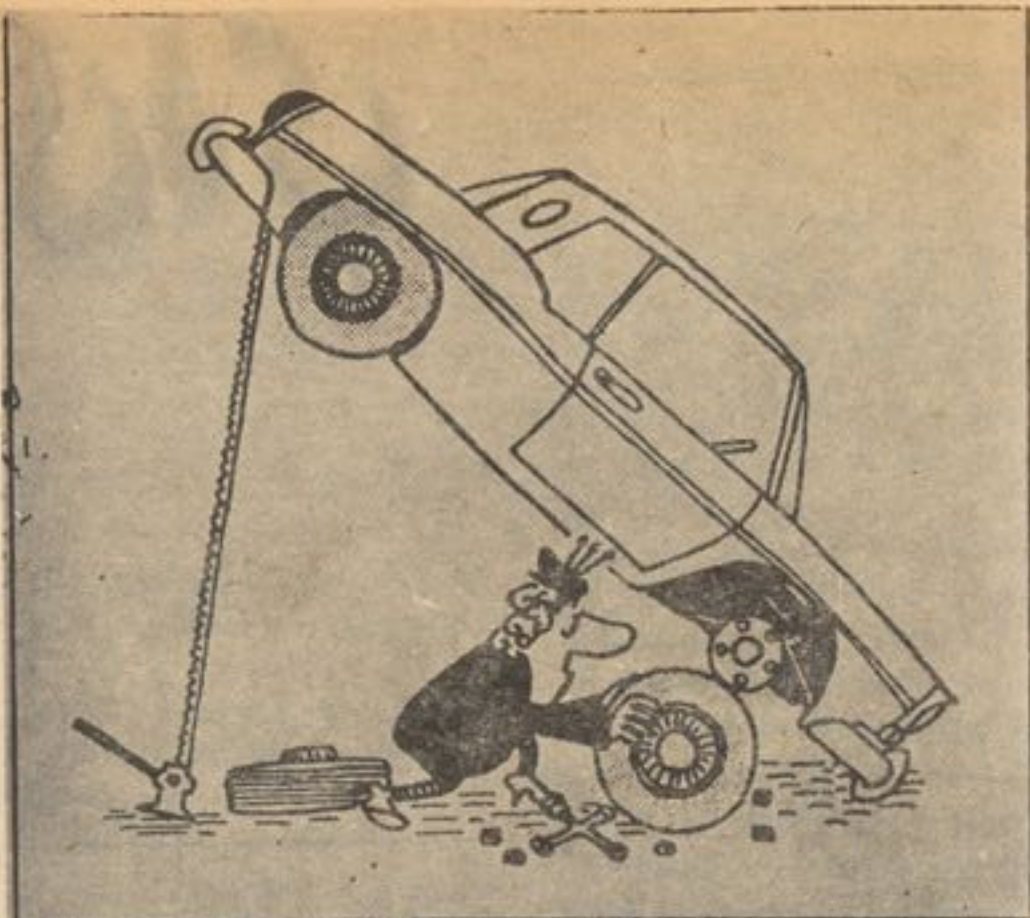
شخصی از پسری پرسید:
بچه چند سال داری ؟
بچه - نمیدانم ... چون مادرم وقتی مرا
بدنیا آورد می سال داشت ... در حالیکه
حالا ادعا میکند بیست و پنج ساله است !

سالگرد

از اینکه يك روز سالگرد را فراموش
نکرده بودم خیلی خرسند بوده و هنگامی که
به خانه آمدم به زنم گفتم :
- این سالگرد را بتو تبریک می گویم ،
امروز پوره يك سال است که مادر این خانه
زندگی می کنیم .

زنم گفت:
- غلط ... فردا يك سال میشود که ما به
این خانه آمده ایم .
من گفتم :

- تو از کجا اینقدر دقیق می فهمی؟
او با اطمینان خاص جواب داد :
- من خوب بخاطر دارم که مایک روز بعد
از روز عروسی خود به این خانه آمدیم .
اکنون می توانید فکر کنید که چند
خیجالت کشیدم .



بدون شرح

عقلی که با ز گشت

مردی وقتی صبح وارد اداره خود شد ...
تلفون را برداشت و به اداره پلیس زنگ
دایل کرده گفت :
- معلوم میخوام ... ختم امرایشناسید ...
من همان کسی هستم که دو روز قبل خدمتان
آمده و برای پیدا کردن زنم از شما کمک
خواستم .
صدایی از آنطرف جواب داد :
پلی ... دوست ... خوب حالا چه فرمایشی
دارید ؟
- هیچ ... میخوام از شما خواهش کنم
که دیگر دنبال او نگردید .
- چرا ... مگر خانمتان برگشته است .
- نه ... او برگشته ... ولی عقل من
برگشته است !



دوست عزیز : حالا موقع شوخی نیست که خودت را به این شکل درآورده یی .

ساعت هم را می نیست

در ضیافتی که (فرانک سیناترا)
در هالیوود ترتیب داده بود «لانا ترنر» یکی
از دوستانش گرم صحبت بودند ...
تا «لانا ترنر» مردی را بدوشش
نشان داد و گفت:
- نگاه کن ... من آن مرد را که در آن
گوشه نشسته بسیار دوست دارم .
دوستانش تگاهی بطرف مرد انداخت و بعد
گفت :
- خوب ... مدت زیادی است که باو علاقه
پیدا کرده ای؟
- نمیدانم ... چون ساعت هم را می نیست !



عزیزم از پس که ترا دوست دارم میخوام
مانند ماهی که آفرا دولین می خورد ترا من
هم بخورم .



داکتر: مدتی است چشماتم جایی را نمی بیند!

هغوی پي ژوندی دی

« ژان لافایت »

نیر پسی

له همدی کبله هغه سړی چی ددروازی سره ولاړدی او متروکه په لاس کی لری له ټول قوت او زور سره هغه کسان چی بیرته پاتی کیږی، وهی. زما په څنگ کسی یو سپین-ږیری سړی چی ډیر زهیر شوی دی خپل لاسونه ددند په توگه پورته کوی. هغه څوک چی دلته د مبارزی څخه لاس اخلی بد مرغه دی. دغه زوږ سړی به تر ټولو په مخ کی میږ شی.

قبوه هماغسې به ولاړه څکوو باید په یوه منظمه ډله کی سره را ټول شو. هغه دوه کسه (شتو بدیه نست) دلیکو دمنځ نه تیریږی سړی، دسپرنجو دمهر و په څیر ځای په ځای کوی دلتوونو خاوندان مخ کی او داوړوونو خاوندان وروسته ۱ زه دلیک په منځنی ځای کی یم مخ کی می اټکل کړی و چی تر ټولو نه ښه ځای منځنی ځای دی زما څخه څلور صف منځ کی دپتی لوی غوږ و نه ښکاری چی د هغه دڅر پل شوی سر په دواړو خواوو کی دمعوی ل څخه غږی ښکاری. باید ددی څخه خپل ایضاح او استقامت سم کړم. شلېب (الماني کلمه یعنی چپ)

پرمخ می لمړی څپره لگړی، ماد پسی لاس استقامت ته توجه نه وه کړی (شریږ) له یو محکم گذار سره زه دغه کار ته متوجه کړم. د پسی څپری زغمل خو دومره گران کار ندی خو ما هیڅکله ددغه کار سپکاوی په آما نه توگه ندی زغملی. دغه څپره دومره درنده هم نه وه ښای چی دغه سړی دو مړه بد سړی نه وی کله چی (شریږ) موږ څو ځله شمیر ی دبلو څ مشر را رسیدی او یو ځل بیا زمونږ نظم او ترتیب معاینه کوی ددی لپاره چی د څپنو کسانو څپنی لږ دننه لاړی شی خوشوگان پسر هغوی حوا له کیږی، او س ټول ښان دما پنی لپاره چمتو دی. د لری لکه دزنگ غږ را ځی.

دروغه (الماني کلمه یعنی چپ). دا حضا را تو په وخت کی غږیدل منع دی، د احضاراتو په وخت کی د حیا په څخه خو خیدل منع دی، باید انتظار وایستل شی. زه له دغه انتظار له دغه سکون سره چی دالماني دسپلین جزء دی اموخته شوی یم موږ پخوا په جیل کی

ددروازی نه بهر موږ هر یوه ته یو لیکر یو کمیس او یوه جوړه دلرگیونه جوړه شو ی چېلکی را کوی. ددی فرصت نشته چی سړی دخپلو پښو په اندازه چېلکی واغونډی، هماغه لمړنی تالار ته بیرته راغلی یو. دغه تالار هم مینځل شوی دی. یواځی په یوه څنډه کی یی نشی بکسونه دکانسروتنش قوطلی کاغذونه او شکیدلی عکسونه کوټی شوی دی.

زما دموږ عکس هم پدغه منځ کی ترسترگو کیږی. په منډه سره دزینونه پورته کیږی اود هغو ملگرو له ډلی سره چی زمونږ نه مخکی دی یوځای کیږی. دباندی بازار اوری ریدو او غاښونه مویو دپل سره خوری. ددی لپاره چی لږڅه ناوړه سو یو دپل پر ټټراویدو کی دروږو په څیرووو شارلو هم راځی. یو لگول شوی سگرت هم په خوله کی لری اوڅودانی سگرت هم دملگرو ترمنځ ویشی دغه سگرتونه یی له یوه پخوانی بند ی څخه اخستی دی خپلو اوږو ته پکان ورکوی او په غرور سره وایی: «هه، موږ جدی خلک یواو ورو ورو دویو شرایطو سره ځانونه برابروو». خبره یی لاجلاصه شوی نه وه چی یوه درنده څپره یی پرمخ - او یوه لگته یی په نس ور حواله کیږی، دغه سړی دبلوک مشر دی چی پدی توگه ځان معرفي کوی او په لوږغیوایی: «دشپس له خوا په اردوگاه کی دسگرتو څکول منع دی». پخپله دی هغه سیکارجی زمونږ دیکسونو څخه یی په زور اخستی په خوله کی لری.

دغه دبلوک مشر دخپلی وینا دتائید لپاره وایی: «پس له دی به ستاسو ټول کارونه په مایوری اډه لری».

دزینو څخه ښکته کیږی او اټکلانیم ساعت وروسته بیرته راځی. ساړه زمونږ په هلوکو کی نفوذ کړی زمونږ ټول غړی ریددی.

- ناشی بلوک المانی کلمی یعنی «دبلوک خواته». زما په نظر بلوک دغه دلرگیو نه جوړ شوی یوه ودانی ده چی دواړو په دواړو خواؤ کی جوړی شوی دی. زمونږ دپوټونو څخه چی بند او ټپی نلری داسفالت شوی سړک پرمخ جگ غږ پورته کیږی. له بده مرغه یو منځ په بوت کی زما پښه وهی خو اوس ددی وخت ندی چی دهغه له شرحه ځان خلاص کړم. زمونږ لارښوونکی په گواښ سره وایی:

- این، زوه، دره، وپه ر. (الماني کلمی یعنی یو، دوه، درې، څلور) دبلوک مشر هم دلته دی او دروازی سره ولاړدی. هغه کسان چی وړاندی دی خپل پوټونه بامی او په لاس کی یی لپسی اونوځی، دوی بیره نه کوی

لیم ساعت نور انتظار وبا سوډ احضا را تو په اوږو کی هیڅوک نشی کولای چی دخپل ځای څخه پکان وځوری په آخر کسی دآرام سی حالت غوره کوی. کله چی دبلو څ مشر لاړ موږ و غوښتل د کوټی پر مخ یو څو شپه کښینو خو یوه عجیبه پښه را منځ ته کیږی. په هغه کوټه کی چی موږ ټول پکښی خپلا ستلی وو، هیڅ ځای نه و.

سلمان یو ډنه لار پښو و نه کوی. باید هماغه د خپلا ستلو پخوا کی لاری جاری غوره کړ و یواځی در یڅو نه تو پیر لری پدی معنی چی لمړی سړی پد اسی شکل کښینی چی شانی دد یوا ل خوا ته وی او خپلی پښی پود بل څخه لیری ونیسسی دو هم سړی دهغه د پښی په منځ کی کښینی او په همدی شکل تر آخره پوری اویدنه تومره ډیر ش کسه کولسی شی چی په یوه لس متر بزه ما حه کی ځای په ځای شی. او کله چی ټول افراد پدغه توگه کښینا ستل لادکری لیمای یی پر خسه تش پا ته کیږی. دانو (چشم پندی)

او د اد هغو جا دو گرانو په یاد ا چو ی چی ځانونه یی په یوه صندوق کی ځای یو ل. زه لمدی آزمایشت سره دجادوگرانو دجادو-گر و یو څخه نه حیرا لیریم.

هغو ما ټو گا لو ته ور ته یو چی بده یوه بیړی کی سره یارو وهی اودموارنسی دسا تلولپاره هر سړی مجبور دی چی خپل لاسونه دمخکښی سړی په خپته بانسی ټینگ ونیسی.

طبعاً فرا نسو بان په دوو صفو نو کسی ځای په ځای شوی دی او بیا درو سانو پو لنډ یانو یو گو سلاویا نو وار رارسیدي یو د بله سره غږ یږی. زما د پسی لاس خوا ملگری ماته دخپل نیول کیدلو کیسه کوی. دی دشراپو-سو سو دا گر دی چی دهغه دکور له زیر خانی څخه دوسلو دساتلو او زیر مه کسو ل-دپاره گټه اخستل کیده. اوس هیڅ ویره نلری اوخپل ماجرا په دواړه وایی:

-آلمان لیا ن په ناڅاپی توگه زما دکور زیر خانو ته ننوتل، ساعت دمهیار څلور بجی وی زه له خپلی ښځی سره ویده وم مجبور شوم چی په ډیره بیوه کالی وایستدم او د هغو سره لادشم پسی له دی چی د خپلی لور د مجو لو اجازه چی په بله کوټه کی ویده وه را کسړی. پست-فطرتان! وروسته بیاد تحقیق په اوږدو کی دهغو ی سره یو ځای پیر ته کور ته راغلم په همدغه وخت کی ولسی او نور ښان ددوی لاس ته ولویدل. دهغو دوو لولپاره دوه ځلی را غلل اولاپل.

(سریږ) حیرانتیا سره وایی: موږ هماغه وخت په یوی تپانچ پسی مږ ځیو.

(سریږ) دنورو سره غږیږی، هغه دا سی سړی دی چی هر جیر ته یوه احسا ساتی خبره یاده شی ډیر ژر پکی گپون کوی او بیا ژر نورو خواته متوجه کیږی. دی پو لنډه و نه او پښه اندام لری له همدی کبله (پتی لوی) ته ورته دی له دی تو پیر سره چی عقل او قوت یی دهغه څخه ډیر دی.

پراخید لو خنجه په وخت لو ید لی و د
پا ریس او مید و تکی یی مجبور کړ ل چی
دخپلو کور و لو خنجه ونه و ځی)
(سری) په همدغه ډله کسی و په
حقیقت کی دی د ډلی د نظا می عملیا تو
واقعی رئیس وڅو یو ځان او څو ډا رن
کسان د (والی) ډډلی دټولو غړو دښمنی
کید لو سبب شول نږدی څلو پښت کسه
ونیو ل . دغو کما نو ددري میا شـــ
په اود خو کی بر سیره پر مادی ضا یعاتو
دري سوه دری څلو پښت کسه المانیان
یی وژلی و . (دغه رقم دهغو گشتا یـــ
افرانو دا عتر او نو څخه لاس ته را غلی
چی په نو مووی تحقیقا تو کی یی پر څه
در لود)

(سری) دتحقیق په وخت کی بنه مقاومت
وکړ . له همدی امله ټول هغه کسان چی
ورسره یو ځای جنگید لی و اوس هم
دی دخپل رئیس په تو گه پیژنی .
(لوریبا)

دنه کار نو مره اهمیت در لود چی د
(دور ماحت) رادیو مگان دلیری ځل لپا ره
دسر نیرو نو را تکار یو په هکله وڅیړ بدل
دپا ریس په هغو ځا یونو کی چی آلمان لیان
او سیدل اکثرا لاسی بو نه څیړ جاودیدل
دغلیم پر یو څی منصبدارانو او سا نو نکو
باندی تل پر غل کیری . په رڼا ورځ کسی
دغلیم په پوځی ډلو باندی پر غلو لـــ
سر ته رسیدی یوه شپه د (سینا ریکس)
دوتلو دروازی ته نږدی دماشین گڼو
دو زوله کبله اویا کسه آلمان لیان وژل
کیری . څو ورځی وروسته هماغه یو یم
چا وډل کیری او هغه آلمان لیان چی دسینا
څخه وځی ټوپی کوی دغه ټول عملیات
د (والی) نومی دسر نیرو د ډلی د فعا لیتو .
نویوه پر څه ده چی دیویریالیستوپ یـــ
سلو پنځو سم کالیزه یی چی په همدغه
نامه یادیده . جشن نیولی و .
(دغه جشن په ورځ الما لیان چی دکـــ
نیست دگوند دپا نیی اودکورنی جگړو د

بقیه صفحه ۴۹

نیروی برق از کجا . . .

تولید برق است اما متأسفانه بعضی اوقات
سدهای در آبشار و بند ها رخ میدهد که این
امرا می تواند به توسعه تولید برق آبی را در آینده
محدود می سازد . سوخت های فوسیلی (ذغال
سنگ ، نفت و گاز طبیعی) به عنوان وسیله
اساسی برای تولید برق بشمار میرود . ذغال
سنگ که قبلا سوخت کثیفی به شمار میرود
اما امروز چون قیمت نفت و گاز طبیعی بلند
گردیده و در بسیاری از ممالک ذخایر نفت
و گاز طبیعی روبه کاهش اند اهمیت زیسادی
کمب نموده است .

اکنون نیروی هستوی از تمام منابع اساسی
انرژی برای تولید برق بیشتر مورد بحث
است . از سال ۱۹۵۰ تاکنون بشر از تولید
برق از اورانیوم بهره مند شده و در حال
حاضر در همان کارخانه های برق اساسی
مشغول کار می باشند .

در آینده نزدیک ممکن است نیروی برق
بوسیله بطریهای آفتابی تامین شود .

این بطریهای نئوسدی شکل که از
سیلیکان ساخته شده اند نیروی برق را به
آسانی تامین میکند و برای این کار به چیزی
جز نور آفتاب احتیاج ندارد بطریهای آفتابی
هر چند که هنوز دوره طفولیت خود را طی
میکند به احتمال زیاد مشکل بحران انرژی
را تا حدی حل خواهند کرد . کارکنان این
رشته امیدوارند که میتوانند از طریق لوجه
های آفتابی که برپا می نازل نصب خواهند
شد تا او اسط ۱۹۸۰ در تامین نیروی برق
ارزاقیت موفق گردند .

بهره مند می شویم خود بخود از زمین یا هوا
جریان نمی یابد . بلکه باید در کار خانه
های تولید گردد که برای بکار افتادن این
کارخانه ها باید انواع دیگری از انرژی
مصرف شود . برق وقتی بوجود می آید که
اجزای کوچک اتم که الکترون نامیده میشود
به حرکت در آیند .

یک نمونه از این امر در طبیعت شوک یا
تکان جزیی است که بعضی اوقات هنگام
دست زدن به دستگیر (زمانیکه رطوبت هوا کم
باشد) احساس میکنیم این تکان برقی
در نتیجه ما لثی بوسه یا فرش بوجود
آمده و الکترونها را که موقع دست زدن به
دستگیر رها شده ، به حرکت در می آورد
برقی که مصرف می کنیم با چرخش
یک مغنیت در داخل سیمهای مار -
و جریانی برق را تولید میکند .

مسئله انرژی برای گرداندن توربینها لازم
است . این انرژی میتواند از منابع مختلفی
سرچشمه بگیرد در کارخانه های هیدرو -
الکتریک نیروی آبی که فرو میریزد توربین را
مانند یک چرخ آبی و البته مقیاس خیلی
وسیعتر و پیچیده تر می چرخاند . و سایر
کارخانه های مواد سوخت مانند ذغال سنگ
و گاز نفت برای حرارت دیگهای بخار که
توربینها را به چرخش در می آورند بکار
میروند . در کارخانه های اتمی حرارت لازم
برای تولید بخار با شکستن اتم های سوخت
هستوی و یک راکتور ایجاد میشود . در انواع
کوچکتر یا غیر متداول دستگاه های مولد برای
تولید برق ، از سوزاندن زباله ، بخار زیر
زمینی ، نیروی خورشید و قدرت جزر و مد
دریا استفاده می کنند .

استفاده از قدرت ریزش آبشار در کارخانه
های برق آبی یکی از موثرترین راه های

د ز لـــ کـــ ی و و د نیست
خپل کار کړی و . په ناچاری سره دیو
پا رن سړی په توگه بیر ته ستون
شوم . دوه ساعته وروسته (ایوون) راغی
او تپا نچه یی زما څخه واخیستله چی بل
چا ته ئی ور کړی .
خو موډه وروسته مو دهمدغی تپا نچی
سره د (کلنت) نو می چا سو س جر پی
وايستلی . پدا سی شرا یطو کی کا رکول
کو به آسا ته خبر نه وه له لیکه مرغه
په ورستیو وختو کی مو له الما لیا لـــ
څخه و سلی لاس ته راوړ لی او کار موسم
شو .

زه هم دتپا نچی په فکر کی شوم . زه
پو هیدم چی د ځان (زیتون) کار یی
هم دتپا نچی سره سم کړی و . هغو کسانو
چی ددغه کار دسره رسولو مامو ریتی
درلوده اوس په همدغه جیل خانه کسی
زما سره یو ځای دی .

یوه تپانچه دفرانسوی سرتیرودوسلی په هکله
سړی کولی شی چه په ډیره آسانی سره یو
رو مان و لیکي . دمثال په توگه دا سی
کسان به ډیر لږ وی چی ونه پو هیږی
هغه سړی چی آلمانی الفسری په ۱۹۴۱ کال
دا گست په ۲۳ کی د یو ی گمر می
وسیلی سره وژلی لثا لاین نومیده . او هغه
وسله چی دله هغی څخه کار اخیستی ودهغه
گشتاپو وه . کوم چی داورلثان دروازی ته نږدی
وژل شوی و .

(سری) خپلو خبرو ته ادامه ورکوی .
په هر حال . که موږ یوا ځی یو څومبله
لاسی ماشین گڼو نه در لودای کوم کارنه
وچی سر ته مو نه رسول .

نهمده اوس ته ووايه هغه و سلی
چی ستا له کور څخه لاس ته را غلی څه
شیان و ؟

سیمک ماشین گن او تود .
سوگوری ! څو مره به وی ؟
دوه ټنه .

سیمون هم په یوښتنو پیل کوی :
دغه و سلی او مهمات له کوم ځای
څخه را تللی چی موږ هیڅکله دهغه مخ
هم ونه لید ؟
فکر کوم چی دانگلستان څخه ... مارک
خو یی انگلیسی و .

دغو کما نو حق در لو د چی یو ښتنه
وکړی : ولی هغو کسانوته چی په
همدغو ور ځو کی د ځان نه نیرو دغه
وسلی ته ور کول کید لی ؟ هغوی ته
گورم . دوی واقعا دغلیم سره جنگید لی
دی . ددوی یو تن (پیرو) به نا مه لاتر
اوسه یی ری پخپل مړ وند کی یوه گو له
لری . او هغه بل یی چی د او ستر تو یلی
کولو بودوه وشت کلن کارگردی څلو وځله
قیی شوی دی .

(سری) ته یو گورم .
د ۱۹۴۲ کال په دوی کی هغه دسرتیرو
ډله چی (فران تیر - پاتریزان) نومیده
گشتاپو یی په دوو سیمو د سولس
و یوه شپه د (سنت آمیز) برج ولړ بد .

(سری) اصولا دسربازی لپاره زیږول
شوی دی . هغه د فرانسوی په پو ځ کی
دغلیم سره جنگیدلی دی . دیو ماشین -
گن سره یی دیو المانی لښکر په وپ اندی
مقاومت کړیدی تر څو چی ملگری یی
په خونگی توگه وتښتی . په هماغه ورځ
چی آلمانیانو د پاس و پسونه
مردار کړل دی دیو سرباز په توگه
په پاس کی پاتی شو . او اوس دلته
هم د یو سرباز په څیر ژوند کوی . او
ټول کسان د هغه د طاقت او قوت څخه
حیران دی .

هغه خپلو خبرو ته ادامه ورکوی :
هغو کی . په لمړی یی او کی مو پدهر
یوه لپاره یوه تپا نچه درلوده او دغه تپانچه
هم ډیره زده او پخوا ئی وه چی د ۱۹۱۴ کال
په جگړو کی یی خپله ازموینه سرته
رسولی وه . زموږ یو ملگری په همدغی
تپانچی باندی هغه ملگری خوندی ساتلی
وچی دآلمانیا نو د وسلو او مهماتو
یو گدام یی چاوداوه دغه ملگری دښپی
له خوا دغه تپا نچه یو بل ملگری ته ور -
کول چی هغه پاکه او غوړه کړی او بیای
مانه ور سوی څکه چی ما هم یو ښه ښکار
موندلی و . یو آلمانی جنرال هره ورځ
سپار وختی په آس باندی سپور اود (پو -
لوی) په څنگله کی گمر خیده ماته دستور
را کړ شوی وچی ددغه جنرال کار یو

طرفه کړم او ما داسی تصمیم ونیو چی
په ځان گمری توگه دغه کار سر ته
ورسوم څکه چی داکار ډیر ارز ښتنا لودغه
جنرال (فن اشتو لینا گل) نومیده .

وسله می په جیب کی کښوده او دښپی
له خوا په یوه کنده کی پست شوم ، دواړه
په څلور متر کی . دا ډیر ښه ځای و . په

آسانی سره مړگو لای شو چی خپل
لښکر رله پښو نه و غور ځوم . خو با یسد
وویل شی چی ددغه ماموریت نه اته ورځی
مړکی ما د(شاوی) په جگړه کی پرکتهس

کړی و . داسی پتیل شوی وچی دښکار -
کو لو نه وروسته ډیر ژر و تښتم اودڅنگله
څخه ځان وباسم اود څنگله په بله
خنډه کی یو بایسکل راته منتظر اواما
کو لای شوی چی د (پوټو) له لاری نه
په آسانی سره و تښتم .

دښپی دلسو بجو په شا و خوا کسی
پاکلی ځای کی پت او منتظر پیا تم شوم . له
بله مرغه په یو لسو بجو با ران به اوریدو
بیل وکړ ، سپار دوخته باران ودرید . ځان
سره می ویل کا شکی هغه را شی . پوره
او ه بجی وی چی را پیدا شو یو سا توکی
یی هم در لود چی له هغه نه لس متره لیری
ور پس روان و . یو هیږی ، پدا سی وختو -
نوکي دسړی حال څرنگه وی ؟ فکر کوم چی
زه لږ لږ زیدم . د خپل با رانی کو ت سره
دختو په منځ کی ناست وم . جنرال ماته
نږدی شو قلم یی واهه ، وخت ییو یا همدا
اوس یا هیڅکله . ما نه کاږم ، خو
تپا نچه نوله کوی یا ما شه کا ښم او یا

واژه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

قوانین اقتصادی :

مناسبات تولیدی چگونه بر قرار می شود، آیا هر انسان مؤلفی میل خود با سایر انسانها قرار و مدار می گذارد آیا قسودال (صاحب زمین) بایک يك از دهقانان و یا هر يك طبق شرایط مخصوص و جداگانه كنسار می آید كه آنها زمین اورا بكارند ، آیامیان هركارگر و سرمایدارى مناسبات بخصو مى و جداگانه ای برقرار است كه آنلو بر سرآن باهم توافق کرده اند ؟

پاسخ همه پرسشهای بالا منفی است . مناسبات تولیدی یا ساختار اقتصادی جامعه امری است عین و خارج از اراده ای انسانها كه طبق قوانین دیالكتیكى و مستقل ازخواست این وان تكامل میابد مناسبات تولیدی قرار و مدار این فرد باآن فرد نیست ، اگر نه به تعداد افراد متفاوت مى بود . مناسبات تولیدی متناسب با سطح نیرو های مؤلده وجود می آید . قالب و شكل عمل كرد این نیرو هاست كه بصورت نظام معین و مشخص مثلا بصورت نظام بردگى، نظام فئودالسى ، نظام سرمایه داری، نظام سوسیالیستى در جامعه حاكم می شود . این اندیشه ی بنیادی و سازنده ای اولین آموزگار زحمت كشان جهان كه انسان هاقیل ازینكه بیاندیشند و بكار هترى پردازند ابتدا باید بخورند و بنوشند ... الزاما در قالب و نظام معینی كه همانا مناسبات تولیدی حاكم است قرار می گیرند، مناسباتی كه خارج از اراده ی آنها وجود دارد و خارج از خواست آنها، موافق قوانین ویژه ی خویش تكامل میابد.

اولین رهبر كارگران جهان مجموعه ی تئورى اجتماعى، اقتصادى خودرا روى همین واقعیت كه دایمانه موق به كشف آن شده است ، بنامی كند وى در میابد كه انسانی از مادر زاده می شود، بدون آنكه خود بخواد و دخالتى در آن داشته باشد در جامعه ی معینی وارد می شود كه این جامعه در سطح معینی از تكامل نیرو های مؤلده قرار داشته و در آن مناسبات تولیدی معینی برقرار است .

نوزاد الزاما در درون این مناسبات قرار می گیرد و از زمانیکه بكار تولیدی پردازد، مجبور است این مناسبات را بپذیرد و در درون آن تولید و مصرفى كند، كسیكه در جامعه ی فئودالى زاده شده خواه نا خواه با مناسبات تولیدی فئودالى سروكار دارد و كسیكه در جامعه ی سرمایه داری زاده شده با مناسبات سرمایه داری . این امر كه ساختار اقتصادى جامعه فئودالى باشد یا سرمایدارى تابع تمایل اشخاص نیست، بلكه سر انجام تابعی است از سطح تكامل نیرو های مؤلده ی مادى كه جامعه ی مفروض در اختیار دارد .

روشن است كه جامعه ی بشرى نسبی است بسیار بغرنج ، در هر جامعه ای علاوه بر مناسبات تولیدی انواع مناسبات دیگر فرهنگى ، حقوقى ، مذهبی، سازمان دولتی و انواع نهاد های دیگر اجتماعى ، سیاسى موجود است

مرحله و هر یك از آن تكامل جامعه ی بشرى بررسى شود . درست همین جانب بررسى است كه موضوع علم اقتصاد سیاسى را تشكيل میدهد .

از آنجا كه جامعه ی بشرى تاكنون از پنج پله یا مرحله ای تكاملی گذشته و می گذرد اقتصاد سیاسى نیز در خطوط اساسى خویش به پنج بخش تقسیم می شود. ولى مناسبات تولیدی و قوانین اقتصادى از زمان پیدایش و تكامل سرمایه داری است كه بسیار بغرنج شده است و درین زمان است كه اقتصاد سیاسى بعنوان يك علم مستقل پدید آمده و تكامل یافته است . اقتصاد سیاسى امروزی در درجه ی اول عبارتست از اقتصاد سیاسى سرمایه داری و اقتصاد سیاسى، سوسیالیستى. طوریکه در مباحث قبلى تشریح كسردیم مناسبات تولیدی را نباید به معنی محدود كلمه گرفت و باید توجه داشت كه مبادله و توزیع نیز جزء مكمل تولید است . و بنابر این باید گفت :

(اقتصاد سیاسى علمى است كه مناسبات اقتصادى را كه دربروند تولید، توزیع، مبادله ی خواسته های مادى در مراحل گوناگون تكامل جامعه ی بشرى میان انسان ها برقرار میشود و همچنین قوانین اقتصادى تكامل این مناسبات را بررسى می كند .)

تقسیم بندى جامعه به پنج مرحله ی یاد شده، تقسیم بندى بسیار كلی است . در كشور های گوناگون و در میان اقوام گوناگون مراحل تكامل عینا در بستر واحدی سیر نكرده و در هر جا و در هر دورانی ویژگیهای داشته و دارد . برخی از اقوام از پنج مرحله ی یاد شده نگزشته اند و هم اکنون جلو چشم ما اقوام معینی از مرحله ی فئودالى و گاه از مراحل ماقبل فئودالى ، راه به سوسیالیزم می كشانند ، بدون اینكه الزاما مرحله ی سرمایه داری را طی كنند، در اغلب كشور های آسیایى مراحل تكامل برده داری و فئودالى شبیه جوامع اروپایی نبوده و خصوصیاتى داشته است كه اولین رهبر پرولتاریای جهان آنرا شیوه ی تولید آسیایى نامیده و هنوز تحقیقات علمى بیشتری لازم است تا همه جواب آن روشن گردد .

رشد مناسبات سرمایدارى و سوسیالیستى نیز در هر كشور و در دورانی ویژگیهای سیاسى بوجود می آورد كه با كشور دیگر و دوران دیگر متفاوت است . بر علاوه تعیین ساختار اقتصادى جوامع بشرى خالص و بطور قطع مرز بندی شده نیست وجه بسا در كنسار مناسبات اصلی تولیدی كه مشخصه ی مرحله ی معینی است بقایای فراوانی از انواع مناسبات پیشین و با نطفه های ساختار آینده طبقاتی و مراحل گذار وجود دارد.

لذا ساختار اقتصادى جوامع بشرى بهراتب بغرنجتر از آنست كه بتوان دريك تقسیم بندى كافی به پنج مرحله خلاصه كرد . ازینجاست كه فریدریش هرزوم نزدیک اولین رهبر پرولتاریای جهان ضمن تعریف اقتصاد سیاسى یادآورى و تأكید می كند كه اقتصاد سیاسى نمى تواند

برای همه كشور ها و همه دوران ها هما نند یابند . به گفته ی او اقتصاد سیاسى : «علم شرایط و اشكالى است كه در هر جامعه ی مفروض تولید و مبادله در درون آن انجام می گیرد و محصول بدست آمده در درون آن توزیع میشود» وى اضافه می كند: «اقتصاد سیاسى نمى تواند برای همه كشور ها و همه دوران های تاریخى همانند باشد»

(از اثر مشهور انستى دور یشنگ) و هر كشور در هر مرحله ی تكاملی و هر دو ران اقتصاد سیاسى ویژه ی خودرا دارد.

شاید بعضى كسان ازین گفتار به این نتیجه برسند كه اصولا اقتصاد سیاسى برای دوره ی معینی از تكامل ، مثلا: اقتصاد سیاسى سرمایه داری و اقتصاد سیاسى سوسیالیستى كاربشی باشد . ولى در واقعیت امر چنین نیست . كشف و درك قوانین عام تكامل اقتصادى جامعه در هر مرحله ی آن بما امکان میدهد كه استخوان بندی و جوب بست اساس این مرحله ی تكاملی را بشناسیم تا سپس آنرا بهر جامعه ی مشخص و مفروض انطباق دهیم . رهبر پرولتاریا ی جهان در موقع نگارش «كاپیتال» ساختار اقتصاد سرمایه داری

یاد ر نمونه ی انگلستان بررسى می كند . او در عین حالیکه برین نمونه تکیه دارد، با قدرت تجرید، شاخ و برگ آنرا كنار می زند تا به ماهیت قوانین تكامل اقتصاد سرمایه داری قوانینی كه جنبه ی عام دارد و ویژه ی این یا آن كشور نیست دست یابد . و درین كار بزرگ به اوج دانش اقتصاد سیاسى و نه فقط این دانش دست میابد . پس از او، زمانیکه سرمایه داری به دوران نوین و به عالی ترین و آخرین مرحله ی تكاملی خود یش، مرحله ی انحصارى گام می نهد ، رهبر انقلاب كیبر اکتوبر كار اولین رهبر زحمتكشان جهان را دنبال می كند تا اقتصاد سیاسى امپریالیزم مرحله ی انحصار سرمایه داری را بنیان نهوان قوانینی را كشف كند كه جنبه ی عام دارد و ویژه ی این یا آن كشور امپریالیستى نیست.

در موق تعیین موضوع علم اقتصاد سیاسى باید به این نكته توجه داشت كه تولید خواسته های مادى دوجبه دارد، یكى مسایل فنى و تكنولوژیک و دیگری مسایل اقتصادى و اجتماعى عبارت دیگر تولید از دوجبه قابل بررسى است . یكى از نظر مناسبات میان انسان ها و طبیعت دیگری از نظر مناسبات میان انسان ها و انسان در روند تولید . وقتی می برسیم این بوت چگونه تولید شده است؟ به این پرسش می توان جواب دوگانه داد . یكى پاسخ دانشمندان علوم طبیعى و مهندسیست و استاد كاران جرم سازی و كفاش درین باره كه چه عملیات فزیکى و كیمیاوى لازم است و وى پوست حیوانات انجام گیرد و این عملیات فنى چگونه سازمان داده شود تا كفش مورد

نظر ساخته شده و حاضر برای پوشیدن باشد و دیگر پاسخ دانشمندان اجتماعی درین باره که چه مناسباتی میان شبانی که از گوسفندان و گاوان نگهداری می‌کرد با صاحب این حیوانات برقرار بوده، چه رابطه ای بین دباغ و شاگردش با صاحب کارخانه ی جرم سازی با کارگزارش و غیره و غیره وجود داشته است.

درهم آمیختن این دو جانب جداگانه ی تولید و حتی درهم آمیختن سازماندهی امور فنی کارخانه و کارگاه و امور حسابداری، بازاری و نقایر اینها با مناسبات تولیدی میان انسانها جایز نیست. علم اقتصاد سیاسی علمی است اجتماعی و مناسبات میان انسانها را بررسی میکند و نه مناسبات میان انسانها و طبیعت را که موضوع علوم و فنون گوناگون طبیعی و فنی است.

دانشمندان بورژوا این دو جانب را بهم نمی‌آمیزند. کلاسیک های اقتصاد سیاسی

بورژوازی نظیر آدام سمیت و داوید ریکاردو این کار را نادانسته می‌گردند. اما امروز آمیختن انواع مطالبی که ربطی به علم اقتصاد سیاسی ندارد با این علم، زاده فکر حساب شده ی دانشمندان نمایان بورژواست تا بدینوسیله مناسبات اجتماعی را برده پوسی کنند. اقتصاد دانان بورژوا در واقعیت امر به آن چیزی ایراد می‌گیرند که از دست آورد های مهم اقتصاد سیاسی رهبر پرولتاریا ی جهان است. اولین رهبر کارگران جهان و هم‌رمز نزدیک وی نخستین دانشمند اتی هستند که بوجود مناسبات تولیدی میان انسان‌هایی بردند و توانستند جانب تکنولوژی تولید را از جانب اجتماعی آن ازم تمیز داده و جدا کنند. و بدین ترتیب موضوع علم اقتصاد سیاسی را دقیقاً مشخص و مسجل نمایند. رهبرانقلاب کبیر اکتوبر در همین باره است که می‌گوید:

نوشته محمد روحانی

احساس و درک

نقاش امرور

اینکه می‌گویند احساس و درک هنرمند با فرد عادی متفاوت است به این معنی که آن یکی باریک بین و متجسس است و آن دیگری زود گذرو بی تفاوت، آن یکی واقعیت را چنانکه هست می‌نمایاند و آن دیگری واقعیت را واهی شناسد. این گفته در هنر نقاشی هم بیشتر مورد قبول است.

نتایج مراحل هنر نقاشی نشان میدهد که هر قدر رنگها و خطها ساده تر و آسانتر باشد همانقدر تاثیر بیشتر و مثبت دارد، عین موضوع در شعرونشر هم صدق میکند چنانچه امروز (شعر نو) آسانتر و ساده تر از شعر کهن است و در اذهان خلق تاثیر بسزایی دارد.

اینکه هنر مندی به یک سبک مخصوص نقاشی متمایل میشود و یا به آن علاقمند میگردد و سبک دیگری را نفی می‌کند و در واقع تکامل هنر را نفی میکند و اینجاست که او یا احساس هنری ندارد و یا آنرا اصلاً درک و فهم نتوانسته است.

مثلاً هنرمندی که به سبک ریالیزم یا واقعیت گرایی نقاشی میکند برای وی خطهای دویم و به اصطلاح کش شده معنی ندارد، در حالیکه نقاشی هیچگاه داخل یک چوکات

«برخلاف آنچه اغلب گفته می‌شود موضوع علم اقتصاد سیاسی تولید ارزشهای ما دی نیست بلکه موضوع تکنولوژی است و مناسبات اجتماعی انسانها در امر تولید است».

در جریان بحث از مسایل اقتصادی که بعداً بررسی مفصل از آن صورت خواهد گرفت، خوانندگان محترم خواهند دید که برخلاف ادعای دانشمندان نمایان بورژوا، علم وابدیالوژی مرفقی و انقلابی در زمینه ی اقتصادی واز جمله در زمینه ی پول، قیمت ها، تجارت و غیره بسیار چیز ها آورده و این علم مرفقی است که ریشه های مهمی این مفاهیم و مقوله های اقتصاد بورژوازی را بطور علمی کشف کرده است.

اما علم مرفقی میان اقتصاد، به معنی فنی و حسابداری این کلمه با اقتصاد سیاسی به معنی علم بررسی مناسبات اجتماعی انسانها در روند تولید، مرز کاملاً مشخص کشیده است تا

است.

بازی و سفسطه با مسایل نوع اول ما نفع از کشف و درک مناسبات اجتماعی نشود و همین نکته است که مدافعین سرمایه داری را تکران می‌کند و اقتصاد سیاسی بورژوازی را بیش از پیش بسوی ابتذال و فرار از موضوع اصلی اقتصاد سیاسی می‌کشاند.

قبل از پیروزی انقلاب شور در سنامه های اغلب ساخته شده ی که در کشور های امپریالیستی تدوین و تالیف می‌شد در پوهنتون های مانیز تدریس می‌گردید خصوصاً در ساحه ی علوم اجتماعی این کار بشدت روا دانسته می‌شد و در اغلب این درس نامه ها استعمار بهره کشی و غیره توجیه می‌شد و از حقایق تلخ بشکل بسیار ماهرانه گریز بعمل می‌آمد ولی اینک با پیروزی انقلاب شور که مطابق قانون تکامل جامعه و به اراده ی خلق آزادی افغانستان بهمان آمد در پهلوی سایر تحولات کیفیت درس نامه های مرا کز علمی نیز بطرف واقعیت سیر کرده و قرار گرفته است.

است که باید منتظر (چیر) دوران نباشد بلکه هنر (خصوصاً نقاشی) را از شکل ابتدایی و بفرنج آن بشکل پیشرفته در بیا ورد و تحت تاثیر سبک یاد گرفته اش نرود، تا باشد که هنر نقاشی بشکل ساده و پرمحتواتر از گذشته رایش را ادامه بدهد و در اذهان توده تاثیر بجا کند.

در کشور عزیز ما افغانستان هم اکنون مردم به نقاشی ای که بلریزه کاری زیادکار شده باشد علاقه فراوان نشان میدهند، زیرا مردم ما از نظر اقتصادی عقب مانده نگه داشته شده بودند لذا شعور هنری نیز بحالت پائین باقی مانده بود و این هنرمند باریک بین و حساس



نکاتی چند از زندگی

آن می افزاید و او را بیشتر از پیش مسرور میسازد و حق شناسی و اعتماد در او ایجاد میگردد.

نکته سوم شکایت :

البته مقصود ما از این نکته آن نیست که شما همیشه شکایت کنید یا هرگز شکایت نکنید. غرض اینست که وای بر حال مردیکه در حضور دیگران از کارهای زنش ایراد بگیرد... و همچنان وای بر حال زنی که باز هم در حضور دیگران از رفتار شوهرش انتقاد کند و با این رفتار و حرکت همسرش احساس حقارت نماید. و قبیحه شخصیت زن و مردی چریحه دار شد دیگر مشکل است به زندگی خانوادگی شان ادامه دهند.

نکته چهارم : گذشت ایام بالاخره زنی را از شوهر (شوهری را از زن) خود جدا خواهد کرد که دایما بگوید : «بله دیگر... همه مردها همینطور اند» «بله دیگر... همه زنها مثل هم دیگرند و من نمیتوانم باتو دیگر زندگی کنم».

در این دنیا هرکس توقع دارد که اگر دیگران قدر وجود عزیز وی مثلث را نمی دانند، لاف شریک زندگیش، او و دیگران را بایک چوب نرانند و بین وی و سایرین تفاوتی، هر قدر هم جزئی باشد، قایل باشد. تجربه نشان داده که همین بی تفاوتی ها و همین تمسخرهای بی جا و بی مورد زن و شوهر زندگی سعادت بار آنها را به جهنمی سوزان مبدل ساخته است.

نکته پنجم - یک شوهر خوب و عاقل، آنچنان مردی است که بداند و بتواند بخاطر بیاورد که جای هر چیزی در منزلش در کجاست تا اگر یکروز یا چند روز همسرش به مسافرت رفته باشد و یا در خانه نباشد دست روی دست بگذارد و به انتظار بنشیند که زنی بیاید... نتیجه این قبل انتظار ها همیشه عصبانیت و نتیجه عصبانیت ایراد گیری و نتیجه ایراد گیری دعوا و جنگال و نتیجه همه این ها کمبود، نفاق و جدایی است.

پس چه بهتر که مرد از همان آوان زندگی مشترک خود را به این نکته ملتفت سازد که ممکن است روزی پیش آید که نظریه مشکلات زندگی همسرش چند روزی از او دور باشد و او باید تمام مسوولیت خانه را بدوش گیرد فلذا آشنایی بکارهای منزل یکی از موفقیت های مرد در زندگی خانوادگی است.

نکته ششم : شما که مرد زندگی هستید موقعی که زنان باشما حرف میزنند به حرف های او گوش نمیدید و زیر لب زمزمه میکنید و گاهی میگویید : «درست است» یا «بله» همینطور است. بالااقل صدای شبیه این الفاظ از خود در می آورید میدانید آخر این بی توجهی و بی تفاوتی و دست کم گرفتن ها چه میشود ؟

مثلا یک روز خانمتان میگوید : «شوهر عزیز فردا وقتی کارت تمام شد به منزل نیا، چون شب به خانه مادرم دعوت هستیم غمنا یادت نرود که ساعت پنج بعد از ظهر هم به معاینه خانه داکتر دندان بایم برویم، تو از اداره

منزل خوشنیتان تلیفون میکنید و خانم نان نیز به همه جا تلیفون میکند غیر از منزل. آنوقت در همان لحظه ای که شما از شدت عصبانیت زمین و زمان را به باد ناسزا میگیرید و کاسه را به کوزه می زنید و زنگ تلیفون صدا میکند. گوشک تلیفون را بر میدارید. خانم هستند، و لابد خودشها بهتر میدانید که این قبیل مکالمات به کجا می انجامد و چه صورتی پیدا میکند.

نکته هفتم : این راهبه میدانند که هر زنی نظریه قدرت مالی خویش از خود اشیای دارد که برایش عزیز است مانند لباس، و یا بعضی زیورات که دایم می خواهد از دسترس بسد و ر بسا شد و لی بعضی از شوهران بدون در نظر داشت این موضوع گاهی با دست چرب و آلوده به میوه ای الواری لباس خانم را باز میکند تا فلان عکسی که

چون شما مطابق معمول از محل کار تا ن به منزل خود که با معاینه خانه داکتر فاصله زیادی دارد می آید و طبعا زنتان را در منزل نمی یابید. او هم به معاینه خانه داکتر رفته و طبعا شما را در آن جا پیدا نمیکند. و ابدا هم بفکرش نمیرسد که ممکن است شما در منزل باشید، شما به تمام جا هایی که به عفتان میرسد، غیر معاینه خانه داکتر و

بقیه صفحه ۱۰

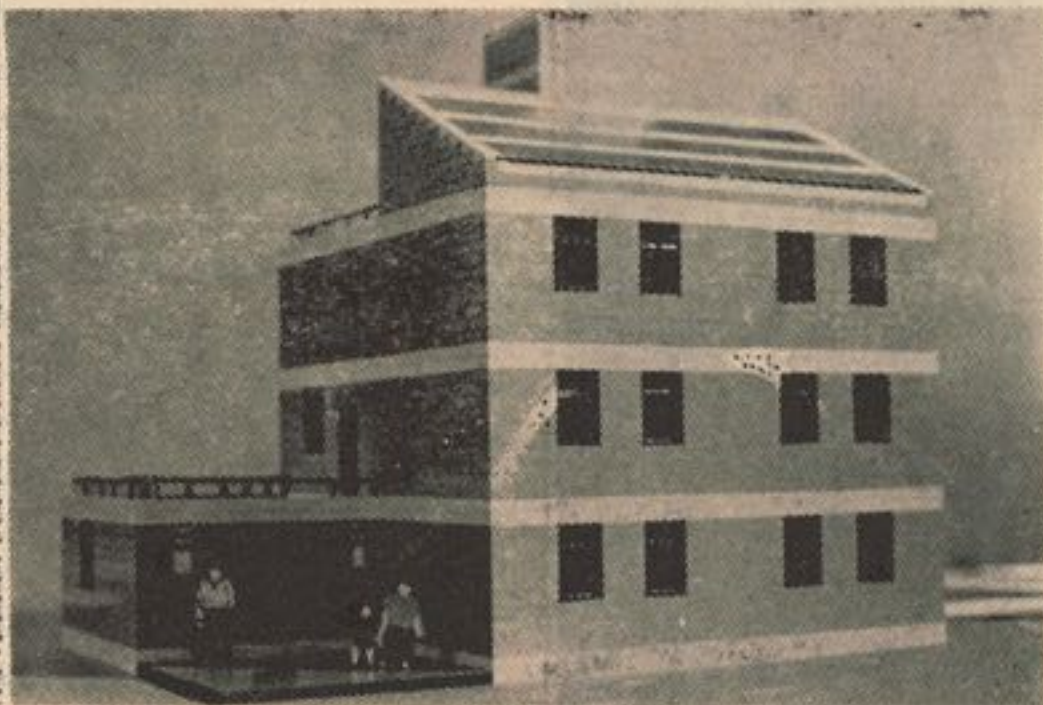
اشتر الكملل متحد در

نوس : از جولای ۱۹۷۹ تا دسامبر ۱۹۸۲ : ۱۴۴۸۰۰۰ دالر.

یونیسف : ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۰ : ۱۰۹۰۰۰۰۰ دالر. برای دو سال اول مبارزه مواد و تجهیزات قیمت مجموعی ۱۷۵۰۰۰۰ میلیون دالر معادل (۷۳۵۰۰۰۰۰۰) افغانی. هم اکنون فرمایش داده شده و توريد بسیاری از آنها شروع گردیده است.

بعلاوه پروگرام مواد غذایی جهان برای تقریباً یک میلیون کارگر سواد آموزی مواد غذایی منظور نموده است. از بانک جهانی تا جهت اعمار ساختمانها برای ریاست مبارزه علیه بيموادی و مدیریت های ولایتی سواد آموزی اکابر در حدود مبلغ پنج میلیون دالر کمک درخواست گردیده است.

چنین مینماید که در تاریخ اشتغال ملل متحد تعلیم و تربیه برای اولین بار چنین کمک با اشتراك چندین سازمان مختلف در چنین محتوی توجه ملی تحقق پذیرفته است. ملل متحد درین مبارزه عمیقاً علاقه دارد و امیدوار است که دیگر جوامع دارای نظیر این اهداف ازین تجربه مستفید گردند.



ساختمان هاییکه از انرژی آفتاب استفاده میکنند، این ساختمان ها تسهیلات زیادی را فراهم ساخته است.

کنترول

بقیه صفحه ۱۱

و ۴۵ فیصد جمله مریضانی که تحت معالجه میباشند ادویه خود را از مراکز مذکور بدست می آورند.

البته دسترسی به نتایج حقیقی اپیدمیالوژیکی مدت زیادی را در بر میگیرد اما هم اکنون امید های خوبی ایجاد گردیده است. نقش کمک

بین المللی درین پیشرفت ها قابل ملاحظه بوده است. قابل تذکر است که کمک پروگرام انکشافی ملل متحد و سازمان صحتی جهان هم اکنون برای ۱۴ سال آینده تحت غور میباشند. یونیسف ۱۵۳۱۸۰۰۰ دالر میرسد و مبلغ ۴۲۸۰۰۰۰ دالر دیگر از سالیهای زیادی باین طرف یگانه منبع ادویه و

واکسین ضد توبرکلوز بود و متوقع می رود که این کمک ادامه یابد. سازمان مواد غذایی جهان - یو. سیله فراهم ساختن اغذیه اساسی جهت کمک به تداوی موقضات مریضان معاونت میکنند. حکومت جاپان تعمیر جدید موسسه توبرکلوز و تعمیر مرکز منطقوی توبرکلوز را در کابل در تحت کمک بلاعوض خود اعمار نموده. موسسه همکاری بین المللی جاپان تجهیزات

از قبیل اکسریز سامان لابراتوار و سایر حمل و نقل مواد تریوی و غیره را فراهم نمود. هدف نهایی همکاری بین المللی تاسیس یک

سرویس متکی بخود تخیکی و اداری کنترول توبرکلوز در مرکز ملی کنترول توبرکلوز میباشد که قادر به ادایه فعالیت و توافق دادن

به احتیاجات و شرایط متحول باشد ازین نقطه نظر سهمگیری بین المللی در پروگرام

هنوز هم ضروری میباشد. در وضع کنونی انکشاف پروگرام گفته شده میتواند که اقدامات و موقف حکومت در مقابل پرابلم توبرکلوز و ادامه سهمگیری بین المللی بهمان پیمان از شرایط ضروری رسیدن به هدف نهایی در ظرف سه الی چهار سال آینده میباشد.

سی و چارمین سال پیروزی ویتنام قهرمان

امسال سی و چارمین سال پیروزی انقلاب است ویتنام روز ملی جمهوری سوسیالیستی ویتنام مصادف با دهمین سال یاد پیوند راد مرد بزرگ هو چی من بنیاد گذار حزب و دولت این کشور میباشد.

خلق ویتنام با صداقت کامل عطا سبق آر ما نهای رهبر خود یعنی جاده پیروزی را با گامهای متین و استوار می پیمایند کشور ویتنام مجددا متحد گردیده و مطابق سیاست مطروحه چارمین کانگرس حزب کمونیست ویتنام کار اعمار سو سیالزم را بنانها ده اند.

امسال خلق ویتنام روز ملی خود را در فضا و اتمو سفر و سیع با حرارت کامل جشن می گیرند.

در بهار این سال بود که خلق این کشور پیروزی های شایانی را در سرحدات جنوب غربی و شمال کشور خود کسب کردند. و در جنگ تجاوزکارانه که از جانب هیران ارتجاعی کشور متحدین چپ نمای امپریالیزم ورژیم دست نشاندۀ بولیوت ینگ ساری به آنها تحمیل گردیده بود خنثی کردند. چنانچه آنها از استقلال ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی خود با جرات کامل دفاع کردند با پرا دران خلق کمپو چیاد و قیام مسلحانه شان برای سرنگونی رژیم فاشیستی پولوت ینگ ساری مساعدت اتر ناسیو نالیستی نمودند.

خلق ویتنام در اعمار سو سیالیزم پیروز شدند به پیش می نازند.

بخش بیشتر کار برای بلند بردن محصولات زراعتی تخصیص داده شده است وزارت به یک بخش مهم اقتصادی تبدیل گردیده است. در حدود یک میلیون هکتار زمین بایر در سه سال اول پلان پنجم (۱۹۷۶-۱۹۸۰) برای زراعت آماده گردید. در حدود یک میلیون و سه صد هزار نفر در ساعات جدید اقتصادی بکار گماشته شدند سرعت افزایش صنایع سالها به بطور متوسط برابر افزایش یافته است. هم چنان در ساحه کلتور، تعلیم و وقایع صنعت پیروز پیمای چشمگیری بدست آمده است.

پسواوی در کشور محو گردیده است و (۲۲۶۰۰۰) معلم در مکاتب مشغول آموزش هستند.

دولت روز بروز از حمایه بیشتر کارگران بر خور دار می گردد. چنانچه این امر از تصویب مسوده قانون اساسی (اولین قانون اساسی کشور ویتنام متحد سوسیالیستی) بخوبی نمایان گردید.

دست آورد های حاصله زمانی موثر تر جلوه می نماید که آن مشکلاتی را که خلق این کشور تا هنوز به آن مواجه هستند از میان برداشته شود.

ویتنام کشور است که در آن سطح تولیدات به پروژه های کوچک منحصر

بوده تا به چار جنگ ملی سو چا رمال (جنگ ضد استعمار گران فرانسه، امپریالیست های ایالات متحده امریکا، رژیم غارتگر پول پوت و کشور توسعه طلب متحدین چپ نمای امپریالیزم خانمانسوز و وخیم بود. پرستیژ و اعتبار خلق ویتنام در عرصه بین المللی روز افزون است زیرا خلق این کشور ثابت قدم در راه استقلال ملی، صلح و سو سیالیزم به پیش می روند.

اکنون جمهوری سو سیالستی ویتنام با بیش از صد کشور روابط دیپلماتیک برقرار نموده است و فعالانه با سازمانهای مهم بین المللی مثلش و رای تعاون اقتصادی، ملل متحد و جنبش عدم السلاک همکاری می نماید.

استحکام بیشتر همپوستگی روابط دوستانه و رفیقا نه با همسایه گان نالوس کمپو چی و اتحاد شوروی و کشورهای دیگر جامعه سوسیالیستی قابل اهمیت است. ویتنام سو سیالستی تلاش های مذبوحانه امپریالست ها و متحدین چپ نمای امپریالیزم را که بغرض تضعیف اتوریته بین المللی و روابط دوستانه و رفیقا نه ویتنام با لوس کمپو چی، اتحاد شوروی و کشورهای دیگر سو سیالستی صورت می گیرد خنثی نموده است امپریالست ها و متحدین چپ نمای امپریالیزم تلاش های مذبوحانه امپریالست ها و متحدین چپ نمای امپریالیزم را که بغرض تضعیف اتوریته بین المللی و روابط دوستانه و رفیقا نه ویتنام با لوس کمپو چی، اتحاد شوروی و کشورهای دیگر سو سیالستی صورت می گیرد خنثی نموده است امپریالست ها و متحدین چپ نمای امپریالیزم تلاش های مذبوحانه امپریالست ها و متحدین چپ نمای امپریالیزم را که بغرض تضعیف اتوریته بین المللی و روابط دوستانه و رفیقا نه ویتنام با لوس کمپو چی، اتحاد شوروی و کشورهای دیگر سو سیالستی صورت می گیرد خنثی نموده است

بقیه صفحه ۱۹

انتون چخوف...

«گوگوره! غواهم چی دمکتب دیوی بنوونکی بوی ملحنی به باره کی یسو داستان ولیم»

هفته داروین ستا ینه کوی. هفته عقیده لری چی د خلکو د تعصبات او، هووم - پرستی سره با ید میار زهوشی، مگر به خپله دیوه سیری د توجه د جلبو لو او به هفته کی د مینی د پیدا کولو به خاطر نیمه شبه حمام ته خړی ترخو چی هفته توره پیشو چی هلو کی بی تلا کوی دی به تودو اوگرمو اوپو وسوخی .»

هفته خپلی پرامی د (سرگرم کوونکو به نام بللی، او حقیقتا، رشتیا هم بی له ریا خخته معتقد شوی چی (سرگرم کوونکی پرامی لیکي). شک نشته چی ساو امور وزوف هم عین د چخوف کلمات تکرار وی. کله چی به سر سختی سره وایی چی:

(دچخوفی پرامی باید د تغزلی کمیونیو به شکل د صحنی به مخ ویشو دل شی.)

مگر چخوف ادبیا تو ته به ډیره زیرکی سره توجه کوله، خصوصاً د نو و او تازه لیکوالانو دکار به باره کمی ویل به یی:

(مونیو لازیا تو لیکو نکو ته ضرورت لرو، تر او سه زمونیو به ورختی ژوند کی ادبیات

ویتنام و کشور های جنوب شرق آسیا و کشور های غیر مستقل پیا شدند. یکسی از نو نه های عینی این فعالیت های کین تو زانه به پیش کشیدن مساله نام نهاد (پرابلم بنانه گان) به شمار میرود کشور متحدین چپ نمای امپریالیزم در مذاکرات خود با هیات نمایندگی ویتنام با پیشنهادات قانونی ویتنام سر مخالفت می گیرند و مانع می گردند تا صلح استوار بیس سرحدات هر دو کشور برقرار گردد. خلق ویتنام قویا معتقد هستند که آنها به درخواست های عادلانه خود پیروز میشوند زیرا از جانب حزب پرستوان کارگری رهبری می گردند و از حمایت اتحاد شوروی کشور های دیگر جامعه سو سیالستی و تمام نیرو های مترقی جهان بر خوردار می باشند.

در اثنای که آنها روز ملی خود را جشن می گیرند این موضوع را نیز به صراحت ابراز می دارند که طی تاریخ مبارزات انقلابی خلق ویتنام اتحاد شوروی همیشه رفیق و یار آن در مجادله بوده است و از مساعدت ها و حمایت موثر اتحاد شوروی در جنگ های آزادی بخش و اعمار سو سیالیزم بر خوردار بوده اند. با وجود تمام مشکلات در ویتنام بسیاری از شو روی ها پهلوی به پهلوی خلق ویتنام به کار برداختند، اتحاد شوروی در اعمار صد ه پروژه، فارم های دولتی و پروژه های کلتوری در ویتنام مساعدت های تخیلی را فراهم نموده است.

هزاران تن از جوانان (مردان و زنان) در اتحاد شوروی تحصیل نموده و مسمی نمایند و از دستاوردهای علمی و تخیلی

یونو ظهوره شیدی. حتی دبیر شفته اوونلی طبقی له پاره هم. به نا روی کی دهر و (۱۲۶) کسو له پاره یو لیکو لکی و جود لری او دلته دیوه ملیون کسو لسه پاره یوازی یو لیکو لکی و جود لری.

کله نا رو غی دهغه خخته یو ما لیخولیا جوپوی او یا داجی له بشر خخته د بیزار ی حالت به ده کی پیدا کوی. به داسی حالت کی به ډیر سخت انتقادی شو. او سوری په سختی سره کولی شول چی دهغه سره جو و د کوی او قانع شی.

یو خلی چی د کور کی په منځ کی نامت و او په لیری خای کی یی یو سیند ته خیر خیر کتل، ناخاپه یی وویل:

(مونیو عادت پیدا کوی دی چی د بنسی هوا، بنه خرمن، دیوی بنکی عشقی ماجرا به امید ژوند وکړو. دبیا یوتوب امید، یاد پولیسو دریا ست مقام لاس ته راوړل، خو ما هیڅکله داسی خوک پیدانه کړی چی دیو هسی او دا نا یی به آرزو ژوند وکړی

خپل خانو لونه وایم چی د نوی تزار په حکومت سره او ضاع بنه کیږی. او دوه سوه کاله چی نور هم تیر شی نو بنه به شی - خو هیڅوک دا دهغه نه کوی چی دهغه بنه روزگار دسیا به و جود کی تجلی وکړی. په عمومی صورت سره ژوند هره

اتحاد شو روی مستفید می گردند. جای مسرت است که مناسبات حزب کمونیست ویتنام و حزب کمونیست اتحاد شوروی محسوب می گردند به اساسی تیوری علمی و انتر ناسیو نالیزم پرو لری بنا یافته و روز به روز گسترش می یابد.

امضای قرار داد دوستی و همکاری در نوامبر گذشته بین ویتنام و شوروی آغاز یک مرحله جدید به شمار میرود و در استحکام همپوستگی پیکار انقلابی و دوستی شکستنا پذیر بین اتحاد شوروی و جمهوری سو سیالستی ویتنام نقش بسزائی دارد. بر مبنای این قرار داد اتحاد شوروی حمایت بر توان و مساعدت های بی دریغ خود را در مبارزه علیه متحدین چپ نمای امپریالیزم و اعمار سوسیالیزم و دفاع از سرزمین های ایالتی ویتنام جاری خواهد داشت.

تمام خلق ویتنام عمیقاً به حزب، دولت و خلق اتحاد شوروی احترام می گذارند و از تمام امکانات دست داشته خود را برای تقویت و انکشاف روابط دوستی و هم کاری بین خلقهای دو کشور استفاده بعمل می آورند.

اکنون که خلق ویتنام پیروزی خود را جشن می گیرند از سهمگیری خلق شو روی در تمام بخشهای ساختمان سو سیالیزم در ویتنام رضایت کامل داشته و مبارزه آنها را برای صلح و دوستی بین ملتها می ستایند و پیروزی بزرگ خلق شو روی را در امضای قرار داد سالست دو که از سیاست عاقلانه خارجی دولت شو روی ناشی گردیده است تبریک می گویند.

و رځ لاسو هم پېچلې کسري او په خپله خوږه اواده مخ په وړاندې ځي. او د خلکو حالت او وضع اخرا پيري او لازيات له ژوندانه څخه پيري کيږي. دختدا په وخت کې د چخوف سترگي

ډيري ټکلي کيدی - يوه ښځينه نرمش په هغه کې دختدا په وخت کې ليدل کيد. يو ډير ظريف او لطيف شې او دغه تېر بيا بي غيږه خندا په خپل ځان کې، مخصوصاً يو جذاب شې فر لود. د سوري په نظر کې داسې راتله چې حقيقتاً خنداڅخه خنداڅخه زه هيڅ وخت له چاسره نه يم مخامخ شوی چې وکړای شې له (روح سره) دو مړو خاندی. که چيري دغه تعبير مجاز وی.

دچخوف په باره کې سوري کولی شې چې ډير خولیکي، مگر دغه کار دقيقاً شريحي ته ضرورت لري، او په دې کار کې زه وارد نه يم. دده په باره کې داستې دداستان په ټول چې په خپله یی لیکلي دی په خلاصه هواکي، په زیر کانه، تفکر انگیز او کاملا رو سی ټول با ید ولیکل شی.

بنه دی چې سوري دده غوندي د پوه انسان یا فو نه و کړی. دده یا فو نه په حقیقت کې یوی ناخاپی بنادی ته رسیدل شی او ددوباره ژوندانه، درنا معنی وربخښی.

متن بیانیۀ رئیس شورای انقلابی...

ملی و بین المللی جمهوری دموکراتیک افغانستان نقش موثر داشته باشند و خود را همچون شما در برابر خلق زحمتکش خود مسؤول احساس کنند و معتقد باشند مثلی که شما همیشه در برابر خلق حساب میدید و با افتخار خود را مورد باز پرس خلق قرار میدید هر فردی از کارکنان جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز مورد باز پرس خلق واقع میباید و در برابر خلق مسؤولیت دارد خلق همیشه از فرد فرد دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با تمام قدرت و توانایی که دارد حساب گرفته میتواند.

تاریخ را خلق میسازد

قدرت نیرومند خلق است. کشور محبوب ما کشور مشترک و پر افتخار خلق زحمتکش پشتون، بلوچ هزاره، ترکمن، ازبک نورستانی و اقوام دیگر یکۀ در افغانستان زندگی میکنند میباید.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان خدمت خلق زحمتکش و ملیتپای پر افتخار افغانستان و اقوامی که در کشور محبوب ما زندگی میکنند میباید و مسؤول رهبری امور اجتماعی و اقتصادی کشور خود می باشند که در این خدمت

گذاری و در این رهبری نزد خلق خود احساس مسؤولیت میکنند و احساس حساب دمی میداشته باشند. خلق عا لیترین قدرت کشور محبوب ما افغانستان عزیز است.

بزرگترین افتخار ما در این است که خلق زحمتکش ما از حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با احساس گرم وطن پرستانه حمایت میکنند و در هر امری که حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان بخاطر دفاع از وطن دفاع از انقلاب و اعمار افغانستان عزیز در پیش میگیرند نه تنها حمایت میکنند بلکه بازو به بازو دست بدست در آن

سهم میگیرند. ازین جاست که با افتخار همه ما و شما میگوئیم که زنده باد خلق زحمتکش افغانستان پیروز باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پیروز باد جمهوری دموکراتیک افغانستان پیروز باد صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی در سراسر جهان.

امید وارم که احترامات و سلامهای گرم صمیمانه و برا درانه مرا شما رفقای دلیر و قهرمان بتمام کارکنان صادق و وطنپرست جمهوری دموکراتیک افغانستان و خلق زحمتکش پر افتخار ما برسانید. با احترام

غذا و ارتباط آن...

اعتقاد دارند که نباید کمتر از هزار و هشتصد کالوری باشد. با این حال صرف نظر از شرایط زندگی که قسمت اعظم مردم جهان را برای یک عمر کمبود غذایی محکوم میکند، عده دیگری هم خواه بعزل دشواری های اقتصادی و خواه به میل واراده خود از اندازه لازم کمتر غذا می خورند.

بیم از سوءهاضمه و بخصوص بیم از چاقی سبب میشود که عده زیادی از جوانان خود را به کمبود غذایی محکوم کنند و این امر برای سلامت آنها عواقب خطرناکی بار می آورد. گاه بظاهر این تغذیه های نارسا برای مدت محدودی هیچگونه ناراحتی تولید نمیکند، اما بتدریج آثار ناراحتی، خستگی، حساسیت های پوست، کمخونی، کسرکلسیم، روماتیسم و غیره ... نمودار میشود، و کمبود غذایی مخصوص برای کودکان و نوجوانان و برای همه کسانی که فعالیت زیاد دارند خطرناک میباشد. گذشته از این ها کسر غذا بدن را آماده

برای بیماری های مانند سل میسازد. ناچوری های دیگر مانند نارسایی غده مغز، لاغری و یا برعکس چاقی بیش از حد از عواقب این کمبود میباشد.

در حالیکه اکثریت مردم به ناچار کمتر از اندازه لازم خوراک می خورند عده ای هم در

خوردن غذا افراط میکنند این پر خوری و غذای اضافی در کشور های متمدن یکسوء بلا و آفت شمرده میشود.

چه بسا مردمی که از تغذیه روزانه خود سه تا چهار هزار و گاه تا پنج هزار کالوری میگیرند، و اگر احتیاج طبیعی برخی از بدن های روش زندگی و یا شدت فعالیت های های بدنی برخی از افراد را در نظر بگیریم، باز هم این ارقام از اندازه های عادی فوق العاده بالاتر میباشند.

طبیعی است که عده ای از این گروه برای مدت محدودی با این پر خوری ادامه میدهند بدون اینکه احساس ناراحتی کنند. اما معمولاً این تغذیه افراطی و بخصوص زیاده روی در مصرف گوشت و چربی امری زیان آور است و یک سلسله ناراحتی ها از قبیل سوء هاضمه احتیاج بخواب بعد از غذا، ترشی معده، سردی و خستگی ناراحتی های فکری به همراه می آورد.

و بگذریم از آنکه بقول هوکتوران در اکثریت قریب به اتفاق موارد پر خور ها و دچار چاقی می شوند و علاوه از فعالیت و نشاط به اندازه قابل توجهی کاسته میشود و بدنبال این چاقی، پیری زودرس فرا میرسد، قبول دارید که همه چاقها من تر از سن واقعی شان به نظر میرسند؟ و بالاخره نتیجه پر خوری مریضی های

مانند، مریضی قلب، و بخصوص فشار خون و بیماری شریان ها که انواع مختلف آن بیماری اختصاصی برخی در هاست (مخصوصاً کسانی که گوشت و چربی زیادی خو رند) همچنین روماتیسم، نقرس، ورم گرده ها، مریضی شکر و بعضی بیماری های جلدی نیز ناشی از پر خوری هستند. میگویند که در بعضی موارد بیماری سرطان از سبب پر خوری زیاد پیدا میشود.

به موجب ارقامی که بدست آمده بیشتر

سوم عقرب...

برداغ های سابقه جبین از تجاع افزوده یکی از این واقعات که توسط متحدین چاپ نمایی امپریالیزم به تحریک و تشویق دولت ارتجاعی ظاهر شا هی یو قو ع یو-ست شهادت یکتر زنده مبارز و نو جوان خلق عبدالقادر قهرمان می باشد که در روز روشن و در ملای عام هدف ضربات و حشایه ی دشمنان خلق در طی تظاهرات بنام است بزرگداشت روز سوم عقرب در سال ۱۳۵۱ در هرات برگزار شده بود، واقع شد و با این عمل دشمنان و غیر انسانی خود ماهیت

کسانی که چاق بوده اند به مریض سرطان گرفتار شده اند. یک موضوع را نیز بیاد داشته باشید که بکودکان زیاد غذا ندهید. بسیاری از پدر و مادر ها بزور یا فشار به کودک غذا می خوراندند که این امر آهسته آهسته وضع صحتی و مزاجی کودک را متاثر ساخته باعث بعضی مریضی ها مانند جگر، گرده، معده و غیره میگردد.

و حشایه و ضد خلقی خود را هر چه بیشتر نمایان ساختند.

ولی همه ی این اعمال به رشد نهفت و مبارزات طبقاتی و مست شدن بنیان ارتجاع و نفوذالیزم در کشور منتج گردید. آری مبارزات پیگیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان نتیجه ی بس گرا نیها و بزرگی ی خلق ار معان آورد که نه تنها خلق را از همه آلام و آفات نجات داد بلکه روح شهیدی قهرمان سوم عقرب را نیز کاملاً آرام ساخت آری انقلاب نور در کشور به پا ی بردی خلق افغانستان پیروز گردید.

زنده یاد مبارزه ی پیگیر خلق افغانستان شاد باش ارواح شهدای سوم عقرب.

جواب نامه های شما

سلام خوانندگان عزیز !

اینبار ، صفحه جواب به نامه هارایه بونه نقد و انتقاد می اندازیم . صفحه یی که خوانندگان آنرا بشما میسازید . همین شما یکه فعلا مجله را به دست دارید و به جواب نامه ها ، پاسخ نامه ارسالی خویش را می جوید و بی صبرانه انتظار می برید که جواب نویس نامه های دوستان چه حرف و سخنی با من در میان دارد و چاپ مضمون من را ، به کدام شماره وعده میدهد ... از اینگونه بسیار . تا حال به چند شیوه و روش گونه گون به پاسخ نامه های علاقمندان و همکاران مجله ژوندون پرداختیم که در فرصت مناسب آن ، گفتگوی نیز براه انداختیم و علاقمندان را به صفوف منتزع از هم ، نیز ، نشانیدیم .. و از همینگونه دسته یی اند که خرده گرفتند و اعتراض نمودند که به جواب نامه های دوستان از روش و اصول «تلگرافی» نباید کار گرفت . اگر به محدودیت مکانی سرد چارید ، لااقل به محدودیت کلامی رغبت نشان ندهید و نامه یی که شرح و تفصیل بیشتر میخواهد قطعاً جواب تمام معنی و مکفی ارایه ننماید .

ما ، نظریه عقیده خوانندگان خویش را کرامی میداریم و همچو روش رانیز ، دنبال می نماییم اما فعلا دنباله صحبت را می گذاریم به بعد ، و علی الرغم فکر و نظر یکعده که خارج از دنباله صحبت مانعیت ، میبردازیم به نشر نامه یی عبدالرحیم ، که لطف نموده اند ، از راه دور به ما چیزی ارسال داشته اند :

بعد از دعای سلامتی به حق ما ، دوست عزیز ما چنین می نگارد : «... چند انتقاد و پیشنهادی دارم در اطراف مجله ژوندون ، امید که بایشانی باز قبول گردد :

۱- چرا در شماره های مجله ژوندون ، آدرس مجله را چاپ نمی کنید ... تا هموطنان ما که نومیخواهند با مجله ژوندون همکاری کنند ، از آن استفاده نمایند . پس خواهشمندم که در شماره های که بعد از این به چاپ میرسد ... آدرس مکمل مجله را نیز ذکر کنید .

۲- جواب به نامه های همکاران مجله باید کوتاه و مختصر باشد و از پرگویی پرهیز شود مثال خوب آنرا در شماره ۲۲ بالای داستان ضیا مهاجر میتوان دید که اگر به عوض این همه پرگویی هابه نامه های دیگران جواب بدهید ، از این چه بهتر .

۳- در صفحه جوانان ، بیشتر با جوانان مامصاحبه کنید و زیاده تر عکسهای از آنان به چاپ بسپارید .

۴- چون انیس يك روزنامه است و صرف وظیفه دارد که اخبار روز ، اوضاع جهان و رویداد ها را گزارش بدهد باید از گزارشات فلمی و اختراعات و اکتشافات صرف نظر نماید و بهتر است این مطالب را مجله ژوندون و

آواز که هم از لحاظ قیمت و زحمت گران است ، انجام دهد ... امضا .

دوست گرامی سیدرحیم یا بگویم عبدالرحیم !

مطلع جواب نامه شمارایه این مناسبت به شوخی گرفتیم که به پشت پاکت نوشته اید : «از طرف عبدالرحیم ... ولایت کندز» مگر در پای انتقادات و پیشنهادات ثان امضا گذشته اید «سیدرحیم «رحین» مگر شما یکه انسان دو بعدی اید؟ یا گاهی خود را سیدرحیم مینامید و زمانی عبدالرحیم ... بهر صورت از شوخی میگذریم و به انتقاد و پیشنهاد شما پاسخ ارایه میداریم :

۱- نخست از همه سلام ما را نیز بپذیرید . راست میگوید رفیق ، از این بعد ، آدرس مجله را می نویسیم و دوستداران نوکار مجله را ، سردرگم نمی گذاریم ، مطمئن باشید ... انتقاد شما بجاست و اطاعت و اجرائیش نیز بجای ... ولی این گفته نیز بجاست و آنرا به ضم انتقاد ثان بگیریید ، که ، درخواستید به مجله ژوندون چیزی بفرستید ، فقط کافی است که به پشت پاکت بنویسید : «به مجله ژوندون» و آنوقت به پست بیاندازید . و چندی بعد نامه شما بدست ماست .

دوست عزیز! گاهی بعضی جاها از بسکه معروف اند خود آدرس اند و به توضیحات بیشتر نیازی ندارند ، از همین جمله اند : وزارت اطلاعات و کلتور و رادیو افغانستان ... که هرگاه نامه یی به وزارت اطلاعات و کلتور روانه دارید ... لازم نیست که بگویند به وزارت اطلاعات و کلتور ... مقابل فلان تعمیر و یا نزدیک فلان شی دیگر . همین به س که به پشت پاکت بنویسید به وزارت اطلاعات و کلتور .. اما در نظر داشته باشید که نامه را به پست بیاندازید ...

۲- با پیشنهاد دومی ثان سر موافقت نداریم و به شهادت نامه های ارسالی خوانندگان ایشان نیز سر مخالفت دارند و ما را از مختصر گوئی منع می کنند و دلیل و دلائل می آورند و میگویند : «که اگر مضمونی را قابل چاپ نمیدانید و عرض میدارید که قابل چاپ نیست این بسنده نیست و طرف را جواب درخور نیست» و بقول معروف استناد میکنند ، سخن جوگفتی ، دلیلش بیار ... باید دلیل مبنی بر عدم چاپ مضمونش ارایه شود تا قناعت همکار عزیز ما فراهم گردد و به کاستی ها و ضعف های نوشته اش روشنی افکند . شود .

تا او را بکار آید و در نوشته های دیگر ، آن نکته هارا آویزه گوش خود بگیرد و استفاده ببرد ، چه اگر تنها ، مایه (بلی) و (نی) اکتفا و رژیم و خوبی ها و بدی های يك نوشته را از زیبایی نکتیم ، کار مثبت و عقل پسندی انجام نداده ایم و صفحه یی جواب نامه حاجز کما

بیشتر با قلمزنان تازه کار و جز نشان دادن افق ها و حلول ها به همکاران مجله و جز دلگرم ساختن تازه کاران به مسایل ادبی ، کار دیگری ندارد اگر فقط به «نی» قابل چاپ نیست» چشم داشته باشیم که کار سهل و آسانی نیز است ، ما از تعهد و رسالت مندی گریخته ایم ، که شرمناک است چنین گریختن ... و چه بهتر است که این تعهد و التزام را ، در سطح گسترده اش خود زیر نظر گیرید

۳- در قسمت پیشنهاد شماره سوم شما باید بگویم که ، صفحه جوانان مجله ، اکثر همینگونه بوده است و باز هم ، بار دیگر نظر شما را به تصدی صفحه جوانان در میان میگذاریم تا چه پسند آید ...

۴- میگویند اوضاع جهان و رویداد ها را گزارش بدهید ... مگر اختراعات و اکتشافات جز رویداد های زمانه و اوضاع جهان نمیشود؟ و فقط روز نامه وظیفه دارد که اخبار روز را بخش کند و دیگر از هر چه که خبر روز نیست بگذرد و هر روز بگوید که وضع جوی چطور است ؟ باران می بارد ؟ هوا ابر آلود است و کی کجارت و چه آورد ؟ اگر حرفهای شوخی آمیزش را جدا کنیم و بگذریم می رسمیم به اینکه مجله ژوندون با آنکه به قول شما «به تناسب روزنامه قیمت است و کارش بر زحمت» آنچه را در این سطور ذکر کرده اید ، در خود دارد یعنی که هم مطالب از دنیای اختراعات و اکتشافات دارد و هم ترجمه از فلم های سراسر جهان سینما ... در حاشیه این پاسخهای دو ستانه به عرض ثان بر سانیم که آیا جواب این پیشنهادات شما با کلمه «آری» و «نی» میشد پاسخ گفت ؟ و آیا میشد ضیا مهاجر را بایک «نی» که تازه به نوشتن داستان پرداخته است ، قبول داد ؟ و آیا يك «نی» گفتن بدون اقامه دلیل پذیرنده ، در همین زمینه ، نوعی استعداد کس ادبی نیست ؟ و آیا يك «نی» گفتن با شرح جامع الاطراف ، خود تشویقی و دعوتی به بهتر نوشتن نیست ؟ این چند جمله که گفتیم فقط و فقط رفع مسوولیت وجدانی نموده ایم و الا چیز زیادی می نماید و بقول شما پرگویی که وقت عزیز ثان را به هدر داده ایم !!

دوست ارجمند محمد صابر ثبات معلم لسه حبیبه !

علیک میگویم و سلام میفرستیم . خوب است که دانسته اید ، در قضاوت ما غرض و مرضی در کار نیست و آنچه گفته ایم شرط بلاغ بوده است و بس ، که خواه شما پند می گیرید و خواه ملال ... اما خوشوقتیم که (غبار یاس و کدورت ، در بین ما ، نار عنکبوت وارنه تنیده است و هر چه گفتیم به دوست گفتیم که هر چه «اگر در هر چه آن شک می کنید ، چیز دیگری بجایش بگذارید» از دوست می رسد نیکوست . هدف ما به يك شما بوده است ، اینهم قسمتی از تراوشات ذهن مبارک شما که میخوانید :

پاییز بیامد در جای بهاران
پاییز چه زیباست که بیامد
برگ زرد درختان بمن گفتند
پاییز بیامد ، پاییز بیامد
چغ چغ پرندگان خوش خوان
شوریده و نالیده در باغ

گفتند که پاییز بیامد در گلستان
برگساز درختان فر و ریختند
با شور افغان ، ناله کشیدند و گفتند
عمری که داریم حاصلی ندارد
و آخرش چنین سر فصلی دارد
کیهان به زیبایی شبهای بهاری
گوید که پاییز بیامد پاییز بیامد
انتظار مطالب خویش و بهتر ثان را می کشیم ،
خدا مددگار ثان .

دوست مهربان عبدالقدیر بران معلم لسه رحمن بابا !

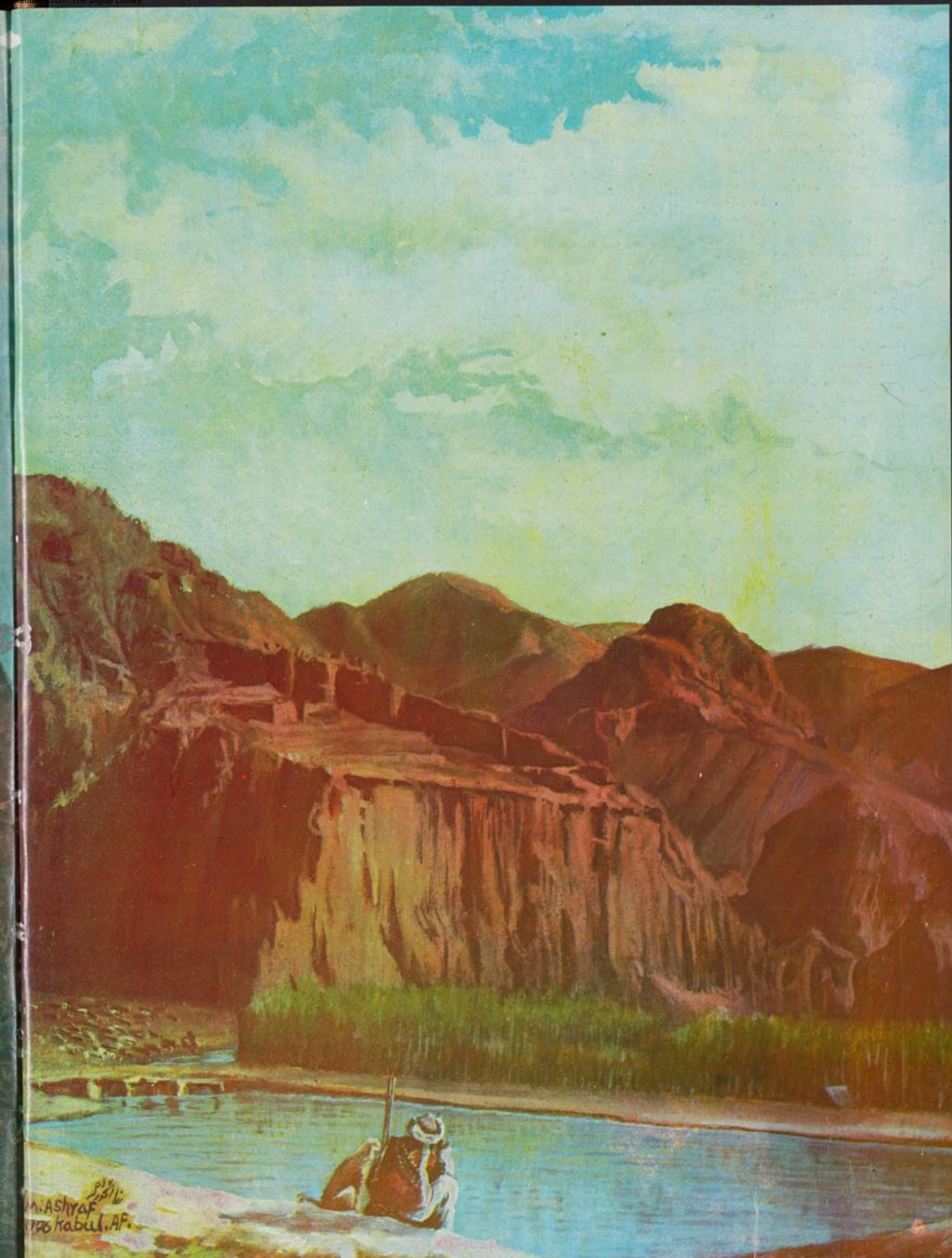
مضمونی بنام «نیروی خلقها شکست ناپذیر است» به اداره رسید و توصیه یی که داریم اینست که در نوشتن هر مطلب ، کمی توجه بخرج دهید و آنچه را می نویسیم ، یکبار دیگر مرور کنید و دقایقه ارزیابی کنید . آنچه سهواً از قلم مانده است مجدداً آنرا تمام نمائید و به ما بفرستید . این مضمون شما را به تصدی صفحه جوانان و یا دوستان می سپاریم که در قسمت نشرش تصمیم بگیرند ...
دوست گرامی شکریه معلم لسه زرغونه!
از لطف و مهربانی که به حق قلمزن این ستون روا داشته اید ، متقابلاً سلامتی و موفقیت ثان را آرزو مندیم و کوشش می نماییم همینگونه که می پذیرید و دوستان را خوش می آید ، جواب بنویسیم و آنهم پاسخهای بقول شما هم خوب و قابل قبول و هم خواندنی و طنز گونه ... دوست عزیز ، آن اندازه که هم به تعریف

قلمزن این صفحه قلم فرسایده اید سزاوار نیست و به این همه تعریف نمی ارزد اما به جواب این خواست ثان که فوتوی از جواب نویس نامه ها را با شرح اسم و تحصیلش و آیا خارج رفته است یا خیر؟ به چاپ بسپاریم ، مقدور نیست و فقط به پاسخ ثان میگویم که خارج نرفته است و وطنش و شوخی آن اینکه تنها کور خانه نشین بغداد یی خبر است ... و از دیگر حرفها میگذریم و میگویم ، خدا حافظ خوانندگان و السلام



مدیر مسئول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
امر چاپ : علی محمد عثمان زاده
تلفون دفتر : ۲۶۸۱۹

مطبعه دولتی



ASHRAF
1996 Kabul, AF.

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library